بسم الله الرحمن الرحیم

مطالعات شهر ایرانی اسلامی

فصلنامه علمی

شماره پنجاه و هشتم، زمستان ۱۴۰۳

صاحب امتیاز: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاددانشگاهی

مدیر مسئول: دکتر علی رنجبرکی
سردبیر: دکتر حسین کلانتری خلیل‌آباد
ویراستار ادبی: دکتر مرجان خان‌محمدی
دستیار علمی: دکتر محمد قاسمی سیانی و مهندس مسعود دادگر
مدیر داخلی نشریه: مریم بایه
صفحه‌آرا: شهره سلطان‌محمدی
مترجم: دکتر فاطمه برناکی

هیئت تحریریه

دکتر محمدرضا بمانیان/ استاد دانشگاه تربیت مدرس
دکتر مصطفی بهزادفر / استاد دانشگاه علم و صنعت
دکتر جهانشاه پاکزاد / استاد دانشگاه شهید بهشتی
دکتر احمد پوراحمد / استاد دانشگاه تهران
دکتر محمدرضا پورجعفر/ استاد دانشگاه تربیت مدرس
دکتر اسماعیل ضرغامی/ استاد دانشگاه تربیت دبیر شهید رجائی
دکتر محسن سرتیپی پور/ استاد دانشگاه شهید بهشتی
دکتر حسین کلانتری خلیل‌آباد / استاد جهاددانشگاهی
دکتر حسین کلانتری خلیل‌آباد/ استاد جهاددانشگاهی
دکتر یعقوب محمدی فر/ استاد دانشگاه بوعلی سینا همدان
دکتر محمد مسعود/ استاد دانشگاه هنر اصفهان
دکتر پروانه شاه حسینی/ دانشیار پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی «سمت»
دکتر ایرج قاسمی/ دانشیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاددانشگاهی
دکتر ابوالفضل مشکینی/ دانشیار دانشگاه تربیت مدرس

درجه علمی پژوهشی فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی طی نامه شماره ۸۹/۳/۱۱/۵۱۶۶۷ مورخ ۱۳۸۹/۰۸/۳۰ دبیرخانه کمیسیون نشریات علمی کشور وزارت علوم، تحقیقات و فناوری ابلاغ گردیده است.

پروانه انتشار این مجله به شماره ۱۲۶۲۹/۸۹ مورخ ۱۳۸۹/۰۶/۱۳ از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی صادر شده است.

فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی در پایگاه استنادی علوم کشورهای اسلامی (ISC) به نشانی http://www.isc.ac **و پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی (SID) به نشانی** www.sid.ir**، بانک اطلاعات نشریات کشور** (www.magiran.com)**، بانک اطلاعات نشریات سیویلیکا** (www.civilica.com) **و برخی پایگاه‌های دیگر نمایه می‌شود.**

❖ نشانی: تهران، خیابان انقلاب اسلامی، خیابان دانشگاه، خیابان شهید وحید نظری، شماره ۴۷
صندوق پستی ۱۳۱۶ـ ۱۳۱۴۵، اداره نشریات علمی، تلفن: ۲ـ۶۶۴۹۷۵۶۱ نمابر: ۶۶۴۹۲۱۲۹
نشانی اینترنتی: iic@ihss.ir **پایگاه اینترنتی:** iic.ihss.ac.ir
فرایند چاپ: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاددانشگاهی
قیمت: ۱۵۰۰۰۰۰ ریال

راهنمای تدوین و ارسال مقاله‌های علمی- پژوهشی

شرایط ارسال مقاله

- مقاله به زبان فارسی یا انگلیسی بوده، قبلاً در جایی چاپ نشده باشد. داشتن چکیده فارسی و انگلیسی برای مقاله ضرورت دارد.
- هیئت تحریریه پس از داوری، پذیرش مقاله را اعلام خواهد کرد.
- مسئولیت صحت مندرجات مقاله‌های علمی با نویسنده یا نویسندگان آن است.
- همراه مقاله نام ونشانی دقیق، شماره تلفن نویسنده یا نویسندگان و محل خدمت آنان ذکر شود.
- مقاله در برگه‌های *A4* و با رعـــایت ابعاد صفحه فصلنامه (قطع وزیری) تایپ شود. تعداد جدولها در پایین‌ترین حد در نظر گرفته شود. نمودارها واضح و عکس‌ها سیاه و سفید در کـاغذ مناسب در اندازه ۱۵×۱۰ سانتی‌متر تهیه گردد.
- مقاله حروف‌چینی شود و به وسیله پست‌الکترونیکی به دفتر فصلنامه ارسال گردد.
- فصلنامه در ویرایش مقالات آزاد است.

نحوه ارائه مقاله

- مقاله علمی- پژوهشی شامل عنوان، نام و نام خانوادگی نویسنده یا نویسندگان، چکیده، واژگان کلیدی، مقدمه، روش کار، تجزیه و تحلیل، نتیجه‌گیری و منابع باشد. حجم مقاله نیز نباید از ۱۵ صفحه بیشتر باشد.
  - عنوان مقاله گویا و بیانگر محتوای مقاله باشـــد. نام و نام خانوادگی، درجه علمی و مؤسســـه‌ای که مؤلف در آن اشـــتغال دارد، در زیر عنوان قید شود.
  - چکیده مقاله، شـــرح مختصر و جامعی از محتوای مقاله شـــامل بیان مسئله، هدف، ماهیت و چگونگی پژوهش، نکته‌های مهم نتیجه و بحث است. تعداد کلمات چکیده از ۱۵۰ کلمه بیشتر نباشد.
  - مقدمه مقاله بیانگر مســـئله پژوهش اســـت. محقق باید زمینه‌های قبلی پژوهش و ارتباط آن را با موضوع مقاله به اجمال بیان و در پایان به انگیزه تحقیق اشاره نماید.
  - روش کار باید به اجمال بیانگر چگونگی و فرایند انجام پژوهش باشد. تحلیل‌های آماری، روش‌های مورد استفاده، به شیوه‌ای مناسب یادآوری شود.
  - داده‌ها و نتیجه‌های به دســـت آمده باید به گونه‌ای منطقی و مفید ارایه شـــود و به این منظور می‌تواند همراه با جدول، نمودار، نگاره و عکس باشد.
  - نویسنده در پایان مقاله راهنمایی و کمک‌های دیگران را یادآوری و از آنها سپاسگزاری کند.
  - ارجاع‌های متن مقاله داخل کمان و به این شیوه است: (نام خانوادگی، سال انتشار: شماره صفحه)؛ مانند (زرین‌کوب، ۱۳۷۷: ۲۵). شیوه ارجاع به منابعی که بیش از دو نفر نویسنده دارند نیز به این صورت خواهد بود: (اسمیت و همکاران، ۱۹۷٤: ۲۲).
  - در ذکر مشخصات انتشاراتی در فهرست منابع پایان مقاله از شیوه زیر پیروی شود:

  مقاله: نام خانوادگی، نام (سال انتشار) «نام مقاله»، نام مترجم، نام نشریه، دوره یا سال، شماره.

  کتاب: نام خانوادگی، نام (سال انتشار) عنوان کتاب، نام مترجم، مصحح، یا سایر افراد، شماره مجلد، نوبت چاپ، محل انتشار، نام ناشر.

فهرست مطالب

✍ **بازخوانی مفهوم مکان– زمان درآرمان‌شهر جهان‌شناختی اسلام برای هدایت جریانات فکری شهر معاصر ایرانی (خاستگاه اندیشه: تأملی بر مکتب اصفهان)..... ۱**

مژده جمشیدی

✍ **بررسی نحوه و میزان تأثیرگذاری آموزه‌های اسلام بر ارکان و اصول شهرسازی ایران (قبل از ورود اسلام)..... ۲۷**

مینو علیخانی/ندا محمدرحیم پناه/سعید شریف کاظمی

✍ **مقایسه تطبیقی تناسب و تزئینات ورودی خانه‌های دوره قاجار و پهلوی دزفول ۴۷**

بهزاد وثیق

✍ **تبیین عوامل مؤثر بر فضای کالبدی سکونتگاه و معماری مسکن مبتنی بر گفتار امام علی (علیه‌السلام) در نهج‌البلاغه ۶۱**

حامد حیاتی

✍ **بررسی ساز و کار اثرگذاری سیاست پولی بر بخش مسکن شهری کشورهای اسلامی (مطالعه موردی ایران) ۸۱**

یوسف لطفی/عباس شاکری/تیمور محمدی/فرهاد غفاری

✍ **تبیین عوامل موثر بر زیست پذیری اجتماعی بافت‌های فرسوده در شهرهای ایرانی –اسلامی (موردپژوهی: منطقه ۱۲ تهران)..... ۱۰۹**

سینا غیورانه/حسین کلانتری خلیل آباد/صبا جهانگیر

داوران این شماره

- **دکتر سیدغلامرضا اسلامی**/ استاد دانشگاه پردیس هنرهای زیبا
- **دکتر محمدرضا بمانیان**/ استاد دانشگاه تربیت مدرس
- **دکتر حسین کلانتری خلیل‌آباد**/ استاد پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاددانشگاهی
- **دکتر سمیه امیدواری**/ دانشیار دانشگاه علم و هنر یزد
- **دکتر محمدسعید ایزدی**/ دانشیار دانشگاه بوعلی سینا
- **دکتر مرجان خان محمدی**/ دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی
- **دکتر ایرج قاسمی**/ دانشیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاددانشگاهی
- **دکتر محمود ارژمند**/ استادیار دانشگاه هنر
- **دکتر محمد بهزادپور**/ استادیار دانشگاه آزاد اسلامی
- **دکتر عباس حبیبی**/ استادیار گروه معماری، دانشگاه علم و فرهنگ
- **دکتر علی رنجبرکی**/ استادیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاددانشگاهی
- **دکتر الهام ضابطیان طرقی**/ استادیار دانشگاه آزاد اسلامی
- **دکتر نقی عسگری** / استادیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاددانشگاهی
- **دکتر محمد قاسمی سیانی**/ استادیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاددانشگاهی
- **دکتر مهرنوش قدسی**/ استادیار دانشگاه آزاد اسلامی
- **دکتر سید محمد کاظمی**/ استادیار دانشگاه علم و هنر یزد
- **دکتر محسن کاملی**/ استادیار دانشگاه آزاد اسلامی
- **دکتر سید محمد موسی مطلبی**/ استادیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاددانشگاهی
- **دکتر الناز ایمانی**/ دانش آموخته دکتری دانشگاه تبریز
- **افشین داورپناه**/ مربی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاددانشگاهی
- **حسین نوری‌نیا**/ مربی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاددانشگاهی

بازخوانی مفهوم مکان- زمان در آرمان‌شهر جهان‌شناختی اسلام برای هدایت جریانات فکری شهر معاصر ایرانی (خاستگاه اندیشه: تأملی بر مکتب اصفهان)

مژده جمشیدی*

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۰۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۵/۲۷

نوع‌مقاله:پژوهشی- ۲۵-۱

چکیده

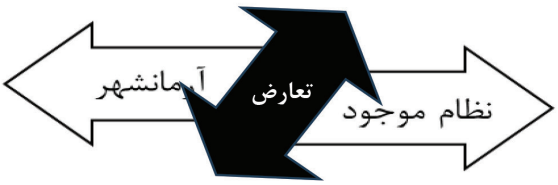
آرمان‌شهر در تمدن اسلامی برخاسته از آیات قرآن است. آرمان‌شهرگرایی برای تشکیل جامعه‌ای آرمانی به‌دنبال تعارض وضع موجود و ایده‌آل‌های بشری شکل می‌گیرد. زمان- مکان به عنوان بستر شکل‌دهنده به ساختار فرمی و محتوی آرمان‌شهر نقش مهمی در این زمینه دارد. هدف این پژوهش بازخوانی بنیان‌های اندیشه‌ای در شکل‌گیری فرم و محتوی زمان و مکان در آرمان‌شهر اسلامی با وامداری از اندیشهٔ اجتماعی فضا است که با روش کیفی و با وامداری از پارادایم تفسیری و رویکرد بنیادی به دو مفهوم زمان و مکان از طریق استدلال استقرایی پرداخته است تا به تحلیل نوینی از مباحث نظری- فلسفی شهر دست یابد. مباحث نظری منتخب، با تأکید و تأملی بر آرای دوران طلایی از اندیشه جهان اسلام؛ یعنی حکمت متعالیه و مکتب اصفهان؛ و با تأکید بر مولفهٔ فلسفهٔ اجتماعی شهر است. برای تحلیل داده‌های کتابخانه‌ای و اسنادی از روش تحلیل موضوعی محتوی منابع کلیدی و توصیف مفهوم زمان و مکان و ارتباط با دیگر مفاهیم سازندهٔ آنها استفاده می‌شود. نتایج تحلیل موضوعی حاکی از آن است که بنیان‌های اندیشه در آرمان‌شهر اسلامی برای کاربست در جریانات اندیشه‌ای شهر معاصر ایرانی ناشی از سه امر قدسی، ساختاری، تجربی (کنشی) است که در ظرف امر فضایی- زمانی شکل می‌گیرد. این بنیان‌ها در خاستگاه ایدئولوژی خاص جامعهٔ پذیرنده، سنت خاصی را مبتنی بر خاستگاه جغرافیایی ترسیم می‌کند که برای کاربست در جامعهٔ معاصر ریشه در سه اصل وحدت (مبتنی بر ساختار)؛ تجلی (مبتنی بر کنش فاعلی) و سلوک (مبتنی بر عقلانیت و نظام بومی) دارد. فضا و زمان باید به‌عنوان میانجی‌گر در شکل‌دهی به شبکهٔ ارتباطی این سه اصل در یک الگوی چندوجهی به اقتضای شرایط معاصر ایران خصلتی سازشی (ناشی از فرهنگ پرستاری)؛ آستانه‌ای (به‌دلیل شرایط بینابینی جامعه)؛ خودتنظیمی (به‌واسطهٔ شرایط تهاجمی در تاریخ جغرافیا) و خیال‌انگیزی (به واسطهٔ هنر و خلاقیت) ساختار یابد. نتایج پژوهش با توجه به نقش آینده‌نگاری آرمان‌شهرها در حل تعارضات مکانی- زمانی و برای کاربست در شهر معاصر ایرانی از ۴ راهبرد برای رهایی از این تناقض میان وضع موجود و آرمان بهره می‌گیرد که این چهار راهبرد عبارتند از: راهبرد اقتضایی همزمانی- همزیستی؛ انطباقی پیوستگی- انسجام؛ تدافعی ریتم- تداوم و تهاجمی نمایشی- خلاقانه.

واژه‌های کلیدی: آرمان‌شهر، حکمت متعالیه، مکان-زمان، جریانات اندیشه‌ای، شهر معاصر ایرانی.

* استادیار گروه شهرسازی، دانشکده جامعه و رسانه، واحد اصفهان (خواسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران mojdeh.jamshidi@iau.ac.ir

CC BY NC

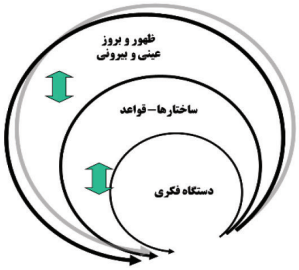
آرمان‌شـهر یـا ایـده شـهر آرمانـی، ایـده «شـهر ناکجاآبـادی دسـت نیافتنـی» اسـت، حـال آنکـه دغدغـه یـك نظـام تمدنـی، تحقـق «شـهرمطلوب دسـت یافتنـی» اسـت (آکوچکیـان، ۱۳۸۸: ۲)؛ کـه خاسـتگاه خویـش را در نگاشـت فکـری منبسـط از آرمان‌هـا و ارزش‌هـای خویـش جسـت‌وجو می‌کنـد. ایـن شـهر مطلـوب دسـت‌یافتنی، تحقـق آرمان‌شـهر در واقعیـت بیرونـی اسـت. کارل مانهایـم (۱۹۲۹) خاسـتگاه آرمان‌شـهر را تعارضـی تعریـف می‌کنـد کـه در ناهماهنگـی بنیادیـن آن بـا «وضعیـت واقعـی»، یعنـی وضعیتـی کـه خـود در آن پدیـده آمـده اسـت، وجـود دارد (روویـون، ۱۳۸۵: ۸). مفهـوم آرمان‌شـهر کارل مانهایـم، موضعـی انتقـادی- اجتماعـی را بـرای آرمان‌شـهر و نقـش انگیـزه برخاسـته از محیـط جامعه‌شـناختی را بـرای آن در نظـر می‌گیـرد. از نظـر وی تفکـر آرمان‌شـهری درونی‌تریـن سـاختار ذهنیـت یـک گـروه را بـرای درک مفهـوم زمـان در پرتـوی آرمان‌هـا، گرایشـات و اهـداف آنهـا آشـکار می‌کنـد (گوردیـن و همـکاران، ۲۰۱۱: ۴). هـر جامعـه‌ای بـا اندیشـهٔ توسـعه (درونـی و بیرونـی)



نمودار شماره۱: تعارض رکن مهم در اندیشهٔ آرمان‌شهری

و بـرای دسـتیابی بـه تعاملـی هماهنـگ و پویـا بـا جامعـهٔ محلـی و جهانـی نیازمنـد بازخوانـی مـدام ایـن تعارضـات بـرای دسـتیابی بـه شـهر مطلـوب خـود در دو سـطح دسـت‌نایافتنی (آرمان‌شـهر) و دسـت‌یافتنی (شـهر مطلـوب از طریـق تحقـق آرمان‌شـهر) اسـت.

جوامـع بشـری بـا خاسـتگاه‌های اندیشـه‌ای متفـاوت؛ اعـم از ایدئولـوژی دینی، سوسیالیسـم، متریالیسـم، لیبرالیسـم، دموکراسـی، ناسیونالیسـم و نظایـر آن؛ بـا توجـه بـه تعـارض موجـود و شـرایط تاریخـی- جغرافیایـی نمودهـای مختلفـی از آرمان‌شـهر را در تاریـخ بشـریت رقـم زده‌انـد. از ایـن رو آرمان‌شـهر در جوامـع بشـری، بیـش از آنکـه نقشـی عامیانـه و خیالـی (برداشـت سـنتی) داشـته باشـد، ابـزاری بـرای متفکـران و نظریه‌پـردازان جامعـه اسـت کـه بـه دنبـال سـناریوهای مختلـف احتمالـی (آینـدهٔ ممکـن و محتمـل) بـرای تدویـن نظـام فکـری ناشـی از تعـارض بـرای سـاخت جامعـهٔ شـهری و شـهرهای معاصـر هسـتند؛ کـه در طـول تاریـخ در فرآینـدی حرکـت از آرمان‌شـهرهای ذهنـی تـا آرمان‌شـهرهای عینـی را رقـم زده‌انـد.



نمودار شماره۲: سطوح اندیشه‌ای
مأخذ: نگارنده برگرفته از آکوچکیان(۱۳۸۸)

آنچـه می‌تـوان از بررسـی سـیر تطـور اندیشـهٔ آرمان‌شـهری (از آغـاز تاکنـون) دریافـت؛ تـلاش جوامـع بـرای تحلیـل تغییـرات و بازخوانـی تعارضـات در جامعـه بـرای عینیت‌بخشـی بـه آرمان‌هـای خـود اسـت. آرمان‌شـهر در دوران معاصـر به‌عنـوان یـک کنـش[1] کـه توسـط بازیگران تاریـخ بـرای درک شـرایط خـاص معاصـر اسـت، تغییـر معنـا می‌یابـد. در دیـدگاه ایـن دوران آرمان‌شـهرها هرگـز تخیلـی و اختیـاری نیسـتند بلکـه بـا بهره‌گیـری از منابـع فرهنـگ محیطـی توسـط زمـان حـال سـاختار می‌یابنـد (گوردیـن و همـکاران، ۲۰۱۱: ۴). بـر ایـن اسـاس می‌تـوان سـه سـطح اندیشـه‌ای (فکـری)، سـاختاری (نهـادی) و کنشـی (تجربـی- فرهنگـی) بـرای

1. Practice

داشتن نگاهی جامع در نظر گرفت تا از این طریق تحقق نظام‌های مختلف شهری در پرتوی اندیشه‌های معاصر آرمان‌شهری محقق شود. این امر از پرتوی بازتعریف مفهوم و عناصر آرمان‌شهر با خاستگاه تمدن شهری در فضا و زمان تجلی عینی می‌یابد.

بر اساس آنچه گفته شد؛ بیان پیش‌فرض‌های هدایت‌گر این پژوهش در تبیین مؤلفه‌ها و بنیان‌های مکان- زمان در مفهوم آرمان‌شهر ضروری به‌نظر می‌رسد:

پیش‌فرض اول (با وامداری از آرای گوردین و همکارانش (۲۰۱۱)) آرمان‌شهر در دوران معاصر فراتر از نقش سنتی خیالی، ابزاری تحلیل- انتقادی جهت نمایش تعارضات و شرایط وضع موجود از یکسو و تمایلات و گرایشات معاصر برای تغییرات این تعارضات (تغییرات رادیکالی) است.

پیش‌فرض دوم (با وامداری از آرای جامعه‌شناسی متأخر به‌ویژه هانری لوفور (۲۰۰۴)) آرمان‌شهرها تجلی از سه حوزهٔ اندیشهٔ تولید فضا؛ فضای پنداشته، دریافته و زیسته؛ است که در بستر متریالیستی- تاریخی[1] است.

پیش‌فرض سوم (با وامداری از اندیشه‌های رویه‌ای و ماهوی نظام شهرسازی در ایران) شهر به‌عنوان زیستگاهی سیستماتیک، انسان‌ساخت و مبتنی بر ساختار تمدنی است که در ذیل یک دستگاه فکری- ارزشی مشخص، فضاهایی با فعالیت‌های ویژه (با چهار حوزهٔ فضایی سکونت، اشتغال (کار)، فراغت و فضای سبز) و فرهنگی خاص را به‌مثابهٔ حاصلی از روابط درونی و تجربهٔ زیستهٔ خویش (اعم از ارزشها، آداب و رسوم و نظایر آن) پدید می‌آورد (آکوچکیان، ۱۳۸۸و فکوهی، ۱۳۸۵). با وامداری از آرای کرمونا و همکارانش؛ که در چند سال اخیر در برخورد با شهر و فضاهای شهری در اندیشهٔ دانشگاهی رواج یافته است؛ می‌توان ۷ نظام عینی و بیرونی برای شهر تصور کرد: زمینه (بعد اکوسیستمی و محیطی)؛ فرم (بعد ریخت‌شناسی و فضایی)، فضای انسانی (بعد اجتماعی)، فعالیتی (عملکردی)؛ اندیشه‌ای- ارزشی (بعد ادراکی) و مدیریتی- کنترلی (بعد قانونی)، و زمانی[2].

بر این اساس در نگاه آرمان‌شهری این پژوهش، نظام فکری جامعه با مضمون آرمان و سعادت و به‌دنبال رخداد تعارضی عینی و به دنبال تجسم عینی آرمان‌های خود است (گذر از نگاه خیالی- سنتی به نگاه تحلیلی- انتقادی). در این نگاه مفاهیم آرمان‌شهر از یک دستگاه فکری که از یک واقعیت بیرونی نشأت گرفته (امر پنداشته) و به‌دنبال آن بسط می‌یابد و سپس ساختاری مبتنی بر قوانین و قواعد در نظام‌های مختلف را (امر ساختاری) شکل می‌دهد؛ در این راستا شبکه‌ای از نظام‌ها مبتنی بر شرایط روز و در نهایت نظام کنشی که به‌واسطهٔ آنها عملکرد مؤلفه‌ها و ابعاد تمدن بشری شکل می‌گیرد (امر تجربی)، بروز عینی می‌یابد. آنچه در این پیش‌فرض حائز اهمیت است، پذیرش رخداد تعارض به صورت دائمی و در اشکال جدید ناشی از کنش‌ها و لزوم پاسخ خلاقانه به این تعارض در هر سه سطح فضایی (پنداشته، دریافته و زیسته) است.

با تمرکز بر شهر به عنوان یک پدیدهٔ مکانی- زمانی می‌توان گفت که مکان- زمان به عنوان ابزاری برای تحقق دستگاه فکری خاص خود در طول تاریخ بوده است. در این نگاه مکان- فضا نقش میانجی میان عناصر سازندهٔ تولید فضا یعنی امر پنداشته و دریافته و زیسته ایفا می‌کند و به عنوان ابزار تحلیل تعارضات شناخته می‌شود (جمشیدی، ۱۴۰۰: ۲۴). بر این اساس نقش میانجی‌گری مکان- زمان را می‌توان پیش‌فرض دیگری در این پژوهش دانست.

برای تحدید مطالعات بر یک دستگاه فکری خاص (امر پنداشته) در این مقاله بر آموخته‌های اسلام از آرمان‌شهر تأکید می‌شود. دلیل این تحدید را باید نقش

جهان‌شناختی اسلامی به‌عنوان محور اصلی اندیشه‌ورزی در سرزمین ایران از آغاز ظهور دین اسلام و توسعهٔ اندیشه‌ای آن در دو قرن آغازین در شرق و غرب شبه جزیرهٔ عربستان و سپس دیگر اقصی نقاط جهان دانست. کشورهای پذیرای دین اسلام فرآیندی متفاوت را در پذیرش نظام فکری اسلامی در تدوین ساختار قواعد و به‌دنبال آن کنش از یکسو و ساخت شهر و نظام‌های برخاسته از تمدن شهری از سویی دیگر نسبت به عربستان تجربه می‌کنند. این سطوح در جوامع مهمان دائماً میان مؤلفه‌های جامعهٔ بومی و جامعهٔ اسلامی در حال دیالکتیک و بازخوانی بوده است.

جهان‌شناختی اسلامی به‌عنوان یک دستگاه فکری که خاستگاه خویش را در ایدئولوژی دینی می‌یابد، الگویی متمرکز را در راستای تحقق مؤلفه‌های تمدن شهری از یکسو و نظام شهری از سویی دیگر، پیشنهاد داده و آن را عملیاتی کرده است. در این راستا جامعهٔ آرمانی و شهر آرمانی اسلامی؛ بنیان‌های ساختاری دستگاه اندیشه‌ای خود را برای کنترل و هدایت کنش (و تجربهٔ زیستهٔ) در قالب انواع نظام‌های شهری؛ در جامعه‌ای که در آن وارد شده؛ مجدد ساختاربندی می‌کند. از بین نظام‌های شهری فرم (به‌مثابهٔ نمود عینی فضا) و زمان به‌عنوان مفهوم اساسی شهر، نقش اساسی در تجسم آرمان‌شهر اسلامی ایفا کرده‌اند.

در ایران با خاستگاه باستانی، ورود اسلام تجربه‌ای متفاوت را نشان می‌دهد. در ایران تاریخ اندیشه‌ورزی برای ساخت شهر از یک‌سو و ساخت مکان و زمان زندگی روزمره از سویی دیگر، به دوران باستان بازمی‌گردد و در دوران اسلامی به‌ویژه با آرای متفکرانی چون ابن خلدون، فارابی، سهروردی، ملاصدرا، ابن سینا خواجه نصیر طوسی، نظامی، جامی، سعدی، مولانا توسعه می‌یابد. در دوران مدرن جامعهٔ ایرانی (قاجار تاکنون) این نگاه همچنان در میان متفکران اسلامی با ایجاد مکتب‌های اندیشه‌ای مختلفی چون مکتب اصفهان، مکتب تهران، مکتب انقلاب اسلامی تداوم می‌یابد؛ که بی‌شک ویژگی‌های خاصی از مکان و زمان در زندگی روزمره را به نمایش می‌گذارد. آگاهی از مدل‌های اندیشه‌ای پیرامون زمان و مکان ایده‌آل برای زندگی روزمرهٔ جامعه و بازخوانی دائمی آن متناسب با شرایط اجتماعی (ملی و جهانی) کمک شایانی به شکل‌دهی شهرها که در بستر آن تحقق سعادت و کمال انسانی رقم می‌خورد، دارد.

برای کاربست نتایج این پژوهش برای شهر معاصر ایرانی با خاستگاه اسلامی، پیش‌فرض‌هایی از جریانات اندیشه‌ای دوران معاصر در برخورد با ایدئولوژی اسلامی الزامی است. در دوران معاصر و با تأکید بر مؤلفه‌های دوران پست‌مدرن؛ اعم از کثرت اندیشه‌ورزی، تسلط بی‌قید و شرط انسان بر ابعاد هستی (به‌ویژه طبیعت)، تغییر روش‌های زندگی و سنت‌های فرهنگی و مذهبی (کهون، ۱۴۰۳: ۲- ۱۱)؛ بیش از هر چیزی الگوی متمرکز جهان‌شناختی اسلامی به چالش کشیده شده و به‌دنبال آن مفاهیم زمان و مکان و تعابیر برخاسته از آن نظیر زمان- مکان تغییر و دچار تکثر آرا شده است. در این دوران با وامداری از آرای لوفور (۲۰۰۴) می‌توان گفت که زمان و مکان به ابزارهایی در خدمت زندگی روزمره برخاسته از سرمایه‌داری (اقتصاد سیاسی فضا) به‌ویژه در مقیاس محلی بدل شده و بشر به انسان‌گرایی جدید که رنگ و بویی دنیایی برای ایده‌آل‌ها داده؛ گرایش پیدا کرده است. بازتاب این امر دور شدن روزبه‌روز انسان امروزی از هویت‌های فردی- فرهنگی، ملی- جهان‌بینی و زمینه‌ای- بومی بوده است. در این دوران زمان و مکان اموری میانجی‌گر هستند و استفاده از آنها به‌عنوان ابزاری برای شکل‌دهی به نظام‌های مختلف

شـهری از یک‌سـو و کنتـرل سـاختار و کنـش از سـویی دیگـر امـری واضـح اسـت (جمشـیدی، ۱۴۰۰: ۱۸- ۲۷).

در فرهنـگ ایرانـی مفهـوم زمـان و مـکان را می‌تـوان پلـی میـان تحـولات فرهنگـی (بـوم فرهنـگ) و تحـولات اجتماعـی- اقتصـادی- سیاسـی دانسـت. ایـن امـر زمـان- مـکان را در اندیشـهٔ آرمان‌شـهری ایـران بـه کنش‌هایـی مـادی مرتبـط میسـازد کـه خاسـتگاه خویـش را از یک‌سـو در دسـتگاه فکـری اسـلامی و از سـویی دیگـر انطبـاق بـا جامعـهٔ ایرانـی در تمامـی ابعـاد اجتماعـی، سیاسـی، اقتصـادی و فضایـی جسـت‌وجو می‌کنـد. ایـن پژوهـش بـا محوریـت قـرار دادن بنیان‌هـای اصیـل اسـلامی بـه دنبـال جسـت‌وجوی ویژگی‌هـای مـکان و زمـان متصـور در آرمان‌شـهر اسـلامی در جامعـهٔ ایـران اسـت کـه توسـط اندیشـه‌ورزان ایرانـی در یـک دورهٔ خـاص یعنـی مکتـب اصفهـان؛ به‌عنـوان دوران طلایـی اندیشـه‌ورزی ایرانـی؛ شـناخته شـده اسـت؛ مـورد بررسـی قـرار می‌گیـرد. در ایـن راسـتا بـه اندیشـه‌های میرداماد؛ مؤسسـه ایـن مکتـب و ملاصـدرا به‌عنـوان متفکـر کلیـدی ایـن دوران طلایـی تأکیـد شـده اسـت. دلیـل انتخـاب ایـن دوران را بایـد دیالـوگ منطقـی میـان نـگاه فلسـفی و سـاختاریابی محیطـی دانسـت کـه بـه بهتریـن شـکل در نظام‌هـای شـهری ایـن دوران بـروز عینـی می‌یابـد.

بنیان‌شناسـی مفهـوم مـکان- زمـان در جهان‌شـناختی اسـلامی و کاربسـت آن بـرای شـهر معاصـر ایرانـی موضوعـی اسـت کـه در این پژوهـش بـه آن پرداختـه می‌شـود. از آنجایـی کـه در تاریـخ شـهر ایـران، دوره‌هـای طلایـی از اندیشـهٔ شـهر در دسـترس اسـت، در ادامـه بـر مفهـوم مـکان- زمـان بـا تأکیـد بـر فلسـفهٔ حکمـی متعالیـه مـورد توجـه نگارنـده اسـت.

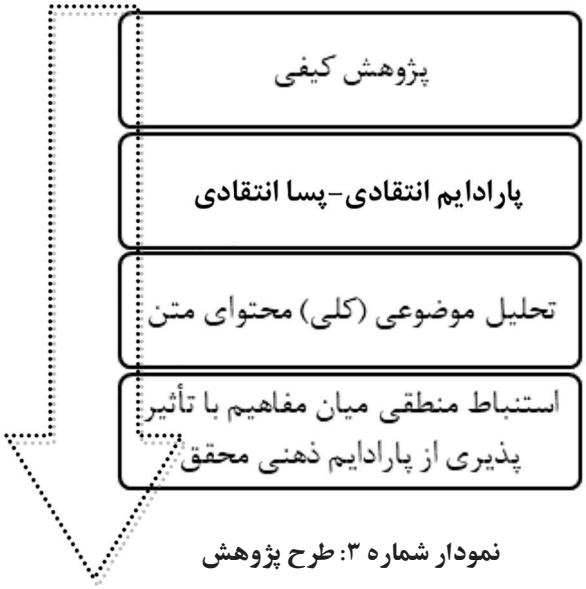
ایـن پژوهـش به‌دنبـال پاسـخ بـه ایـن سـؤالات اسـت:

- بنیان‌هـای آرمان‌شـهر در جهان‌شـناختی اسـلامی بـا تأکیـد بـر جوامـع میزبـان (ایـران) کـدام اسـت؟
- شـاخص‌های مفهومـی زمـان و مـکان بـر گرفتـه از فلسـفی حکمـی متعالیـه پیرامـون آرمان‌شـهر در ایـران کـدام اسـت؟
- راهبردهـای تحقـق مفهـوم مـکان و زمـان بـرای اندیشـه‌ورزی پیرامـون آرمان‌شـهر معاصـر جامعـهٔ ایرانـی بـا وامـداری از رویکـرد انتقـادی- اجتماعـی کـدام اسـت؟

روش پژوهش

چارچـوب مقالـه بـا توجـه بـه هـدف پژوهـش؛ بنیان‌شناسـی مـکان- زمـان در جهان‌شـناختی اسـلامی و تجلـی آن در شـهر معاصـر ایرانی اسـت کـه در راسـتای پارادایـم انتقادی شـکل می‌گیـرد. تـلاش بـرای داشـتن موضعـی انتقـادی برگرفتـه از محیـط اجتماعـی وقـت (نـگاه برگزیـدهٔ حکمـت متعالیـه و بازخوانـی آن بـرای دوران معاصـر) اسـت. بـا وامـداری از جامعه‌شناسـی کارل مانهایـم و پـس از آن به‌ویـژه لوفـور ایـن پژوهـش در زمـرهٔ پژوهش‌هایـی از جنـس خوانـش و بازخوانـی نویـن بـا هـدف تغییر بـر اسـاس محیـط اجتماعـی بـرای مفهوم‌سـازی جدیـدی از آرمان‌شـهر قـرار می‌گیـرد. بـر ایـن اسـاس رویکـردی بنیـادی- تفسـیری دارد؛ تـا ضمـن مطالعـهٔ مـوردی در زمینـهٔ تاریخـی و مـکان جغرافیـای خـاص (مکتـب متعالیـه و ایـران) بـه شناسـایی بنیان‌هـای اندیشـه‌ای دو تـن از نظریه‌پـردازان کلیـدی (یعنـی میرداماد و ملاصـدرا) پـردازد و مدلـی بازخوانـی شـده از دیـدگاه آنهـا بـرای نظریه‌پردازی‌هـای نویـن پیرامـون مفهـوم مـکان- زمـان در دوران معاصـر پیشـنهاد دهـد. بـه بیانـی دیگـر، بـا روشـن کـردن موقعیت‌هـای ذهنـی عامـلان تاریخـی (یعنـی حکمـت متعالیـه بـا آرای میرداماد و ملاصـدرا) در دوران رنسـانس اندیشـهٔ اسـلامی در ایـران بـه بازخوانـی مدلـی بـرای دنیـای

معاصر می‌پردازد. برای توسعهٔ مدل از منطق استقرایی و بازخوانی اندیشه‌ها در پرتوی یک نظریهٔ کلیدی اجتماعی در دوران معاصر یعنی تولید اجتماعی فضا (آرای لوفور) بهره گرفته شده است. از منظر نوع پژوهش، کیفی است که در راستای تحقق هدف پژوهش در زمرهٔ تحقیقات کتابخانه‌ای قرار می‌گیرد که برای این منظور به تحلیل محتوی اندیشه نظریه‌پرداز حکمت متعالیه؛ میرداماد و ملاصدرا؛ پرداخته می‌شود. روش انتخابی، تحلیل محتوی تفسیرباور مبتنی بر روش اکتشافی غیرآماری و غیرسیستماتیک و تحلیل موضوعی محتوی کلی اندیشهٔ نظریه‌پردازان انتخابی است. برای ارائهٔ نتایج از مرور و استنباط محتوی کلی و مفهومی از ادبیات نظری پیرامون مکان و زمان در جهان‌شناختی اسلامی استفاده می‌شود. برای این منظور متن‌های موردنظر به‌صورت کلی و با هدف ارجاعات مستقیم و غیرمستقیم به دو مفهوم زمان و مکان مورد خوانش و گردآوری قرار گرفتند و مطالب پس از دسته‌بندی با توجه به ساختار تفکر نظریه‌پردازان حکمت متعالیه در مفاهیم اصلی شناسایی و بر اساس محتوی اندیشه‌ای و استنباط منطقی پژوهشگر و تطبیق آن با اصول مکتب اصفهان در معماری و شهرسازی و تجلی مفهوم زمان و مکان در آن، مدل ارتباطی میان آنها معرفی می‌شود. پیش‌فرض‌های نظریه‌پردازی انتقادی و دیالکتیک سه‌گانه فضایی به تأثیر از هانری لوفور در این میان نقش کلیدی ایفا می کند.



نمودار شماره ۳: طرح پژوهش

معرفی متون مورد تحلیل: در این پژوهش برای بنیان‌شناسی مکان و زمان در آرمان‌شهر مکتب اصفهان، کتب حکمت المتعالیه و اسفار (ملاصدرا) و القبسات (میرداماد) به‌عنوان منابع درجه اول و منابع تفسیری به‌ویژه آثار سیدحسین نصر و هانری کربن (در تفسیر آثار) و نادر اردلان و لاله بختیار (کتاب حس وحدت) و زهرا اهری و محسن حبیبی (مکتب اصفهان در شهرسازی) به‌عنوان منابع درجه دوم مورد تحلیل قرار گرفته‌اند. در این راستا آرای ۵ نظریه‌پرداز معاصر ایرانی (نقره‌کار (۱۴۰۰)، نقی زاده (۱۳۸۵)، معماریان (۱۳۸۴) فلامکی (۱۳۹۳) و سلطان‌زاده (۱۴۰۰)) در مفاهیم عام معماری و شهرسازی اسلامی و ایران بر اندیشه‌های نگارنده و استخراج مؤلفه‌ها و مفاهیم تأثیرگذار بوده است.

ادبیات نظری (مبانی نظری و پیشینه نظریه[۳]) آرمان‌شهر و بسط ابعاد آن در اندیشهٔ مکان- فضا در غرب

فرهنگ لغات معین (۱۳۶۲) آرمان را به‌معنای آرزو و امل و به بیانی دیگر خواسته‌های روحی‌ای است که دست‌نیافتنی است، تعریف کرده است. اسم صفت آرمان‌شهر، از کتاب توماس مور (۱۵۱۶م)؛ انسانگرای انگلیسی؛ است که در طول قرن‌ها مجموعه‌ای از آثار آرمان‌شهرگرایی را به‌دنبال داشته است. اندیشه‌ورزی آرمانی خاستگاه خویش را در دو رویکرد کلی جست‌وجو می‌کنند: آرمان‌شهر (به معنای مکانی خیالی که وجود ندارد) و نیکو شهر (به‌معنای مکانی که به‌دنبال کمال نظام موجود است و تصویر بهترین شرایط ممکن) (روویون، ۱۳۸۵: ۱۱). در این نگاه آرمان‌شهر در طیفی از اندیشهٔ خیالی تا اندیشه‌هایی که به نقد وضع موجود (اعم از اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، کالبدی- فضایی، زیست‌محیطی)؛ تا اندیشه‌های برای شهرهای ممکن آینده (اعم از شهرهای مجازی و شهرهای فناوری و نظایر آن) اشکال متفاوتی می‌یابد.

نسل سنتی آرمان‌شهرگرایی (با تلاش‌های توماس مور) را باید با محوریت رویکرد سنتی (طرح‌بندی مکانی و جغرافیایی در آینده‌ای رویایی) دانست. این سنت فکری انتزاعی ترسیمی ثابت و ایستا از زمان و مکان را مجسم می‌کند. نسل مدرن آرمان‌شهرگرایی (با تلاش‌های اولیه قرن ۲۰) را باید با محوریت منفی به رویکرد سنتی (طرح‌بندی مکانی و جغرافیایی ناشی از برنامه‌ریزی‌های نه‌چندان خوب گذشته) جست‌وجو کرد، که در ادبیات با عنوان دش‌شهر یا دیستوپیا خوانده می‌شوند. سنت انتقادی- اجتماعی، نسل بعدی آرمان‌شهرگرایی را نمایش می‌دهد که به تعامل پویا میان تفسیر تعارضات موجود و واقعیت طبیعی (شرایط موجود) با انتظارات آینده می‌پردازد (گوردین و همکاران، ۲۰۱۱: ۱-۵). در این نگاه آرمان‌شهر معمولاً استعاره‌ای فضایی برای ساماندهی شرایط اجتماعی، سیاسی، اقتصادی یک جامعهٔ انسانی (سیستم پویای اجتماعی مبتنی بر واقعیت طبیعی با ظرفیت‌های مشخص و محدود شامل محدودیت‌های جمعیتی- محیطی مکان) بر اساس روش‌های تعامل منطقی برای ساخت آینده‌ای محتمل و قابل تصور (آینده‌نگری) است.

در این نگاه مؤلفه‌های فضایی محیط شهری اعم از فرم (نظیر شکل، اندازه، موقعیت، ویژگی‌های زمین‌شناختی، چشم‌انداز و منظر)، عملکرد (فعالیت‌ها و نحوهٔ استفاده از زمین) و معنای (ارزش‌ها) فضایی (پتانسیل‌ها و سیستم‌های پایدار موجود) به‌عنوان زمینه در ارتباط با آیندهٔ محتمل و قابل‌تصور (آرمان‌ها، انگیزه‌های مدرن و گرایشات) فراتر از مکان و زمان ثابت مطرح می‌شوند. در این موضع انتقادی مکان و زمان با عاملیت انسان دستکاری می‌شود. از این‌رو براساس دیدگاه گوردین و همکارانش (۲۰۱۱) می‌توان مکان- زمان در آرمان‌شهرگرایی اخیر را سازه‌هایی فرهنگی و نه صرفاً سازهٔ فکری دانست.

مکان- فضا در تحلیل آرمان‌شهر؛ به‌عنوان اندیشهٔ کمال انسان (روویون، ۱۳۸۵: ۱۴)؛ تعامل پویا میان سازهٔ فکری (با خاستگاه ایدئولوژیکی که در جوامع دینی می‌تواند متأثر از امر قدسی باشد) و سازهٔ فرهنگی (با خاستگاه اجتماعی- سیاسی) است که در سیستم‌های فلسفی، اجتماعی، سیاسی، ساختار فضایی و طرح‌های معماری و شهرسازی، در هنرهای ادبی، تجسمی و نظایر آن بروز می‌یابد. از این‌رو آرمان‌شهر از یکسو خاستگاه ایدئولوژیک[۴] دارد و از سویی دیگر برگرفته از محدودیت‌های محیطی، خاستگاهی زمینه‌ای (اجتماعی، اقتصادی، سیاسی) پیدا می‌کنند و در اشکال خلاقانهٔ و شیوه‌های تعاملی با زمان

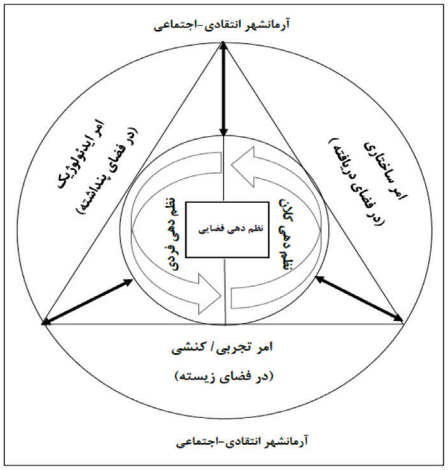
و مکان به شکل‌دهی، طرح‌بندی و نظم‌دهی محیطی؛ یعنی فرم، عملکرد و معنا؛ شهر و فضاهای مختلف آن در جهت تحقق آیندهٔ محتمل می‌پردازد.

در چنین نگاهی آرمان‌شهر از یک مفهوم کلی و جامع دور و به یک مفهوم محلی و جزیی و برخاسته از روزمره؛ آنچه به تعبیر لویتاس (۲۰۱۳) به عنوان آرمان‌شهر روزمره[1] تعبیر می‌شود؛ تبدیل می‌گردد. در این نگاه دیگر رویکردها قطعی و ثابت نیستند؛ بلکه به اقتضای زندگی روزمره در فرآیندی باز، پویا و تکاملی در پرتوی کنش و عمل[2] مردم محقق می‌شوند (لویتاس، 2013: xiii).

شیوه‌های خلاق نظم‌دهی محیطی براساس رویکرد انتقادی و پساانتقادی و با وامداری از اصول آمان‌شهر روزمره با وامداری از سه‌گانه‌های نظم فضا و تعمیم مفهوم تولید فضا به نظریه‌پردازی و تصویرسازی مفهوم آرمان‌شهر قابل بررسی است. با وامداری از آرای لوفور (۲۰۰۴) سه سطح نظم برای فضاسازی آرمان‌شهر می‌توان برشمرد، که در برخی آرمان‌شهرها به یک یا دو و در برخی دیگر به همهٔ این نظم‌ها تأکید شده است. این سه‌گانه‌ها عبارتند از: ۱- نظم فردی (نظم ذهنی): ناشی از نحوهٔ عملکرد و فعالیت‌های ذهنی است، که از طریق گزینش مدل ذهنی براساس خاستگاه ایدئولوژیک به‌دنبال پیاده‌سازی اصول انسانی و مفاهیم ذهنی است. این امر به امر زیسته تعبیر می‌شود. ۲- نظم عمومی (نظم کلان): ناشی از ساختارهای کلان برای شکل‌دهی به کلیت جامعه از طریق نظم عام است. این نظم از طریق گزینش مدل کنترل اجتماعی و ساختارهای مسلط و از طریق قوانین و مقررات تحقق می‌یابد. ۳- نظم فضایی: ناشی از فضامندی دو نظم فردی و نظم عمومی از طریق ویژگی‌های مکانی- زمانی (فرم- عملکرد) است.

با وامداری از آرای لوفور (۲۰۰۴) سه شیوه ساماندهی و طرح‌بندی فضا- زمان (در معنای عام) و مکان- فضا (در معنای خاص) و سه گونه فضا- زمان به شرح ذیل قابل شناسایی است: ۱- فضا- زمان زیسته که ناشی از امر ذهنی است. فضای زیسته بازنمایی از روش‌های زیست یک جامعه در طول تاریخ و به بیانی دیگر سنت آن جامعه است که گاه با فرهنگ برابری می‌کند و معناداری زندگی جمعی را در پی دارد. ۲- فضا- زمان پنداشته که ناشی از امر عمومی و بازنمایی فضا توسط ساختارهای مسلط است. ۳- فضا- زمان دریافته ناشی از امر واقع را در قالب آرایش خاص در ارتباط با نظم فردی (فرهنگ) و عمومی (ساختار) شکل می‌دهد.

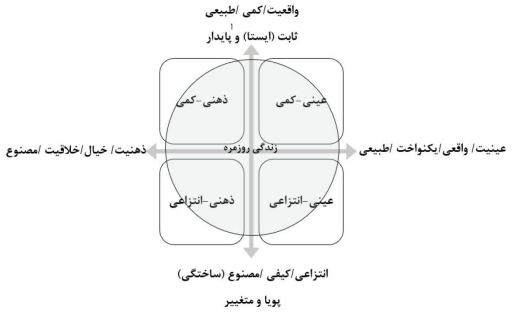
آنچه در این فضاها حائز اهمیت است نمود عینی آنها به‌عنوان یک پدیدهٔ زمان‌تاریخ است که دیگر فضا را امری ثابت و مشخص در آینده نمی‌بیند؛ بلکه نمایشی از رابطهٔ بین گذشته، حال، آینده است که دائماً در حال تغییر و مفهوم‌سازی متداوم است (با وامداری از آرای گوردین و همکارانش (۲۰۱۱)). در این نگاه مکان- زمان در فرآیند موقتی، بازتابی و گفت‌وگومحور بازتعریف و به اقتضای شرایط فعلی توسط انسان به‌عنوان کنشگر بازتولید می‌شود تا امکاناتی را برای آینده‌ای متحول فراهم کند (جمشیدی، ۱۴۰۰: ۵) (نمودار شمارهٔ ۴).



نمودار شمارهٔ ۴: پیش‌فرض نظریات مسلط بر پژوهش

1. Everyday Utopianism
2. Practice

در این میان، تجلی دو شاخص برای تحلیل فضا- زمان برخاسته از مفهوم آرمان‌شهر روزمره مبتنی بر دو امر واقعی- انتزاعی (طبیعی- مصنوع) و امر عینی- ذهنی در بستر زندگی روزمره است. امر طبیعی مبتنی بر ماهیت حیات طبیعی و محدودیت‌های کمی و مادی همراه است حال آنکه انتزاع (مصنوع)[1] مرز محدودیت‌ها را شکسته و فراتر از مادهٔ کمی بر ویژگی‌های پویایی متمرکز می‌شود. امر ذهنی مبتنی بر قدرت تفکر و در عالم خیال مبتنی بر خلاقیت متمرکز است و عینیت وجه‌های مشهود و تجسم‌یافته مکان و زمان را نمایش می‌دهد. این دو شاخص در دو محور عمود بر هم یک ماتریس چهاربخشی را شکل می‌دهند (نمودار شمارهٔ ۵).



نمودار شماره ۵: ماتریس ویژگی‌های مکان- زمان بر اساس رویکرد انتقادی به آرمان‌شهر

نظریهٔ آرمان‌شهر ایرانی و بسط ابعاد آن در اندیشهٔ مکان- فضا

اندیشهٔ آرمان‌شهر ایرانی با ظهور تمدن و هویت ایرانی آغاز می‌شود؛ که آن را می‌توان همزمان با حکومت مادها دانست. با ظهور اسلام هویت و تمدن نوینی در ایران پایه‌ریزی می‌شود (آکوچکیان، ۱۳۸۸: ۵). اندیشهٔ آرمان‌شهر در اندیشهٔ متفکران ایران را ؛ همانند آرمان‌شهر غربی؛ باید در دوران کلاسیک و باستان؛ یعنی ایران باستان) جست‌وجو کرد (محمدی، ۱۳۹۷: ۹؛ گوردین و همکاران، ۲۰۱۱: ۴). براساس مطالعات اصیل (۱۳۹۳) در زمینهٔ آرمان‌شهر ایرانی چهار مرحله برای اندیشه‌ورزی آرمان‌شهر ایرانی قابل شناسایی است: ۱- اندیشهٔ شهریاری آرمان‌شهر (دوران ایران باستان و عصر زرین جامعهٔ ایرانی) که بیشتر مبتنی بر آرمان شهریاری به‌عنوان چارچوبی است که قدرت شهریار آرمانی را نمایش می‌دهد. ۲- اندیشهٔ کلاسیک آرمان‌شهر (ایران باستان و آغاز دوران اسلامی) که تداوم دو رکن اصلی اندیشهٔ ایران باستان (تجلی نور) و اندیشهٔ یونانی (به‌ویژه ارسطو و افلاطون) می‌باشد. ۳- اندیشهٔ توسعهٔ و ثبات آرمان‌شهر دینی: این دوران مبتنی بر دوران اندیشهٔ ترقی‌گرایی و توسعهٔ اندیشهٔ شهر با آرای ابن‌خلدون است. در این دوران بنیان‌های جامعه‌شناختی- انسان‌شناختی مبتنی بر تاریخ گسترش می‌یابد. و تداوم آن در اندیشهٔ متفکران حکمت متعالیه و مکتب اصفهان تجلی عینی شهر آرمانی می‌شود. در این دوران تلاش برای بومی کردن ارزش‌ها و امر قدسی تجلی ارزش‌های مقدس و کاربست آن در همهٔ شاخه‌های علوم و هنر است. ۴- اندیشهٔ‌گذار آرمان‌شهر که در فقدان اندیشهٔ منسجم و میان سنت و مدرن و با اوج مکتب تهران ادامه می‌یابد و بیشتر در نقد وضع موجود به دنبال شهری مدرن برای جامعهٔ شهری ایران است[5].

برای آرمان‌شهر ایرانی بر اساس محتوی نیز دسته‌بندی‌های مختلفی وجود دارد: آرمان‌شهر برین، آرمان‌شهر شهریاری، آرمان‌شهر سیاسی (در قلمروی حکومت اسلامی) (اصیل، ۱۳۹۳).

بررسی آثار چاپ شده پیرامون آرمان‌شهرو چارچوب اندیشه‌ورزی پژوهشگر پیرامون داشتن رویکرد تفسیری- انتقادی به مفهوم آرمان‌شهر، اندیشهٔ آرمان‌شهری در ایران از آغاز تا معاصر و مبتنی بر چهار نوع تفکر اسطورهای، فلسفی، تجربی (جامعه‌شناختی- انسان‌شناختی)، دانشی و انتقادی را در برخورد با مکان- زمان نشان می‌دهد (اصیل، ۱۳۹۳؛ محمدی، ۱۳۹۷؛ فکوهی، ۱۳۸۵؛ آکوچکیان، ۱۳۸۸؛ خاتمی، ۱۳۸۰).

۱.آنچه گوردین و همکارانش (۲۰۱۱) تحت‌عنوان آنیما (Anima) و مصنوع (Artifice) از آن یاد می‌کند.

۱- آرمان‌شـهر اسـطوره‌ای (کهـن الگـو): در ایـن آرمان‌شـهرها کـه روایت‌هـای اصـولاً نمادیـن و قدسـی دربـارۀ ایـزدان یـا موجـودات فـوق انسـانیِ دخیـل در رویدادهـا یـا اوضـاع خارق‌العـاده در زمان‌هـا و مکان‌هـای نامشـخص کـه از از زمـان عـادی و تاریخـی وقایـع انسـان جـدا هسـتند، را ترسـیم می‌کنـد. ایـن آرمان‌شـهر در آرزوی امـر قدسـی ثابـت و غیرقابـل کنـکاش اسـت کـه به‌دنبـال ترسـیم نقطـۀ آغازیـن جهـان و انسـان و ارتبـاط بی‌نقـص آنهـا اسـت. از ایـن‌رو فضـا و زمـان دارای خصیصـه‌ای کیفـی و ترسـیمی از نامـکان و نازمـان از تخیلـی جمعـی و فـردی اسـت. کـه در دو شـکل آرمان‌شـهر شـهریاری و فراطبیعـی دیـده می‌شـود.

۲- آرمان‌شـهر فلسـفی: در ایـن آرمان‌شـهر بیـش از هـر چیـزی بـر بنیان‌هـای عقلانیـت و جنبه‌هـای قابل‌بحـث و اثبـات بـه جـای جنبه‌هـای عینـی شـهر تأکیـد می‌شـود. از ایـن‌رو فضـا و زمـان در چارچـوب ویژگی‌هایـی کـه نمـود عینـی آن ممکـن اسـت. نمونـه‌ای از ایـن آن، آرمان‌شـهر حکومتـی اسـت کـه بـر سیاسـت تأکیـد دارد.

۳- آرمان‌شـهر تجربـی: در ایـن آرمان‌شـهر بیـش از هـر چیـزی بـر بنیان‌هـای تجربـی و روابـط انسـانی و بنیان‌هـای جامعه‌شـناختی- انسان‌شـناختی تأکیـد دارد. از ایـن‌رو فضـا و زمـان دارای ویژگـی برخاسـته از زندگـی روزمـرۀ مـردم اسـت؛ کـه خاسـتگاه خویـش را مسـائل انسـانی می‌یابـد.

۴- آرمان‌شـهر دانشـی: در ایـن آرمان‌شـهر بیـش از هـر چیـزی بـر علـم و دانـش برخاسـته از آن تأکیـد می‌شـود. از ایـن‌رو بنیان‌هـای فضـا و زمـان خصیصـه‌ای کمـی و سیسـتماتیک درچارچـوب یـک سیسـتم منسـجم تحقـق می‌یابد.

۵- آرمان‌شـهر انتقـادی: در ایـن آرمان‌شـهر بیـش از هـر چیـزی بـر شـرایط موجـود تأکیـد دارد. از ایـن‌رو بنیان‌هـای فضـا و زمـان خصیصـه‌ای کمـی- کیفـی اسـت کـه هـم جنبه‌هـای ذهنـی و هـم جنبه‌هـای عینـی را شـامل می‌شـود.

اسـتدلال اسـتقرایی پیرامـون آرمان‌شـهرها و تـلاش بـرای تحقـق عینـی آن در تاریـخ و تمـدن ایرانشـهر نشـان می‌دهـد کـه در اندیشـۀ ایـده‌آل ایرانشـهر پیـش فـرض تـلاش بـرای ترسـیم روابـط میـان سـه مفهـوم انسان‌شـناختی (تعریـف ابعـاد مختلـف بـرای انسـان: مـادی و معنـوی)، شناخت‌شناسـی (تبییـن آگاهـی انسـان از طبیعـت و جهان‌بینـی: تجربه‌گرایـی و عقل‌گرایـی) و موقعیت‌شناسـی (تبییـن نقـش، جایـگاه و آثـار انسـان در تاریـخ: علـم و هنـر) در ارتبـاط بـا ایدئولـوژی اسـت کـه رکـن اصلـی خـود را در تحقـق انسـان ایـده‌آل کـه سـنت خاصـی را طرح‌ریـزی می‌کنـد، جسـت‌وجو می‌کنـد.

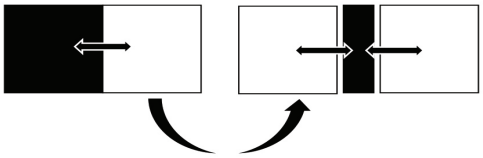
در اندیشـۀ آرمان‌شـهر ایرانـی بایـد سـنت را به‌عنـوان نیرویـی درون‌زا کـه مبتنـی بـر دو سـاختار مـوازی و سلسـله‌مراتبی، جوامـع و باورهـا و فرهنگ‌هـای سـنتی را شـکل می‌دهـد، تفسـیر نمـود. یکـی سـاختار کمـی کـه در آن مراتـب مـادی بـا مـکان، زمـان و کمیـت محـدود می‌شـود (بورکهـارت، ۱۳۸۸: ۳۲- ۳۳)؛ و از ایـن طریـق قابـل فهـم، ادراک و تجربـۀ انسـانی می‌شـود (عالم طبیعـت و محسوسـات و ادراک)؛ و دیگـری سـاختار کیفـی کـه مراتـب غیرمـادی (عالـم خیـال، آگاهـی، روح، الهامـات و حقایق) اسـت کـه در قالـب زمـان و مـکان مـادی و قابـل احسـاس نمی‌گنجـد. بـر ایـن اسـاس در جهان‌شـناختی اسـلامی دو نـوع فرآینـد خطـی و غیرخطـی بـرای زمـان و مـکان قابـل شناسـایی اسـت، کـه در تمامـی حیطه‌هـای زندگـی فـردی و اجتماعـی روزمـرۀ افـراد آشـیانه کـرده اسـت (گوردیـن و همـکاران، ۲۰۱۱). فرآینـد خطـی بـا تأکیـد بـر ابعـاد محسوسـات و عینـی و کمـی و فرآینـد غیرخطـی (چرخـه‌ای) بـا تأکیـد بـر ادراکات و تجربه‌هـای انسـانی محقـق می‌گـردد.

سنت در آرمان‌شهر ایرانی پس از ورود اسلام و عناصر سازندهٔ آن

شهرهای اسلامی- ایرانی در معنای عینی آن و آرمان‌شهر در معنای ذهنی آن همواره به شکلی خاص نمودی از سنت نمادین با ارزش‌های فرازمانی و فرامکانی بوده است که مبتنی بر جهان بینی‌های نقلی و علمی شکل گرفته‌اند (حسینی، رضایی و بندآباد، ۱۴۰۳: ۸۴). افزون بر این همانگونه که بررسی شد، آرمان‌شهر (در معنای عام) و آرمان‌شهر ایرانی (در معنای خاص) برگرفته از ایدئولوژی خاص برای داشتن زندگی به شیوه‌ای دیگر است. در این میان فرهنگ و اصول سنت؛ به معنای باورها و لنگرگاه‌های اندیشه‌ای که در طول تاریخ در یک جامعه تجربه و شکل گرفته است؛ نقطهٔ آغازین جامعه برای داشتن آرمان و نیرو محرکه برای نیل به سعادت و کمال بشری در زندگی است که در آرمان‌شهر بروز عینی می‌یابد. در جوامعی که خاستگاه خویش را در اصول سنت جست‌وجو می‌کند تمایز میان آنچه مقدس و نامقدس نامیده می‌شود، میانجی میان زندگی مادی و معنوی قلمداد می‌شود (اردلان و بختیار، ۱۳۹۱: ۳-۵)؛ و این امر نقش مهمی در اندیشه‌ورزی آن جوامع دارد. اندیشه‌ورزی پیرامون سنت و در جوامع سنتی وامدار محتواها و رمزهایی است که برای محسوس کردن ساختار لایه‌لایه مراتب و ساحت‌های گوناگون واقعی که در ساختار (از عالی‌ترین سطح در معنویات و مقدسات به پایین‌ترین سطح در مادیات و نامقدسات) وجود دارد، به کار می‌رود.

اندیشه‌ورزی پیرامون آرمان‌شهر ایرانی؛ به‌عنوان نمودی از سطح مقدسات که وجهی مادی گرفته است؛ پس از ورود اسلام و آگاهی از فرآیند انطباق با ساختارهای وضع موجود فرهنگ و تمدن ایرانی میتواند در آیندهٔ ساختار اندیشهٔ ایرانیت کارگشا باشد. از این‌رو فرآیند ورود اسلام به ایران و شناسایی عناصر مهم در این زمینه نقش مهمی در تداوم اسلام در اقلیم‌های متفاوتی و با جهان‌بینی‌های متفاوت وارد می‌شود و متناسب با خاستگاه ایدئولوژی- جهان‌بینی و بومی- اقلیمی فرهنگ مادی خاصی را شکل می‌دهد. این امر در دو بخش قدسی و غیرقدسی قابل تقسیم است. امر قدسی کاملاً مبتنی بر مناسک و امر غیرقدسی مبتنی بر خاستگاه زمینه‌ای و از منظر مختلف کارکردی، زیباشناختی و نظایر آن است (صبری و اعوانی، ۱۳۹۸: ۱۲۵). امروزه با توجه به اسناد اسلامی گسترده، که قابل دسترس است، امر قدسی در دو ساحت ظاهری مربوط به قانون الهی (شریعت و رفتار آدمی) و باطنی (طریقت و اصول اخلاقی آدمی) قابل‌دسترس است که در این بین جنبه‌های عرفانی و باطنی اسلام است که بر اصول شکل‌دهنده به اندیشه است (اردلان و بختیار، ۱۳۹۱: ۳). درهم‌تنیدگی امر قدسی و امر غیرقدسی در جهان‌بینی اسلامی در بوم- اقلیم‌های مختلف، مجموعه‌ای از آموزه‌هایی را به‌صورت شفاهی، نوشتاری و تصویری که قابلیت انتقال دارد را شکل می‌دهد. این مجموعه از اصول و ضوابط جهان‌شناختی و معنوی گرفته تا کشف علوم مختلف؛ تا ساخت اجتماعی و موازین رفتاری؛ تا ساخت کالبدی- فضایی و اصول محیط انسان‌ساخت؛ تا ساخت سیاسی و مدیریتی؛ تا تجلی خلاقیت و هنر را شامل می‌شود. الدمدو (۱۳۸۹) بهترین تعبیر برای این مجموعه را سنَت می‌داند. سنت به‌معنای حقایق دارای خاستگاه قدسی و منشاء وحیانی است که سرچشمه‌اش از قلمروی معنوی، از خدا، و به زبان مابدالطبیعه از حقیقتی غایی است که در هر تمدن دینی، تاریخی، جزییات و نحوهٔ انتقال ویژه‌ای دارد (نصر، ۱۳۸۵: ۲۴۵- ۲۴۶). این مجموعه از اصول را امری فراشخص است که در قالب اساطیر، مناسک، نمادها، شمایل، آداب و مظاهر فرهنگی؛

به بیانی دیگر امری ظاهری؛ انتقال‌دهندهٔ چگونگی ارتباط امر قدسی و غیرقدسی است (نصر، ۱۳۹۳). بر این اساس در سنت دو عامل وجود دارد: عامل اول: حقایق منشعب شده از نظامی متعالی؛ عامل دوم: پیوستگی سنت و اعمال اصول الهی به‌واسطهٔ انتقال در طول سده‌ها در چارچوب تمدن خاص (نصر، ۱۳۸۵: ۲۵۸- ۲۶۶). براساس آن هر جامعه‌ای دو گونه سنت (سنت دینی؛ سنت تمدن خاص) قابل شناسایی است که کل فرهنگ را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد و علوم، صنایع، محیط ساخت، زندگی روزمره و امور عادی جامعه را شکل می‌دهد و در یک رابطهٔ سه سویه سنت نوینی را پایه‌ریزی می‌کند (نمودار شمارهٔ ۶).

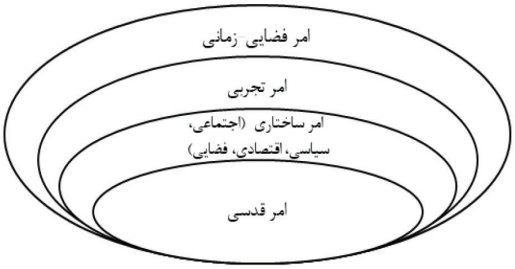


نمودار شماره ٦: رویکرد سه‌سویه اسلام در ایران

با پذیرش این نگاه و همچنین باور به این نکته که نه‌تنها سنت به معنای دین است بلکه دین در دل آن قرار دارد و از دل آن قوانین سنتی آشکار می‌شود (نصر، ۱۳۸۵: ۲۵۹). می‌توان دو نوع سنت را بازشناسایی کرد: سنت دینی و سنت روزمره؛ که سنت در هر دو شکل آن سراسر زندگی روزمره را در شرایط گوناگون دربرمی‌گیرد. از این‌رو نمی‌توان سنت را تنها امر قدسی دانست و آن را از قوانین زندگی روزمره جدا دانست. از این‌رو سنت مجموعهٔ امر قدسی و قوانین زندگی روزمره (اعم از اجتماعی، سیاسی و اقتصادی) را شامل می‌شود که تابع شرایط مکانی و زمانی (جغرافیای فضایی) است و امر تجربی در هر دوره را شکل می‌دهد.

همان‌گونه که گفته شد، با تجلی پدیدهٔ تمدن اسلامی به‌عنوان تألیفی جدید از تمدن‌های پیش از اسلام در قلمروهای مکانی و زمانی که فاتحان عرب به آنها دست می‌یابند (فکوهی، ۱۳۸۵: ۱۴۹)، تمدن‌های محلی خاصی شکل جدیدی از بومی‌سازی‌شدهٔ اسلام تجربه می‌کنند. در این جوامع بومی‌سازی در چهار سطح یا امر یا واقع که عناصر اصلی تشکیل‌دهنده سنت هستند، تجلی می‌یابد: امر قدسی، امر ساختاری، امرتجربی و امر فضایی. بومی‌سازی امر قدسی و بازخوانی آن در تطبیق با ساختارهای جامعهٔ میزبان به سازمان‌یافتگی ساختار جامعه (امر ساختاری) به‌ویژه در شهر یا مدینه که نماد عینی و مکانی و فضایی تمدن‌سازی است، می‌انجامد. این ساختار در تجربهٔ شهروندان (امر زیسته) در فضا و زمان و شکل‌گیری فضاهای نوین (امر فضایی) قابل بازشناسی است.

در یک جمع‌بندی این ۴ امر، ۴ گونه سنت را نشان می‌دهند: سنت الهی (قوانین طبیعی و تکوینی)، سنت تشریعی (قوانین اجتماعی، ساختارهای سیاسی)، سنت زیستی (رفتارهای مردمی، فرهنگ) و سنت مکانی و زمانی (نمودار شمارهٔ ۷).



نمودار شماره۷: چهار امر سنت

مکتب و سنت الهی اصفهان و بازخوانی ارکان زمان و مکان

با به حکومت رسیدن سلسلهٔ صفوی در ابتدای قرن ۱۰ هجری، برای اولین بار نیروهای جزم‌اندیش متشرع در محیط عقلانی اسلام به فعالیت‌های سیاسی و تشکیل حکومت مبادرت کردند (نصر،

۱۳۹۳: ۱۱۹). مکتب شیعه به‌عنوان شالودهٔ عقیدتی، خاستگاه شکل‌گیری دولت مستقل ملی تحت‌عنوان صفویه می‌شود. با انتقال پایتخت از تبریز به قزوین و سپس استقرار پایتخت جدید در اصفهان، زمینهٔ مساعدی برای تأسیس مکتب الهی اصفهان توسط میرداماد فراهم می‌شود؛ و ایران به یک حکومت افسانه‌ای بدل می‌شود و یکی از بزرگ‌ترین تمدن‌ها و فرهنگ‌های غنی خویش را تجربه می‌کند. در این دوران ایران، مرکز تمدن جهانی می‌شود که با بازگشت به فلسفهٔ پیش از اسلام، نمودی از دوران پیش از اسلام می‌شود. ریشه‌های صوفی‌گری در سنت عرفانی و شیعه‌گری از یک‌سو و فلسفه با ارکان عقلانی از سویی دیگر به تعریف امر قدسی مبتنی بر چهار رکن حکومت‌گری، تشیع، عرفان و عقل منجر می‌شود. این امر در حکمت متعالیه حیاتی مجدد می‌یابد. در این حکمت طریقت برخاسته از شیعه (فقها) و عرفان (صوفیان) و عقلانیت (فیلسوفان) به امری واحد بدل می‌شود.

واژهٔ مکتب اصفهان برای گروه‌بندی مجموعه‌ای از اندیشمندان آموزهٔ فلسفی خاص، برای اولین بار توسط هانری کربن؛ اسلام‌شناس فرانسوی؛ استفاده شد. این واژه برای سنت اندیشه‌ای متفکرانی است که در عصر صفویه ظاهر شدند (اهری، ۱۳۸۵: ۲۵). این سنت اندیشه‌ای توسط میرداماد پایه‌گذاری و با آرای ملاصدرا به اوج می‌رسد و به‌صورت حکمت متعالیه شناخته می‌شود (نصر، ۱۳۹۳: ۱۵۷). آموزه‌های مکتب الهی اصفهان در یک دستگاه فکری نظام‌یافته به اتحاد سه مفهوم عرفان، فلسفه و دین می‌پردازد (اهری، ۱۳۸۵: ۲۶).

مکتب الهی اصفهان به بازتعریفی از ارکان سنت می‌پردازد. امر قدسی در مکتب اصفهان با وامداری از اصل توحید و وحدانیت در چهار خاستگاه ارزشی فرمانروایی، مذهب، عقل و شهود بسط می‌یابد. همچنین امر ساختاری در مکتب اصفهان مبتنی بر ساختار دیوان‌سالاری نوین آمیخته از ساختار رده‌بندی صوفیان و ساختار سنتی پادشاهی است (خادمی‌پور و دیگران، ۱۴۰۱: ۱۲۳). ساختاری که در ۴ سطح سلطنت، امرا، سادات و علما، و عامهٔ مردم جامعهٔ هرمی را تعریف می‌کند (نصرآبادی، ۱۰۸۳ه.ق به نقل از علیزاده‌مقدم، ۱۳۹۸: ۱۳۹). این ساختار اگرچه هرمی است ولی به‌صورت افقی روابط نژادی، قومیتی و مذهبی را شکل می‌دهد. امر زیسته و تجربی نیز به این واسطه با تأکید بر رابطهٔ مردم با مردم در زندگی روزمره، رابطهٔ مردم با زیست جهان مادی (در اشکال گوناگون شیوه و سبک زندگی) و رابطه مردم با زیست جهان معنوی (در اشکال اعتقادات و رفتارهای دینی مردم) هرمی شکل است که پیرامون واژهٔ دولت که در آغاز مفهومی مجرد به‌معنای برکت و سعادت دارد ولی در ابتدای قرن یازدهم در مفهوم مشخص کشور و انعکاسی از برداشت از فرمانروا مطرح است، بازخوانی می‌شود. در ایران شاه جزیی از زندگی روزمرهٔ مردم عامه به‌حساب می‌آمد و دسترسی به فرمانروا برای مردم برخلاف امپراتوری‌های دیگر امری ممکن به حساب می‌آمد (سیوری، ۱۳۷۲: ۱۷۶). بررسی مطالعات تاریخی (نظیر بنانی (۱۹۶۷،۱۳۹۰)؛ سیوری (۱۹۸۰،۱۳۷۲)) و سفرنامه‌های (آدام اولئاریوس (۱۷۲۷، ۱۳۸۵)؛ مالکوم (۱۸۱۵)؛ تاوانیه (۱۶۸۷، ۱۳۶۳)) نشان از فضیلت‌سالاری به جای اشراف‌سالاری در شکل‌دهی به ساختار اجتماعی دانست. اگرچه عناصر قدرتمند اشراف‌سالار هم بودند اما امکان وجود آلیگارشی کمتر است. در شکل‌دهی به نیروی اجتماعی ایران صفویه به وجود سه نیروی ترک، ایرانی و تاجیک (گرجی، ارمنی) اشاره کرد. از این‌رو زندگی روزمره (اعم از امر قدسی، ساختاری، کنشی (تجربی) و فضایی) مبتنی بر تلاقی خاستگاه این سه نیرو اجتماعی (یعنی ایرانیت، قومتی و بدعت) و سازش ارزش‌های ایرانی و قومی و

تـلاش بـرای تحقـق خصلتـی بینابینی و آسـتانه‌ای بـه تعـادل می‌رسـد.

در ایـن دوران ارزش‌هـای ایرانـی، اسـلامی در بدعـت فضایـی و به‌دنبـال آن زمانـی از سـه مفهـوم کلیـدی وجـود واجـد (وحـدت وجـود)، تجلـی مرتبـه‌ای (سلسـله مراتـب) و نـور و دو مفهـوم فرعـی خیـال و قـدر و هندسـه نشـأت می‌گیـرد؛ کـه خاسـتگاه خویـش را در روش تفکـر متفکـران فلسـفی و فقهـای ایـن دوران به‌ویـژه آرای سـهروردی، ابـن سـینا، میرداماد و ملاصـدرا جسـت‌وجو می‌کنـد. بـا وامـداری از آرای میرداماد و سـپس ملاصـدرا در سـه حـوزۀ خیـال، تجلـی و وجـود کـه خاسـتگاهی ذومراتـب دارد (نصـر، ۱۳۹۳: ۱۴۲). در ایـن دیـدگاه [فضـا] و زمـان بـا سـه مرتبـۀ زمـان، دهـر و سـرمد مراتبـی هسـتند کـه مطـرح می‌شـوند. میرداماد (۱۳۶۷: ۱۲) ایـن سـه مفهـوم را بـه معنـای عـام اینگونـه تعبـیر می‌کنـد: مرتبـۀ زمانـی نسـبت متغییـر بـه متغییـر و در مرتبـۀ دهـری نسـبت متغییـر بـه ثابـت و در مرتبـۀ سـرمدی نسـبت ثابـت بـه ثابـت مطـرح می‌شـود.

بـا تعمیـم ایـن تعاریـف عـام؛ کـه برخاسـته از خردگرایـی ایـن دوران اسـت؛ بـه فضـا و زمـان و تعبیـر نمادگونـه، سمبلیسـم و خیالـی؛ کـه برخاسـته از اندیشـۀ اندامیـن و ارگانیـک ایـن دوران اسـت؛ می‌تـوان بـه تعبیـری جدیـد از فضـا و زمـان در مکتـب اصفهـان دسـت یافـت. عناصـر و سـاختارهای عینـی فضـا و زمـان؛ شـهر (شـار) و معمـاری؛ بازسـازی و ابـداع مجـدد میابـد. در ایـن دوران دولـت قاهـر مرکـزی و اسـتیلای سیاسـی- عقیدتـی بـه مادیت بخشـیدن بـه مفاهیـم سـاختاری (امـر سـاختاری) از طریـق شـهر به‌عنـوان نمـاد، تجسـم و تجسـد کالبـدی- فضایـی- [زمانـی] از آن امر سـاختاری می‌پـردازد. در حقیقـت مکتـب اصفهـان، تحقـق آرمـان- شـهر دولـت صفـوی اسـت کـه بـه علـت ریشـه داشـتن در دگرگونی‌هـای اقتصـادی، اجتماعـی و فرهنگـی زمـان خویـش پـا بـه عرصـۀ وجـود می‌گـذارد (حبیبـی، ۱۳۸۶: ۹۴). آرمان‌شـهر مکتـب صفـوی نمـاد و تجلـی از شـهر آرمـان در ۴ شـاخۀ اصلـی شـهر- دیـن، شـهر- سیاسـت، شـهر- سـنت و شـهر- منطقـه اسـت کـه مجـدداً در ایـن دوران بازخوانـی و بـا ابداعـات نوینـی بازتولیـد می‌شـود. آنچـه در ایـن میـان بایـد مـورد توجـه قـرار گیـرد نفوذ قـدرت در فضـا اسـت کـه خـود را در امـر فضـا و مـکان بـه شـکل عینـی نشـان می‌دهـد[۶].

همانگونـه کـه پیش‌تـر بیـان شـد، سـه بنیـان اصلـی برخاسـته از جهان‌شـناختی اسـلام در آرمان‌شـهر ایرانـی را می‌تـوان: وحـدت (ناشـی از اندیشـۀ وحدانیـت و مبتنـی بـر سـاختار)، تجلـی[۷] (ناشـی از اندیشـۀ جانشـینی و انسـانیت و مبتنـی بـر کنـش فعـال)، سـلوک بومـی (سـازش؛ اهلیـت ناشـی از وطنیـت و بومیـت و تجلـی عقلانیـت بومـی) دانسـت کـه دیگـر اصـول از ایـن سـه منتـج می‌شـود.

سـاختار توحیـدی در جهان‌شـناختی اسـلام بـه معنـای همه‌چیـز را از یـک دانسـتن (هـر چـه از اوسـت) اسـت (بورکهـارت، بـه نقـل از معماریـان، ۱۳۸۵: ۴۳۷). سـاختار انسـانی نیـز به‌معنـای پذیـرش انسـان به‌عنـوان مرکـز وجـودی اسـت کـه مـا انسـان‌ها آن را داریـم (نصـر، ۱۳۸۵). کـه بـا حکمت و آگاهـی، آزادی و خلاقیـت تجلـی از ذات الهـی اسـت. و سـلوک به‌معنـای سـازش و پرسـتاری بـوم ایرانـی در تطبیـق خویـش بـا دیگـر بنیان‌هاسـت[۸]. از ایـن‌رو فضـا و زمـان ناشـی از ایـن نـوع سـاختار دارای ویژگـی ایدئولوژیکـی اسـت و نمایشـی از ارکان ایدئولوژیکـی (بعضـاً مبتنـی بـر مذهـب و فقـه ناشـی از آن) اسـت. از ایـن‌رو دو ویژگـی اصلـی زمـان و فضـا در حکمـت متعالیـه؛ ایدئولوژیـک (داشـتن خاسـتگاه ایدئولـوژی) و فقهـی بـودن آن اسـت. از سـویی دیگـر فضـا و زمـان در یـک دیالکتیـک سـاختاری- تجربـی به‌واسـطۀ نظام‌هـای سـازندۀ شـهر و فضاهـای شـهری بـروز عینـی می‌یابـد. در تطابـق و سـازش بـا مبانـی بومـی و زمینـه‌ای ایـران، فضـا و زمـان

خصلتی زمینه‌ای می‌یابد و متناسب با خاستگاه جغرافیایی، تاریخی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و زیست محیطی شکل خاصی می‌یابد.

ساختار ایدئولوژیک امر قدسی در قالب سنت نوین طبق آرای بورکهارت (۱۳۸۸) از سه ابزار هندسه (قدر و ریاضیات)، وزن و روشنایی (نور) برای تولید فضا و زمان استفاده می‌کند (به نقل از معماریان، ۱۳۸۵: ۴۶۵- ۴۶۶). از این‌رو فضا و زمان دارای خصلتی منطقی، اندازه‌ای و وضوح می‌یابد (ابعاد عینی فضا و زمان) که به‌واسطهٔ ویژگی نظم و رویکرد تمثیلی خصلیتی معنادار و استعاره‌ای می‌یابد.

جدول شماره ۱: انواع زمان و فضا برخاسته از حکمت متعالیه در مکتب اصفهان

عوامل	فضا- زمان	خاستگاه	ویژگی ها	شاخصه
زمانی	هندسی (قدری)	مکون و مصنوع (مادی)	محدودیت/کمی/ ثابت/تقسیم‌پذیر/	خودتنظیمی
دهری	خیالی (موهومی)	مخترع (خیال)	کم- کیفی/نسبی/ متغییر/	آستانه‌ای، هنری
سرمدی	همیشگی	مبدع (تجرد)	عدم محدودیت/ کیفی/ ازلی/ انتزاعی- واقعی/ سیال و ممتد بودن/	سازشی

یافته‌ها و بحث

یافته‌های پژوهش حاضر در چهار بخش قابل بررسی است. در بخش اول به معرفی بنیان اندیشه‌ای و ویژگی‌های تفکر جهان‌شناختی اسلام بر گرفته از مکتب اصفهان (به‌طور عام) پرداخته می‌شود. در بخش دوم چارچوب نظری بنیان مکان- زمان بر اساس این بنیان فکری و حکمت متعالیه و در قالب مفاهیم مرکزی آن و انواع فضا- زمان و اصول مکان- زمان مورد بررسی قرار می‌گیرد و در بخش سوم؛ محور راهبردهای این نوع تفکر برای کاربست تحقق آرمان‌شهر ایرانی بر اساس آموخته‌های حکمت متعالیه برای دوران معاصر ارائه می‌شود.

بنیان تفکر در جهان‌شناختی اسلامی فلسفهٔ حکمی متعالیه

بررسی آرای چاپ شده در عرصهٔ معماری و شهرسازی (نظیر نقره‌کار (۱۴۰۰و ۱۳۹۴)، نقره‌کار و همکارانش (۱۳۹۷)، سلطان‌زاده (۱۳۶۲)، نقی‌زاده (۱۳۸۵)، اهری (۱۳۸۵)، فلامکی (۱۳۸۳)، هیلند راند (۱۳۸۳)، حبیبی (۱۳۸۶)، توسلی (۱۳۶۹)) از یکسو و بنیان‌شناسی حکمت و تفکر اسلامی مکتب اصفهان در حوزه‌های فلسفی و کلامی (نظیر کربن (۱۳۸۸) و نصر (۱۳۹۳)، بلخاری قهی (۱۳۸۸)) مهم‌ترین اصول و مفاهیم حکمی در تفکر و اندیشه‌ورزی پیرامون آرمان‌شهر در مکتب اصفهان را می‌توان به شرح ذیل بر شمرد:

- تفکر استحاله‌ای: در این مفهوم شهر در محیط پیرامونی خویش و طبیعت بازتعریف می‌شود و خود جزیی از آن به‌حساب می‌آید و در توافق کامل با طبیعت است. از این‌رو توافق، همزیستی و وحدت مفاهیم بازخوانی شده در این دوران است.
- تفکر دگردیسی: در این مفهوم شهر دائماً در ارتباط با قدیم و جدید، طبیعت و مصنوع با رویکردی هماهنگ و هماوا و احترام بازسازی و نوسازی می‌شود. این دگردیسی برای رسیدن به کمال در هر لحظه در حال تحقق است.
- تفکر سیستمی: در این مفهوم شهر در ترکیب با اجزای خود نمایانگر آنها و اجزا نیز در کثرت خویش وحدت را نشان می‌دهند.
- تفکر سلسله‌مراتبی: در این مفهوم هر مقیاسی از بزرگ‌ترین تا کوچک‌ترین جز شهر بازتابی از اصل وحدت‌بخش جهان است و عالم صغیر در عناصر فضایی و زمانی بازتابی از عالم

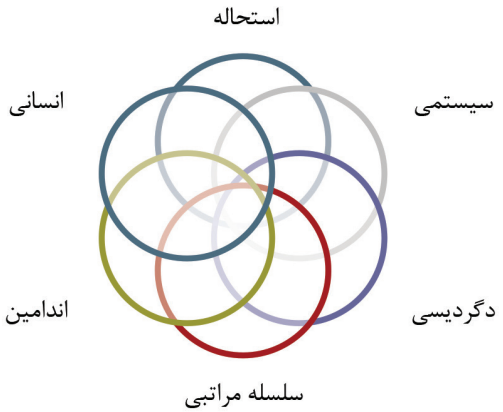
کبیر است. در این تفکر تناظری میان مراتب هستی و مراتب وجودی انسان قابل شناسایی است.

– تفکر مفهومی: در این مفهوم شهر بازتابی معنادار از هستی مطلق در قالب مفاهیم عرفانی است که در دو شکل بیان تشبیهات- شباهت‌ها (با عالم مثل) و تداعی آزاد- خیال‌انگیز (خلاقیت) دیده می‌شود.

– تفکر اندامین: در این مفهوم شهر بر مبنای چهار نظم مادی (آب، خاک، گیاه و هوا) و نظم معنایی (آسمانی، کیهانی) و نظم مقدس شکل می‌گیرد. و به تبعیت از این نظم‌ها محتوی اندامین (ارگانیک) می‌یابد.

– تفکر انسانی: در این تفکر انسان مرکز هستی است. از این‌رو نیازهای انسانی در سه ساحت نیازهای جسمانی (نفس نباتی و حیوانی)، عقلانی (نیازهای روانی) و روحانی (نیازهای معنوی) را تأمین می‌کند و همهٔ این نیازها مبتنی بر سلسله‌مراتب نفس انسانی (نامی نباتی، حسی حیوانی، ناطقه قدسی، کلی الهی) در یک تعادل قرار دارند به این معنا که هر یک از این نیازها زمینهٔ برآورد نیازهای دیگر را تأمین می‌کند.

بر این اساس چهار امر سازندهٔ سنت آرمان‌شهر در مکتب اصفهان نشأت گرفته از تفکر استحاله‌ای، بازبینی و بازخوانی (تغییر مداوم)، سیستمی، سلسله‌مراتبی، اندامین، انسانی است، که دائماً در حال بازخوانی خود از منظر ایدئولوژی و قدرت است (نمودار شمارهٔ ۸).



نمودار شمارهٔ ۸: ویژگی‌های تفکر و اندیشه‌ورزی برخاسته از حکمت متعالیه

این ویژگی‌های برای جریان تفکر می‌تواند در اتخاذ راهبردهایی برای هدایت جریانات اندیشه‌ای در دوران معاصر کارساز باشند.

ویژگی‌های مکان- فضا در جهان‌شناختی اسلامی فلسفهٔ حکمی متعالیه

در کیهان‌شناسی اسلام، فضا به عنوان یکی از نمادهای هستی، پدیده‌ای ازلی است و همه‌جا گسترده شده است. در این نگاه جهان مرکب از عالم کبیر (خدا) و عالم صغیر (انسان) که شامل جسم، نفس و روح است؛ که در دو قوس حرکت از ظاهر به باطن و باطن به ظاهر (درون به بیرون و بیرون به درون) قابل شناسایی است (قوس نزولی و قوس صعودی). انسان در فضای ساخته‌شده می‌داند کجاست و جهت برای او با معناست. بر این اساس تحدید فضایی یکی از ویژگی‌های فضایی است. محصوریت در این راستا یادآور کیهان و چهار جهات اصلی، یا هشت جهات (چهار جهت اصلی به‌اضافهٔ چهار دروازهٔ آسمان)، و یا دوازده (بروج دوازده‌گانه) است. از سویی دیگر فضا یک مکانیت معین دارد که به‌واسطهٔ تحقق نظم (نظم فضایی) پدید می‌آید. فضا دارای خصلتی میان‌کنشی دارد. به این معنا که در سلسله‌مراتبی از هم‌پیوندی فضایی نظام می‌یابد (اردلان و بختیار، ۱۳۹۱: ۱۳)؛ در اسلام، زمان همان فضا است که جنبه‌های فاعلی و انفعالی خود را به میانجی‌گری حرکت آشکار می‌سازد (اردلان و بختیار، ۱۳۹۱: ۱۹). فضا در این دیدگاه برای درک درست خصلتی چندحسی دارد.

یکی دیگر از ویژگی‌های فضا و زمان در اندیشهٔ مکتب اصفهان، وامدار تفاوت در مرزهای فرهنگی به‌واسطهٔ حضور اسلام در اقلیم‌های متفاوت (گسیل و هجرت به سرزمین‌های متفاوت)، بینابینی و آستانه‌ای بودن است. شایگان (۱۳۸۰: ۱۸۲- ۱۸۵) از این مرز تفاوت

فرهنگی با تعبیر ذوحیاتین که در مرز آب و خشکی است یاد می‌کند و ویژگی‌های آن را از لحاظ تاریخی متجانس نمی‌داند که مبتنی بر زمان خطی و پیاپی باشد، بلکه ویژگی است که تحت‌تأثیر آهنگ زمان است. بر این اساس، ویژگی دیگر فضا و زمان متولد می‌شود. فضا و زمان آرمان‌شهر ایرانی به‌واسطهٔ ویژگی بینابینی و آستانه‌ای دارای خصلتی همزیستی بین سنت اسلامی و سنت جامعهٔ ایرانی (هم از منظر منابع مادی و طبیعی و هم ارزش‌های معنوی و ارزشی) است. این امر فضا و زمان مورد توجه جهان‌شناختی اسلام را قانونمند می‌کند. این امر با واژهٔ قدر در قاموس قرآن به معنای قدرت، اندازه، منزلت و تنگ گرفتن برابری می‌کند (بلخاری‌قهی، ۱۳۹۴: ۳۹۲- ۳۹۳). از این‌رو ویژگی سوم فضا و زمان متولد می‌شود. فضا و زمان به‌واسطهٔ ویژگی همزیستی دارای قدر و هندسه است. امام علی‌بن موسی‌الرضا (ع) قدر را همان هندسه و مرزبندی می‌دانند (به نقل از اصول کافی) و همچنین در لغت قرآنی، قدر به‌معنای اندازه است و که در آن صورت حساب شده است و خود کلمهٔ خلق، ایجاد به اندازه است (حسن‌زاده آملی، ۱۳۶۳). قدر به‌معنای اندازه است. قدر الهی عبارت است از نسبتی که حدود اشیاء به ذات باری‌تعالی دارند (مطهری، ۱۳۹۰: ۱۰۶۹). بر این اساس فضا و زمان خصلتی هندسی و مرزگونه دارند[۹]. که در نظامی هماهنگ و متناسب تجلی می‌یابد. این خصلت ویژگی چهارم فضا و زمان را باعث می‌شود. فضا و زمان جهان‌شناختی اسلام برای طرح هویت آرمانی و چشم‌انداز خود برای زیست انسانی خصلتی آفرینش‌گری خلاق دارد (بلخاری‌قهی، ۱۳۹۴: ۳۹۴؛ اردلان و بختیار، ۱۳۹۱: ۷- ۱۰).

در جهان‌شناختی اسلام فضا و زمان دارای دو بعد معنا و صورت است. صورت وجوه محسوسات است که توسط حواس پنجگانه و حس مشترک (ادراک انسانی) و خیال قابل‌تشخیص و شناسایی است. از این‌رو فضا و زمان خصلتی چندحسی، مبتنی بر حس مشترک و فراتر از آن خصلتی تخیلی دارد تا از این طریق مناسبات انسان و جهان را القا کند. از این طریق جمال و زیبایی برای آرمان‌شهر مکتب اصفهان تجلی می‌یابد. برخی ویژگی‌های زیبایی که قابل تعمیم به فضا و زمان آرمان‌شهر ایرانی است را می‌توان حسن، خوبی، دلربایی، جذب و انجذاب، شور و شوق، برانگیختگی، التهاب و هیجان، تناسب و توافق، تطابق و ترتیب دانست (شیخ‌الاسلامی، ۱۳۸۶: ۶۷- ۶۸).

خیال‌انگیز بودن و تجلی آستانگی خصلتی خودتنظیمی دارد. مرزهای اختلاط به هنگام تلاقی سنت اسلامی با سنت‌های دیگر اعم از ایرانی در دو بعد عینیت و ذهنیت؛ مصنوع و طبیعی، علم و هنر، در راستای تحقق فضا و زمانی متعادل است. برخی از ویژگی‌هایی که در این راستا محقق می‌شود عبارت است از: هماهنگی، سازگاری و تبعیت .

آنچه بیان شد بخشی از ویژگی‌های فضا و زمان در مکتب حکمی متعالیه است. از این میان سه خصلت ایدئولوژیکی، دیالکتیکی، زمینه‌ای، منطقی و معنادار (تمثیلی) از ویژگی‌های اولیه و به‌واسطهٔ این‌ها بقیه ویژگی‌ها شکل می‌گیرد، که از این میان سازش (اهلیت)، آستانه‌ای، خودتنظیمی و خیالی (هنری) از آنجا که هم‌سنخی بیشتری با بنیان‌های جهان‌شناختی حکمت متعالیه می‌یابد، نقش کلیدی در تمایز آرمان‌شهر ایرانی در این دوران دارد (نمودار شمارهٔ ۹).

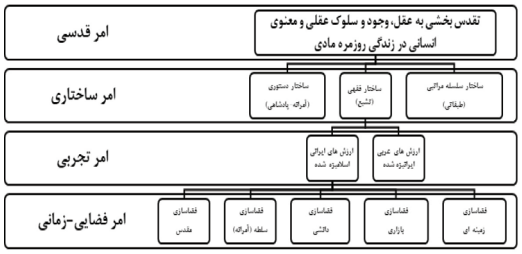


نمودار شمارهٔ ۹: ویژگی‌های فضا و زمان بر گرفته از فلسفهٔ متعالیه

چارچوب نظری بنیان‌های مکان- زمان در جهان‌شناختی اسلامیِ فلسفهٔ حکمی متعالیه

با پذیرش مکتب اصفهان به‌عنوان سنت عقلانی اسلام (با گرایش فقه شیعه) که در یک دوران خاصی از تمدن اسلامی که در ایران شکل می‌گیرد، می‌توان گفت که این دوران تعبیری نظیر از بازخوانی ارکان سنت به‌ویژه فضا و زمان به‌عنوان ظرف امر قدسی، ساختاری و امر تجربی دارد. این بازخوانی بیش از هر چیزی وامدار رویکرد حکمت‌گرا و معناداری است که در این دوران حاکم است (با استناد به آرای بورکهارت (۱۳۸۸)). معناداری وجود (انسان) به‌واسطهٔ امر قدسی پرپایه سه ویژگی کلیدی وحدانیت (ساختار توحیدی) و انسانیت (عقلانیت) است که مبتنی بر سلوک بومی (ایرانی) تئوریزه می‌شود. بر این مبنا امر قدسی با سه خاستگاه عقلانیت، معنویت و مکانیت (با تأکید بر امر فضایی)، سنت جدیدی را برای تفکر و زیست ایرانیان ابداع می‌کند که منطقی بینابینی (آستانه‌ای) دارد و در ادبیات فلسفی به آن حکمت متعالیه می‌گویند. در حقیقت آنچه از حکمت متعالیه مستخرج می‌شود؛ پذیرش امر قدسی به‌مثابهٔ امری منطقی، تجربی و زمینه‌ای است که در یک ساختار دستوری، تقلیدی و طبقاتی دیالوگی مرزی را در خاستگاه جغرافیایی و بومی خاص میان گفتمان اسلامی و گفتمان ایرانی شکل می‌دهد. از این‌رو امر قدسی مبتنی بر عقلانیت، انسانیت و شریعت ساختار خاصی را ایجاد می‌کند که در سه شکل ساختار فقهی، ساختار سلسله‌مراتبی و ساختار دستوری (آمرانه) شکلی متمرکز می‌یابد. ساختار در نظام‌های مختلف اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و نظایر آن تجربهٔ زیسته و فرهنگ زندگی روزمره مردم ایران را اسلامیزه می‌کند. این امر در ظرف زمان و مکان در اشکال فضاسازی قدسی، فضاسازی آمرانه، فضاسازی بازاری و فضاسازی منطقی (دانشی) و فضاسازی زمینه‌ای تجلی می‌یابد و به بیانی دیگر فضا و زمان در یک دیالکت میان امر قدسی، ساختاری و تجربی تولید می‌شود (فرآیند تولید فضا).

بر اساس آنچه گفته شده می‌توان چهار امر (واقع) سنت را نیز مورد بازخوانی قرار داد. چهار امر (واقع) اصلی شکل‌دهنده به سنت نیز در این دوران خوانشی نوین می‌یابند. (نمودار شمارهٔ ۱۰).

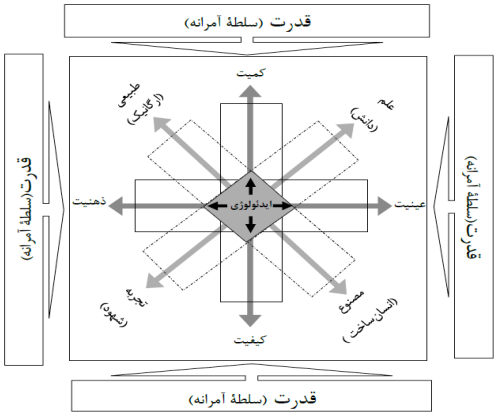


نمودار شمارهٔ ۱۰: کلیات مفاهیم کلیدی پیرامون فلسفهٔ متعالیه

در این دوران آنچه بیش از هرچیز حائز اهمیت است، دیالکتیک تعاملی میان مفاهیم دوگانه و به‌اصطلاح متضاد است. در این دوران است که تعامل و دیالکتیک متقابل میان کمیت و کیفیت؛ عینیت و ذهنیت؛ طبیعی و مصنوع؛ خرد و تجربه در مکان- زمان خود را نشان می‌دهد. در این دوران گفتمان قدرت در شکل‌دهی به زندگی روزمره و تئوریزه شدن مفاهیم انسانی و قدسی و ایدئولوژیک نقش پر رنگی پیدا می‌کند و در حقیقت باید گفتمان مسلط بر این دوران را گفتمان قدرت دانست.

با تأکید بر آرای متفکران مکتب اصفهان به‌ویژه میرداماد و ملاصدرا و با تأکید بر آرمان‌شهر ایرانی و انواع آن می‌توان شاخص‌های شکل‌دهنده به آرمان‌شهر ایرانی مبتنی بر مکتب اصفهان را در چهار شاخص اصلی کمی- کیفی، عینیت- ذهنیت، علم- تجربه و طبیعی- مصنوع (شاخص ارگانیک- انسان‌ساخت (هنر)) گسترش داد. آرمان‌شهر ایرانی با رویکرد

انتقادی با دو شاخص تجربه- هنر و عقل- علم تکمیل می‌شود[10]. آرمان‌شهر ایرانی با تأکید بر حکمت متعالیه را میتوان در طیفی از عقل‌گرایی و تجربه‌گرایی پیرامون دو محور انسان و بوم‌زیست و در دو عرصهٔ هنر و علم با مرکزیت ایدئولوژی و سلطهٔ قدرت خلاصه نمود (نمودار شمارهٔ ۱۱).



نمودار شمارهٔ ۱۱: دوگانه‌های موثر بر سنت و امر قدسی، ساختاری، تجربی و فضایی- زمانی مبتنی بر حکمت متعالیه

انواع فضا و زمان در مکتب شهرسازی و معماری اصفهان (به تأثیر از حکمت متعالیه)

مبتنی بر یافته‌های پژوهش، می‌توان ۵ نوع مکان- زمان را بازشناسی کرد:

- مکان- زمان جاودان (مقدس): به‌عنوان تعبیری از مکان و زمان کیهانی که به آگاهی از خلقت می‌انجامد. این مکان و زمان تابع نظم مقدس و سنت برخاسته از ایدئولوژی اسلامی است که به بازتاب مفاهیم امر مقدس در ساخت می‌پردازد. این مکان و زمان بسیار تابع نظم مقدس است. آنچه در ادبیات فلسفی آرمان‌شهر ایرانی می‌توان تحت‌عنوان مکان- فضای ازلی- ابدی از آن تعبیر کرد. تعابیر مانند عروج و معراج و تجلی آن در معماری مساجد برای مثال قرارگیری شمسه که نماد پیامبر اسلام است در مازهٔ گنبد.

- مکان- زمان طبیعی: مکان و زمان‌های ناشی از ادراک و دریافت انسان از محیط طبیعی. این مکان و زمان تابع نظم عناصر طبیعی (خاک، آب، هوا و پوشش گیاهی) است.

- مکان- زمان هندسی: مکان و زمان‌هایی که از انطباق صوری و هماهنگ کردن فضاهای ساخته شده در محیط مصنوع و هماهنگی ظاهری تجلی می‌یابد. این مکان و زمان تابع نظم ساختاری است.

- مکان- زمان زیسته (ادراک زیست): مکان و زمانی که به‌واسطهٔ امر ادراکی توسط افراد یا به صورت جمعی و یا به‌صورت فردی تجربه می‌شود. این امر در قالب ساختارهای مختلف فلسفی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی در جوامع دیده می‌شود.

- مکان- زمان هنرمندانه (زیباشناختی): مکان و زمان که به‌واسطهٔ تجربهٔ زیست هنرمندانه توسط افراد به صورت فردی و جمعی شکل می‌گیرد.

مدل اندیشه‌ای پیشنهادی برای ویژگی‌های آرمان‌شهر معاصر ایرانی (مبتنی بر یک دورهٔ طلایی فلسفی)

این پژوهش بر اساس سه پیش فرض مطالعاتی در آرمان‌شهر؛ تعارض عینیت و ذهنیت، دیالکتیک سطوح اندیشه‌ای، ساختاری و کنشی و میانجی‌گر زمان و فضا به‌عنوان ظرف؛ آغاز گردید. با تأکید بر جهان‌شناختی اسلام در ایران دوران صفویه و تجلی آن در حکمت متعالیه، خوانشی از بنیان‌های موثر بر اندیشه‌ورزی پیرامون انسان و محیط آن انجام پذیرفت. بر این اساس چهار امر قدسی، ساختاری، تجربی (زیسته) در امر تولید فضایی- زمانی بروز عینی می‌یابد. در مکتب فلسفی متعالیه آنچه نسبت به قبل بروز می‌یابد، فرآیند تولید فضا یا ساختن جغرافیاهای انسانی (تولید عاملیت انسانی) و تحقق فضامندی اجتماعی

از یکسو و ساختن جغرافیای مکانی (ساختاریابی محیطی و زمینه‌ای) و تحقق فضامندی کالبدی و عملکردی مبتنی بر عقلانیت و معنویت می‌باشد. در این فلسفهٔ حکمی انسان و قداست بخشی به سوژهٔ انسانی و فضا و قداست بخشی به ابژهٔ فضایی مبتنی بر سه ویژگی قدری، خیالی و ازلی- ابدی حالتی آستانه‌ای، خودتنظیمی، سازشی و خیالی (هنری) بروز می‌یابد.

این نوع نگاه به امر فضا و زمان می‌تواند محورهای کلیدی اندیشه‌ورزی پیرامون شهر معاصر ایرانی و ایده‌پردازی پیرامون آن و ارائهٔ راهکارهای مناسب را به شرح ذیل نشان دهد:

- خوانش اشکال گوناگون تعارضات مکانی و زمانی میان فرهنگ‌های مهمان و میزبان در فضاسازی و زمان‌مندی محیط‌های انسان‌ساخت به اقتضای شرایط زمانی و مکانی؛
- خوانش فرهنگ دیالکتیک میان ساختار و نظام‌های شهری مبتنی بر امر زیسته که به‌واسطهٔ گفتمان ایدئولوژیکی کنش‌های شهری را در تولید فضا و زمان شاخص می‌سازد.
- خوانش فرهنگ میانجی‌گر (فرهنگ مرزی/ آستانه‌ای) در تولید فضا و زمان؛
- خوانش الگوهای فرهنگ سنتی در تولید فضا و زمان؛
- خوانش مؤلفه‌های سازندهٔ جنبه‌های نوآوری و خلاقانه (و بعضاً هنری) در تولید فضا و زمان؛
- خوانش ظرفیت و قدر محیطی (ظرفیت‌های زمینه‌ای و محیطی) در تولید فضا و زمان.

راهبردهای اندیشه‌ورزی در تولید مکان- زمان مبتنی بر ویژگی‌های آرمان‌شهر برای شهر معاصر ایرانی

بر اساس ویژگی‌های آرمان‌شهر معاصر ایرانی می‌توان چهار استراتژی و راهبرد کلیدی که نقش کلیدی در رهایی از تناقض برای شهر معاصر ایرانی داشته باشد را به شرح ذیل برشمرد:

- **راهبرد ایدئولوژیکی** ناشی از امر سنتی در جامعهٔ ایرانی در تولید فضا و زمان‌مندی فضایی: این استراتژی‌ها به‌دنبال تلفیق سنت و ایدئولوژی‌های ریشه‌دار (زمینه‌ها رخداد امر قدسی) با نیازها و واقعیت‌های زندگی معاصر شهر ایرانی است. این راهبرد به مجموعه اقدامات و رویکردهایی اشاره دارد که در آنها اصول، ارزش‌ها و الگوهای رفتاری برگرفته از سنت‌های فکری، دینی، اجتماعی و فرهنگی ایران به‌طور آگاهانه و نظام‌مند در طراحی، برنامه‌ریزی، مدیریت و استفاده از فضاهای شهری و همچنین تنظیم الگوهای زمانی زندگی در آن فضاها (زمان‌مندی فضایی) به‌کار گرفته می‌شوند.
- **راهبرد اقتضایی** ناشی از خوانش تعارضات موجود در جامعهٔ ایرانی در تولید فضا و زمانمندی فضایی: این راهبرد، برخلاف راهبرد ایدئولوژِک، بر شناسایی و مدیریت تعارضات واقعی و موجود در جامعه ایرانی تمرکز دارد. به این معناست که راه‌حل‌ها و رویکردها ثابت نیستند، بلکه متناسب با نوع، شدت و بستر تعارضات موجود در جامعه شکل می‌گیرند. هدف این راهبرد کاهش تنش‌ها، ایجاد امکان همزیستی است.
- **راهبرد انتفاعی** ناشی از خوانش گفتمان مرزی میان ساختار و نظام‌های شهری در تولید فضا و زمان‌مندی فضا تا با بهره‌گیری از وجه‌های مثبت هر دو به یک سنت فکری جدید منجر شود. این راهبرد به‌دنبال شناسایی و بهره‌برداری از پتانسیل‌های موجود در نقاط تلاقی و مرزهای میان دو گفتمان ظاهراً متضاد است. هدف نهایی، تولید فضاهایی پویا و زمان‌بندی‌های منعطف است.
- **راهبرد انطباقی** ناشی از ظرفیت و قدر زمینه‌ای که در رویکردی سازشی به سوی

همزیستی و همزمانی زمان و فضا با ساختار و نظام‌های شهری و تجربه‌های زیستی پیش است. این راهبرد بر ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های پنهان و موجود در زمینه یک شهر تأکید دارد و به دنبال یک رویکرد سازشی برای ایجاد همزیستی و هم‌زمانی بین ابعاد مختلف شهری است. هدف این راهبرد انطباق‌پذیری و هم‌زمانی است.

- **راهبرد تهاجمی** ناشی از جنبه‌های تمثیلی و خیالی و نوآورانه در فضاسازی و زمانمندی فضایی: این راهبرد، رویکردی آینده‌نگر است که بر قدرت تخیل، نوآوری و خلق نمادها و تمثیل‌های جدید برای شکل‌دهی به فضا و زمان‌بندی شهری تمرکز دارد.

نتیجه‌گیری

پاسخ به سؤالات این پژوهش از طریق مروری بر ادبیات نظری و شیوه‌های اندیشه‌ورزی و خوانش مفاهیم کلیدی در نگاه فلسفی انجام پذیرفت. در این راستا دوران خاص از تاریخ کشور ایران (صفویه و حکمت متعالیه و مکتب اصفهان) با تأکید بر امر (واقع) فضا (در معنای عام و مکان در معنای خاص) و زمان در آرای نظریه‌پردازان مورد بررسی قرار گرفت.

یافته‌ها در پاسخ به سؤال شناسایی بنیان‌های آرمان‌شهر در جهان‌شناختی اسلامی با تأکید بر جوامع میزبان (ایران) حاکی از آن است که بنیان‌های آرمان‌شهر در حکمت فلسفی متعالیه در ایران با محوریت قرار دادن دیالکتیک انسان (فطرت انسان، نقش انسان در هستی، معناداری زندگی انسان و کمال وی به‌عنوان ابژه) و محیط زندگی وی (به‌عنوان سوژه) خاستگاهی ایدئولوژیکی دارد. در ایران به‌عنوان یک جامعهٔ میزبان شهر آرمانی در چهار امر یا واقع در نظریه‌پردازی پیرامون آرمان‌شهر مطرح بوده است: امر قدسی، امر ساختاری، امر تجربی که در شکل فضایی- زمانی بروز عینی می‌یابد. امر قدسی به‌عنوان یک سنت ایدئولوژیکی که هدف آن قداست‌بخشی به عقلانیت، انسانیت و شریعت زندگی روزمره است خاستگاه خویش را در گفتمان اسلام و ایران می‌یابد. از این‌رو امر قدسی ورای ارزش‌های اسلام در ایران ابداع می‌شود که به‌شدت ایرانیزه شده است (اسلام ایرانیزه شده که به‌واسطهٔ فقه و زمینه تجلی می‌یابد).

شاخص‌های مفهومی زمان و مکان برگرفته از فلسفی حکمی متعالیه پیرامون آرمان‌شهر در ایران دارای ویژگی دیالکتیکی با اجتماع و امری جدایی‌ناپذیر از آن است. این ویژگی‌های از طریق منطق، اندازه و خوانایی (وضوح) تجلی عینی می‌یابد و مکان و زمان با بهره‌گیری از رویکرد حکمت‌گرا و معنادار متعالیه، خصلتی استعاره‌ای و تمثیلی دارد. دیگر ویژگی‌های فضا و زمان در این پژوهش از اینها منتج می‌شود.

با توجه به دوران معاصر می‌توان راهبردهای پیشنهادی برای هدایت جریان تفکر آرمانی برای شهر و فضاهای شهری ایران را راهبردهای ایدئولوژیکی، اقتضایی، انتفاعی، تهاجمی و انطباقی دانست.

این پژوهش سرآغازی بر کاربست یک نوع نگرش فلسفی به شهر و فضاهای شهری است که بعدها می‌تواند برای دیگر مکاتب فکری برای پیشنهاد شیوه‌های اندیشه‌ورزی و ایده‌پردازی به‌کار گرفته شود.

پی‌نوشت

۱. در نگاه پژوهشگر مفاهیم شهری از دو منبع زمینه (CONTEXT) و تاریخ (HISTORY) که اولی بر ظرفیت وجودی شهرها (پتانسیل‌ها و امکان‌های شهری) و دومی بر روش‌های زیست تمدن بشری است.

۲. این طبقه‌بندی وامدار اندیشه‌های رایج در حوزهٔ شهرسازی و طراحی شهری

است و نگارنده با توجه به تخصص اصلی خویش وامدار این نوع نگاه است. برای مطالعهٔ بیشتر در این به آرای متیو کرمونا و همکارانش (۱۳۸۸) مراجعه کنید.

۳. در اندیشهٔ نگارنده آرمان‌گرایی و آرمان‌گرایان به‌عنوان یکی از جریانات فکری بشری مورد توجه است و نظریه‌پردازی پیرامون این واژه در حوزهٔ محیط شهری با عنوان نظریهٔ آرمان‌شهربی مطرح می‌شود.

٤. در اندیشهٔ نگارنده ایدئولوژی به معنای نگاه همه‌جانبه به انسان و تفسیر جهان هستی از منظر موقعیت و مختصات انسانی است. از این‌رو هر مفهوم و پدیده‌ای اعم از انتزاعی و واقعی در رابطه و نسبت با انسان تفسیر، تبیین و بازشناسی می‌شود.

۵. نمونه‌های از آرمان‌شهر ایرانی عبارتند از:

آرمان‌شهر شهریاری: ورجمکرد (به عنوان بهشت ایرانی جمشید)، گنگ دژ (سیاوش کاوسان)، کاخ کاووس (کاووس)، کاخ افراسیاب.

نسل دوم: بهشت شداد (ابولفتوح رازی)، شارستان زرین، بستان اولیاء (شرف‌الدین ابراهیم روزبهانی)؛ مدینهٔ فاضله (فارابی)، مدینهٔ عادله (ابن سینا)، مدینه فاضله خواجه نصرالدین طوسی‌وهمچنین‌آرمان‌شهرابن‌رشد.

٦. نمونه‌ای از مطالعات در این زمینه مطالعات حقیقی بروجنی و همکارانش (۱۳۹۹) است. برای مطالعه بیشتر در این زمینه به این چکیده نگاه کنید.

۷. با استناد به آرای اسلامی، انسان به‌عنوان خلیفه‌الله برای ایجاد نسبت میان وحدت ذاتی حق از یک‌سو و کثرت واقع از سویی دیگر به تجلی، ظهور، ظل و پرتو می‌پردازد. در این نگاه انسان اسنان به مقارنت علم و ارادهٔ خویش به جلوه‌پردازی و تجلی ذات بسیط احدیت می‌پردازد. در این دیدگاه به زبانی ساده اقدام به حد یافتن یک معنا در وجودی معین می‌پردازد و این همان تعریف ایجاد است. برای مطالعهٔ بیشتر نگاه کنید به آثار دکتر حسن بلخاری قهی (دفتر اول و دوم مبانی عرفانی هنر و معماری اسلامی).

۸. نگارنده در آرای خویش وامدار طبع و سرشت پرستاری سنت ایرانی در برخورد با پدیده‌ها است در در واژهٔ اهلیت برای پژوهشگر خلاصه می‌شود. برای مطالعهٔ بیشتر در این زمینه نگاه کنید به: بهشتی و همکاران (۱٤۰۰). ایران کجاست، ایرانی کیست؟ (دفتر اول: منظر فرهنگی). تهران، نشر روزنه. همچنین در این راستا وامدار اندیشهٔ مکتب اصفهان است. از این‌رو در متمرکز کردن بنیان‌ها بر مبانی مکتب اصفهان اعم از وحدت وجود، اصالت وجود، حرکت جوهری، عالم مثال و نظایر آن بهره گرفته است.

۹. بنیان‌های هندسی مورد نظر جهان‌شناختی اسلام وامدار دو نگرش؛ یکی عرفان و نگرش عرفانی و اشراقی یونانیان (به‌ویژه فیثاغورثیان و پس از آن افلاطون) و دیگری نگرش عقلانی و مکاشفه‌ای است. آنچه در حکمت متعالیهٔ ملاصدرا به اوج تبیین خود می رسد.

۱۰. اضافه شدن دو شاخص به آرمان‌شهر با محوریت تجربه و خرد به این معنا نمی باشد که در آرمان‌شهرهای غربی این دو شاخص وجود ندارد؛ بلکه از آنجایی که تأکید بر آرمان‌شهر ایرانی

در دوره‌ای خاص (آرمان‌شهر حکمت متعالیه و مکتب اصفهان) است این دو به نمودار اصیل آرمان‌شهر اضافه شده است.

منابع

اردلان، نادر و ژاله بختیار (۱۳۹۱) حس وحدت: نقش سنت در معماری ایرانی، ترجمه جلیلی، تهران، موسسه علم معمار رویال.

اصیل، حجت‌الله (۱۳۹۳) آرمان‌شهر در اندیشه ایرانی، تهران، نشرنی.

آکوچکیان، احمد (۱۳۸۸) از آرمان‌شهر تا شهر توسعه (جزوه چاپ نشده)، اصفهان، دانشگاه هنر اصفهان، معاونت پژوهشی.

اهری، زهرا (۱۳۸۵) مکتب اصفهان در شهرسازی: دستور زبان طراحی شالودهٔ شهری، تهران، فرهنگستان هنر.

اولئاریوس، آدام (۱۳۷۹) سفرنامه آدام اولئاریوس (اصفهان خونین شیخ صفی)، ترجمه حسین کردبچه، تهران، هیرمند.

اولئاریوس، آدام (۱۳۸۵) سفرنامه آدام الئاریوس: ایران عصر صفوی از نگاه یک آلمانی، ترجمه به‌پور، تهران، ابتکار نو.

بلخاری قهی، حسن (۱۳۸۸) مبانی عرفانی هنر و معماری اسلامی، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، حوزه هنری سوره مهر.

بنانی، امین و دران، دارلی، دوبروین و سیوری (۱۳۹۰) راجرمروین صفویان، ترجمه آژند، تهران، مولی.

بورکهارت، تیتوس (۱۳۸۸) هنر مقدس: اصول و روش‌ها، ترجمه ستاری، تهران، سروش.

تاجبخش، کیان (۱۳۸۶) آرمان‌شهر: فضا، هویت و قدرت در اندیشهٔ اجتماعی معاصر، ترجمه خاکباز، تهران، نشرنی.

تاورنیه، ژان باتیست (۱۳۶۳) سفرنامه تاورنیه ترجمه ارباب شیرانی، تهران، نیلوفر.

توسلی، محمود (۱۳۶۹) شهر در سرزمین‌های دوره اسلامی، هفتاد مقاله، ارمغان فرهنگی به دکتر غلامحسین صدیقی، به کوشش یحیی مهدوی‌وایرج‌افشار، تهران، اساطیر.

جمشیدی، مژده (۱۴۰۰) واکاوی فضای عمومی شهری از منظر خوانش ضرب‌آهنگ کنش‌های مغایر با گفتمان رسمی (موردپژوهی: پل خواجوی اصفهان)، رسالهٔ منتشر نشده دکتری، دانشگاه هنر ایران، پردیس بین‌المللی فارابی، گروه شهرسازی.

جهانبگلو، رامین و سیدحسین نصر (۱۳۸۵) در جست‌وجوی امر قدسی: گفت‌وگوی رامین جهانبگلو با سیدحسین نصر ترجمه شهرآیینی، تهران، نشرنی.

حبیبی، سید محسن (۱۳۸۶) از شار تا شهر: تحلیلی تاریخی از مفهوم شهر و سیمای کالبدی آن تفکر و تأثر، تهران، دانشگاه تهران.

حسن‌زاده آملی، حسن (۱۳۶۳) اتحاد عاقل و معقول، نرم‌افزار مجموعه آثار علامه حسن‌زاده آملی، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.

حسینی، سیدمجتبی و محمود رضایی و علیرضا بندرآباد (۱۴۰۳) الگوی

مفهومی تأویل هستی‌شناسانه مراکز نمادین تاریخی شهر اسلامی- ایرانی، مطالعات شهر ایرانی- اسلامی، ۱۵(۵۵)، صص ۸۳-۹۹.

حقیقی بروجنی، سمر و سیدعباس آقایزدانفر و مصطفی بهزادفر (۱۳۹۹) خوانش فضا بر مبنای نظریات فضا- قدرت فوکو؛ مطالعه موردی: میدان نقش جهان در عصر صفوی، مطالعات شهر ایرانی- اسلامی، ۱۱(۳۹)، صص ۴۳- ۵۴.

https://doi.org/20.1001.1.2228639.1399.10.39.4.6

خادمی‌پور، علی و ایرج جلالی و علی رحیمی‌صادق (۱۴۰۱) بررسی تاریخی جایگاه و ساختار دیوان‌سالاری ایران بعد از اسلام تا پایان دوره صفویه. مطالعات ایرانی، بهار و تابستان، (۴۱)، صص ۱۰۲- ۱۳۲ .

دامادحسینی، محمد (۱۳۶۷) القبسات، ترجمه محقق و دیگران، تهران، دانشگاه تهران.

روویون، فردریک (۱۳۸۵) آرمان‌شهر در تاریخ اندیشهٔ غرب، ترجمه باقری، تهران، نشرنی.

ژوناس، اولویه (۱۳۹۴) رویای شهر: (سفر به دنیای شهرهای رویایی: شهر اوهام و...)، ترجمه قلعه‌نویی، تهران، دانشگاه تهران.

سلطان‌زاده، حسین (۱۴۰۰) معماری ایران در دوره اسلامی، رشت، طاعتی.

سیوری، راجر (۱۳۷۲) ایران عصرصفوی، ترجمه عزیزی، تهران، مرکز.

شایگان، داریوش(۱۳۸۰) افسون‌زدگی جدید: هویت چهل‌تیکه و تفکر سیار، ترجمه ولیانی، تهران، فرزان روز.

شیخ‌الاسلامی، علی (۱۳۸۳) خیال و مثال و جمال در عرفان اسلامی، تهران، فرهنگستان هنر.

صبری، حسین، و غلامرضا اعوانی (۱۳۹۸) مبانی سنتی هنرهای اسلامی، جاویدان خرد، ۱۶(۳۵)، صص ۱۲۱- ۱۳۸.

SID. https://sid.ir/paper/368072/fa

علیزاده‌مقدم، بدرالسادات (۱۳۹۸) حیات اجتماعی دورهٔ صفویه از منظر تذکرهٔ نصرآبادی، تاریخ و فرهنگ، (۱۰۳)، صص ۱۳۵- ۱۵۱.

فکوهی، ناصر (۱۳۸۳) انسان‌شناسی شهری، تهران، نشرنی.

فلامکی، محمدمنصور (۱۳۹۳) ریشه‌ها و گرایش‌های نظری در معماری، تهران، فضا (وابسته به مؤسسه علمی و فرهنگی فضا).

فلامکی، محمد منصور (۱۳۸۱) ریشه‌ها و گرایش‌های‌نظری‌معماری،تهران،فضا.

کرمونا، متیو و همکاران (۱۳۸۸) مکان‌های عمومی فضاهای شهری ابعاد گوناگون طراحی شهری، ترجمه فریبا قرائی و همکاران، تهران، دانشگاه هنر.

کهون، لارنس ای (۱۴۰۳) از مدرنیسم تا پست‌مدرنیسم، مترجم عبدالکریم رشیدیان موحد، چاپ ۱۹، تهران، نشرنی.

محمدی، حمید (۱۳۹۷) اندیشه‌های شهرسازی در آثار متفکران ایرانی و مسلمانان (از آرمان تا واقعیت)، یزد، یزد.

مطهـری، مرتضـی (۱۳۹۰) مجموعـه آثـار، تهـران، صـدرا.

معماریـان، غلامحسـین (۱۳۸٤) سـیری در مبانـی نظـری معمـاری، تـهران، سـروش دانـش بـا همـکاری معمـار.

معیـن، محمـد (۱۳٦۳) فرهنـگ معیـن، تهـران، زرین.

نصـر، سیدحسـین و الیـور لیمـن (۱۳۹۳) تاریـخ فلسـفه اسـلامی، ترجمـه جمعـی از مترجمـان، تهـران، کیمیـای حضـور.

نقـره‌کار، عبدالحمیـد (۱۴۰۰) حکمـت اسـلامی در خلـق آثـار هنـری معمـاری و شهرسـازی(چـاپ‌دوم)،تهـران،سـروش.

نقـره‌کار، عبدالحمیـد (۱۳۹٤) برداشـتی از حکمـت اسـلامی در هنـر و معمـاری، تهـران، فکـر نـو.

نقـره‌کار، عبدالحمیـد و مهـدی حمزه‌نـژاد و علی‌محمـد رنجبرکرمانـی (۱۳۹۷) تبییـن معمـاری و شهرسـازی مبتنـی بـر هویـت اسـلامی- ایرانـی، قزویـن، جهاددانشـگاهی.

نقـی‌زاده، محمـد (۱۳۸۵) معمـاری و شهرسـازی اسـلامی، تهـران، راهیـان.

هانـری، کربـن (۱۳۸۸) تاریخ فلسـفه اسـلامی، ترجمـه طباطبایـی، تهـران، کویر.

هیلنـد برانـد، رابرت (۱۳۸۳) معماری اسـلامی، ترجمـه باقـر آیت‌اللـه‌زاده شـیرازی، تهـران، روزنه.

وحیـد دسـتجردی، امیرحسـین و سـعید بینای‌مطلـق و یوسـف شـاقول (۱۳۹۸) بهـار و تابسـتان، ۳۵ ، سمبولیسـم از منظـر سـنت‌گرایی، جاویـدان خـرد، صـص ۲۰۷- ۲۳۲.

Gordin, M., Tilley, H. & Prakash, G. (2011) Introduction. Utopia and Dystopia beyond Space and Time. In M. Gordin, H. Tilley & G. Prakash (Ed.), Utopia/Dystopia: Conditions of Historical Possibility (pp. 1- 18). Princeton: Princeton University Press. https://doi.org/10.1515/9781400834952.1

Li, W. (2021) Time- Space Utopian Model as a Critical Method of Sociology: A Book Review of Utopia Method Vision. Open Journal of Social Sciences, 9, 65- 73. doi: 10.4236/jss.2021.912005.

Scholar, R. (2023) Utopias and temporo- spatial invention: reading More with Marin. Early Modern French Studies, 45(1), 22-29. https://doi.org/10.1080/20563035.2023.2200410

Hayes, K. E. (2025) Imagined utopias: Brasília and the Valley of the Dawn. Religion, 55(2), 448-464. https://doi.org/10.1080/004872 1X.2024.2444127

Levitas, R. (2013) Utopia as method: The imaginary reconstitution of society. Palgrave Macmillan.

بررسی نحوه و میزان تأثیرگذاری آموزه‌های اسلام بر ارکان و اصول شهرسازی ایران (قبل از ورود اسلام)

مینو علیخانی* ، ندا محمدرحیم پناه** ، سعید شریف‌کاظمی***

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۷/۱۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۵/۲۷

نوع‌مقاله:پژوهشی- ۴۵-۲۷

چکیده

هر شهر از دل یک فلسفه و ایدئولوژی ویژه تحقق و بسته به شرایط (فیزیکی، طبیعی و سیاسی موجود) رنگ و بوی خاص خود را پیدا می‌کند. همچنین به استناد به آنچه تاکنون در جهان رخ داده است هر اندیشه مانایی دارای ویژگی‌های خاص متعلق به خود داشته است. ادیان آسمانی نیز به‌عنوان یک ایدئولوژی و فراپارادایم، مبانی ویژه‌ای را درخصوص شهرها داشته‌اند که براساس آنها شهر، شکل می‌گرفته است. هدف از انجام این پژوهش آن است که بتوانیم به یک تراز قیاسی و تطبیقی درخصوص تطابق آموزه‌های اسلام با اصول و ارکان شهرسازی ایرانی برسیم. بدان‌معنا که تا چه میزان اصول شهرسازی ایران قبل از اسلام با آموزه‌های اسلام تطابق دارد. به‌منظور دستیابی به این شناخت، با استفاده از روش اسنادی- کتابخانه‌ای و با رویکرد توصیفی- استنباطی، شاخص‌های استخراج شده در قالب مهم‌ترین شاخص‌های کیفی در آموزه‌های اسلام و اصول شهرسازی ایرانی (قبل از ورود اسلام) مورد مقایسه قرار گرفت. در نهایت با کمی‌سازی شاخص‌های کیفی این نتیجه حاصل گردید که ورود اسلام به ایران به‌صورت یک مرهم ترمیمی و تکمیلی در جهت اصلاح آنچه وجود داشته، عمل نموده است.

کلیدواژه‌ها: شهر اسلامی، اصول شهرسازی ایرانی، آموزه‌های اسلامی، ارکان اسلامی، شهر ایرانی.

* نویسنده مسئول: دانشجوی دکتری شهرسازی، واحد علوم تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران mi.alikhani@iau.ac.ir

** کارشناسی ارشد شهرسازی، واحد علوم و فناوری پردیس، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران neda_rahimpanah@yahoo.com

***دانشجوی دکتری شهرسازی، واحد علوم تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران persiancheif@gmail.com

مقدمه

یکی از دغدغه‌های موجود در ارتباط میان شهرسازی ایران قبل از اسلام و پس از اسلام، بررسی تغییرات احتمالی است که مشخصاً به تأثیر از آموزه‌های اسلامی ایجاد شده است. دیدگاه‌های مختلفی در این خصوص وجود دارد؛ برخی بر این باورند که آموزه‌های اسلام ارتباطی با اصول شهرسازی ندارد و تنها درخصوص علوم انسانی و رفتاری دارای دستورالعمل است (بمانیان، ۱۳۹۳: ۵). درحالی‌که گروهی دیگر معتقد هستند حتی اگر اسلام دستورالعمل‌هایی درخصوص علوم شهرسازی نیز داشته باشد، درخصوص ایران قابل‌بررسی نیست و اسلام در شهرسازی ایرانی تأثیری نگذاشته است. گروهی دیگر معتقدند اگرچه اسلام و آموزه‌های آن پس از ورود به ایران، منجر به ایجاد تغییراتی در حوزه شهرسازی شده است لیکن میزان این تغییرات خود دارای سطوح مختلف است که منجر به و ایجاد اختلاف نظراتی در این خصوص شده است (نقی‌زاده، ۱۳۸۹: ۶۰). بنابراین این اختلاف‌نظرات را می‌توان در ۳ دسته تقسیم‌بندی نمود؛ الف) ورود اسلام به ایران با یک جراحی تمام‌عیار در اصول شهرسازی همراه بوده است، ب) ورود اسلام به ایران به‌صورت یک مرهم ترمیمی در جهت اصلاح سطوحی از آنچه وجود داشته، عمل نموده است و در نهایت ج) ورود اسلام به ایران به‌صورت یک جهان‌بینی تکمیلی در جهت تقویت و به‌کمال رساندن آنچه وجود داشته، عمل نموده است. برای دست‌یافتن به اینکه کدام یک از این گروه‌ها به واقعیت امر نزدیک‌تر است دو شیوه پژوهش وجود دارد. اول اینکه یک مقایسه جزئی در میان شهرها قبل از اسلام و پس از اسلام انجام پذیرد تا از میزان تمایزات بتوان به تغییرات حاصله ناشی از اسلام پی برد. نقطه ضعف این شیوه پژوهش آن است که تا چند قرن پس از ورود اسلام می‌بایست برای مطالعه قیاسی در نظر گرفته شود و اینکه چگونه می‌توان تأثیرات حاصل از وقایع تاریخی است و غیر از اسلام در دوره‌های پس از اسلام را از تأثیرات تنها ناشی از اسلام برروی شهرهای ایرانی تمیز داد. شیوه دوم پژوهش در این حوزه که در این مقاله نیز بر همین اساس موضوع مورد بررسی قرار گرفته است، مطالعه قیاسی میان اصول شهرسازی ایران قبل از اسلام با آموزه‌های اسلام است. نقطه قوت این روش آن است که مقایسه تطبیقی خارج از تأثیرگذاری سایر وقایع تاریخی است و مشخصاً تأثیر یا عدم تأثیر آموزه‌های اسلام بر روی اصول و ضوابط شهرسازی ایران مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. البته درخصوص چنین پژوهش‌هایی می‌بایست کیفی بودن مطالعات و همراهِ خطا بودنِ کمی کردنِ شاخص‌های کیفی را پذیرفت. هدف از این مقاله آن است که بتوان با ایجاد یک تراز مقایسه‌ای و تطبیقی درخصوص تطابق آموزه‌های اسلام با اصول شهرسازی ایران به دو سؤال پژوهش پاسخ داد. ۱- انطباق میان اصول شهرسازی ایرانی و آموزه‌های اسلامی به چه صورت است؟ و ۲- آموزه‌های اسلام در ارتباط با اصول شهرسازی ایرانی به چه صورت عمل نموده است؟ تا بتوان دریافت که تا چه میزان و چگونه دین اسلام بر روی شهرسازی ایران تأثیر گذاشته است. برای این منظور دو فرضیه اساسی برای پژوهش در نظر گرفته شده که عبارتند از: ۱- اسلام با ورود خود به ایران قطعاً باعث ایجاد تغییراتی در این شهرها شده است. ۲- قبل از ورود اسلام به ایران، شهرهای ایرانی براساس اصول جهان‌بینی خاص خود شکل گرفته بودند و دارای مکتب، خط فکری و ضوابط مخصوص به خود بوده‌اند.

پیشینه تحقیق

مطالعات و پژوهش‌های انجام شده در این خصوص عمدتاً درخصوص بررسی آموزه‌های اسلام مرتبط با شهر پرداخته شده است. لیکن مطالعه‌ای در راستای تطابق و میزان تأثیرگذاری اسلام بر روی شهرسازی ایرانی انجام نشده است. لذا مقاله مذکور تا حدودی در بحث موضوعی دارای بداعت است. طبق بررسی‌های انجام شده، صاحب‌نظران در حوزه مطالعاتی موردنظر به دو دسته موافقین و مخالفین تقسیم‌بندی می‌شوند. دسته اول موافقین و نظریه‌پردازان معتقد به منشأ فرهنگ و تمدن اسلامی برای شهر اسلامی که عبارتند از: ۱- ریچارد فرای[1]: اسلام اساساً دینی شهری است۲- سیناسور[2]: اسلام تمدنی بنیادگرا، سازنده و شهری است ۳- جوزف ارنست[3]: نهادها و تأسیسات جامعه مسلمین نقش سازنده و مثبتی در اسلام داشته‌اند. ٤- مارسی: اسلام در گسترش یافتن زندگی شهری نمودار شده است ٥- ابن خلدون[4]: سیستم فرهنگ شهری با ظهور اسلام در همه‌جا گسترش یافت (نجفی و آریانژاد، ۱۳۹٥: ٦٠). ٦- آرمسترانگ[5]: این دین نیز مانند همه ادیان بزرگ و آیین‌های مختلف فلسفی محصولش شهر بود ۷- ولش[6]: اسلام هم یک سنت دینی و هم یک تمدن است. ۸- گویتین[7]: آثاری که اسلام از خود برجای گذاشته، انقلابی در تاریخ تمدن جهان به شمار می‌رود (پورجعفر و همکاران، ۱۳۹٤: ٥).

دسته دوم مخالفین که معتقد به رابطه ایمان اسلامی و زندگی شهری هستند از جمله:

۱- بنت: اسلام ساختار شهرهای فتح شده را دوباره شکل داده است.۲ - ژرژ مارسی: رابطه بین ایمان اسلامی و زندگی شهری را مطرح می‌کنند.۳ - میچون: رابطه بین ایمان اسلامی و زندگی شهری را مطرح می‌کنند (پورجعفر و همکاران، ۱۳۹٤: ٦). مخالفین و نظریه‌پردازان معتقد به تقلید شهر اسلامی از شهرهای قدیمی رومی و یونانی: معتقد به عدم استمرار تاریخی شهر اسلامی، معتقد به بی‌قاعدگی شهر مدنظر فرهنگ اسلامی، معتقد به تفاوت ویژگی‌های شهر مدنظر فرهنگ اسلامی با شهر مدنظر عموم متخصصین و به‌طور کلی، نظریه‌هایی که شهر در قلمرو فرهنگ اسلامی را فاقد تداوم استمرار تاریخی می‌دانند (پورجعفر و همکاران، ۱۳۹٤: ٦).

نوآوری پژوهش فعلی در آن است که ضمن بررسی ایدئولوژی‌های غیرقابل انکار اسلام، تأثیر آن بر اصول شهرسازی ایران بررسی شده است به گونه‌ای که هیچ‌یک از اصول ایرانی و آموزه‌های اسلامی نفی نمی‌شود.

مبانی نظری

هر ایدئولوژی فکری و هر مکتب اعتقادی، اجتماعی و غیره، پس از ورود به یک بستر جغرافیایی خاص در جهت اعمال آموزه‌های خود بر آن بستر تلاش می‌نماید به‌گونه‌ای که در حد امکان به ایجاد تغییر در اصول حاکم بر موقعیت فیزیکی مذکور می‌پردازد. اسلام نیز قبل از هر چیزی یک ایدوئولوژی فکری- عقیدتی برگرفته از آموزه‌های مذهبی و آسمانی بوده که پس از ورود به بستر جغرافیایی ایران مانند هر ایدئولوژی دیگر به‌دنبال ایجاد رنگ و بوی خود بر آن ساختار فیزیکی برآمد. در این راستا نظریه برخی از صاحب‌نظران راهگشا است از جمله کارل مارکس دراین‌باره معتقد است مردم در جوامع سنتی قبیله‌ای زندگی می‌کردند و بر بعد مشارکت و شناس بودن

1.Richard Nelson Frye

2.Mohmmad Allal Sinaceur

3. Renan, Joseph Ernest

4. Ibn Khaldun

5. Karen Armstrong

6. A.T Welch

7. Shelomo Dov Goitein

افـراد در جامعـه تأکیـد داشـت. یـا امیل‌دورکیـم[1] معتقـد اسـت خودکفایـی و انسـجام اجتماعـی براسـاس همانندی‌هـا و شـباهت‌ها میـان افـراد یـک جامعـه در جوامـع عمومیـت داشـته و نظـم و بقـای جامعـه بـه اعتمـاد آنهـا بـه یکدیگـر بـرای انجـام وظایـف خاص‌شـان بسـتگی دارد (کلانتـری و همـکاران، ۱۳۹۳: ۱۸) کـه بیانگـر تأثیـر ایدئولوژی فکـری بـر شـیوه زیسـت و بعـد کالبـدی سـکونتگاه اسـت. بـه همیـن منظـور در ابتـدا اصـول فکـری و ایدئولـوژی اسـلامی و سـپس اصـول شهرسـازی ایرانـی مـورد بررسـی قـرار می‌گیـرد.

- شهر اسلامی

درخصـوص تعریـف شـهر اسـلامی، اولیـن دیدگاهـی کـه بـا آن مواجـه هسـتیم، دیـدگاه شرق‌شناسـان از شـهر اسـلامی اسـت. شرق‌شناسـان، عمدتـاً فرانسـوی، بـا مطالعـه کالبـدی شـهرهای شـمال آفریقـا، آن را جعـل کـرده و پـاره‌ای از ویژگی‌هـا را، دربـاره شـهرهایی کـه بـا آن برخـورد داشـتند (نـه همـه شـهرهای مسـلمانان) بیـان نمـوده و آن را بـه شـهر اسـلامی نسـبت دادنـد. درصورتی‌کـه ایـن ویژگی‌هـا برخـی بـه اقلیـم و برخـی بـه درهم‌آمیختگـی آداب و رسـوم سـرزمینی بـا فرهنـگ اسـلامی، بازمی‌گـردد کـه هیچ‌کـدام ارتبـاط مسـتقیم بـا آموزه‌هـای تکوینـی و تشـریعی جهان‌بینـی اسـلامی نـدارد (پورمحمـدی و همـکاران، ۱۳۹۸: ۳۵). از طرفـی آراء و اظهارنظـر مستشـرقین غربـی بـر جوامـع کشـورهای مشـرق زمیـن، چنـان گسـترده و همه‌جانبـه اسـت کـه حتـی تشـخیص متعلقـات ایـن جوامـع را بـرای خودشـان نیـز دشـوار می‌نمایـد. ایـن سـیطره در مقولـه شـهر، معمـاری، هنـر و... نیـز به‌شـدت احسـاس می‌شـود (نقـی‌زاده، ۱۳۸۹: ۱۲). از طرفـی بـا توجـه بـه فقـدان مطالعـات جامـع در ایـن حـوزه می‌تـوان گفـت در حـال حاضـر تعریـف متفق‌القـول از شـهر اسـلامی وجـود نـدارد و بهتریـن و مناسـب‌ترین شـیوه در دسـتیابی بـه یـک تعریـف دقیـق، تبییـن ویژگی‌هـای شـناخت آن پدیـده از جملـه مبانـی، ارکان، الگـو، صفـات و اصـول اسـت (نقـی‌زاده، ۱۳۹۸: ۱۱). از آنجایـی کـه دیـن اسـلام و آموزه‌هـای آن داعیـه سامان‌بخشـی بـه همـه عرصه‌هـای مرتبـط بـا معـاد و معـاش افـراد بشـر را دارد (اصغـری، ۱۳۸۵: ۸۸) و بـا قبـول ایـن مطلـب کـه هـر مذهـب، مکتـب و جامعـه‌ای، شـهری مختـص بـه خـود را می‌اندیشـد و تحقـق می‌بخشـد؛ می‌تـوان گفـت به‌منظـور شـناخت تأثیـر اسـلام بـر روی اصـول طراحـی شـهر، می‌بایسـت مبانـی (اصـول و ارکان و بـه عبارتـی آموزه‌هـای اسـلام) را درخصـوص شـهر مـورد مطالعـه قـرار داد (محمدی و همـکاران، ۱۳۹۱: ۳٤).

- مبانـی شـهر اسـلامی: مبانـی بـه آن دسـته موضوعـات یـا اصـول بنیادینـی اطـلاق می‌شـود کـه در همـه ابعـاد مربـوط بـه یـك جهان‌بینـی صـادق، جـاری، سـاری و مشـهود اسـت. ایـن مبانـی اصولـی هسـتند کـه هـر موضوعـی از آنهـا متأثـر بـوده و بـا بهره‌گیـری از آنهـا، پیـروان خـود را بـه همـان اصـول برسـاند (پورمحمـدی و همـکاران، ۱۳۹۸: ۳۴). به‌طـور کلـی مبانـی شـهر اسـلامی از دو منبـع کلـی اسـتخراج می‌گـردد؛ ۱- شرق‌شناسـان: کـه عمدتـاً کالبدمحـور بـوده و عناصـر فرمـال شـهر را مـورد بررسـی قـرار می‌دهنـد. از دیـدگاه ایـن دسـته شـهر اسـلامی بـه صـورت یـک ابـژه خـارج از متـن اجتماعـی، سیاسـی و فرهنگـی و خـارج از بعـد زمـان اسـت. ایـن گـروه ارکان شـهر را در دو بخـش کالبـدی (دسترسـی، خدمـات شـهری، اسـتحکامات) و غیرکالبـدی (امـت، نهادهـای اجتماعـی و حاکمیـت) تقسـیم‌بندی می‌کننـد. ۲- اندیشـمندان بومـی: کـه عمدتـاً متون‌محـور بـوده و بیشـتر بـر آیـات و روایـات مربـوط بـه شـهر متمرکـز اسـت. در ایـن گـروه ویژگی‌هـای مربـوط بـه شـهر عمدتـاً از متـون اصلـی اسـلام، سـبک زندگـی پیامبـر و مدینه‌النبـی اسـتخراج می‌شـود و تأکیـد آنهـا بیشـتر بـر سـبک زندگـی جامعـه مسـلمین و شـیوه اخـلاق و رفتـار آنهـا

1. Emile Durkheim

است. از نقطه‌نظر صاحب‌نظران این گروه ارکان شهر به دو بخش کالبدی (محله، مرکز شهر، حومه) و غیرکالبدی (ملت، حاکم الهی و قانون) تقسیم می‌شوند (پورمحمدی و همکاران، ۱۳۹۸: ۴۲).
اسلام به‌عنوان دین و سنّت الهی، زیستِ انسان‌ها و به‌عنوان فلسفه زندگی در همه زمان‌ها و مکان‌ها، اصول و ارزش‌هایی را برای زندگی انسان معرفی و توصیه نموده است. این اصول شهر و ساختمان را فراتر از سرپناه و مکان دانسته و رشد و تعالی معنوی انسان را در بهبود آنها جست‌وجو می‌کند. جلوه‌ها و تجلّیات شهر اسلامی، مشتمل بر راهبردهایی هستند که حاصل تعامل ویژگی‌های مطرح برای «مبانی»، «ارکان»، «اسوه» و «صفات» شهر اسلامی است. برای رسیدن به اهداف جامعه اسلامی، هویت‌مندی و اعتلای فرهنگ و اخلاق مردم در شهرسازی نقش مهمی بر عهده دارد. لذا بالطبع تهیه الگویی بومی که بر پایه آموزه‌های اسلامی و متناسب با بستر موقعیت مکانی باشد، حائز اهمیت است (اصغری، ۲۰۰۶: ۹۵).

- اصول شهرسازی ایرانی: قبل از پرداختن به این بخش شایان ذکر است با توجه به هدف و روش پژوهش، منظور از شهرسازی ایرانی دوره‌های قبل از ورود اسلام به ایران است. علیرغم مطالعات گسترده درخصوص ویژگی شهرهای ایرانی قبل از اسلام در این بخش تنها به توضیح مختصری از تاریخ ایران پرداخته شده است. به‌طورکلی سیر تحول و تطور سبک و شیوه، فرایند شهرنشینی، شهرگرایی و شهرسازی در ایران در این دوره تاریخی در دو دوره قابل بررسی است (جدول ۱) (حبیبی، ۱۳۷۸: ۶۵).

جدول شماره ۱ : سیر تحول سبک و فرایند شهرنشینی، شهرگرایی در ایران

دوره	زیردوره	مشخصه اصلی	ویژگی ها
قبل از اسلام (۹ ق.م تا ۴ ق.م)	حکومت ماد/ هخامنشی / حمله اسکندر	تولد و شکل‌گیری شار	سبک پارسی
	سلوکیان (بعد از حمله اسکندر)		شهر پارسی - هلنی / اختلاط عملی و نظری در نحوه تفکر و نگرش به جهان
	اشکانیان و ساسانیان		بالندگی مفهوم شار/ سازمان‌یافتگی کامل شار/ ابداع و سازماندهی مجدد مفهوم شار/ سبک پارتی
بعد از اسلام (۱ ه.ق تا ۴ ه. ق/ ۷ تا ۱۱ م)	دوره اولیه اسلام (عثمانی و امویان) دیلمان	تولد و شکل‌گیری شار اسلامی	تولد سبک خراسان/ شار آزاد و آزاداندیش
	سلجوقیان/ خوارزمشاهیان		اوج تجدید حیات علمی، ادبی و هنری/ تولد سبک رازی/ شار قدرتمند و یکسونگر
	ایلخانیان/ اتابکان/ ترکمانان/ گورکانیان		حضیض و از بین رفتن مفهوم شهرگرایی، شهرنشینی و شهرسازی/ تولد سبک آذری
	صفوی (سبک اصفهان)		ابداع مجدد مفهوم شار/ تولد سبک و مکتب اصفهان

به عبارتی قبل از اسلام با دو سبک عمده و یک میان‌سبک، نحوه استقرار انسان در مقیاسی بالاتر از روستا شکل می‌گیرد که در جدول شماره ۲ مشخصاً بیان شده است که می‌توان گفت دو شیوه عمده شهرنشینی همراه با سازمان فضایی- کالبدی مربوطه و یک شیوه شهرنشینی و شهرگرایی گذرا بین این دو شیوه قابل‌تأمل است.

جدول شماره ۲: شیوه استقرار سکونتگاه‌ها در ایران

دوره تاریخی	ویژگی‌های عمده	مشخصه‌های قابل‌تمایز
شیوه پارسی	ساخت اولین شار مادی الهام گرفته از شهر- تپه‌های بین‌النهرین شروع و با شکوفایی شارهای پارسی در شوش و پاسارگاد به اوج خود می‌رسد/ ایجاد شهر- معبد و شهر- قدرت / تشکیل دولت و قرار گرفتن آن در ورای همه سازمان‌های اجتماعی- اقتصادی موجود/ تبلور فضایی-کالبدی دولت	تلفیق سه مقوله عمده جهان‌بینی، اقتصاد و محیط
شیوه پارسی- هلنی	تلفیق شهر- دولت های یونانی با فرهنگ شهر- قدرت های شرقی	دولت قاهر، متمرکز و ورای طبقات دوران ماد و هخامنشی
شیوه پارتی	پیدایش نوشهرهای سوق‌الجیشی و تعمیم مفهوم شهر به منطقه‌ای فراتر از محدوده‌های کالبدی بلافصل آن/ ایجاد مفهوم منطقه‌ای با استیلا بر سازمان اجتماعی تولید	تأمین امنیت کشور از طریق شهر/ پیدایش مفهوم منطقه‌ای

روش تحقیق

در پژوهش حاضر ابتدا ادبیات مربوط به شهرسازی اسلامی (آموزه‌های اسلام که بر ایجاد شهر تأثیرگذار هستند) و شهرسازی ایرانی (اصول شهرسازی مربوط به ایران قبل از اسلام) مورد مطالعه قرار گرفت و سپس از مطالعات کتابخانه‌ای، مقالات علمی، کتاب‌ها، گزارش‌ها و اطلاعات موجود در متون تخصصی و علمی مربوطه، مهم‌ترین شاخص‌های ارزیابی در قالب ارکان شهر اسلامی، آموزه‌های اسلام و صفات شهر اسلامی استخراج شد (جدول ۳). در انتها نیز یک مقایسه اجمالی بین این دو دسته از ضوابط انجام شده که نتایج آنها اختصاراً در جدول ۵ ارائه شده است. از میان شاخص‌ها و معیارهای بررسی شده، براساس دسترسی به داده‌ها (منتج از متون و منابع موجود) و نیز مهم‌ترین موارد مرتبط با نیازهای انسان مابه ازاء ساحت‌های حیاتی وی، ۱۱ شاخص جهت تطابق دو بخش پژوهش انتخاب شده است (جدول ٤). که در نهایت به‌صورت بولینی کمی‌سازی شده‌اند.

جدول شماره ۳: مهم‌ترین شاخص‌های ارزیابی در ارکان و آموزه‌های اسلام

ردیف	نوع معیار	معیارها	رویکرد
۱	ویژگی‌ها و صفات	تجلی توحید، شهر عبودیت و عبادت، شهر تقوی، هدایت، تذکر و تفکر، عدالت، شهر اصلاح، شهر عبرت، شهر امنیت، شهر احسان، شهر اعتدال	برگرفته از مبانی و اصول متصف بر هر آنچه به صفت اسلامی مزین است (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۲۰۵)/ (مکارم شیرازی، ۱۳۹۰: ۴۵)/ (کلینی، ۱۳۷۶: ۱۱۲)
۲	ابعاد	فرهنگی، اجتماعی، مدیریتی و کالبدی	نهج البلاغه (فولادوند، ۱۳۷۷: ۶۰)
۳	صفات عملکردی و معماری که مشخصاً با زیست‌پذیری شهر مرتبط است.	امنیت اجتماعی/ فراوانی رزق و زراعت/ طیب (حاصل‌خیزی) یا به عبارتی تأمین آسایش زیست و زیست‌پذیری/ ایمنی فیزیکی/ بهداشت	آیات قرآن (فولادوند، ۱۳۷۷: ۱۷)/ (حر عاملی، ۱۳۷۲: ۱۴)
۴	ارکان شهر	انسان/ مقررات و قوانین/ محیط فیزیکی/ اصول ساخت	آیات قرآن (فولادوند، ۱۳۷۷: ۸۰)/ (حکیمی، ۱۳۸۸: ۶۵)

جدول شماره ٤: شاخص‌های منتخب در پژوهش

شاخص	دسته بندی			
	مدیریتی	اجتماعی	کالبدی	فرهنگی
تجلی توحید		●	●	
عبودیت و عبادت			●	●
تقوی		●		
تذکر			●	
عدالت		●	●	
اصلاح	●		●	
عبرت	●		●	
امنیت	●	●		
میانه		●	●	
اصول ساخت شهر			●	
بهداشت	●	●		

در این پژوهش بررسی شاخص‌ها به صورت کیفی انجام و سپس با استفاده از شیوه بولینی صفر و یک، شاخص‌های کیفی به صورت کمی تبدیل شده است و در نهایت با استفاده از یافته‌های کمی شده نهایی، نتیجه‌گیری بر اساس اهداف انجام پذیرفت. روش پیشنهادی در روند کمی‌سازی بدین‌صورت است که با فرض میزان ۱۰۰ سهم عددی هر شاخص بر اساس تعداد شاخص‌ها به‌دست آمده است. برای نمره‌دهی شاخص‌ها از روش بولینی استفاده شده است یعنی داشتن یا نداشتن تطابق شاخص به‌منظور دریافت یا عدم‌دریافت سهم عددی شاخص لحاظ شده است. به‌عبارت دیگر، درخصوص هر معیار یا شاخص تعدادی زیرمعیار منتج از ادبیات موضوعی مربوط به شاخص موردنظر تعیین شده است. لازم به‌ذکر است به‌دلیل آنکه هدف، سنجش میزان انطباق اصول شهرسازی ایرانی با آموزه‌های اسلام می‌باشد، در جدول شماره ۵ در قسمت مربوط به اسلام، توضیح زیرمعیار ارائه شده است و در قسمتِ مربوط به شهرسازی ایرانی، زیرمعیار مربوطه در اصول شهرسازی ایرانی مورد سنجش قرار گرفته است. در سنجش موضوع نیز بسته به انطباق یا عدم انطباق برای هر معیار دو حالت ایجاد شده که عبارتند از: ۱- چنانچه معیار مورد نظر در شهرسازی ایرانی دارای مصادیق انطباقی باشد، به صورت کیفی علامت (+) در ستون مربوطه درج می‌گردد، که به‌لحاظ کمی‌شدن عدد ۱۰۰ به آن تعلق می‌گیرد، ۲- چنانچه معیار مصداقی در شهرسازی ایرانی نداشته باشد، به صورت کیفی علامت (-) و به‌لحاظ کمی امتیاز صفر به آن تعلق می‌گیرد. درخصوص معیارهایی که دارای تعدادی زیرمعیار است، ارزیابی برای هر زیرمعیار به‌صورت مجزا انجام و اعداد کمی هر زیرمعیار با یکدیگر تجمیع و امتیاز نهایی معیار مشخص می‌گردد. نحوه اختصاص امتیاز در ادامه شرح داده شده است.

همچنین به‌منظور دستیابی به هدف اصلی مقاله، یک فرض استنباطی درخصوص تحلیل نتایج در چارچوب مقاله در نظر گرفته شده است، بدین‌صورت که چنانچه رتبه‌بندی و امتیاز نهایی مطالعات در دامنه ۰ تا ۳۳ ٪ قرار گیرد، نشان می‌دهد که فاصله میان اصول شهرسازی ایرانی و آموزه‌های اسلام بسیار زیاد بوده و این بدان‌معناست که با در نظر گرفتن اسلام به‌عنوان یک

مکتب کامل و پذیرفتن تأثیرپذیری قطعی شهرهای ایرانی از اسلام، قطعاً آموزه‌های اسلام منجر به ایجاد تغییرات گسترده در مبانی شهرسازی ایرانی شده است به‌گونه‌ای که می‌توان از آن به جراحی تمام‌عیار یاد نمود. از طرفی چنانچه امتیاز نهایی در دامنه ۳۳ تا ٦٦ درصد واقع گردد، نشان‌دهنده وجود یک جهان‌بینی کامل در شهرسازی ایرانی است که در برخی موارد نیازمند اصلاحات ترمیمی است. یعنی شهرهای ایرانی از اصول و ضوابط کاملی در حوزه شهرسازی برخوردار بوده و بسته به شرایط اقلیمی یا حاکمیت وقت در آن دوران در برخی موارد نیازمند اصلاحات ترمیمی است و در نهایت چنانچه امتیاز به‌دست آمده بالاتر از ٦٦ درصد باشد می‌توان نتیجه گرفت که شهرسازی ایرانی دارای مکتبی کامل و بدون نقص بوده و بی‌تأثیر از اسلام و یا تأثیرپذیری تقویتی از آموزه‌های اسلام به حیات خود ادامه داده است. در ادامه به تحلیل نتایج ارائه شده در جدول شماره ۵ پرداخته شده است.

جدول شماره ۵ : مقایسه کیفی معیارها (زیرمعیارها) و کمی‌سازی آنها

ردیف	معیار یا شاخص (صفت/ رکن)	بررسی زیرشاخص در آموزه‌های اسلام	بررسی زیرشاخص در شهر ایرانی قبل از اسلام	بررسی کیفی شاخص			کمی‌سازی شاخص
				دارای تطابق (+)	دارای تطابق میانه (+/-)	فاقد تطابق (-)	
۱	تجلی توحید	تجلی‌گاه وحدت‌هایی که اولاً تعالیم اسلامی به آنها توصیه نموده است و ثانیاً بتوانند جامعه را به وحدت اصلی رهنمون کنند. در سه حوزه مجزا مورد بحث است. ۱- وحدت جامعه: پیوند ناگسستنی با وحدت جامعه و نه تفرق مردم دارد. از راه رفع تقابل براساس قوانین و مقررات/ سلسله‌مراتب شهری/ فضاهای دارای قابلیت تعامل اجتماعی/ مهرورزی، محبت، کمک به مردم و رفتارهای متناسب با کمالات اخلاقی/ تعاملات اجتماعی نیازمند آموزش/ براساس دستورات اسلامی قابل‌تدوین بوده.	شهر در شیوه پارسی و پارتی مظهر وحدت است./ مکان جمع‌شدن سه جامعه به دور یک مکان مرکزی است/ به دنبال متراکم و متمرکز کردن کل جوامع در کنار یکدیگر است/ وجود وحدت اجتماعی کار/ بیانگر تأثیر متقابل انسان، فرهنگ روش زیست‌محیطی و اخلاق و محیط زندگی بر یکدیگر معرفی می‌کند/ به وحدت بیانی/ رونق و آبادی شهر/	+			۱۰۰
		۲- وحدت کالبد: کل متشکل از جزءهای حامی و تقویت‌کننده و مکمل یکدیگر/ متشکل از محلات متجانس و بهره‌مند از امکانات هماهنگ/ فاقد قدرت مادی/ دارای مقیاس انسانی.	در شهرهای پارسی و پارتی براساس تقسیمات اجتماعی محل زندگی اکثریت اقشار در محلی جدا از طبقات ممتاز است/ نوآوری و خلاقیت پرهیز از نماهای تکراری و یکنواخت و توجه به نوآوری و خلاقیت.			-	
		۳- وحدت با طبیعت: شهر بر ضدطبیعت و مخرب آن نیست بلکه عامل و وسیله اصلاح و عمران زمین است.	همواره در جهت استفاده از طبیعت و ایجاد شهرها با لحاظ نمودن طبیعت بدون تخریب آن بوده‌اند/ طبیعت‌گرایی اولویت استفاده از عناصر طبیعی در تلفیق با لبه‌ها و بدنه‌ها	+			

ردیف	معیار یا شاخص (صفت/ رکن)	بررسی زیرشاخص در آموزه‌های اسلام	بررسی زیرشاخص در شهر ایرانی قبل از اسلام	بررسی کیفی شاخص			کمی‌سازی شاخص
				دارای تطابق (+)	دارای تطابق میانه (-/+)	فاقد تطابق (-)	
۲	عبودیت و عبادت	به دو حالت مطرح در مجتمع‌های زیستی مطرح می‌گردد: یکی القاء بندگی حق و زمینه‌سازی برای امکان ظهور و دیگری توجه به عناصر شاخص عبادتی و نیایشی همچون مسجد	فارغ از لحاظ نمودن نوع مذهب در شهر مادها وجود شهر- معبد و در شهرهای هخامنشی و اشکانی وجود معابد در دژ حکومتی و در شهر ساسانی وجود آتشکده‌ها به‌عنوان عنصر کالبدی عبادتی حاکی از وجود عبودیت و عبادت در شهرهاست	+			۱۰۰
۳	تقوی	تنها عامل برتری افراد بر یکدیگر میزان تقوی آنها نسبت به خالق هستی است.	وجود طبقات اجتماعی به‌عنوان طبقات ممتاز در شهرها و جدا نمودن این طبقات از اکثریت ساکنان شهر نشان‌دهنده فقدان تقوی در معنای عام کلمه است			-	۰
۴	تذکر	حالت تذکردهی در شهر در سه مقوله قابل بررسی است: ۱- تماس با طبیعت: مهیا نمودن طبیعت برای مردم با حداقل دخالت انسان و خارج نمودن آن از حالت بکر/ ۲- بهره‌گیری از نشانه‌ها و نمادها/ ۳- بهره‌گیری از آیات قرانی	استفاده از طبیعت بدون تعارض با آن از پارامترهای تذکردهی در شهرها است. درخصوص مورد ۳ داده‌ای موجود نیست.		-/+		۵۰
۵	عدالت	انتخاب مکان و واگذاری نقشی خاص به هر عضو به‌گونه‌ای که بهتر از آن ممکن نباشد که در شهر از طرق مختلف حاصل می‌گردد: تنظیم روابط اجتماعی، دسترسی یکسان آحاد جامعه به امکانات، رجحان انسان بر ساخته خویش و ...	وجود طبقات اجتماعی به‌عنوان طبقات ممتاز در شهرها و جدا نمودن این طبقات از اکثریت ساکنان شهر/ وجود نظام کاستی در شهر ساسانی و جلوگیری از برخورداری یکسان از امکانات نقض عدالت است.			-	۰
۶	اصلاح	اصلاح زمین و نه فساد در آن/ عمل مخرب بر طبیعت نیست بلکه زمینه‌ساز بهره‌گیری مناسب از آن برای اهداف انسان است.	وجود دیوان کاست افزود در دوره ساسانیان در راستای گرش بر ساختن آبارهها و شترگلوها برای گذرانیدن آب کانال یا جوی، از پهنای کانال یا دره‌ها در میانه راه/ ساخت و کندن بالشت‌ها اشاره نمود که برای بازگرداندن آب‌های افزونی از کشتزارها به بستر رودخانه اصلی، یا دریاچه یا دریا و لایروبی آنها / کندن کانال‌ها و شاخه‌های آن برای رسانیدن آب رودخانه‌ها به کشتزارها بوده	+			۱۰۰

ردیف	معیار یا شاخص (صفت / رکن)	بررسی زیرشاخص در آموزه‌های اسلام	بررسی زیرشاخص در شهر ایرانی قبل از اسلام	بررسی کیفی شاخص			کمی‌سازی شاخص
				دارای تطابق (+)	دارای تطابق میانه (+/-)	فاقد تطابق (-)	
۷	عبرت	تداوم تاریخی شهر و ارتباطش با گذشته به‌عنوان یک منبع شناخت و اصلاح راه و انتخاب مسیر درست	الگو گرفتن شهر ماد از مظاهر تمدن بین‌النهرین/ استفاده از مظاهر پیشرفت از تمدن‌های موجود در ابعاد مختلف بازرگانی، اقتصادی، اجتماعی و... در دوره هخامنشیان/ بازگشت شهرهای پارتی به شهر پارسی	+			۱۰۰
۸	امنیت	از بین بردن زمینه آزار دیدن اهل شهر و تأمین امنیت در مقابل پدیده‌های خارجی/ جایگاه ویژه آسایش و آرامش در محل سکونت در اسلام/ در احادیث بسیاری خانه بزرگ سعادت شمرده شده و می‌توان مهم‌ترین دلیل این امر را در آرامش و آسایش دانست.	وجود طبقات نظامی در طبقات ممتاز اجتماعی/ وجود دژ حکومتی در ساختار کالبدی شهر/ استفاده از عناصر طبیعی در حافظت از شهرها	+			۱۰۰
۹	میانه	عدم وجود ریا و تفاخر/ عدم اختصاص اکثریت امکانات در خدمت عده‌ای خاص/ عدم توجه متفاوت به اقشار مختلف/	وجود طبقات اجتماعی به‌عنوان طبقات ممتاز در شهرها و جدا نمودن این طبقات از اکثریت ساکنان شهر/ وجود نظام کاستی در شهر ساسانی و جلوگیری از برخورداری یکسان از امکانات نقض عدالت است/ انسان‌گرایی توجه به دید ناظر و تناسبات و مقیاس انسانی و آسایش انسانی در طراحی نماها			-	۰
۱۰	اصول ساخت شهر	اصول سلسله‌مراتب/ اصل کثرت/ اصل وحدت/ اصل تمرکز/ اصل تجمع/ اصل عدم‌تمرکز/ اصل تباین/ اصل اتصال/ اصل تناسب/ اصل تداوم/ اصل توازن/ اصل قلمرو/ اصل ساده‌گی/ اصل پیچیدگی/ اصل استقرار/ اصل ترکیب/ اصل زمان/ اصل ایجاز	اصل مردم‌واری/ پرهیز از ایجاد فضاهای مسلط و بناهای سلطه/ اصل تعادل و توازن/ تعادل فضایی و توازن کالبدی. هماهنگی و هم‌آوایی عناصر/ اصل وحدت/ اصل تقارن/ اصل تناسب/ اصل همکاری/ اصل محوربندی فضایی/ اصل سلسله‌مراتب/ اصل استقلال فضاها در عین وحدت فضا/ اصل سامان‌بندی حرکت در درون فضا/ اصل تقدم/ اصل ریتم/ اصل انسجام/ اصل نظم/ اصول سلسله‌مراتب/ اصل کثرت/ اصل تمرکز/ اصل تجمع/ اصل عدم تمرکز/ اصل تباین/ اصل اتصال/ اصل تناسب/ اصل تداوم/ اصل توازن/ اصل قلمرو/ اصل ساده‌گی/ اصل پیچیدگی/ اصل استقرار/ اصل ترکیب/ اصل زمان/ اصل ایجاز/	+			۱۰۰

ردیف	معیار یا شاخص (صفت/ رکن)	بررسی زیرشاخص در آموزه‌های اسلام	بررسی زیرشاخص در شهر ایرانی قبل از اسلام	بررسی کیفی شاخص			کمی‌سازی شاخص
				دارای تطابق (+)	دارای تطابق میانه (+/-)	فاقد تطابق (-)	
۱۱	بهداشت	جنبه‌های مادی و روانی به‌همراه دارد/ از سوی دیگر راه رسیدن به زیبایی/ جامعه‌ای را موفق می‌داند که جسم و روان مردم در آن سالم باشد/	بهداشت آب/ توجه به آب در متون آیینی/ دانش آب‌شناسی/ حفرچاه/ آب انبار/ کانال‌های آبیاری/ آب‌بند/ قنات/ تلاش برای تصفیه آب/ استفاده از آب چشمه‌ها/ زندگی در کنار نهرها/ آب در آیین زرتشت نماد پاکی/ سلامت آب/ استفاده از ظروف مخصوص برای هر شخص/ اهمیت به پاک بودن آب جهت مصرف روزانه/ جدا کردن آب کثیف و آب تمیز از هم/ بهداشت خاک یا زمین/ بهداشت هوا جهت جلوگیری از بیماری‌های واگیردار/ استفاده از گیاهان معطر برای ضدعفونی‌کردن هوا/ تجزیه کردن لباس بیماران و یا حیوانات بیمار/		+/-		۵۰

یافته‌ها

براساس آنچه تاکنون مورد مطالعه قرار گرفت می‌توان مهم‌ترین شاخص‌ها را جهت بررسی موضوع به شرح ذیل معرفی نمود.

تجلی توحید: اصل توحید به‌عنوان صفت ممیزه اسلام با سایر مکاتب و ادیان، تأثیری بنیادین بر شهر اسلامی دارد که این تأثیر را در زمینه‌های متفاوت می‌توان مشاهده نمود. این صفت منبع الهام مسلمانان در کلیه فعالیت‌هایشان از جمله هنر، معماری و شهرسازی است (صابرمنش و همکاران، ۱۴۰۱: ۳). در واقع شهر تذکر جامعه به عبودیت آنان در برابر خالق یکتا به طرق گوناگون است و فی‌الواقع همه‌چیز بر این اصل تأکید دارد. این صفت در قالب «وحدت» در حوزه‌های مختلف قابل‌نمود است همچون وحدت جامعه، وحدت طبیعت و وحدت کالبد (نقی‌زاده، ۱۳۸۹: ٤). وحدت جامعه یعنی در جامعه شهری آثار وحدت و نه تفرق میان آحاد مردم ساکن در شهر مشاهده گردد. زیرا این وحدت ضامن تعالی و رشد آحاد جامعه است. لازم به ذکر است در تفکر اسلامی محور این وحدت تنها ریسمان الهی است و انتخاب محوری جز ریسمان الهی برای وحدت عین تفرق و ضد وحدت مطلوب تلقی می‌شود. لیکن در این مطالعه صرف‌نظر از تفکر صرفاً مذهبی، هدف بررسی صفات مترتب از دین اسلام در اصول شهرسازی است. از راه‌های تقویت وحدت جامعه عبارت است از وضع قوانین و مقررات، کاهش تقابل بین اقشار مختلف از جمله همسایگان، فروشنده و خریدار، حافظین قانون و مردم، سلسله‌مراتبی بودن شهرها، ایجاد فضاهایی برای ایجاد امکان برخورد و تماس مردم با یکدیگر و... . «وحدت کالبد» یعنی کالبد شهر باید به دور از قطب‌بندی‌هایی که تجلی کالبدی دارند، باشد و از محلات و اجزایی متجانس و بهره‌مند از امکاناتی هماهنگ که دارای مقیاس انسانی در مقیاس فضاها

و ابنیه است تشکیل شده است. «وحدت طبیعت» یعنی نه‌تنها در شکل‌گیری و گسترش شهر از قوانین حاکم بر عالم بهره گرفته می‌شود، بلکه شهر بر ضدطبیعت یا مخرب و عامل فساد در طبیعت نبوده و بالعکس وسیله عمران و اصلاح زمین می‌باشد. در بررسی صفت تجلی توحید در شهرهای ایرانی می‌توان گفت در دو بخش وحدت جامعه و طبیعت، مصادیقی از تطابق دریافت می‌گردد که ازجمله آن می‌توان به مواردی اشاره نمود از قبیل: ایجاد اصلاحات و تشکیلات ادارای جهت حفظ و حراست از سرزمین، شکل‌گرفتن بافت هر شهر تحت‌تأثیر ویژگی‌های طبیعی و عوامل سرزمینی، وجود عنصری به نام بازار، آگورا، میدان، فوروم و .. (حبیبی، ۱۳۷۸: ۵۵) که موجبات تعاملات اجتماعی را فراهم می‌نماید، تسهیل تجارت و وصول مالیات از طریق ضرب سکه و ایجاد روابط پولی مناسب به‌منظور جلوگیری از تقابل خریداران و فروشندگان، ایجاد شبکه‌های آبیاری به‌منظور استفاده مناسب از آب و آباد نمودن سرزمین، وجود اتحاد حکومت‌های کوچک و سلسله‌مراتبی بودن قبایل در زمان مادها، آزادی در مذهب و عقاید دینی در میان اقوام مختلف متحد با یکدیگر (به تبعیت از یک معبود بزرگ)، وجود میدان‌های ورزش و محل شورای شهر و ساختمان تجمع مردم، امتیازات مختلف اعطاءشده به شهرها از جمله تأمین منافع معابر و عدم ورود مأمورین حکومتی به شهر، وجود وحدت اجتماعی کار، هگمتانه تبلور وحدت و یگانگی سه جامعه ایلی، روستایی و شهری، ساخت شار بر مبنای باورهای دینی و متأثر از مقوله جهان‌بینی و... لیکن درخصوص وحدت کالبدی بنابر مطالعات انجام شده میتوان بر عدم تطابق اصول با آموزه‌های اسلام نظر داد که از جمله مصادیق آن می‌توان به تمایز و تقابل دستگاه‌های حکومتی با مردم به‌صورت فضایی موسوم به کهندژ که توسط بارو و خندق از سایر فضاهای شهری جدا می‌شده است، وضعیت نامطلوب روستاییان بر اثر مالیات‌های روزافزون، تقسیمات اجتماعی بر پایه وظیفهٔ کاری به سه دسته انروان، رشتر و وستریوشان، وجود قشربندی‌های اجتماعی، وجود نظام کاستی در دوره ساسانی و... اشاره نمود.

عبودیت و عبادت: عبودیت به‌معنای اعلام و اظهار بندگی است که نه‌تنها در قالب عبادات معمول که در همه قلمروهای زندگی قابلیت ظهور و بروز دارد، بلکه در مجتمع‌های زیستی مسئله نیز به دو گونه مطرح است (صابرمنش و همکاران، ۱۴۰۱: ۳). یکی القاء بندگی حق و زمینه‌سازی برای امکان ظهور و دیگر توجه به عناصر شاخص عبادی و نیایشی، همچون مساجد، حسینیه‌ها، تکایا، بقاع متبرکه و هر نوع مکان مذهبی دیگر (نقی‌زاده، ۱۳۷۷: ۵۲). درخصوص شهرهای ایران قبل از اسلام نیز همواره در هر دوره‌ای ساختارهای مذهبی وجود داشته است مثلاً وجود شهر- معبد در دوره مادها، وجود معابد در دژهای حکومتی هخامنشی و اشکانی و ساخت آتشکده‌ها در دوره ساسانیان و از طرفی تنفیذ برخی اختیارات در دوره‌های مختلف به طبقه روحانیت از جمله واگذاری نقش روحانیت به قوم مغ و یا تبدیل روحانیت به طبقه‌ای مجزا و حتی ممتاز در سایر دوره‌ها تماماً حاکی از وجود عبادت متناسب با مذهب زمانه خود است.

تقوی: اهمیت تقوی به‌عنوان ارزش اسلامی تنها عامل برتری افراد بر یکدیگر است. یعنی شهر اسلامی رشددهنده تقوای الهی، از بین‌برنده تجاوز به حقوق سایرین و تذکردهنده ارزش‌هاست (نقی‌زاده، ۱۳۷۷: ۵۲). این در حالی‌ست که تقریباً در تمام دوران قبل از اسلام در شهرهای ایرانی با تمایز میان ساکنان مواجه هستیم. تمایزی که نه برمبنای تقوای الهی و پاکی ذات افراد بلکه برمبنای میزان ثروت، قدرت، نزدیکی

به شخص حاکم و... ایجاد می‌شده است. وجود طبقات اجتماعی و نظام کاستی و جدا بودن محل زندگی آحاد مردم از طبقات اجتماعی موجود در شهر تأکیدی بر این مطلب است.

تذکر: شهر اسلامی باید برای اهلش به‌عنوان مذکر عمل کند و اهلش را به اصول و ارزش‌هایی متذکر گردد. این حالت تذکردهی در شهر در سه مقوله قابل بررسی است: یکی تماس مداوم و نزدیک با طبیعت و عناصر طبیعی و حداقل دخالت انسان که آن را از حالت بکر بودن خارج نموده و بر نقش انسان در شکل‌دهی آن تأکید نماید. این طبیعت منحصر به گیاه نیست بلکه آب، نور، هوا و موجودات زنده نیز مصداقی از آن است. دوم بهره‌گیری از آیات قرآنی در ترکیب با سایر هنرها در جایجای شهر مانند کتیبه‌های قرآنی دیوار مساجد و سایر بناها و سوم بهره‌گیری از نمادها و نشانه‌ها (چه آیات الهی و چه نمادهایی که در فرهنگ اسلامی رشد یافته‌اند) می‌باشد (نقی‌زاده، ۱۳۷۷: ٥٤). در شهرهای ایرانی نیز می‌توان درخصوص برخی موارد مصادیقی را بیان نمود. درخصوص تماس با طبیعت می‌توان از سه جنبه موضوع را مورد بررسی قرار داد. اول آنکه اغلب سکونتگاه‌های اولیه در دلتا یا دره رودها احداث می‌شده‌اند که خود نشان‌دهنده استفاده از طبیعت برای حیات و تلاش در جهت حفظ طبیعت به‌منظور ادامه حیات دارد (یوسفیفر، ۱۳۸۹: ۱۴۷). در ساخت شهرهای هخامنشی صراحتاً در منابع بیان شده است که پس از احداث آب انبار (استفاده صحیح از منابع طبیعی) و منازل اقدام به احداث باغ و بستان می‌نموده‌اند. در واقع شهرها در حوزه رسمی خود باغ و بستان داشته و در لابه‌لای آنها زراعت و کاشت را سامان می‌داده‌اند. همچنین در ساخت کالبد شهر وجود عوارض طبیعی در ساخت بخش‌های مختلف شهر تأثیرگذار بوده است. همچنین مجموعه‌های شهری به‌وسیله حصارهای طبیعی، کوه، تپه، رودخانه، جنگل و از فضای بیرون خود جدا می‌شده‌اند که این امر نشان‌دهنده استفاده از عوارض بدون تغییر در آنها جهت تسهیل زیست است. دوم آنکه شواهدی موجود است از ستایش عناصر طبیعی و تقدیس آنها در میان ایرانی‌ها در زمان‌های قدیم. به‌عنوان مثال در زمان اشکانیان احترام به خاک به‌موازات احترام به خورشید موردتقدس قرار می‌گرفته است. از طرفی عبادت و پرستش عناصر طبیعی همچون آفتاب، ماه، ستاره و خورشید نشان از اهمیت طبیعت در میان ایرانیان قدیم بوده است. در زمان هخامنشیان به خدایان تثلیثی اهورامزدا، مهر و ناهید همچون دین زردشت اعتقاد داشته‌اند و عناصر طبیعی چهارگانه آتش، آب و باد و خاک موردتقدیس و احترام بوده است. از طرفی جشن‌های سالیانه ایرانیان قدیم با تغییرات طبیعی رابطه داشته و در مراسم مذهبی برگزار می‌شده است مانند جشن مهرگان، سده، میان‌بهار، میان‌سال، دانه‌آور که خود نشان‌دهنده تقدس طبیعت است. درخصوص مورد دوم نیز می‌توان به مصادیقی اشاره نمود. به‌عنوان مثال وجود نقوش سمبلیک و مذهبی در مجموعه‌های مذهبی از قبیل تخت جمشید یا پارسه و یا استفاده از نقوش[1] مذهبی بر روی وسایل و ابزارها، معابد و مقبره‌ها، سکه‌ها.

عدالت: ویژگی بارز فعل الهی و اصل اساسی اسلام در شهر اسلامی آن است که شهر باید تجلیگاه «عدل» باشد (نقی‌زاده، ۱۳۷۷: ٤٧). این عدل تنها به عدالت قضایی و یا عدالت اجتماعی منحصر نشده و می‌تواند در همه ابعاد زندگی و افعال انسان تجلی یابد. در شهر اسلامی عدالت از بسیاری از جهات قابل توجه است از جمله امکان دسترسی

۱. لازم به‌ذکر است تا قبل از اسلام از نقوش به‌عنوان کتیبه استفاده می‌شده است.

اهالی به مراجع رفع ظلم، تنظیم روابط اجتماعی و نظارت بر رعایت آن، دسترسی متناسب کلیه آحاد به امکانات عمومی، تسهیل ارتباط انسان‌ها و فقدان امکان تجاوز به حقوق دیگران. درخصوص بررسی اصل عدالت در شهرسازی ایرانی قبل از اسلام نیز می‌توان در برخی موارد مصادیقی متصور شد مثلاً ایجاد نظام سلسه‌مراتبی در ساختار اجتماعی و تنظیم روابط و قوانین توسط اقشار جهت استفاده همگان و تنظیم قراردادهایی جهت تعیین حقوق افراد در استفاده از برخی منابع مانند آب. لیکن به‌دلیل وجود مصادیق متضاد با مفهوم عدالت از جمله وجود نظام کاستی و جلوگیری از برخورداری یکسان از امکانات برای همگان و به‌طورکلی عدم وجود مصادیق کامل درخصوص تمامی شاخص‌های عدالت، امکان فرض قطعیت در این خصوص وجود ندارد.

اصلاح: نقش پسندیده انسان طبق آموزه‌های دین اسلام در زمین «اصلاح» و اجتناب از «فساد» است. به تبع این نقش، شهرسازی نیز که از اثرات مهم انسان در زمین است بایستی صیغه‌ای از اصلاح در زمین، اصلاح در روش زندگی و... را به نمایش گذارد. بنابراین می‌توان گفت شهر اسلامی در پی اصلاح زمین است و نه فساد در آن و به عبارتی زمینه‌ساز بهره‌گیری مناسب از طبیعت برای اهدافی که برای نهایت زندگی انسان مقرر گردیده است (نقی‌زاده، ۱۳۷۷: ۵۵). با توجه به منابع اصلاح زمین به‌عنوان کلیتی جامع مشتمل بر همه فعالیت‌های انسان فرض می‌گردد، لذا عمران و آبادی زمین وجهی از آن خواهد بود. در بررسی صفت «اصلاح» در شهرهای ایرانی می‌توان به مصادیقی اشاره نمود که نشان‌دهنده تأیید صحت آن است. یعنی همواره در طول تاریخ ایرانیان به‌دنبال اصلاح و رفع محدودیت‌های طبیعی و بهره‌گیری از فرصت‌های موجود در جهت اصلاح شرایط طبیعی و آبادانی سرزمین بوده‌اند از جمله آن می‌توان به یکی از مهم‌ترین اسناد تاریخی قدیم یعنی «دیوان کاست‌افزود در دوره ساسانیان» اشاره نمود. وجود این دیوان مؤید این نکته است که در زمان ساسانیان به احداث یا نظارت بر احداث کانال‌های ابیاری و همچنین بهره‌برداری از آنها توسط نظام و دستگاه دیوانی خاص اهتمام می‌ورزیده‌اند. موضوع آبرسانی و احداث نهر، قبل از اسلام یکی از موضوعات مهم بوده، چنانکه در کتاب «آئین نامک» در زمان ساسانیان که قسمتی از آن به قوانین و دستورالعمل‌های آبیاری اختصاص دارد، گفته می‌شود در دوران پارت‌ها (سلسله اشکانیان) برای اولین بار برنامه احداث شبکه‌های آبیاری در ایران، به اجرا درآمده است. در این دوران نهرها و کانال‌هایی در زیر (قنات) و روی زمین در سطح کشور احداث شده، به‌این‌ترتیب تمامی فلات ایران را مشروب و قابل بهره‌برداری کرده‌اند. حفر قنات‌ها در زمان اشکانیان، احداث سدهای سنگی بر روی رودها، بهره‌گیری از طبیعت در دستیابی به موفقیت در امور کشاورزی، تلفیق آئین مذهبی و تفریحی با طبیعت، تقدس خدایان نگهبان عناصر طبیعی از جمله آناهیتا و... نیز همه تأییدی دیگر بر این امر است.

عبرت: تعالیم اسلامی در اکثر موارد بسیاری از مسلمین را دستور به عبرت‌گیری امر فرموده که هدف اصلی بر عبرت‌گیری از آثار پیشینیان می‌باشد (نقی‌زاده، ۱۳۷۷: ٤٧). در واقع تداوم تاریخی شهر و ارتباطش با گذشته آن یکی از مقولات مهم در شهر اسلامی است. از مطالعه تاریخ ایران و منابع موجود صراحتاً در بسیاری از موارد بازگشت دوره‌ها به اقدامات دوره‌های قبل و یا استفاده از خط و مشی آنها در ساخت زیستگاه‌های خود را شاهد هستیم. مثلاً براساس منابع قابل درک است که اولین «شار» مادی الهام گرفته از «شهر- تپه»های بین النهرین (زیگورات) شروع و با شکوفایی شارهای پارسی به اوج

خـود می‌رسـد. در جایـی دیگـر صراحتاً بـه ایـن مطلـب اشـاره شـده اسـت کـه آموختـن مظاهـر تمـدن و پایه‌هـای آن از بین‌النهریـن، سـبب می‌گـردد. در جایـی دیگـر ذکـر شـده اسـت کـه دولـت ساسـانی در سـاخت چهـره کالبـدی و سـازمان فضایـی شـار خـود بـه ساخت‌وسـاز کهـن دولـت هخامنشـی رجـوع کـرده و بـا بـه هنـگام کـردن شـار پارسـی ایـن دوران، شـار خـود را شـکل بخشـیده‌اند (خسـروآبادی و همـکاران، ۱۴۰۰: ۱۲۲). همچنیـن بازگشـت اشـکانیان بـه شـیوه پارسـی و دگرگونـی در شـهرهای هلنـی قبـل از خـود اسـت.

امنیـت: در جامعـه اسـلامی اهمیـت امنیـت بـه انـدازه‌ای اسـت کـه اولیـن وظیفـه مسـلمین در تمـاس بـا یکدیگـر القـاء ایـن مطلـب اسـت (نقـی‌زاده، ۱۳۷۷: ۵۷). امنیـت دارای ابعـاد مختلفـی اسـت از جملـه امنیـت اجتماعـی، امنیـت در برابـر تهاجـم بیگانـه، امنیـت در مقابـل بلایـای طبیعـی، امنیـت در مقابـل عـوارض فعالیت‌هـای انسـان و... . شـهر اسـلامی زمینـه آزار رسـاندن و آزار دیـدن اهـل شـهر را از بیـن می‌بـرد ضمـن آنکـه امنیـت لازم را بـرای سـاکنین در مقابـل پدیده‌هـای خارجـی تأمیـن می‌نمایـد. قبـل از بررسـی ایـن ویژگـی در شـهرهای ایرانـی لازم بـه توضیـح اسـت کـه یکـی از اولیـن و مهم‌تریـن اصـول در سـاخت هـر شـهر فـارغ از مکتـب فکـری، اعتقـاد و ... بحـث امنیـت به‌ویـژه امنیـت در مقابـل بیگانـگان اسـت. ایـن صفـت در شـهرهای ایرانـی دارای مصادیـق بسـیاری اسـت کـه از جملـه آن می‌تـوان بـه مـوارد زیـر اشـاره نمـود: اسـتفاده از حصارهـای طبیعـی پیرامـون سـکونتگاه‌ها بـه منظـور تأمیـن امنیـت، ایجـاد پادگان‌هـای نظامـی مسـتقر در شـهر پارسـی-هلنـی کـه بـه پاسـداری از منطقـه حـوزه نفـوذی شـهر می‌پرداختـه اسـت (رشـتی و همـکاران، ۱۴۰۱: ۱۸۱)، حضـور دیوان‌سـالاران و نظامیـان در زمـان اشـکانیان و جنـگاوران و سـپاهیان در دولـت ساسـانیان به‌عنـوان یکـی از طبقـات ممتـاز کـه نشـان‌دهنده اهمیـت امنیـت در ایـن شـهرها اسـت (اکبـری نصرآبـادی و همـکاران، ۱۳۹۵: ۵)، تجهیـز شـدن شـهرهای سـرحدی از دیـدگاه نظامـی جهـت حفاظـت از زمینـه‌ای میانـی و جاده‌هـای شـاهی، ایجـاد گروه‌هـای انتظامـی ویـژه در برخـی شـهرها کـه به‌منظـور مراقبـت از جاده‌هـا همـراه بـا کاروان‌هـای بـزرگ حرکـت می‌کردنـد، احـداث شـهرهای نظامـی و شـهرهای مـرزی در نقـاط حسـاس، الگـوی دایرهـای شـهرها در زمـان پارتیـان کـه به‌منظـور کنتـرل حمـلات خارجـی و جدال‌هـای داخلـی طرح‌ریـزی می‌شـدند.

میانـه: ایـن صفـت در معنـای تعـادل و میانه‌روی خـود جزیـی و یـا بـه عبارتـی عیـن عـدل اسـت. در شـهر اسـلامی نشـانه‌ای از ریـا و تفاخـر به‌چشـم نمی‌خـورد، در شـهر اسـلامی اکثـر امکانـات در خدمـت عـده‌ای خـاص نیسـت و اهمیت‌هـا تقسـیم شـده‌اند. در شـهر اسـلامی توجـه بـه برخـی کمتـر و بـه بعضـی بیشـتر نیسـت. درخصـوص بررسـی ایـن صفـت در شـهرهای ایرانـی بـه توضیحـات در بـاب صفـت «عدالـت» رجـوع می‌شـود (پورمحمـدی و همـکاران، ۱۳۹۸: ۴۲).

اصـول سـاخت شـهر: شـرایط طبیعـی فـلات مرکـزی ایـران و زمینـه‌ای حاصلخیـز آن در مجـاورت منابـع آب عامـل اصلـی پیدایـش سـکونتگاه‌های انسـانی اسـت. (پوراحمـد، پوراحمـد، ۱۳۹۱: ۲۳) اصـول و عوامـل شـکل‌گیری شـهر در ایـران قبـل از اسـلام معطـوف بـه نحـوه نگـرش بـه جهـان و اقتصـاد، تولیـد و توزیـع ثـروت، حرکـت گـردش کالا و محیـط و به‌طورکلـی عناصـر محیط‌زیسـت طبیعـی اسـت. دولت‌هـا بـر وحـدت اجتماعـی جامعـه تأکیـد داشـتند. تعریـف دقیـق سـازمان فضایـی در ایـن دوره کامـلاً مشـهود اسـت. ایجـاد شـبکه معابـر، مبنـای طراحـی بـر اسـاس مقیـاس انسـانی بـوده اسـت. توسـعه شـهرهای ایرانـی علی‌رغـم ورود اسـلام بـه ایـن منطقـه برپایـه زیرسـاخت‌های شـهری قبـل از

اسلام ادامه یافت. حفظ سه بخش اصلی مانند قبل به‌صورت ویژه بعد از اسلام نیز در شهرهای ایرانی مورد تأکید قرار گرفت. با این تفاوت که نوعی معنویت و ترکیب و ایدئولوژی اسلامی بین این عناصر حاکم شد (پوراحمد، ۱۳۹۳: ۳۰).

بهداشت: بهداشت عمومی در پیشینه ایران باستان قدمت چندهزار ساله دارد. دانش عمومی پزشکی اذعان دارد، در روزگاران قدیم ایرانیان اقدامات بهداشت عمومی در بعضی زمینه‌ها را دارا بوده‌اند. توجه به آب و اهمیت آن در ایران باستان با توجه به متون آئینی به طوری که آب، خاک، آتش و هوا نباید آلوده شوند، مطرح است (خالندی، شنو، ۱۳۹۶: ۱۱۴). در دین اسلام بهداشت در جنبه‌های مادی و روانی بحث می‌کند. دین اسلام جامعه‌ای را موفق می‌داند که جسم و روان مردم در آن سالم باشد. از سوی دیگر راه رسیدن به زیبایی را رعایت بهداشت معرفی می‌کند.

بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به بررسی‌های انجام شده و لحاظ نمودن فرضیات اولیه پژوهش، همچنین استناد به فرض استنباطی- تحلیلی پژوهش (جدول ۶)، می‌توان به نتیجه نهایی دست یافت. در این مطالعه با جمع نهایی امتیازهای به‌دست آمده و به‌دست آوردن درصد عددی، عددی معادل با ۶۳/۶۴ به‌عنوان میزان درصد بی‌تأثیری به‌دست آمده است. این بدان‌معناست که شهرسازی ایرانی تنها حدود ۳۶/۳۶ درصد از آموزه‌های اسلام تأثیر گرفته است. در تحلیل این موضوع مطابق با آنچه در جدول شماره ۷ ارائه شده است میتوان گفت در واقع در بررسی ۱۱ شاخص ارزیابی انتخاب شده در این مقاله حدود ۶۳/۶۴ درصد تطابق اصول شهرسازی ایران با آموزه‌های اسلام ارزیابی شده است که نشان‌دهنده وجود یک مکتب نسبتاً کامل در حوزه شهرسازی در ایران است. از طرفی در ۳۶/۳۶ درصد از مطالعات، عدم تطابق بین ادبیات موضوعی ارزیابی شده است که این میزان وجود فاصله جهان‌بینی را نشان می‌دهد. که با فرض اجرای تمام‌عیار آموزه‌های اسلام در بطن شهرها می‌توان به یک تطابق ۱۰۰ درصدی رسید.

جدول شماره ٦: فرض استنباطی- تحلیلی پژوهش

میزان و نحوه تأثیرگذاری آموزه‌های اسلام در شهرسازی ایرانی	درصد تأثیرگذاری
ورود اسلام به ایران با یک جراحی تمام‌عیار در اصول شهرسازی همراه بوده است.	۰- ۳۳ درصد
ورود اسلام به ایران به صورت یک مرهم ترمیمی در جهت اصلاح برخی موارد عمل نموده است.	۳۳- ۶۶ درصد
ورود اسلام به ایران بدون تأثیرگذاری یا تنها به‌صورت تأثیرپذیری تقویتی ظاهر شده است.	۶۶- ۱۰۰ درصد

جدول شماره ۷: نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها

امتیاز شاخص در آموزه‌های اسلام (فرض پژوهش)	درصد	امتیاز شاخص در شهرسازی ایرانی (یافته‌های پژوهش)	درصد
۱۱۰۰	۱۰۰	۷۰۰	۶۳/۶۴

براساس نتایج و اطلاعات به‌دست آمده می‌توان اذعان نمود که در مکتب شهرسازی ایران قبل از ورود اسلام در مقایسه با آموزه‌ها و ارکان دین اسلام در مواردی از جمله تقوی، عدالت، میانه و وحدت کالبد عدم تطابق وجود دارد. در بررسی موضوعی این شاخص‌ها می‌توان بدین موضوع پی برد که مهم‌ترین معضل و فقدان در اصول شهرسازی

ایرانی طرز تلقی آن از بعد انسانی ساکنان یک شهر است. در واقع شاید بتوان گفت بعد انسانی در این ساختار در ارتباط با سایر ابعاد سنجیده و ارزیابی می‌گردد. در صورتی‌که در اسلام شخصیت انسانی صرفاً به‌دلیل انسان بودن برای همگان یکسان و برابر فرض می‌گردد. با توجه به این طرز تلقی شاهد تفاوت‌هایی در صفات مرتبط با ابعاد انسانی هستیم. در توجیه این امر می‌توان گفت چنین طرز تلقی به یقین از جانب مذهب و دین اعمال نشده است زیرا همه ادیان از جانب یک آفریدگار بوده و منزلت انسانی را محترم می‌دانند لیکن ساختار حکومتی دوران مذکور و در رأس قرار گرفتن حاکم مطلق در تمام دوران‌های تاریخی عامل اصلی بروز این تفاوت‌ها است. به‌عبارتی در صفاتی که مرتبط با عدالت‌پروی در میان ساکنان یک شهر است و یا به‌عبارتی صفاتی که مرتبط با برابریِ محلات، ساکنان و شهر در برخورداری از امکانات، تسهیلات، آسایش و رفاه است، دارای تناقض است. تمامی موارد مذکور ناشی از اقدامات حاکمان و دیدگاه آنها در ایجاد تمایز بین حاکمان و نزدیکان آنها با سایر اقشار مردم است. در این راستا همواره در تمام دوره‌های تاریخی مذکور طبقات ممتاز اجتماعی در شهرها تعریف و حتی مکان زندگی آنها جدا از سایر اقشار مردم در نظر گرفته می‌شده است. اما درخصوص سایر موارد که عمدتاً مرتبط با ساخت کالبدی و ارتباط آن با طبیعت است می‌توان گفت در شهرسازی ایرانی (قبل از اسلام) به‌لحاظ اصول مربوط به کالبد شهری، تفکر جامعی موجود بوده است و این تا به‌حدی است که حتی پس از ورود اسلام همین اصول پایه‌ساز ایجاد شهرهای اسلامی شده است (این امر از بررسی صفت عبرت در آموزه‌های اسلام و نیز بررسی شهرهای دوران اولیه پس از ورود اسلام قابل درک است). در واقع می‌توان گفت آموزه‌های اسلام در بعد منزلت انسانی نسبت به دوره‌های تاریخی ایران زبانزد و پیشرو بوده است و سبب ایجاد تغییراتی در این راستا شده است. لیکن درخصوص مباحث ساخت کالبدی شهر، اصول و ضوابط شهری و... شهرسازی ایران زبانزد است.

بر اساس موارد ذکرشده می‌توان گفت در تمامی شاخص‌های بررسی شده چه شاخص‌های مرتبط با بعد انسانی و چه شاخص‌های مرتبط با بعد محیطی هر دو مورد (اصول شهرسازی ایران و آموزه‌های اسلام) دارای مصادیقی درخور توجه است. لیکن نحوه نگرش در آنها با یکدیگر متفاوت است. به‌عنوان مثال عدالت در آموزه‌های اسلام شامل ابعاد کمال انسانی است لیکن در اصول شهرسازی ایرانی عدالت متمرکز بر بعد زیست و مکانی است. بنابراین تغییر نگرش‌ها خود گاهاً باعث ایجاد تغییرات گسترده در متد و شیوه عملیاتی می‌گردد. بنابراین پذیرش تأثیرگذاری اسلام بر اصول شهرسازی ایران انکارناپذیر است لیکن میزان تأثیرگذاری آن حائز اهمیت است. گاهی این میزان به اندازه‌ای است که سبب تغییر یک نگرش یا متد در بستر شده است و گاه تنها به‌صورت موردی و جزئی عمل نموده است. این امر از یافته‌های حاصل از پژوهش قابل دریافت است. در ۶۰ درصد شاخص‌ها میزان تغییرپذیری شاخص‌ها به‌صورت جزئی و موردی است و در ۴۰ درصد شاخص‌ها تغییرپذیری به‌صورت عمده و بنیادی ارزیابی شده است. در آخر می‌توان گفت نبود بازتاب ایدئولوژی اسلامی در کالبد فیزیکی شهر و از طرفی وجود بستر فیزیکی منطبق با اصول شهرسازی از پیش تعیین‌شده در ایران منجر به تلفیق آموزه‌های اسلام با اصول شهرسازی ایران شد. که مسیری در جهت تقویت هر دو بخش فراهم گردید. این امر علاوه بر هویدا شدن الگوهای نادیده گرفته شده در ایران از جمله: هویت- تأثیر متقابل انسان- فرهنگ- زیست و محیط زندگی به اشاعه ارکان اسلامی از

جمله فلسفه- انسان شناسی- جهان‌بینی اسلامی در ایران کمک نمود. قطعاً انطباق میان مکتب شهرسازی ایرانی و آموزه‌های اسلام وجود داشته و دارد، لیکن میزان و نحوه اثر بخشی اسلام در اصول شهرسازی ایرانی به‌صورت مرهم ترمیمی و در جهت اصلاح نواقص در ابعاد عدالت‌پروری و برابری انسانی عمل نموده است.

منابع

اصغری، محمود (۱۳۸۵) «راهبرد دین و توسعه در اندیشه شهید مطهری» پژوهش‌های اجتماعی اسلام، ۵۸ (۱۲)، صص ۹۳- ۱۲۲. http://noo.rs/tsOaa

اکبری نصرآبادی، محمد و سیداحمد صمدیان و حسین حامدی و حسین مرادیان و کوروش محمدی و علی روشن (۱۳۹۵) «وضعیت نظام طبقاتی در عهد ساسانی»،کنفرانس بین‌المللی پژوهش در مهندسی، علوم و تکنولوژی. SID. https://sid.ir/paper/865762/fa.

بمانیان، محمدرضا (۱۳۹۳) «شهر ایرانی اسلامی: معنا و مفهوم‌شناسی شهر ایرانی- اسلامی، مبانی نظری و مصداق‌ها.» کنفرانس ملی برنامه‌ریزی و مدیریت شهری. SID. https://sid.ir/paper/836052/fa

پوراحمد، احمد (۱۳۹۳) «فضای شهری در ایران قبل و بعد از اسلام»، ششمین کنفرانس ملی برنامه‌ریزی و مدیریت شهری با تأکید بر مؤلفه‌های شهر اسلامی، مشهد. https://civilica.com/doc/349481

پورجعفر، محمدرضا و علی پورجعفر و سیما صفدری (۱۳۹٤) «انواع شهر اسلامی و اشاراتی به نحوه شاخص‌سازی در راستای شهری آرمانی- اسلامی»، پژوهش‌های معماری اسلامی، ۳(۳ (پیاپی ۸))، صص ۳- ۱۷. SID. https://sid.ir/paper/409703/fa

پورمحمدی، بحرینی و داودپور (۲۰۱۹) «شهر اسلامی: تخیل یا واقعیت»، دانش شهرسازی، ۳(۲)، صص ۳۳- ٤۷. Dio : 10.22124/upk.2019.13124.1184

تقی‌زاده، محمّد (۱۳۸۹) «روایتی ایرانی از حکمت، معنا و مصادیق هنر» ،۱،۹٦٤٤۲٦٤۲۳۱، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

حاج سیدجوادی، سیدکمال (۱۳۹۰) «واژگان سلامت در ادب پارسی»، پایش، ۱۱(۱)، صص ۱۳۹- ۱٤۹. SID. https://sid.ir/paper/23362/fa

حبیبیان، هما و نسیم جلالیان (۱۳۹٤) «تطبیق شاخص‌های شهرسازی اسلامی در فضای شهری». همایش ملی معماری و شهرسازی بومی ایران. SID. https://sid.ir/paper/826668/fa

حبیبی، سید محسن (۱۳۹۷)، «از شار تا شهر (تحلیلی تاریخی از مفهوم شهر و سیمای کالبدی آن، تفکر و تأثر) »،۹- ٥۲۰٦- ۰۳- ۹٤٦- ۹۷۸، ۱۷، تهران، دانشگاه تهران.

حرعاملی، محمدبن حسن و ابوالحسن شعرانی و محمد شریف‌رازی و عبدالرحیم ربانی شیرازی (۱۳۷۲) «وسائل‌الشیعه». قم، موسسه آل‌البیت لاحیاءالتراث.

حکیمی، محمدرضا و محمد حکیمی و علی حکیمی (۱۳۸۸) «الحیات»، احمد آرام، قم، دلیل ما.

خالندی، انور، افشار شنو (۱۳۹٦) «بررسی بهداشت عمومی در ایران باستان با تکیه بر بهداشت آب و خاک و هوا»، تاریخ‌نامه خوارزمی، ۱۸. http://noo.rs/KQkkB

خسروآبادی، مریم، و کیوان کریمی الوار (۱٤۰۰) «واکاوی اهمیت تاریخی گذرگاه ترمذ. تاریخ ایران»، پژوهشنامه علوم انسانی، ۱٤(۲)، صص ۱۱۵- ۱۳۱.SID. https://sid.ir/paper/965933/fa

رشتی، بهاره و محمدکریم یوسف‌جمالی و ناصر جدیدی و فیض‌اله بوشاسب گوشه (۱٤۰۱) «بررسی و مقایسه شهرسازی اشکانی و ساسانی با رویکردی به مؤلفه‌های سیاسی, اجتماعی

و فرهنگـی»، مطالعـات هنـر اسـلامی، ۱۹(٤٧)، صـص ۱۷٤- ۱۸۸. SID. https://sid.ir/paper/1054119/fa

رضوی‌نیـا، سیدمحمدحسـین (۱۳۹۷) «بررسـی نشانه‌شـناختی مکتـب اصفهـان در شهرسـازی و معمـاری»، مدیریـت شـهری، ۱۷(۵۰)، صـص ٤٧- ٦٣. SID. https://sid.ir/paper/91922/fa

رضـی، شـریف (۱۳۸۱) «نهـج البلاغـه» محمدمهـدی فولادونـد، تهـران، ولی‌عصـر.

صابرمنـش، علیرضـا و حسـن احمـدی و ناصـر براتـی (۱٤۰۰) «تبییـن مؤلفه‌هـای آمـوزش شهرسـازی بـا تأکیـد بـر شـاخص‌های شـهر اسـلامی محورهـای موضوعـی: شـاخص‌های شـهر ایرانـی اسـلامی» مطالعـات شـهر ایرانـی اسـلامی، ۱۲(٤٦)، صـص ۱- ۱٦. SID. https://sid.ir/paper/1041202/fa

فولادونـد، محمدمهـدی (۱۳۷۷) «قـرآن کریـم»، تهـران، دارالقـرآن کریـم.

قربانـی، آناهیتـا و راحلـه محرمـی و فریبـا حامدنسـیمی و امیرحسـن یعقوبـی روشـن (۱۳۹۷) «ضـرورت بررسـی شـاخص‌های معمـاری ایرانـی- اسـلامی در طراحـی شـهرهای نویـن بـا اسـتناد بـه تاریـخ معمـاری ایـران». معماری‌شناسـی، ۱(۳)، ۰- ۰. https://elmnet.ir/doc/2033723- 85875

کلانتـری خلیل‌آبـاد، حسـین و مهـدی حقـی و محسـن دادخـواه (۱۳۹۳) «مؤلفه‌هـای اجتماعـی الگـوی شهرسـازی ایرانـی و اسـلامی». نقـش جهـان، ٤(۱)، صـص ۱۷- ۲٦. SID. https://sid.ir/paper/249083/fa

کلینـی، محمدبـن یعقـوب (۱۳۷٦) «اصـول کافـی»، قـم، اسـوه.

مجلسـی، محمدباقر (۱٤۰۳ق) «بحارالانـوار»، عبدالزهراء حسـینی، بیـروت، وفا.

مـکارم شـیرازی، ناصـر (۱۳۹۰) «تفسـیر نمونـه» جلـد ۱، تهـران، امـام علی‌ابـن ابی‌طالـب(ع).

نجفی، موسـی و سیدسـعید آریانژاد (۱۳۹۵) «بازسـازی تمـدن نویـن اسـلامی (نگاهـی انتقـادی بـه عـدم امـکان سـنجی صحیـح آن)». جسـتارهای سیاسـی معاصـر، ۷(۳)، صـص ۵۹- ۸۲. SID. https://sid.ir/paper/233523/fa

نقـی‌زاده، محمـد (۱۳۸۹) «تأملـی در چیسـتی شـهر اسـلامی»، مطالعـات شـهر ایرانـی اسـلامی، ۱(۱)، صـص ۱- ۱٤. https://www.magiran.com/p871566

نقـی‌زاده، محمـد (۱۳۷۷) «صفـات شـهر اسـلامی در متـون اسـلامی» هنرهای زیبـا، (۰) صـص ٤-۵. https://jhz.ut.ac.ir/article_17130.html

یوسـفی‌فر، شـهرام (۱۳۸۹) «الگوهـای پیدایـش شـهر و شهرنشـینی در تاریـخ ایـران»، مجلـه تاریـخ ایـران، ۳(۱)، صـص ۱٤۵- ۱۷۰. https://irhj.sbu.ac.ir/article_94465.html

مقایسه تطبیقی تناسب و تزئینات ورودی خانه‌های دوره قاجار و پهلوی دزفول

بهزاد وثیق*

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۰۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۵/۲۷

نوع‌مقاله:پژوهشی- ۶۰-۴۷

چکیده

بررسی نماهای شهری اطلاعات ارزشمندی در فهم ابعاد زیبایی‌شناسانه و کارکرد آن به دست می‌دهد. در این میان نماهای بافت تاریخی دزفول به علت استفاده از خوون‌ها جایگاه ویژه‌ای دارند. با تغییر در نحوه ساخت و سازمان شهری در دوران پهلوی، بافت میانه در کنار بافت تاریخی شکل گرفت. در بافت جدید، نماهای شهری تعریف و ریخت نوینی یافت که از منظر استفاده از مصالح وابسته به آجر بوده اما به علت نیاز به ساخت سریع، از ارزش‌های زیبایی‌شناسانه متفاوتی برخوردار بود. در این تحقیق تلاش می‌شود تا به مقایسه هندسی و گشتالتی خوون در نمای این دو دوره پرداخته شود. هدف از انجام این کار، دست یافتن به جامعیتی در کلیات و جزئیات نمای شهری دو دوره تاریخی یاد شده است. روش انجام این پژوهش، مقایسه تطبیقی مبتنی بر توصیف و تحلیل هندسی نمای خانه‌های دوره قاجار و پهلوی دزفول است اطلاعات برمبنای مشاهده و برداشت میدانی و نیز مطالعات اسنادی-کتابخانه‌ای جمع‌آوری شده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که تناسب هندسی در نمای خانه در دو دوره رویکرد متفاوتی داشته است. تزئینات خوون‌چینی در هر دو دوره از اصول گشتالتی مشابه بهره می‌برد؛ اما در دوره پهلوی عناصری به‌علت کاهش پیچیدگی هندسی کمتر دیده می‌شود. نسبت‌ها در خانه‌های تاریخی در بازه اعداد ۱/۴۱ تا ۱/۷۳ قرار دارد و نسبت در مواردی نیز به مربع نزدیک شده است. با این حال تناسب هندسی در دوره میانه عمدتاً به مربع نزدیک است. نتیجه تحقیق نشان می‌دهد؛ نماهای دوره میانه علیرغم تفاوت‌های مشخص با دوران گذشته، تداوم زیبایی‌شناسی دوره تاریخی است.

واژه‌های کلیدی: نمای شهری، دزفول، تناسبات طلایی، گشتالت.

*دانشیار گروه معماری، دانشگاه صنعتی جندی شاپور دزفول، دزفول، ایران

vasiq@jsu.ac.ir

CC BY NC

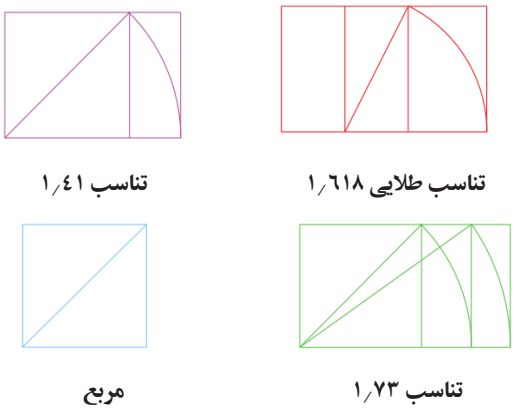
مقدمه

اقلیم، فرهنگ زمینه و یا فن‌آوری‌های ساخت باعث تنوع در شکل بناهای تاریخی ایران، شده‌اند. ورودی یکی از عناصری است که در هر جغرافیا هویتی ویژه دارد. بررسی این اندام با مطالعه نقشه و تناسب سردر آن، میسر است. با بررسی تناسبات نمای خانه می‌توان نحوه استفاده از نسبت‌ها را هم در کلیت نما و هم جزییات تزئینات آن مشاهده نمود. ایجاد تناسب مطلوب به دلیل ایجاد زیبایی بصری در معماری از اهمیت ویژه‌ای برخوردار و تقریباً همه آثار هنری براساس نوعی تناسب به وجود آمده‌اند (نجف‌قلی پورکلانتری و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۲۰). در طراحی خانه در معماری تاریخی ایران، به استفاده از تناسبات به خصوص تناسبات طلایی و کاربرد گسترده آن توسط معماران سنتی تاکید شده است (قیومی بیدهندی و عبداللهزاده، ۲۰۱٤: ۳۵). هندسه و تناسبات ابزاری مناسب جهت نظم بخشیدن به معماری و برقراری ارتباط میان اجزاء و عناصر بنا باهم و با کل اثر است (Meisner, 2018: 22). با آنکه وجود تناسب، یکی از ویژگی‌های هندسی بناهای تاریخی است؛ اما اینکه از چه تناسباتی در خانه تاریخی تبعیت شده؛ نیازمند بررسی است. سردر خانه شمال خوزستان، از حیث کالبد و آرایه، صورتی دیگر پذیرفته و برخلاف مناطق فلات مرکزی، دارای تزئینات و جزئیات فراوان است. ورودی خانه‌ها به‌عنوان نقطه عطف و مکث در کوچه‌های بافت تاریخی عمل می‌کنند که با سکوهای طرفین درگاه شروع و با طاق‌نمای بالای در ورودی ادامه یافته و پیش‌آمدگی رخ‌بام این مجموعه را کامل می‌کند (Roasaee & Mardani, 2021: 75). تزئینات در معماری دزفول با آجر انجام شده و به این نوع آجرکاری، خوون‌چینی گفته می‌شود. در این تحقیق تلاش می‌شود تا به ارزش‌های زیبایی‌شناسانه هنر خوون‌چینی و تناسبات نما براساس سنجه هندسی و تحلیل گشتالتی، دست یافته شود. هدف از این پژوهش مقایسه تطبیقی نمای خانه‌های تاریخی قاجار و پهلوی و دست یافتن به تناسبات حاکم بر آنهاست. لذا به تعریف تناسبات زرین و طلایی پرداخته شده و جدول‌هایی براساس میزان تطبیق نمونه‌های منتخب تهیه شده است. در راستای رسیدن به هدف پژوهش، این پرسش مطرح است که چگونه از تناسبات در طراحی نما خانه‌های سنتی و میانه دزفول استفاده شده است؟

مبانی نظری

نمای شهری به‌مثابه دستور زبان ساخته شده از جملات و کلماتی است که تاریخ و فرهنگ شهر را در گذر زمان نشان می‌دهد (Vo, 2021: 16). این نما نشانگر لایه‌های فرهنگی-تاریخی معماری شهر است (Glavaš etal, 2019: 44). گاه در ساخت این نماها تمایلات مالک به شکل و محتوای آن جهت بخشیده و گاه پیروی از قوانین مشخص عامل تولید آن بوده است. در بافت تاریخی علی‌رغم توجه به نیازها و علایق مالک، تبعیت از یک روش هماهنگ با کلیت شهر، دیده می‌شود که میتوان آن را در قالب تناسب و توازن در نمای شهری بیان کرد. تناسبات مجموعه‌ای از نسبت‌های ثابت است که بین اجزاء بنا نظم بصری ایجاد می‌کند (Alwetaishi, 2019: 7). از این جهت تناسب یکی از اصول اولیه اثر هنری است که رابطه هماهنگ میان اجزا آن را بیان می‌کند (Meisner, 2018: 4). توجه معماران، در تاریخ معماری ایران، عمدتاً بر محاسبات و هندسه است (صفایی‌پور و دیگران، ۱۳۹۵: ۳۲). هدف بنیادی تناسبات معماری، پدید آمدن نظم و ساماندهی میان بخش‌های مختلف یک اثر است؛ به‌طوری که برای بیننده در یک رشته تجربیات پیوسته، حس زیبایی پدید آورد (فرامرزی و علیپور، ۱۳۹۶: ۱۲). یکی از روش‌های بررسی تناسبات،

بهره‌گیری از سنجه تناسب طلایی است. در این روش، مربع ABCD ترسیم و سپس یک خط قطری از وسط پاره‌خط AB به نقطه C وصل کرده. سپس به شعاع این خط و به مرکز وسط ضلع AB کمانی ترسیم کرده تا امتداد AB را در نقطه E قطع کند. مستطیل به طول AB و عرض AD یک مستطیل طلایی است (Abbas, 2017) علاوه بر این نسبت، مفهوم تناسبات زرین نیز کاربرد دارد. تناسبات زرین که با اعداد $\sqrt{2}$ و $\sqrt{3}$ و مربع مرتبط است در بناهای تاریخی و اسلامی ایران به‌کار رفته‌اند؛ لذا از آن به عنوان تناسب اسلامی-ایرانی نام می‌برند (ضیایی‌نیا و هاشمی زرج‌آباد، ۱۳۹۵: ۲۱۵). کاخ سروستان و تیسفون از نمونه باستانی استفاده از این نسبت هستند (Abaeian, 2018: 15)



تصویر ۱. انواع تناسبات (جوادی نوده و همکاران، ۱۴۰۱: ۴۰، بلیلان و حسن پورلمر، ۱۳۹۸: ۵۲)

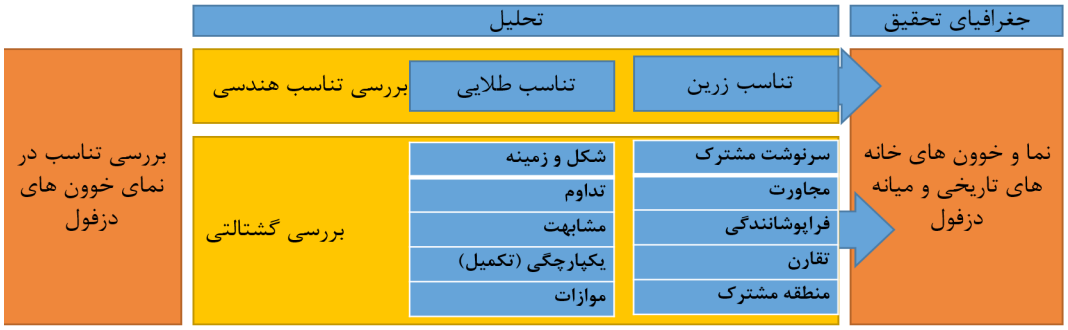
در معماری ایرانی طیف وسیعی از تزئینات وجود دارد که با توجه به اقلیم، مصالح و فرهنگ، شکل‌های متنوعی به خود گرفته است. اجرای تزئینات متنوع آجرکاری در بافت تاریخی دزفول، از داخل بنا تا سردر ورودی، گونه‌های غنی از نقوش هندسی آجری موسوم به خوون‌چینی را به‌وجود آورده‌اند (زرگرزاده دزفولی و همکاران، ۱۳۹۴). واژه «خوون» به نگاره‌های زینتی کاشی مانندی که به‌عنوان تزئینات در سردر بنا به‌کار رفته است؛ اطلاق می‌شود (صراف‌زاده و دیگران، ۱۴۰۰). در خوون‌چینی برش‌های مختلف آجر با فاصله‌های مشخص نسبت به‌هم چیده می‌شوند. این چیدمان نشان‌دهنده اصل تکرار الگوی واحد است. با تکرار این الگوها ریتم معینی ایجاد می‌شود که ممکن است دارای یک یا چند محور تقارن باشد. این نظام در سردر خانه‌ها به نمایش گذاشته می‌شود و الگویی خودمتشابه را نشان می‌دهد (وثیق و دیگران، ۱۴۰۰). خاستگاه اصلی این تزئین در شمال خوزستان است و در این پژوهش به بررسی نمونه‌های موجود در دزفول پرداخته می‌شود. جهت بررسی نظام شکل‌گیری خوون‌چینی از نظریه گشتالت استفاده می‌شود. اساس این نظریه این است که ابتدا شکل کلی اثر تشخیص داده شده و سپس اجزاء آن ثبت می‌شود (صادقی و دیگران، ۱۳۹۸) در جدول شماره ۱، می‌توان به مؤلفه‌های شکل‌دهنده نظریه گشتالت اشاره نمود.

جدول ۱. مؤلفه‌های شکل‌دهنده نظریه گشتالت منبع: (Yu etal 2019 و صادقی و دیگران، ۱۳۹۸، کپس، ۱۳۹۲: ٤٤ و افشار مهاجر، ۱۳۸۸: ۳٦ و غلامی رستم و دیگران، ۱۳۹٤: ٦۳-۸ و صالحی‌نیا و رجبعلی، ۱٤۳: ۲۷)

مؤلفه	تعریف
شکل و زمینه	وجود برجستگی و فرورفتگی‌ها در زمینه
تداوم	عناصری که دارای صرفه‌جویی ساختاری‌اند
تشابه	اجزاء شبیه به یکدیگر مربوط به هم تصور شده و مجموعاً یک شکل در نظر گرفته می‌شود شامل مشابهت در ابعاد، شکل، و رنگ جهت، فاصله
یکپارچگی (تکمیل)	تمایل به ادراک به صورت تصویری خوش فرم)
موازات	عناصری که زاویه بسیار نزدیکی و مشابهی با هم دارند، به‌عنوان یک مجموعه شناخته می‌شوند.

مؤلفه	تعریف
سرنوشت مشترک	تداوم حرکت الگو در محور عمودی یا افقی یا مورب (عمدتاً در موضوعات هنرهای متحرک دیده می‌شود)
مجاورت	خطوط یا نقاطی نزدیک‌تر زودتر به هم وصل می‌شوند (نزدیکی لبه‌ها، تماس، هم‌پوشانی و تلفیق)
فراپوشانندگی	گشتالت‌های بزرگ‌تر گشتالت‌های کوچک را می‌پوشانند. این اصل بیانگر این است که ساختار بصری در مجموع ممکن است از چندین گشتالت کوچک تشکیل شده باشد که زیرمجموعه‌هایی برای گشتالت بزرگ‌تر محسوب می‌شوند
تقارن	براساس قانون تقارن ذهن اشیا را به‌صورت متقارن درک می‌کند و آنها را حول یک نقطه مرکزی شکل می‌دهد شامل ازتابی یا آینه‌ای (تقارن حول یک خط) و تقارن چرخشی (چرخش با زوایای مختلف حول نقطه تقارن) و تجانسی (کوچک‌شونده)
منطقه مشترک	زمانی که چند عنصر را در یک ناحیه مشاهده می‌کنیم، ذهن آنها را در یک گروه با هم مرتبط در نظر می‌گیرد.

نمودار ۱. مدل مفهومی تحقیق



پیشینه پژوهش

تاکنون تحقیقات متعدد در زمینه پژوهش انجام شده است. این تحقیقات به دو دسته پژوهش در زمینه نحوه به‌کارگیری گشتالت در تزئینات و نمای ابنیه و نیز معماری و تزئینات دزفول قابل بررسی است. در بررسی خوون‌چینی شمال خوزستان می‌توان به پژوهش‌های زیر توجه نمود. لازم به ذکر است در بررسی خوون‌ها نیز سه رویکرد بررسی زیبایی‌شناسانه، نحوه ساخت و اجرا و نیز تحلیل اقلیمی آن انجام پذیرفته و لذا با توجه به موضوع تحقیق، از اشاره به مقالات تحلیل اقلیمی خوون، پرهیز شده است. صراف‌زاده و دیگران در مقاله «ارزش‌گذاری ابعاد عینی در زیبایی‌شناسی نقوش آجری با تکنیک کوداس (خوون‌چینی‌های بافت تاریخی خانه‌های دزفول)» با طرح این سؤال که عوامل مؤثر بر مؤلفه‌های عینی در زیبایی‌شناسی خوون‌چینی کدام هستند؟ نشان می‌دهند معیارهای تناسبات، ارتباط با اعداد، نوع نقش، ریشه‌های نقوش، تکرارپذیری در سازمان بصری خوون مؤثرند (صراف‌زاده و دیگران، ۱۴۰۰: ۸۰). مشهور در «بررسی آرایه‌های آجری خانه‌های تاریخی بهبهان در دورهٔ پهلوی» به بررسی ۲۸ خانه تاریخی پرداخته است. نتایج نشان می‌دهد؛ نقوش آجری به شیوه خوون، رگ‌چین، گل‌انداز، مشبک و گره‌سازی اجرا شده‌اند و نقش عمدتاً حاصل تکرار الگوهای پایه است. الگوهای پایه به‌صورت جناغی، گل‌های پنج‌رگی، هفت‌رگی، نه‌رگی و یازده‌رگی (به‌صورت ساده و ترکیبی) مشاهده شده‌اند (مشهور، ۱۴۰۰: ۳۲). زرگرزاده و دیگران، در مقاله «خوون‌چینی، تکامل و تناسب ابعاد آجر در نماسازی‌های آثار معماری دزفول» به بررسی تزئینات آجری نمای خانه‌های سنتی دزفول پرداخته‌اند و نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد که وحدت و انسجام بین نقوش به نحوی است که تمام کتیبه یک کل واحد را تشکیل می‌دهد (زرگرزاده و دیگران، ۱۴۰۰: ۵۰). وثیق و دیگران در مقاله «بازشناسی مطلوبیت

تصویری خوون‌چینی سردر خانه‌های تاریخی دزفول» به بررسی تزئینات سردر خانه‌های سنتی دزفول پرداخته‌اند. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد که در طرح تزئینات و نقوش هندسی خانه‌های سنتی دزفول، تعادل و تقارن هندسی، وجود فراپوشانندگی و مشابهت، بیش‌ترین کاربرد را در میان سایر الگوهای هندسی داشته است (وثیق و دیگران، ۱۳۹۹: ۶۰). تحقیقات دیگر به بررسی تناسبات و یا سنجش گشتالتی در نماهای ابنیه تاریخی ایران می‌پردازند. سامانیان و دیگران به ارزیابی و مطالعه تطبیقی نقوش هندسی مسجد جامع یزد و کرمان پرداخته‌اند. نتایج بیان می‌دارد؛ نقوش هندسی مسجد جامع یزد ملهم از معماری ایلخانی و تیموری است و به لحاظ نقوش هندسی «منطق‌گرا و بغرنج»تر از جامع کرمان است. از دیگر سوی نقوش هندسی مسجد جامع کرمان، ملهم از معماری ایلخانی و مظفری و به‌لحاظ شاخص فرمی نقوش هندسی در حوزه «بیان حالات احساسی» در فرم و رنگ نمونه ارزشمندی محسوب می‌گردد (سامانیان، و دیگران، ۱۴۰۰: ۱۵۵). ناصری و دیگران به بررسی نظریه‌های سیستم تنظیم تناسبات در خانه‌های دورهٔ قاجار خرم‌آباد پرداخته و نتایج تحقیق نشان داد؛ معماران بناهای مورد مطالعه تلاش کرده‌اند با استفاده از مستطیل زرین و تأمین عمق و تناسبات مناسب، علاوه بر سازماندهی و انتظام فضایی خانه‌ها، حداکثر بهره‌گیری از نور خورشید را برای حیاط در جهت آسایش ساکنان فراهم کنند (ناصری و دیگران، ۱۴۰۰: ۸۵). مشهدی و سینایی، در پژوهشی به بررسی چهار خانه قاجاری با دو فرم متفاوت حیاط مرکزی و بلوکی انتخاب کرده‌اند تا از طریق تحلیل قیاسی، نقش فرهنگ و اقلیم در فاکتورهای کالبد معماری مشخص شود. نتایج پژوهش نشان داد که در اقلیم گرم و مرطوب، معیارهای سلسله‌مراتب، نما و تزئینات، نور و روشنایی تحت‌تأثیر فرهنگ بوده و اقلیم بیش‌ترین تأثیر را بر روی فرم خانه، جهت‌گیری، مصالح و عملکرد داشته است، درحالی که در اقلیم معتدل و مرطوب، فرهنگ بیش‌ترین تأثیر را بر هندسه، سلسله‌مراتب و مقیاس خانه‌ها گذاشته و عامل اقلیم بر روی ترکیب‌بندی، عملکرد و فرم خانه مؤثر واقع شده است (مشهدی و سینایی، ۱۴۰۲: ۵۰). موسوی‌نسب و دیگران، به شناخت نقشه پنهان مسکن سنتی بهبهان و تبیین مؤلفه‌های مؤثر بر آن، پرداختند. نتایج بیان می‌دارد که اقتضائات معیشتی، فرهنگی و اجتماعی ناشی از جغرافیای منطقه و ارتباطات با تجار، بر وزن مؤلفه‌های نظام فضایی خانه‌های سنتی بهبهان تأثیر گذارده است. این امر در جهت‌گیری خانه‌ها و شکل‌گیری اجزای نظام فضایی با مقاصد معیشتی، قابل رویت است (موسوی‌نسب و دیگران، ۱۴۰۲: ۱۰۰). سودائی و خانی به بررسی آرایه‌های نمادین شیعی در مسجد جامع ورامین پرداخته و نتایج تحقیق نشان می‌دهد؛ تغییرات با توجه به شیوه اجرا، استفاده از نقوش طبیعی گیاهی به شکل هندسی پیچیده و اسلیمی، مضمون کتیبه‌ها و محل کاربرد آرایه‌ها در فضای داخلی مجاور محراب می‌توان به ظهور و تقویت تفکرات شیعی در آرایه‌های خوشنویسی جهت تأکید حکومت وقت بر مذهب شیعه تأکید کرد (سودائی و خانی، ۱۳۹۸: ۶۲). با توجه به تحقیقات فوق بررسی گشتالتی نماهای تاریخی ایران مسبوق به سابقه است؛ اما تحلیل نماهای موسوم به خوون عمدتاً در دو حوزه جنبه‌های اقلیمی و یا تحلیل هندسی صرف انجام شده است و تحقیقی که هم‌راستا با تحلیل گشتالتی به جنبه‌های زیبایی هندسی این نماها بپردازد؛ مطالعه نگردید.

روش تحقیق

روش انجام این پژوهش، به صورت توصیفی-تحلیلی از داده‌های خروجی از محاسبات اندازه ورودی و تحلیل هندسی

نمـای خانه‌هـای تاریخـی دزفـول اسـت. جغرافیـای تحقیـق، بافـت تاریخـی و میانـه دزفـول اسـت. آثـار مـورد مطالعـه در محله‌هـای میانـدره، قلعـه، بـازار، لوریـان، مقدسـیان، سیاهپوشـان، پولادیـان، پیرنظـر، مسـجد و شـاه رکنالدیـن و نیـز در بخـش بافـت میانـه بـه محـلات کلانتریـان، خراطـان و سـاکیان واقـع بـوده کـه معـادل ۸۵ اثـر هسـتند. در انتخـاب نمونه‌هـا بـه خانه‌هایـی پرداختـه شـده اسـت کـه نمـای خارجـی سـالم داشـته و نیـز واجـد ارزش تاریخـی از سـوی اداره میـراث فرهنگـی و گردشـگری و صنایـع دسـتی دزفـول، قلمـداد شـده بودنـد. اطلاعـات توسـط عکسـبرداری، برداشـت نمـا و نیـز مطالعـات کتابخانـه‌ای انجـام گرفتـه اسـت.

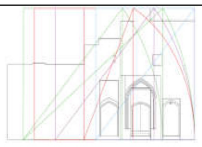
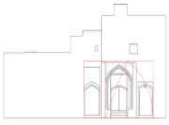
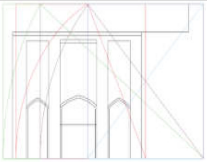
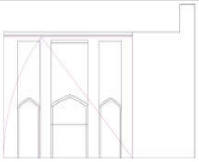
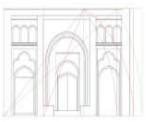
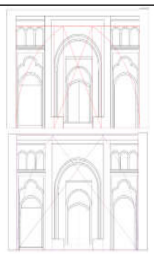
یافته‌ها

در مقالـه حاضـر تناسـبات طلایـی در طـول و ارتفـاع نمـای خانه‌هـا بررسـی شـده اسـت (جـدول ۲). بدین‌صـورت کـه نسـبت طـول و ارتفـاع نمـای خانه‌هـا محاسـبه و سـپس میـزان اختـلاف ایـن نسـبت بـا هریـک از نسـبت‌های زریـن ($\sqrt{2}$و $\sqrt{3}$و مربـع) و نسـبت طلایـی (۱/۶۱۸) بـه دسـت آمـده و نزدیک‌تریـن نسـبت بـه تناسـبات مذکـور بـا اختـلاف کمتـر از ۰/۲ واحـد انتخـاب شـده اسـت. ایـن اختـلاف ممکـن اسـت بـر اثر خطـا در سـاخت، برداشـت از بنـا و یـا تغییـرات اعمـال شـده در بنـا باشـد (جـدول ۱ و ۳). از آنجـا کـه بعضـی یافته‌هـا از تناسـبات پیـروی نمی‌کننـد؛ برهمنهشـت تطبیقـی تناسـبات لازم اسـت. بـه ایـن صـورت کـه ایـن نسـبت‌ها را بـه روش ترسـیم مسـتطیل کشـیده و به‌گونـه‌ای تطبیـق داده شـد کـه عـرض مسـتطیل بـر ارتفـاع نمـا منطبـق شـود. اگـر طـول مسـتطیل بـر طـول نمـا منطبـق شـد؛ نمـا از آن نسـبت پیـروی می‌کنـد (جـدول ۱ و ۲). سـردر جـز مهـم نمـا در دزفـول اسـت به‌گونـه‌ای کـه سـردر بـه علـت خوون‌چینـی آن، در کنـار عناصـر از نمـای شـهری ماننـد تونچـه، مقرنـس؛ هویـت مسـتقل یافتـه اسـت.

در جـدول ۱ می‌تـوان بررسـی تناسـبات هندسـی در خانه‌هـای تاریخـی دزفـول کـه در طـی زمـان کمتـر دچـار تخریـب و یـا تعمیـرات نامناسـب شـده‌اند؛ را مشـاهده کـرد. در ایـن خانه‌هـا، ابتـدا تناسـبات کلـی نمـا به‌عنـوان یـک عنصـر منظـر شـهری و در ادامـه تناسـبات هندسـی سـردر دیـده می‌شـود. هـدف از بررسـی ایـن دو قسـمت، شـناخت سـازماندهی نمـا در بسـتر بافـت و نیـز تناسـبات ورودی به‌عنـوان بخشـی اسـت کـه می‌تـوان به‌صـورت جداگانـه اسـت. در خانه‌هـای تیزنـو و میـرزا ابراهیمـی نمـای کلـی سـاختمان در یـک بافـت متراکـم طراحـی شـده و تناسـبات اجـزای کلـی نمـا شـامل، ریـه، کنیسـه، ورودی و بدنـه خارجـی اندام‌هـای خانـه، بـه عـدد ۱/۷۳ نزدیـک اسـت. در عیـن حـال ایـن نسـبت در خانه‌هـای محسـنی و زرگـر، بـه عـدد ۱/۶۱۸ میـل می‌کنـد. همچنیـن در خانـه بائیـز و حفیظـی تناسـبات اجـزای نمـا شـبیه بـه نسـبت مربـع اسـت. بـه عبارتـی دیگـر در نماهایـی کـه نمـای شـهری محـدود اسـت تـلاش شـده اسـت تـا تناسـب مربـع بیـن اجـزای بنـا دیـده شـود و جایی‌کـه نمـای گسـترده وجـود دارد از دو نسـبت دیگـر بهـره برده شـده اسـت. این نسـبت‌هـا در سـردر ورودی متفـاوت اسـت. تناسـب سـردر در خانه‌هـای محسـنی، مجاهـد، زرگـر، میرزاابراهیمـی بـه عـدد ۱/۴۱ نزدیـک و سـایر خانه‌هـا از نسـبتی دیگـر بهـره می‌برنـد. بـا ایـن حـال هیچـگاه تناسـب بـه سـمت تاکیـد بـر روی جهـت عمـودی و یـا افقـی نیسـت و عمدتـاً از بـازه مربـع تـا ۱/۴۱ پیـروی می‌کننـد. چنانچـه اختـلاف تناسـبات نمـای ایـن خانه‌هـا بـا نسـبت طلایـی دیـده شـود؛ دانسـته می‌شـود کـه عمـده ایـن نماهـا نزدیـک بـه ایـن نسـبت طراحـی شـده‌اند. در دوره میانـه (ابنیـه دوره پهلـوی)، می‌تـوان سـنجه هندسـی را بـه‌کار بـرد. در نمـای کلـی خانه‌هـای دوره میانـه برخـی عناصـر ماننـد کنیسـه حـذف شـده اسـت. تناسـبات نمـا در

این خانه‌ها نیز در بازه ۱/۶۱۸ تا ۱/۷۳ قرار دارد. در جزئیات نمای سردر نیز تناسبات یا مربع و یا نسبت رادیکال سه است و نسبت ۱/۶۱۸ دیده نمی‌شود. با مقایسه این دو دوره می‌توان مشاهده کرد که تناسب طلایی در دوره تاریخی استفاده شده و اختلاف اعداد نما با این نسبت در دوره میانه معنادار است. در برخی خانه‌ها تناسب نما و ورودی یکسان و یا بسیار به هم نزدیک است که نشانه‌ای از رعایت تناسب در همه اجزای نما است. به این معنا که تناسب کلی نما، با بالا و پایین بردن و میزان تزئینات در نمای سردر القاء شده است. وجود عدد ۴۱/۱ در تناسبات نمای سردر خانه تاریخی و ۱/۷۳در نمای سردر خانه بافت میانه نشانگر انقطاع در تناسب نما بین دو دوره است. علیرغم تفاوت در اندازه قطعه و یا شکست‌هایی که در نما به علت چرخش گذر اتفاق می‌افتد؛ نسبت‌ها عمدتاً در سردر خانه‌ها ثابت هستند. در ادامه به بررسی گشتالت در سردر پرداخته شده است (جدول ۵ و ۴). هدف از بررسی گشتالت آن است که علاوه بر تناسبات عددی، تناسبات دیداری نیز شناخته شود. مشاهده می‌شود تنها عنصر «تکمیل» در برخی از این تزئینات دیده نمی‌شود. بالطبع جایی‌که خوون‌چینی از گره‌چینی‌های پیچیده استفاده نشده؛ عنصر رابطه شکل و زمینه نیز دیده نمی‌شود. این موضوع در خوون‌چینی‌های بافت میانه دیده می‌شود. با این حال به علت کاهش تنوع خوون‌چینی در این دوره، عدم حضور عناصر رابطه شکل-زمینه، تکمیل و فراپوشانندگی در دوره میانه برجسته‌تر است.

جدول۲. بررسی نسبت طول و ارتفاع نمای خانه‌های دوره قاجار براساس تناسبات طلایی و زرین ایرانی

نام	تصویر خانه	تناسبات نمای کلی	تناسبات نمای سردر	طول	ارتفاع	نسبت طول به ارتفاع نما	اختلاف با ۱.۷۳	اختلاف با نسبت۱.۴۱	اختلاف با نسبت مربع	اختلاف با طلایی ۱.۶۱۸
تیزنو		 نزدیک به نسبت ۱.۷۳	 نزدیک به نسبت ۱.۷۳	۲۵.۷	۱۳.۶	۱.۸۹	۰.۱۶	۰.۴۸	۰.۸۹	۰.۲۷۲
محسنی		 نزدیک به نسبت ۱.۶۱۸	 نزدیک به نسبت ۱.۴۱	۹.۴۵	۵.۷	۱.۶۵	۰.۰۸	۰.۲۴	۰.۶۵	۰.۰۳۲
مجاهد		 نزدیک به نسبت ۱.۷۳	 نزدیک به نسبت ۱.۴۱	۱۸.۵	۵.۶۵	۳.۲۷	۱.۵۴	۱.۸۶	۲.۲۷	۱.۶۵۲
زرگر		 نزدیک به نسبت ۱.۶۱۸	 نسبت ۱.۴۱	۱۱	۷	۱.۵۷	۰.۱۶	۰.۱۶	۰.۵۷	۰.۰۴۸

عدل		 نزدیک به نسبت ۱.۶۱۸	–	۱۱.۵	۵.۷۲	۲.۰۱	۰.۲۸	۰.۶	۱.۰۱	۰.۳۹۲
بائیز		 نزدیک به مربع	–	۵	۴.۳	۱.۱۶	۰.۵۷	۰.۲۵	۰.۱۶	۰.۴۵۸
داعی		 نزدیک به نسبت ۱.۶۱۸	 نزدیک به مربع	۲۳	۹.۲۳	۲.۴۹	۰.۷۶	۱.۰۸	۱.۴۹	۱.۶۹۸
دباغ		 نزدیک به نسبت ۱.۷۳	–	۸.۲	۴	۲.۰۵	۰.۳۲	۰.۶۴	۱.۰۵	۰.۴۳۲
میرزا ابراهیمی		 نزدیک به نسبت ۱.۷۳	 نزدیک به نسبت ۱.۴۱	۱۰.۵۷	۶.۱	۱.۷۳	۰	۰.۳۲	۰.۷۳	۰.۱۱۲
حفیظی		 نزدیک به مربع	–	۴.۵	۵.۲۰	۰.۸۶۵	۰.۸۶۵	۰.۵۴۵	۰.۱۳۵	۰.۷۵۳

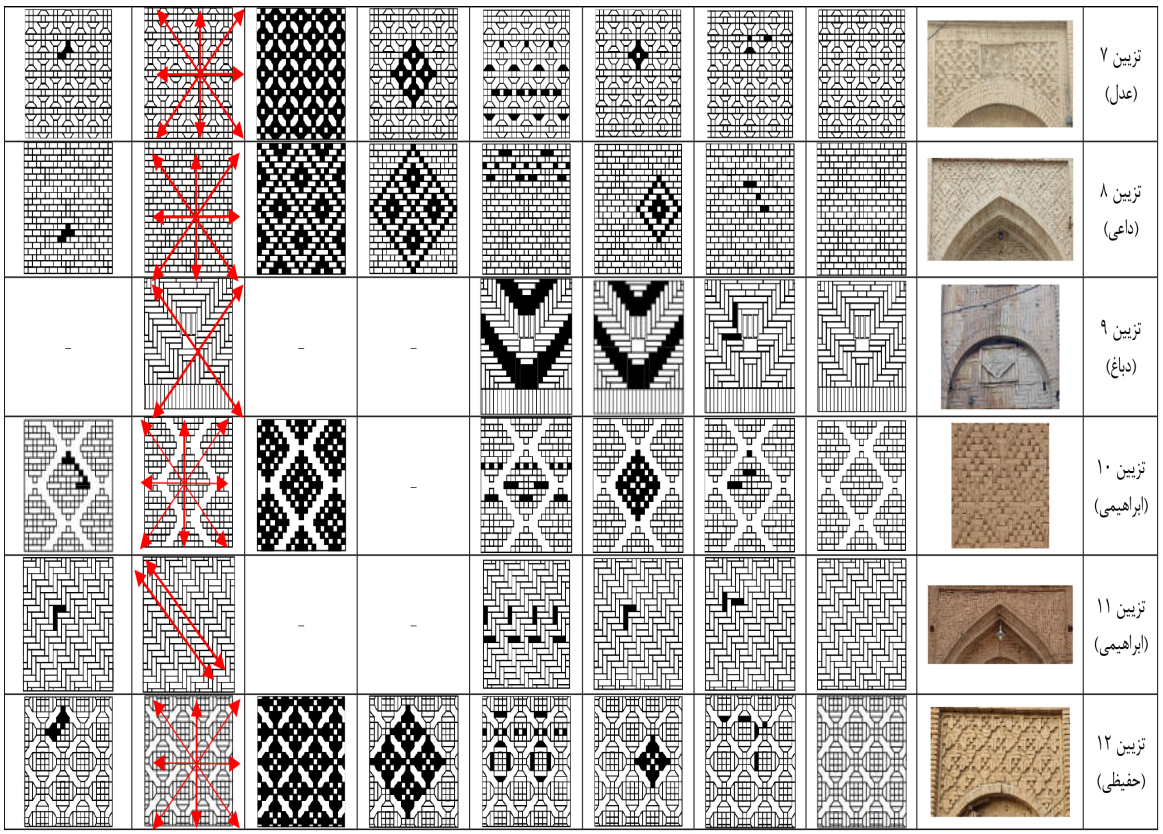
جدول ۳. بررسی نسبت طول نما و ارتفاع نمای خانه‌های دوره میانه براساس تناسبات طلایی و زرین ایرانی

نام	تصویر خانه	تناسبات نما	تناسبات جزئیات نما	طول	ارتفاع	طول به ارتفاع نما	اختلاف با (۱.۷۳)	اختلاف با (۱.۴۱)	اختلاف با مربع(۱)	اختلاف با طلایی(۱.۶۱۸)
آذرآبادی		 نزدیک به نسبت ۱.۶۱۸		۷.۶۶	۳.۷۲	۲.۰۵	۰.۳۲	۰.۶۴	۱.۰۵	۰.۴۳۲
پاکارزاده			 رادیکال ۲ (۱.۴۱)، رادیکال ۲ (۱.۴۱)	۲۰	۳.۹	۵.۱۲	۳.۳۹	۳.۷۱	۴.۱۲	۳.۵۰۲
جوکار		 رادیکال ۳ (۱/۷۳)	 رادیکال ۳ (۱/۷۳)	۱۲	۶.۳۸	۱.۸۸	۰.۱۵	۰.۴۷	۰.۸۸	۰.۲۶۲
گوسفندی		 نزدیک به مربع	-	۷.۵۵	۶.۳۵	۱.۱۸	۰.۵۵	۰.۲۳	۰.۱۸	۰.۴۳۸
کارگرهودی		 نزدیک به نسبت ۱.۶۱۸	 نزدیک به مربع	۱۵	۶.۷۸	۲.۲۱	۰.۴۸	۰.۸	۱.۲۱	۰.۵۹۲

خیام		نزدیک به مربع	-	۵.۶	۶	۰.۹۳	۰.۸	۰.۴۸	۰.۰۷	۰.۶۸۸
تقی بابا		نزدیک به نسبت ۱.۶۱۸	نزدیک به مربع	۱۱.۵	۳.۶	۳.۱۹	۱.۴۶	۱.۷۸	۲.۱۹	۱.۱۵۷
اشرف کوچک		نزدیک به نسبت ۱.۶۱۸	نزدیک به مربع	۴.۵	۴.۸	۰.۹۳	۰.۷۹	۰.۴۸	۰.۰۷	۰.۶۸۸
بخشی حسن‌زاده		نزدیک به نسبت ۱.۷۳	-	۹.۸۷	۴.۶۸	۲.۱	۰.۳۷	۰.۶۹	۱.۱	۰.۴۸۲
میرشکار		نسبت ۱.۷۳	نزدیک به نسبت ۱.۷۳	۱۷	۲.۹۴	۵.۷۸	۴.۰۵	۴.۳۷	۴.۷۸	۴.۱۶۲

جدول ۴- تحلیل تزئینات خوون چینی خانه‌های دوره قاجار در دزفول

	خوون‌چینی	الگو استخراج شده	مشابهت	مجاورت	تداوم	یکپارچگی- تکمیل	رابطه شکل- زمینه	سرنوشت مشترک	فراپوشانندگی
تزیین ۱ (تیزنو)									
تزیین ۲ (زرگر - محسنی حفیظی)									
تزیین ۳ (زرگر)									
تزیین ۴ (محسنی)									
تزیین ۵ (مجاهد)						-			
تزیین ۶ (مجاهد)				-		-			



جدول ۵. تحلیل تزئینات خوون چینی خانه‌های دوره میانه در دزفول

	خوون‌چینی	الگوی مستخرج	مشابهت	مجاورت	تداوم	یکپارچگی- تکمیل	رابطه شکل-زمینه	سرنوشت مشترک	فراپوشانندگی
تزیین ۹ (آذرآبادی- اشرف کوچک- تقی بابا)						-	-		-
تزیین ۱۳ (جوکار)						-			-
تزیین ۲ (گوسفندی)									
تزیین ۱۱ (کارگرهودی)						-	-		

نتیجه‌گیری

نماهای تاریخی براساس مبانی زیبایی‌شناسی، کارکرد بنا، نیات سازندگان و ساختارهای فرهنگی جامعه طراحی می‌شوند. در این میان خانه‌ها به علت تملک فردی بیشتر از سایر کاربری‌ها می‌توانند در معرض تنوع قرار گیرد. با این حال آنچه به‌عنوان معماری تاریخی ایران شناخته می‌شود؛ حاکی از یک پیوستگی زیبایی‌شناسانه در کلیات این معماری است. با این هدف که دانسته شود؛ تداوم سنت زیبایی‌شناسی گذشته تا چه میزان در دوران معاصر دیده می‌شود؛ خانه‌های تاریخی و دوره میانه دزفول بررسی شدند. لذا تلاش شد تا با ابزارهای عددی و بررسی گشتالتی نماها، این روند سنجیده شود. در زمینه نسبت‌های هندسی نیز مشاهده

می‌شود که نسبت‌ها در خانه‌های تاریخی بافت دزفول در بازه اعداد ۱/۴۱-۱/۶۱۸ و ۱/۷۳ قرار دارد و در مواردی نیز نسبت به مربع نزدیک شده است. با این حال در دوره میانه عمدتاً نسبت به مربع نزدیک است. نکته‌ای که از سایر عناصر نما دریافت می‌شود و اهمیت استفاده عناصر طلایی و زرین را مشخص می‌کند؛ آنست که نسبت طول به ارتفاع نما در این بناها از یک بازه معنادار پیروی نمی‌کند و هر مالک براساس تمول و شرایط خویش سازماندهی بنا را تعیین کرده است. در نسبت کلی بین این اعضا همچنان می‌توان عناصر تناسب طلایی و زرین را مشاهده نمود. به عبارت دیگر در خانه‌های بافت تاریخی دزفول علیرغم بیان علایق شخصی پیروی از اصول یکسان قابل بیان است. در خانه‌های بافت میانه؛ دورشدن تدریجی از اصول زیبایی‌شناسی سنتی موجب شده است تا تنها نسبت قابل مشاهده، تناسب مربع باشد. استفاده از هندسه‌ها و تناسبات طلایی و زرین در دوره پهلوی کاهش یافته و عمدتاً تساوی طول عرض جای قواعد پیشین را می‌گیرد. در دوره تاریخی می‌توان تمامی عناصر گشتالت را در تصاویر مشاهده کرد که علت آن بهره‌وری از گره‌چینی‌های پیچیده است. در دوره میانه به علت آنکه در خوون‌چینی‌ها گره‌های کمتری استفاده شده و جنبه هنری خوون‌ها تضعیف می‌شود، حضور عناصر گشتالتی رابطه شکل زمینه و یکپارچگی نیز کاهش می‌یابد. در مجموع می‌توان جواب سؤال تحقیق را چنین دریافت؛ دریافت تناسب هندسی در سردر به‌عنوان بخشی از نما، تزئینات خوون‌چینی به‌مثابه عنصر هویتی و نمای کل جداره خارجی بنا، به‌مانند منظرشهری آن دیده می‌شود؛ که در دوره قاجار و پهلوی تناسب هندسی سردر وجود دارد و منظر شهری نیز رعایت می‌شود اما در تزئینات رویکرد متفاوتی از تناسبات در دوره پهلوی به‌وجود می‌آید. آنچه جنبه فرهنگی این تناسبات را برجسته می‌سازد؛ تداوم در نگهداشت نسبت بین اندازه سردر نسبت به نما و نیز سردرها در تطابق با هم است. به عبارتی؛ مؤلفه تداوم، خود نشان‌دهنده پایایی در هر دوره علیرغم تغییر ذایقه زیبایی‌شناسی است. این تداوم خود گواهی بر پایداری فرهنگ و زیبایی‌شناسی بین هنرمندان و مردم دزفول است. مخاطب با آنکه ابنیه متفاوت و تزئینات متنوع از هم را در سردر خانه مشاهده می‌کند؛ اما در بین همه آنها یک نسبت نزدیک به هم و عمدتاً برابر می‌بیند؛ که نشانه هویت‌مندی و شخصیت مستقل معماری به‌عنوان محصول و برون‌داد یک جامعه است. این مقاله از آن نظر که علاوه بر بافت تاریخی دزفول به بافت میانه پرداخته و دو دوره را با هم مقایسه نموده است و نیز آنکه در کنار تحلیل گشتالتی، تناسبات هندسی را بررسی نموده است؛ تحقیقی نو است. یافته‌های این مقاله می‌تواند در طراحی نمای شهری، سیمای شهری و نیز طراحی تک بناها مفید واقع شود. به نظر می‌رسد، می‌توان با تکیه بر این یافته‌ها و استفاده از مصالح و فنون نو، دیدگاه زیبایی‌شناسانه این بخش از جغرافیای معماری ایران را در دوره معاصر تداوم بخشید.

پی‌نوشت

۱ـ لازم به ذکر است؛ تزئینات خوون‌چینی خانه تاریخی بائیز (دوره قاجار) و خانه تاریخی بخشی حسن‌زاده (دوره پهلوی) به دلیل مرمت از بین رفته است. خانه‌های تاریخی پاکارزاده، خیام و میرشکار (دوره پهلوی) فاقد تزئینات خوون‌چینی در نمای ورودی است.

منابع

افشـار مهاجـر، کامـران (۱۳۸۸) تفکـر بصـری در کتاب‌هـای درسـی دانشـگاهی. نشـریه علمـی پژوهشـی نامـه هنرهـای تجسـمی و کاربـردی، ۲(۳)، صـص 86-75 doi: 10.30480/ vaa.2009.609 .

بلیـلان، لیـدا و سـعید حسـن‌پور لمـر (۱۳۹۸). الگوهـای هندسـی و تناسـبات طلایـی، زبـان مشـترک معمـاری و هنـر در روسـتای تاریخـی ابیانـه، معمـاری اقلیـم گـرم و خشـک، ۷(۹)، صـص ٤٥-٦٨. https://smb.yazd.ac.ir/ article_1654.html

جـوادی نـوده، مهسـا و آزاده شـاهچراغی و علیرضـا عندلیـب (۱٤۰۱) بررسـی تناسـبات طلایـی و اصـول هندسـی برگرفتـه از طبیعـت در اجـزای کالبـدی خانه‌هـای تاریخـی (مطالعـهٔ مـوردی: خانه‌هـای قاجـاری اردبیـل)، بـاغ نظـر، ۱۹(۱۱۰)، صـص ۳۵-٤٨./0.22034/ bagh.2022.295674.4973

سـامانیان، ساسـان و بهمـن فیزابـی و حدیـث مظاهـری راینـی (۱٤۰۰) مطالعـه تطبیقـی نقـوش هندسـی تزئینـات مسـجد جامـع کرمـان بـا مسـجد جامـع یـزد بـا تأکیـد بـر ایوان‌هـا و ورودی‌هـا. فصلنامـه نگـره، ۱٦(٥۹)، صـص ۱٤٥-۱٦۱. 10.22070/ negareh.2020.5092.2383

سـودائی، بیتـا و حسـین خانـی (۱۳۹۸) آرایه‌هـای نمادیـن شـیعی در مسـجد جامـع ورامیـن، مطالعـات هنـر اسـلامی، ۱٥(۳٤)، صـص ٤۷-۷۱. doi: 10.22034/ias.2019.93929

زرگـرزاده دزفولـی، مجتبـی و کیانـوش لاری بقـال و نجمـه سالاری‌نسـب و مهنـاز بابایی‌مـراد (۱٤۰۰) خوون‌چینـی، تکامـل و تناسـب ابعـاد آجـر در نماسـازی‌های آثـار معمـاری دزفـول. مطالعـات معمـاری ایـران، ٥(۹)، صـص ٤۷-٦٥. https://jias.kashanu.ac.ir/article_111758.html

صادقـی، سـارا و احمـد اخلاصـی و حامـد کاملنیـا (۱۳۹۸) بررسـی نقـش زیبایی‌شناسـی معمـاری در خانه‌هـای ایرانـی، پژوهش‌هـای معمـاری اسـلامی، ٦.-1 http://jria.iust.ac.ir/article-1103-fa.html

صالحی‌نیا، مجیـد و حسـن رجبعلـی (۱٤۰۳) ترادیسـی معمـاری خانه‌هـای تاریخـی شـهر گـرگان از دوره قاجاریـه بـه پهلـوی اول، مطالعـات شـهر ایرانـی- اسـلامی، ٥٦ (۱٥)، صص ۲۱-٤٥.

صـراف‌زاده احمـد و محمـد دیده‌بـان و بهـزاد وثیـق بهـزاد و مینـا صـراف‌زاده (۱٤۰۰) ارزشـگذاری ابعـاد عینـی در زیبایی‌شناسـی نقـوش آجـری بـا تکنیـک کـوداس خوون‌چینی‌هـای بافـت تاریخـی خانه‌هـای دزفـول، پژوهـش هنـر، د۱۱، ش۲۱، صـص ۷۳-۸٥.

۲۰/۱۰۰۱/۱/۲۳٤٥۳۸۳٤/۱٤۰۰/۱۱/۲۱/٥/۳

صـراف‌زاده، احمـد و محمـد دیده‌بـان و بهـزاد وثیـق (۱٤۰۰) طیف‌بنـدی و ریشـه‌های عملکـردی الگوهـای هندسـی در آرایه‌هـای تزیینـی خانه‌هـای قاجـار دزفـول بـه روش ویکـور، صفـه، ۳۰(۱)، صـص ۲۷-٤۲. 10.29252/soffeh.30.1.27.42

صفـایی‌پـور، هـادی و غلامحسـین معماریـان و محمدرضـا بمانیـان (۱۳۹٥) بررسـی ریشـه‌های معنـایی درخـت طوبـی در منابـع شـیعی، شیعه‌شناسـی، ٥۳ (۱٤)، صـص ۱۷۱-۱۹۰. https://www.shiitestudies.com/ article_25330.html

غلامـی رسـتم، نسـیم و محمدرضـا بمانیـان و مجتبـی انصـاری (۱۳۹٤) گشـتالت در طراحـی پـلان بـاغ ایرانـی، جلـوه هنـر، ۷(۱)، صـص ٦۳-۷۲. doi: 10.22051/jjh.2015.1937

فرامـرزی، مرجـان و سـارا علیپـور (۱۳۹٦) بررسـی هندسـه و تناسـبات طلایـی در معمـاری سـنتی،

دومیـن کنفرانـس بین‌المللـی عمـران، معمـاری و طراحـی شـهری. https://civilica.com/٦٧٩٧١/doc

قیومـی بیدهنـدی، مهـرداد و محمدمهـدی عبداللـه‌زاده (۱۳۹۳) معمـاری، زمیـن و انسـان بازخوانـی و نقد اصـول پیشـنهادی پیرنیـا بـرای معمـاری ایرانـی، کیمیـای هنـر، ۳(۱۱)، صـص ۷۲-۹۹. http://kimiahonar.ir/article-1-255-fa.html

کپـس، جئورگـی (۱۳۹۲) زبـان تصویـر، ترجمـه فیـروزه مهاجـر، تهـران، سـروش.

مشـهدی، علـی و آیـلا سـینایی (۱٤۰۲) تحلیـل قیاسـی نقـش فرهنـگ و اقلیـم بـر معیارهـای صورت‌بنـدی خانه‌هـای قاجـاری (مطالعـه مـوردی: اقلیم‌هـای «گـرم و مرطـوب» و «معتـدل و مرطـوب» ایـران). مطالعـات شـهر ایرانی-اسـلامی، ٤۹، (۱۳)، صـص ٤٥-٦۱. ۱٤۰/۲۲۲۸٦۳۹/۱/۱۰۰۱/۲۰ ۱/۱۳/٤۹/٥/٤

مشـهور، زینـب (۱٤۰۰) بررسـی آرایه‌هـای آجـری خانه‌هـای تاریخـی بهبهـان در دورهٔ پهلـوی. مطالعـات معمـاری ایـران، ۲۰(۱۰)، صـص ۲۷-10.22052/jias.2022.245902.0.٤٨

موسوی‌نسـب، ماهـرخ و ویـدا تقوائـی و محمدابراهیـم مظهـری (۱٤۰۲) تبییـن و سـنجش مؤلفه‌هـای مؤثـر بـر نظـام پنهـان فضایـی در خانه‌هـای اواخـر قاجـار و اوایـل پهلـوی در بهبهـان، مطالعـات شـهر ایرانی-اسـلامی، ٥۰، (۱۳)، صـص ۸۹-۱۰۷. https://iic.ihss.ac.ir/Article/42410/FullText

ناصـری، حسـین و کـوروش عطاریـان و زهـرا امینـی فارسـانی (۱٤۰۱) بررسـی نظریه‌هـای سیسـتم تنظیـم تناسـبات در خانه‌هـای دوره قاجـارِ خرم‌آبـاد. نشـریه علمـی اندیشـه معمـاری، ٦(۱۱)، صـص ۷۳-۸۸. 10.30479/at.2022.11167.1260

نجفقلـی پورکلانتـری، نسـیم و ایـرج اعتصـام و فـرح حبیـب (۱۳۹٦) تجلـی هندسـه و تناسـبات در بناهـای سـنتی معمـاری ایـران در محـدوده جغرافیایـی آذربایجـان، جغرافیایـی سـرزمین ۱٤، ش٥٤، ۱۱٥-۱۳۰. https://sanad.iau.ir/fa/Article/822768?FullText=FullText

وثیـق، بهـزاد و حسـین ناصـری و صـادق بختیـاری (۱۳۹۹) بازشناسـی مطلوبیـت تصویـری خوون‌چینـی سـردر خانه‌هـای تاریخـی دزفـول، نگارینـه هنـر اسـلامی، ۷(۲۰)، صـص ٥۷-٦۷. doi: 10.22077/nia.2021.3472.1326

هاشـمی زرج‌آبـاد، حسـن و محمدحسـن ضیایی‌نیـا و حمیدرضـا قربانـی (۱۳۹٥) «بازخوانـی تحلیـل اصـول هندسـی و تناسـب طلایـی در مدرسـه شـوکتیه»، پژوهه‌هـای باستان‌شناسـی ایـران ٥، ش ۹، صـص ۲۰۷-۲۲۲. https://nbsh.basu.ac.ir/article_1296.html

Abbas، S. (2017) Golden ratio. Resonance، 22(1)، 51-60.

Abaeian، H.، Hashemi، M.، Valibeig، N.، Mohammadpour، S. (2018). The role of proportional systems in the forming of Sassanid square domes. International Journal of Human Capital in Urban Management، 3(2)، 81-88. 10.22034/ijhcum.2018.02.01

Alwetaishi، M. (2019) "Impact of glazing to wall ratio in various climatic regions: A case study". Journal of King Saud University-Engineering Sciences، 31(1) ، 6-18. https://www.sciencedirect.com/science/article/pii/S1018363916300381

Glavaš، H.، Hadzima-Nyarko، M.، Haničar Buljan، I.، & Barić، T. (2019) "Locating hidden elements in walls of cultural heritage buildings by using infrared thermography". Buildings، 9(2)، 32-45. https://doi.org/10.3390/buildings9020032

Meisner، G. B. (2018) The golden ratio: the divine beauty of mathematics. Race Point Publishing.

Roasaee، amin، Mardani، ali. (2021) The pattern effect of central courtyard geometric on the air flow in traditional houses of Shushtar. Iranian Islamic city studies، 3(43)، 71-85. http://arch.fatemiyehshiraz.ac.ir/en/Article/16349

Vo، Melissa Le-Hoa. (2021) The meaning and structure of scenes. Vision Research 181: 10-20.

Yu، D.، Tam، D.، & Franconeri، S. L. (2019) Gestalt similarity groupings are not constructed in parallel. Cognition، 182، 8-13. 10.1016/j.cognition.2018.08.006.

تبیین عوامل مؤثر بر فضای کالبدی سکونتگاه و معماری مسکن مبتنی بر گفتار امام علی (علیه‌السلام) در نهج‌البلاغه

حامد حیاتی*

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۱۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۵/۲۷

نوع‌مقاله: پژوهشی- ۸۰-۶۱

چکیده

با اینکه اصول اسلام، حقایقی است ثابت و تغییرناپذیر که برای همه زمان‌ها وضع شده، ولی فروع زیاد بوده و اجتهاد ضرورت دارد. از آنجا که معماران باید از اصول ثابت و کلی نظری، اصول اعتباری و نسبی و عملی را که وابسته به شرایط زمان و مکان است استنباط نمایند، اصل مهمی تحت‌عنوان «اصل اجتهاد هنری» برای مضبوط کردن این استنباط مطرح می‌شود که میتواند متضمن خلق آثاری بدیع و در عین حال اصیل در حوزه معماری باشد. این پژوهش با هدف تبیین مفاهیم مؤثر بر فضای کالبدی سکونتگاه و معماری مسکن در سخنان گوهربار امام علی(ع) و امکان کاربست آن در دوره معاصر تدوین شده است. برای تبیین سخنان امام علی(ع) به کتاب نهج‌البلاغه استناد گردیده است. با بررسی تمامی متن نامه‌ها، حکمت‌ها و خطبه‌ها ۱۴ مورد (موضوع) مؤثر بر فضای کالبدی سکونتگاه و معماری مسکن تشخیص داده شد. پرداختن به این مسئله با استفاده از روش ترکیبی انجام شده است؛ به این ترتیب که پس از گردآوری داده‌ها با روش اسنادی-کتابخانه‌ای، تحلیل آنها با روش تحلیل محتوای کیفی انجام شده است و سپس یافته‌های پژوهش با استفاده از روش استدلالی منطقی استخراج شده است. طبق این یافته‌ها اصولی چون رعایت حق مهمان، تأکید به حق همسایگی، توصیه به حق زن، توجه به حق فرزندان، رعایت حریم، توصیه به حسن همجواری، توجه به قناعت، مکان‌یابی مسکن، تأکید به وحدت و هماهنگی، توجه به حقوق ساخت‌وساز، رعایت مسایل اقلیمی، تأکید به تعادل، توصیه به نظم و بهره‌گیری از عناصر طبیعت به‌عنوان عواملی مؤثر بر کالبد فضای سکونتگاه و معماری مسکن در کلام امام علی(ع) است. با بررسی‌های به‌عمل آمده بالاترین میزان توجه و مؤثر بر فضای سکونتگاه و حوزه معماری مسکن در کلام امام علی(ع) در نهج‌البلاغه مربوط به اهمیت و سفارش به همسایه و روابط همسایگی است که باید مورد توجه برنامه‌ریزان و متولیان امور شهری قرار گیرد.

واژه‌های کلیدی: نهج‌البلاغه، امام علی(ع)، شهر، مسکن، روابط همسایگی.

* استادیار گروه معماری، دانشگاه قم، قم، ایران hamedhayaty@yahoo.com

CC BY NC

مقدمه

معـارف نهج‌البلاغـه اصولـی را مطـرح می‌کنـد کـه ایـن اصـول بایسـتی در تمـام شـئون زندگـی انسـان و از جملـه فضـای شـهر و محیـط زندگـی لحـاظ شـود. بـا ژرفـکاوی آموزه‌هـای نهج‌البلاغـه، نـکات مهمـی راجـع بـه برخـی از فضاهـای زیسـت انسـان قابـل اسـتنباط اسـت کـه مسـکن در ایـن خصـوص دارای جایگاهـی ویـژه اسـت؛ به‌نحـوی کـه ایـن آموزه‌هـا اشـارات متعـددی (اعـم از اشـارات مکنـون یـا صریـح) بـه ایـن موضـوع کرده‌انـد. لیکـن ایـن ظرفیـت متـون دینـی، تاکنـون به‌طـور شایسـته در مجامـع علمـی معمـاری مـورد توجـه قـرار نگرفته اسـت. همان‌طـور کـه از آیـات قـرآن و احادیـث بـر می‌آیـد؛ مسـکن مناسـب بایـد شـرایطی داشـته باشـد کـه بتوانـد فراهم‌آورنـده آرامـش و آسـایش بـرای سـاکنان خویـش باشـد (امین‌پـور و حیاتـی، ۱۳۹۶: ۴۷-۶۰). اگـر بـرای مسـکن به‌صـورت عـام شـرایط و خصوصیاتـی بـر مبنـای آموزه‌هـای اسـلامی تدویـن شـود؛ می‌تـوان بـا تطبیـق ایـن خصوصیـات بـر زمان‌هـا و مکان‌هـای مختلـف، تصمیـم صحیـح و مناسـب را در طراحـی و سـاخت خانـه مطلـوب اتخـاذ نمـود (نقـی‌زاده، ۱۳۸۹: ۶۸). بـه عبارتـی دیگـر جامعیـت آموزه‌هـای اسـلامی صفـت بی‌زمانـی و بی‌مکانـی آنهـا ایـن تعالیـم را به‌صـورت اصولـی لایتغیـر مطـرح می‌نمایـد (نقـی‌زاده، ۱۳۷۷: ۵۰). اسـلام از ادیـان و مکاتبـی اسـت کـه در محیـط شـهری نضـج یافتـه و نسـبت بـه شهرنشـینی نظـری کامـلاً مسـاعد و تشـویق‌آموز دارد، و از سـویی دیگـر نسـبت به جمـع و جماعت نیـز التفاتـی خـاص دارد، بنابرایـن نمی‌توانـد نسـبت بـه موضوعـات مختلـف مرتبـط بـا شـهر و سـکونتگاه بی‌تفـاوت باشـد (نقـی‌زاده، ۱۳۹۰: ۲). نهج‌البلاغـه پـس از قـرآن کریـم، جامع‌تریـن میـراث ارزشـمند جهـان اسـلام بـوده و منشـور همه‌جانبـه خداشناسـی، انسـان‌پروری، هدایـت اجتماعـی و سیاسـی اسـت کـه جهان‌بینـی عرفانـی و سـلوک اجتماعـی را تبییـن می‌کنـد. اندیشـه و آموزه‌هـای نهج‌البلاغـه در بـاب شـهر و سـکونتگاه دارای ویژگی‌هـای منحصـر بـه خـود اسـت کـه حصـول آنهـا می‌توانـد سـبب رسـیدن بـه حیـات طیبـه و کمـال مطلـوب در فضاهـای زیسـتی بشـر و موقعیـت توأمـان مالـی و معنـوی شـهروندان گـردد. بـا توجـه بـه موضـوع ایـن جسـتار، نویسـنده در پـی فهـم راهبردهـا و عوامـل مؤثـر بـر فضـای شـهری و تبییـن چارچـوب معمـاری مسـکن براسـاس بررسـی متـن خطبه‌هـا، نامه‌هـا و حکمت‌هـای نهج‌البلاغـه اسـت. در واقـع، پژوهـش حاضـر در پـی پاسـخ بـه ایـن سـؤال اسـت کـه از دیـدگاه حضـرت علـی(ع) عوامـل مؤثـر بـر فضـای کالبـدی شـهر و معمـاری مسـکن براسـاس متـن نهج‌البلاغـه کـدام اسـت؟ لـذا در ایـن پژوهـش پـس از بیـان مبانـی مرتبـط بـا موضـوع، تـلاش می‌شـود کـه بـا بهره‌گیـری از گفتـار حضـرت علـی (ع) در نهج‌البلاغـه توصیه‌هایـی کـه در آن محتوایـی زیسـت مسـلمانان و اصـول معنایـی و کالبـدی مسـکن مسـتتر اسـت، را جسـت‌وجو نمایـد. توجـه بـه اصـول شهرسـازی و به‌طـور خـاص معمـاری مسـکن در اسـلام و تطابـق آن بـا شـرایط جهـان امـروز در ابعـاد اجتماعـی، فرهنگـی و رفتـاری ضـروری بـه نظـر می‌رسـد. ایـن اصـول در منابـع دینـی همچـون قـرآن کریـم و کتـاب نهج‌البلاغـه و دیگـر کتـب روایـی قابـل اسـتناد و اسـتنباط اسـت. نهج‌البلاغـه حـاوی کلام گهربـار و زیبـای امـام علـی(ع) اسـت کـه هیـچ‌گاه از جلـوه و فـروغ آن در گـذر زمـان کاسـته نمی‌شـود. ایـن مجموعـه حـاوی چندیـن ویژگـی مهـم و اساسـی اسـت از جملـه، زیبایـی همه‌جانبـه آن یعنـی فصاحـت و بلاغـت، شـیوایی و ترکیبـات زیبـای ادبـی؛ امـا جنبه‌هـای مفهومـی و معنایـی و نـگاه دغدغه‌مندانـه امـام علـی(ع) بـه فضـای شـهری همـراه بـا معانـی بی‌شـمار آن، رویکـردی اسـت کـه در جاهـای مختلـف نهج‌البلاغـه بیـان شـده اسـت. ضـرورت ایـن تحقیـق بدین‌سـبب اسـت کـه فرازهـای مختلـف ایـن کتـاب گرانقـدر را بـا رویکـرد معمـاری و شهرسـازی کـه سـایر

پژوهش‌ها به آن اشاره‌ای نداشتند توجه و کنکاش کند. بررسی سخنان گهربار امام علی(ع) پیرامون فضای شهر و حوزه معماری سکونتگاه می‌تواند آموزنده و راهگشای زیست بشریت در کنار آموزه‌های دیگر این کتاب ارزشمند باشد.

پیشینه تحقیق

از جمله مطالعات دینی اخیر در حوزه معماری و شهرسازی اسلامی می‌توان به کتاب‌های «مسکن اسلامی؛ تبیین راهبردها و راهکارهای مطلوب معماری مسکن» (حیاتی، ۱۴۰۳)، کتاب «سیمای مسکن اسلامی» (قرائتی، ۱۳۹۳)، کتاب «شاخص‌های معماری و شهرسازی اسلامی» (قربانی، ۱۳۹۳) و «معماری و شهرسازی مطابق با سبک زندگی اسلامی» (محمد منان رییسی، ۱۳۹۹)، کتاب «ویژگی‌های شهر از منظر نهج‌البلاغه» (قبادی، ۱۳۹۵) اشاره کرد.

اکثر مطالعات در حوزه مسکن با موضوع محرمیت در آموزه‌های اسلامی پژوهش‌های مفصلی انجام گرفته شده است. محققین معماری و شهرسازی اسلامی نیز در آثار و تألیفات خویش، محرمیت و حریم خصوصی را به‌عنوان مؤلفه‌های فرهنگی، اجتماعی و اخلاقی مورد تحلیل و تفسیر قرار داده‌اند و به بررسی این مفاهیم در مصادیق مختلف اسلامی از جمله خانه‌ها پرداخته‌اند. وجه تمایز این پژوهش به‌عنوان نوآوری نسبت به دیگر مطالعات انجام شده در این است که پژوهش‌های اشاره شده در حوزه مسکن اسلامی به‌طور عام و بعضاً به‌صورت اختصاصی پرداخته‌اند و کمتر تحقیقی بر اصول معماری مسکن با تمرکز به سخنان امام علی(ع) در نهج‌البلاغه پرداخته است، لذا در این پژوهش سعی شده است به این خلاء پرداخته شود.

جدول ۱. پیشینه تحقیق در حوزه موضوع

موضوع	نویسندگان	مسئله تحقیق	تحلیل
تبیین مکان‌یابی خانه در واحد همسایگی با تکیه بر آیات قرآن کریم	وثیق و همکاران (۱۳۹۱)	شناخت ابعاد همسایگی با تکیه براساس آموزه‌های قرآنی	مکان در اسلام دارای دو مفهوم همزمان مادی و معنوی است و تنها در تعادل این دو مفهوم است که مکان اسمی پدید می‌آید.
بازشناسی مؤلفه‌های هویتی مسکن سنتی براساس آیات قرآن و روایات معصومین(ع)	اخوت و همکاران (۱۳۹۱)	چیستی هویت دینی در مسکن سنتی براساس آموزهای اسلامی	نتایج این مقاله نشان می‌دهد که الگوهای هویت دین ابتدا در ساختار شکل می‌گیرند سپس در محیط قوام می‌یابند و در نهایت پیوندهایی معنایی متعالی می‌گرداند.
سطح‌بندی شهر در کلام پیامبر (ص)	ستاری و همکاران (۱۳۹۰)	پژوهش حاضر در جست‌وجوی مباحث شهری در کلام پیامبر(ص) است.	بالاترین میزان توجه به مباحث شهری در کلام پیامبر(ص) در متن نهج‌الفصاحه مربوط به اهمیت و سفارش به همسایه و روابط واحد همسایگی در فضاهای شهری است.
بررسی تطبیقی ابعاد حریم در مسکن سنتی و معاصر با استفاده از مدل تحلیلی BDSR	اخوت و همکاران (۱۳۹۲)	چیستی ابعاد حریم در آموزه‌های اسلامی و تطبیق آن با خانه‌های سنتی و معاصر یزد	در این مقاله با ارایه مدل BDSR به بررسی حریم فضایی می‌پردازد و در خانه‌های سنتی به مراتب ابعاد حریم نسبت به خانه‌های معاصر یزد رعایت شده است.

موضوع	نویسندگان	مسئله تحقیق	تحلیل
بازخوانی سازمان فضایی خانه براساس متون اسلامی	لبیب‌زاده و همکاران (۱۳۹۴)	پژوهش حاضر در جست‌وجوی چگونگی تأثیرگذاری روابط خانواده در اسلام بر روابط میان عرصه‌های عمومی، نیمه‌عمومی و خصوصی و استقرار فضاهای درونی خانه و تطبیق آنها با نظریه‌های رایج در تبیین این روابط فضایی است.	تحقق روابط خانوادگی در اسلام نیازمند تحوّل در سازمان فضایی خانه و تغییر در سبک زندگی است که می‌تواند تجلّی ارزش‌های فرهنگی مدنظر اسلام را در جامعه به‌دنبال داشته باشد.
تأثیر اصل حریم زنان بر معماری خانه‌های ایرانی براساس آموزه‌های اسلامی	حیاتی و همکاران (۱۳۹۶)	آیات و روایات اسلامی چگونه بر ایجاد اصل محرمیت برای زنان در خانه تأکید دارند و نمود اصل محرمیت در فضاهای خانه چگونه است؟	اصل محرمیت در کالبد بنا به‌صورت بصری و عدم اشراف تجلی می‌یابد و از طریق سلسله‌مراتب و درون‌گرایی ایجاد می‌شود. معماران در گذشته با استفاده از این راهکارها، محرمیت در بنا را نه‌تنها برای زنان بلکه برای اهل خانه نیز تأمین می‌کرده‌اند.
مبانی احقاق حقوق شهروندی در نهج‌البلاغه	پاکشیر و همکاران (۱۳۹۸)	توصیه‌های حضرت علی (علیه‌السلام) در باب حقوق شهروندی کدام است؟	حضرت علی (علیه‌السلام) در باب حقوق شهروندی به اصولی چون وحدت، انصاف، مسئولیت‌پذیری، قانون‌مداری، مهرورزی و مشارکت آگاهانه مردم تأکید دارند.
بررسی تطبیقی مفهوم حریم در خانه‌های کشورهای اسلامی حوزه خاورمیانه (مطالعه موردی: خانه‌های اصفهان، صنعاء، دمشق)	امیدواری و همکاران (۱۴۰۱)	چگونه مفاهیمی مانند «حریم» متأثر از بوم و فرهنگ، در خانه‌های کشورهای اسلامی تجلیات متفاوتی پیدا می‌کند؟	آزمون فرضیه پژوهش نشان می‌دهد بوم منطقه نقش بسیار مهمی در ظهور تجلیات مختلف حریم‌ها داشته است و میزان این حریم‌خواهی نیز در مناطق موردمطالعه تفاوت بوده است.

مبانی نظری

مسکن بر وزن مفعل، اسم مکان از ریشه عربی «سکن» به معنای آرامش و سکون است که به معنای محل آرامش و سکون است و در اصطلاح به مکانی می‌گویند که انسان در آن زندگی می‌کند. واژه مسکن یعنی جایی که آدمی در آن سکنی می‌گزیند تا به سکینه دست یابد و این همان تعریف خانه است. در واقع مسکن، همان خانه است و هر دو یک مکان را معرفی می‌نمایند (بمانیان، ۱۳۹۱: ۲۰). در فرهنگ لغت‌نامه دهخدا معنای لغوی مسکن به معناهایی چون: جای باش و خانه، منزل و بیت، سکونت و مقام، جای آرام معنا شده است. در رابطه با واژه مسکن واژه‌های بسیاری وجود دارند که مترادف با آن به‌کار می‌روند. واژه‌هایی نظیر بیت، منزل، کاشه، سرا و... به جای مسکن مورد استفاده قرار می‌گیرند. ریشه‌یابی این کلمات نشان می‌دهد معنای لغوی برخی از این کلمات با یکدیگر تفاوت دارد ولیکن استفاده آنها در بین عامه مردم معمول شده است. برای واضح‌تر شدن معنای این واژه‌ها معنای این کلمات در لغت‌نامه دهخدا مورد بررسی قرار می‌گیرد. مسکن از

مهمترین نعمت‌هایی است که تا آن نباشد دیگر امکانات برای بشر گوارا نخواهد بود. خانه، محیطی است که انسان می‌تواند از طریق آن اصلی‌ترین نیازهای فردی و اجتماعی خود را برآورده سازند. حضرت علی(ع) فرموده‌اند: اِعْلَمُوا عِبادَ اللّهِ اَنَّ الْمُتَّقینَ ذَهَبُوا بِعاجِلِ الدُّنْیا وَ آجِلِ الْآخِرَهِ فَشارَکُوا أَهْلَ الدُّنْیا فی دُنْیاهُمْ وَ لَمْ یُشارِکْهُمْ اَهْلُ الدُّنْیا فی آخِرَتِهِمْ سَکَنُوا الدُّنْیا بِاَفْضَلِ ما سُکِنَتْ... (نهج‌البلاغه، فراز دوم، نامه ۲۷). ای بندگان خدا، بدانید که تقواپیشگان هم از این دنیای زودگذر و هم از آخرت که می‌آید بهره گرفتند، با مردم دنیا در کارهای دنیوی شریك شدند، ولی مردم دنیا با ایشان در کارهای اخروی شریك نشدند، پرهیزگاران در بهترین وجه در خانه‌های دنیا سکونت کردند. از نظر اسلام، انسان باید در شرایطی زندگی کند که بتواند بهتر عبادت کند و خود را برای زندگی اخروی آماده نماید؛ این‌گونه نیست که فرد پرهیزگار حتماً باید در جایی تنگ و تاریک و محروم از امکانات زندگی کند. قرآن‌کریم آن لذتی را حرام کرده که آرامش را از آدمی می‌گیرد و برای او بدبختی و نگرانی به دنبال می‌آورد. أَیُّهَا النّاسُ إِنَّمَاالدُّنْیا دَارُ مَجَازٍ وَ الآخِرَهُ دَارُ قَرَارٍ فَخُذُوا مِنْ مَمَرِّکُمْ لِمَقَرِّکُمْ (نهج‌البلاغه، خطبه ۲۰۳). دنیا خانه عبور است، باید برای خانه دائمی وسیله و امکانات برداشت و از جای ناپایدار برای مکان جاویدان استفاده کرد. با توجه به نیاز انسان به کسب آرامش درونی و امنیت اجتماعی، قرآن کریم مواردی چون همسر، شب، خواب و در مراحل بالاتر، ایمان و تقوای الهی را موجب آرامش دانسته (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۴: ۲۱۵-۲۳۶)، که بعضی از آنچه باعث آرامش انسان می‌شود در خانه وجود دارد (سوره مبارکه نحل، آیه ۸۰) و بعضی دیگر وابسته به شرایط زمان و مکان، بستر آنها در خانه شکل می‌پذیرد.

جدول ۲. کلمات رایج مترادف با واژه «مسکن» در «زبان فارسی» با توجه به فرهنگ دهخدا.

بیت: محل بیتوته در شب.	**جا:** کلمه‌ای که مطلق مکان است	**جای باش:** سرا و منزل و مکان	**جایگاه/ جایگه:** مکان استقرار.
سرا: منزلگاه، بنای عالی و بارگاه.	**دار:** خانه، محل سکونت، مطلق درخت را گویند، شتر بسیار شیردهنده.	**دهکده:** خانه واقع در ده.	**ربع:** سرا و اطراف خانه فرود آمدنگاه.
کازه: خانه‌ای که به‌عنوان سایبان از تخته سازند.	**شم:** خانه زیرزمینی و کاروانسرا	**قرارگاه:** جای استراحت و آرامش.	**کار:** خانه داخل زمین و خانه ساخته شده از چوب و نی
کاشه: خانه‌ای که بر کنار کشت و زراعت سازند.	**کاژه:** منزل و مقام و کمین‌گاه صیاد.	**کاشان:** منزل زمستانی و کاشانه.	**کاشانه:** خانه کوچک و محقر آشیانه مرغان.
کهنبار: به‌معنای منزل و بیت و بارگاه	**کاط:** کاشانه و خانه کوچک و محقر.	**کبس:** خانه گلی	**کد:** یا کت به‌معنای تخت، ده و دهکده است.
مَباءَه: جای باش، منزل و جای آرامش	**مابد:** جا و مکان و مسکن.	**مان:** به‌معنای سرا و مسکن و ماندن از ریشه آن است.	**مأوا:** جایگاه جای بودن، جای سکونت و اقامت.
معان: جایگاه، جای باش و حیات	**مَثوا:** جای آرام، قرارگاه و جای حیات	**مَحط:** موضع و منزل، جای فرود آمدن.	**مسکن:** جای سکونت، جای باش و بقاء
منقله: منزل و فرود آمد نگاه.	**مقام:** اقامت و قیام و جای ایستادن است.	**مکان:** معنی مطلق جا، موضع بودن چیزی.	**منزل:** اقامت موقت، محل خوابیدن و آرامش.
موضع: جای، محل، مفهوم مطلق جا.	**موقع:** جای و جایگاه افتادن، جای واقع شدن چیزی		

مفهوم و ساختار کلی سکونت از منظر آموزه‌های اسلام و اندیشمندان

با گسترش دین اسلام در سرزمین‌های مختلف و ارزش‌های برآمده از جهان‌بینی آن، تغییراتی در ساختار اجتماعی و کالبدی سکونتگاه‌های تحت حاکمیت آن ایجاد گردید (کلانتری و همکاران، ۱۳۸۹: ۳۵).

مسکن مسلمان به‌عنوان جزیی از شهر براساس نیازهایش دارای دو بعد است: یک بعد او به سمت نیازهای معنوی و بعد دیگر او به سمت نیازهای مادی حرکت می‌کند. مسکن اسلامی نیز فراتر از یک واقعیت عینی است و با فطرت آدمی ارتباط دارد و پاسخگوی نیازهای اساسی مادی و معنوی است. به عبارت دیگر اصل، رسیدن به کمال مطلوب الهی است که در نهاد انسان‌ها فطرتاً وجود دارد، معمار و سازنده بنا در ساخت مسکن هدفی جز پرستش نداشته و این اشاره‌ای به آنکه معمار مسلمان ساخت را امری آیینی می‌داند، است (سوره بقره، آیه ۱۲۷). در حقیقت اگر هدف از ساخت مسکن ارتقاء و کمال انسانی به سمت خدا باشد خدا نیز در این امر او را رهبری می‌کند (سوره حج، آیه ۲۶). خانه فارغ از ظواهر و پیرایه‌های آن، خواه کاخ باشد خواه کوخ، نعمتی الهی است که انسان را می‌بایست به ذکر الهی سوق دهد (اعراف، آیه ۷۴). خانه خود وسیله بوده و هدف محسوب نمی‌شود.

اگر مسکن باعث دوری از یاد خدا و جایگاه انسانی باشد از ارزشی برخوردار نیست (توبه، آیه ۲۴ و سوره قصص، آیه ۵۸). در حقیقت معمار مسلمان با بهره‌گیری از هویت دینی و اعتقادی که محدود به زمان و مکان خاص نیست، فضایی را خلق می‌کند که بازتاب اندیشه‌های خویش باشد و به نیازهای درونی افرادی که در آنجا زندگی می‌کنند توجه کند. به‌عنوان مثال مسکن سنتی همواره براساس عقاید مذهبی ساکنین آن خلق می‌شد و معمار مسلمان تا حد امکان به اصول، قواعد و روش‌های احداث خانه در آیات و احادیث توجه می‌نمود و لذا اثری که خلق می‌کرد بر مبنای آن الگوها شکل می‌گرفت و همواره روح دینی در مسکن سنتی جریان می‌یافت (اخوت، ۱۳۹۰: ۶۷).

در اندیشه راپاپورت میل به اسکان گزیدن از ویژگی‌های زیربنایی رفتار انسان است. به گفته او مسکن تنها یک ساختار نیست بلکه نهادی است که برای پاسخگویی به مجموعه‌ای پیچیده از اهداف ایجاد می‌شود. هدف اصلی مسکن به وجود آوردن محیطی سازگار و منطبق بر روش زندگی انسان است. علاوه بر تأمین نیازهای فردی، مسکن باید قادر به برآورده ساختن نیازهای اجتماعی انسان نیز باشد (راپاپورت، ۱۳۸۲: ٦٤). به گفته او خانه بیش از آنکه ساختاری کالبدی باشد نهادی است با عملکردی چندبعدی متأثر از اجتماع، فرهنگ، آئین مذهبی، اقتصاد و شرایط محیطی، و از آنجا که ساخت «خانه» خود امری فرهنگی است، شکل و سازمان آن نیز، متأثر از فرهنگی است که خانه محصول آن است. سنت محلی یا فرهنگی ارتباط مستقیمی با فرم‌های فیزیکی یک فرهنگ داشته و به عبارتی این دو لازم و ملزوم یکدیگرند (راپاپورت، ۱۳۸۲: ٦٨).

راپاپورت معتقد است که از گذشته‌های بسیار دور، خانه برای انسان چیزی بیش از سرپناه بوده و جنبه‌های معنوی و مذهبی در همه مراحل ساخت خانه تا استقرار در آن و استفاده از آن کاملاً مشهود است. همچنین به اعتقاد او عامل فرهنگ و درک انسان‌ها از جهان که شامل اعتقادات مذهبی، ساختار اجتماعی قبیله و خانواده، روش زندگی و همچنین شیوه ارتباطات اجتماعی افراد است، نقش مؤثری در مسکن و سازمان تقسیمات فضایی آن داشته است (براتی، ۱۳۸۲: ۲۵).

در اندیشه هایدگر، «سکنی گزیدن به‌معنای در آرامش قرار گرفتن است. یعنی در حوزه آزادی در آرامش درون، هر چیز را در سرشتش حفظ می‌کند. ویژگی بنیادین سکنی گزیدن که سکونت را در کل گستره‌اش اشاعه می‌دهد، نگهداری و محافظت است» (هایدگر، ۹:۱۳۸۱)، هایدگر به مترادف بودن مفاهیم سکونت و بودن اشاره می‌کند و تفکر در پدیده سکونت و مسکن را امری ضروری می‌داند و می‌گوید تنها زمانی سکونت تحقق خواهد یافت که ساختن و تفکر کنار هم قرار گیرند و بخشی از سکونت شوند (هایدگر، ۱۳۸۱: ۲٤).

او مقیم بودن و حضور داشتن در جایی را متفاوت از سکونت داشتن در آن دانسته و تأکید می‌کند که در هر مسکنی، سکونت گزیدن روی نمی‌دهد. بنابراین سکونت، کیفیتی است که انسان تنها از طریق ساختن به آن دست می‌یابد ولی نه هر ساختنی و نه هر حضوری. برهمین اساس از دو گونه حضور در فضا یاد می‌کند: اقامت و سکونت. هر دوی اینها گرچه نوعی جای گرفتن در فضا هستند ولی هایدگر معتقد است که تفاوتی بنیادین بین آنها وجود دارد.

اقامت، زمانی اتفاق می‌افتد که انسان در فضاهای دیگری چون محل کار قرار دارد. خود او از مثال راننده کامیون در بزرگراه و یا سرمهندس در نیروگاه استفاده می‌کند.

با این حال او مفهوم سکونت را به‌عنوان مفهومی عام برای هر نوع فضای مسکونی به کار نمی‌برد بلکه، نوع و کیفیت خاصی از سکونت را مدنظر دارد. او اشاره می‌کند که در این کمبود مسکن امروزی، برای خیلی‌ها داشتن یک فضای مسکونی آرامش‌بخش است، از نظر او ذات سکونت اینست، زندگی بر روی زمین و زیر آسمان، حفاظت از آنها و دریافت رازشان و نه بهره‌کشی از آنها با استفاده از تکنولوژی، یعنی امری که امروزه دارد اتفاق می‌افتد (هایدگر، ۱۳۸۱: ۱۵). از دیدگاه گیفورد خانه‌ها منطبق بر فرهنگ‌ها بوده و انتظام فضائی آنها، نشان‌دهنده روابط اجتماعی افراد ساکنش می‌باشد. در بررسی فرم خانه در هفتاد و سه فرهنگ مختلف مشاهده گردید که میزان تقسیم‌بندی فضای داخلی خانه بستگی به میزان پیچیدگی اجتماعی-سیاسی در آن فرهنگ دارد. به گفته گیفورد: «کاشانه (خانه) مهم‌ترین مکان در زندگی ماست. معمولاً کاشانه (خانه) مهم‌ترین پناهگاه از تنش‌های مرتبط با کار، مدرسه یا زندگی روزمره است. شش مشخصه کاشانه عبارتند از: پناهگاه، نظم، هویت، همبستگی و معنویت، محافظت از گرما و مناسب بودن فیزیکی. امکان دارد که مکانی برای سکونت داشت ولی در عین حال بدون کاشانه بود. یک فرد بی‌خانمان احتمالاً طی مراحلی بی‌کاشانه می‌شود.

در مرحله اول، حمایت خانواده از بین می‌رود و سپس دوستانش را از دست می‌دهد» (گیفورد، ۱۳۷۷: ۷۲-۷۵). شولتز معتقد است، «خانه یکی از عینی‌ترین مراکز در دنیای شخصی بشر است. خانه به‌صورت مرکزیتی برای وجود بشر در می‌آید. یعنی محلی که کودک در آنجا یاد می‌گیرد و وجود خود را در دنیا می‌یابد و یعنی مکانی که بشر از آنجا راه می‌افتد و باز به آنجا باز می‌گردد» (شولتز، ۱۳۵۳: ۵۳)، شولتز در کتاب «معماری : معنا و مکان» بیان می‌کند «محیط تنها درصورتی به محیط اجتماعی با معنایی مبدل می‌شود که امکاناتی غنی درتعیین هویت به ما ارزانی دارد. این وظیفه معمار است که به فضاها فرمی بدهد که با آن، آنها محتوای لازم را دارا شوند برای نمونه این معمار است که خانه را به‌گونه‌ای که امنیت و آرامش را فراهم آورد، طراحی می‌کند» (شولتز، ۱۳۸۲: ۵۳). کوپر خانه را همچون نمادی از خود می‌داند.

به اعتقاد او خانه بازتابی است از اینکه انسان خود را چگونه می‌بیند. به اعتقاد او

خانـه دو جـزء بسـیار متفـاوت دارد. فضاهـای داخلـی کـه متشـکل از فضـای محصـور درونـی و خصوصـی اسـت و صـورت خارجـی کـه فضـای بـاز و بیرونـی و عمومـی را دربرمی‌گیـرد. در ایـن رابطـه می‌نویسـد: خانـه ممکـن اسـت بـه دو صـورت دیـده شـود: اولـی تجلـی آشـکاری از خـود کـه در ایـن حالـت پیام‌هـای روانـی از خـود بـه سـوی نمـاد عینـی خـود جـاری می‌شـوند و دوم به‌صـورت کشـف و شـهود ماهیـت خـود کـه در ایـن حالـت پیام‌هـا از نمـاد عینـی بـه جانـب خـود بـاز می‌گـردد (کوپـر، ۱۳۷۹: ۵۹).

از مجمـوع نظـرات فـوق چنیـن اسـتنباط می‌شـود کـه چـون فضـای معمـاری فرهنگ‌پذیـر بـوده اسـت و فرهنـگ نیـز بـر معمـاری تأثیرگـذار اسـت لایـه اول وحدت‌بخـش کالبـد سـکونتگاه و معمـاری مسـکن می‌توانـد ناشـی از فرهنـگ باشـد.

جدول ۳. مقایسه بین آرا و عقاید اندیشمندان در مورد سکونت (مأخذ: نگارنده).

واژگان کلیدی	مفاهیم بررسی شده	توضیحات
مسکن	اسم مکان بر وزن مفعل از ریشه «سکن»	به معنا و محل آرامش و سکون است.
	واژه‌های مرتبط	خانه، کاشانه، بیت، منزل، سرا، دار، مأوا.
	سکونت	سکونت؛ بیانگر برقراری پیوندی پرمعنا بین انسان و محیطی مفروض (تمام فعالیت‌های فردی، زیستی، اجتماعی و...) است.
	سکونتگاه	فراهم نمودن تمام خدمات و تسهیلات ضروری برای زیست فردی و اجتماعی از قبیل فرهنگ، آموزش، درمان و ... در یک مکان.
مفهوم سکونت در دیدگاه اندیشمندان	از منظر اسلام	مسکن اسلامی خود وسیله بوده، جهت رسیدن به کمال و هدف محسوب نمی‌شود.
	راپاپورت	مسکن تنها یک ساختار نیست بلکه نهادی است که برای پاسخگویی به مجموعه‌ای پیچیده از اهداف ایجاد می‌شود و ساخت آن خود امری فرهنگی است، شکل و سازمان آن نیز، متأثر از فرهنگی است که خانه محصول آن است.
	هایدگر	سکنی گزیدن به معنای در آرامش قرار گرفتن است. یعنی در حوزه آزادی در آرامش درون، هر چیز را در سرشتش حفظ می‌کند. ویژگی بنیادین سکنی گزیدن که سکونت را در کل گستره‌اش اشاعه می‌دهد، نگهداری و محافظت است.
	گیفورد	خانه‌ها منطبق بر فرهنگ‌ها بوده و انتظام فضائی آنها، نشان‌دهنده روابط اجتماعی افراد ساکنش می‌باشد. در بررسی فرم خانه در هفتاد و سه فرهنگ مختلف مشاهده گردید که میزان تقسیم‌بندی فضای داخلی خانه بستگی به میزان پیچیدگی اجتماعی-سیاسی در آن فرهنگ دارد.
	شولتز	خانه یکی از عینی‌ترین مراکز در دنیای شخصی بشر است. خانه به‌صورت مرکزیتی برای وجود بشر در می‌آید. یعنی محلی که کودک در آنجا یاد می‌گیرد و وجود خود را در دنیا می‌یابد و یعنی مکانی که بشر از آنجا راه می‌افتد و باز به آنجا بازمی‌گردد.
	کوپر	خانه بازتابی است از اینکه انسان خود را چگونه می‌بیند. کوپر خانه را همچون نمادی از خود می‌داند.

روش تحقیق

ماهیـت تحقیـق، اسـتقرایی و براسـاس روش تحلیلی-منطقـی و میان‌رشـته‌ای اسـت. رهیافـت مـا بـا توجـه بـه سـؤال تحقیـق به‌طـور غالـب از نـوع درون دینـی و میان‌رشـته‌ای اسـت.

نظـر بـه اینکـه مسـائل دین‌پژوهـی، چندتبـاری اسـت و مسـائل چندتبـاری، محتـاج روی‌آورد میان‌رشـته‌ای اسـت، لـذا مسـائل دین‌پژوهـی، محتـاج روی‌آورد میان‌رشـته‌ای اسـت (قراملکـی، ۱۳۸۵: ۳۹۵). روش تحقیـق مسـائل چندتبـاری کـه بـه موضـوع معمـاری و شهرسـازی و حـوزه علـوم دینـی وابسـته اسـت، روش تحقیـق موضوعـات چندوجهـی، هماننـد «موضـوع مقالـه مرتبـط» کـه بـه علـوم مختلـف وابسـته هسـتند روش ترکیبـی اسـت. ایـن روش به دنبـال یافتـن روی‌آوردی ژرف‌تـر بـرای به‌دسـت آوردن دیـدگاه خاصـی اسـت، در ایـن روش بـا چالـش و گفت‌وگـوی مؤثـر بی‌رهیافت‌هـا در

جست‌وجوی روی‌آورد و رهیافت جامع‌تر هستند (حاجی یوسفی، ۱۳۸۸). رسیدن به نتیجهٔ مطلوب در موضوعات کثیرالاضلاع و چندوجهی، همانند موضوع این پژوهش که به علوم مختلف وابسته هستند، از برنامه چالش و گفت‌وگوی مؤثر بین دیدگاه‌ها یا مطالعه میان‌رشته‌ای ممکن می‌شود.

در این پژوهش با جست‌وجوی موضوعی در متن نهج‌البلاغه گزاره‌ها و داده‌هایی که به‌طور مستقیم و غیرمستقیم با مسئله این پژوهش ارتباط دارند گزینش شده‌اند. سپس جهت تحلیل داده‌های حاصل از گزاره‌های دینی از روش تحلیل محتوای کمی، کیفی و استدلال منطقی استفاده شده است.

به این ترتیب که مضامین گزاره‌ها (تفسیری و یا مکنون) استنباط شده است و سپس با استفاده از استدلال منطقی هر کدام از یافته‌ها مورد بحث قرار گرفته است و در پایان به‌طور خاص راهبردها و راهکارهای معماری مسکن مطلوب ارائه شده است.



شکل ۱. فرآیند تحقیق

بحث و یافته‌ها

موارد مرتبط با فضای کالبدی سکونتگاه و معماری مسکن با استناد بر سخنان امام علی (علیه السلام) در نهج‌البلاغه

با مطالعه و بررسی خطبه‌ها، حکمت و نامه‌ها از امام علی (علیه‌السلام) در کتاب نهج‌البلاغه چهارده مورد مرتبط با فضای کالبدی شهر و عوامل مؤثر در معماری مسکن تشخیص داده شد که در قالب جدول شماره چهار دسته‌بندی شده‌اند.

جدول ۴. گزاره‌های مرتبط با مباحث سکونتگاه و معماری مسکن در گفتار امیرالمومنین (علیه السلام) در نهج‌البلاغه

ردیف	متن (خطبه، حکمت یا نامه)	منبع	توصیه‌های معمارانه
۱	حضرت خطاب به علاء بن زیاد که خانه وسیعی داشت توصیه فرمود: ...ان شئت بلغت بها الاخره: تقری فیها الضیف، وتصل فیهاالرحم، و تطلعمنها الحقوق مطالعها، فاذا انت قد بلغت بهاالاخره؛ ... در این خانه مهمان‌نوازی کن تا در آخرت نیز چنین خانه وسیعی داشته باشی.	خطبه ۲۰۹	– ارج نهادن به مقام مهمان به‌عنوان یکی از اساسی‌ترین اصول اخلاقی در اسلام است. – اختصاص دادن فضایی در خانه برای آسایش مهمان به‌عنوان یکی از حقوق افراد است.

ردیف	متن (خطبه، حکمت یا نامه)	منبع	توصیه‌های معمارانه
۲	امام علی (علیه‌السلام) به امام حسن (علیه‌السلام) سفارش می‌فرمایند: سل عن الجار قبل الدار؛ پیش از گرفتن منزل درباره همسایه‌ها جست‌وجو و تحقیق کن. امام علی (علیه السلام) در آداب اخلاق همسایگی فرمود: از خوش‌همسایگی احوال‌پرسی از همسایه است (حرانی، ص ۸۱)؛ و نیز می‌فرماید: فتع صبوا لخلال الحم من الحفظ للجوار؛ در حمایت از همسایگان تعصب ورزید. حق جوار در اسلام به‌قدری اهمیت دارد که در وصیت معروف امیرمؤمنان (علیه‌الصلاه والسلام) آمده است: والله الله فی جبرانکم، فانهم وصیه نبیکم، ما زال یوصی بهم حتی ظننا انه سیورثهم؛ خدارا خدارا ! درباره همسایگان خود، خوش رفتاری کنید. زیرا آنان مورد توصیه و سفارش پیامبر(صلی‌الله علیه و آله) شما هستند. ایشان همواره نسبت به همسایگان سفارش می‌فرمود تا آنجا که ما گمان بردیم به زودی سهمیه‌ای از ارث برایشان قرار خواهد داد. امام علی (علیه‌السلام) در فرازی دیگر احترام به همسایگان را از ویژگی پرهیزگاران دانسته و فرمود: لایضار بالجار؛ پرهیزکاران همسایگان را آزار نمی‌رسانند.	نامه ۳۱ خطبه ۱۹۲ نامه۴۷ خطبه ۱۹۳	- در ساخت خانه کرامت همسایه اهمیت دارد. - عدم فخرفروشی به همسایه و حق شفعه (حق‌تقدم خرید) از اصول اساسی همجواری همسایگی در نظر اسلام است. - اهمیت فضای همسایگی و حسن رفتار با همسایه. - روابط اجتماعی بهینه در حیطه همسایگی مسکن و محله‌های شهری. - در نظر گرفتن رعایت حق همسایگان حتی همسایگان دور و غیردینی. - در راستای مرابطه با همسایه، سامانه اسلام، رعایت اعتماد و پیوستگی اجتماعی به‌همراه مرزبندی و حریم است. - از مصادیق حقوق همسایه، رعایت ارتفاع و رعایت حقوق اقلیمی و حداقل اشراف است.
۳	حضرت علی (علیه‌السلام) می‌فرماید: فداروهنَّ علی کل حال احسنوا لهنَّ المقال، لعلهنَّ یحسن الفعال: با زنان در هر شرایطی مدارا کنید و با آنان خوش‌گفتار و نیکوسخن باشید تا ایشان هم خوش‌کردار و نیکورفتار شوند.	نامه ۱۴	- فراهم نمودن فضاها متناسب با نیاز زنان در خانه. - ایجاد اتاق مجزا برای زنان خانه. -طراحی داخلی اتاق زنان با سلیقه بانوی خانه. - اهمیت تأمین مسکن مناسب. - فضاهای مسکن متناسب با نیازهای زن و شوهر. - توجه به سکینه و آرامش زن در مسکن. - کمیت و کیفیت مسکن متناسب با مقدار توانایی مرد است.
۴	... أنْ تُخَالطَ أَبْیَاتَهُمْ... و به خانه‌هایشان داخل مشو... وَ اکْفُفْ عَلَیْهِنَّ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ بِحِجَابِکَ إِیَّاهُنَّ فَإِنَّ شِدَّهَ الْحِجَابِ أَبْقَی عَلَیْهِنَّ: در پرده حجاب نگاهشان دار، تا نامحرمان را ننگرند، زیرا که سخت‌گیری در پوشش، عامل سلامت و استواری آنان است.حضرت در حکمت۲۲۳ می فرمایند: آن‌کس که لباس حیا بپوشد، کسی عیب او را نبیند. نامه ۳۱ امام علی (علیه السلام): رعایت پوشش زنان را عامل سلامت و استواری آنان می‌داند: آنان (زنان) را در صدف حجاب درپوشان تا از چشم زخم بُلهوسان برهند؛ زیرا دوام‌امنیّت و سلامت زن به پوشش و‌عفاف اوست	نامه ۲۵ نامه ۳۱ حکمت ۲۲۳	- از هر کاری که موجب شکستن حریم، حیا و حجاب می‌شود، باید دوری کرد. - داشتن حریم برای مسکن. - مصون بودن فضاهای مسکن از نگاه نامحرمان. - تفکیک عرصه خصوصی از عمومی.

ردیف	متن (خطبه، حکمت یا نامه)	منبع	توصیه‌های معمارانه
۵	إِنَّ لِلْوَلَدِ عَلَى الْوَالِدِ حَقّاً ..... وَ يُحَسِّنَ أَدَبَهُ وَ يُعَلِّمَهُ الْقُرْآنَ امام علیه‌السّلام (درباره حقّ پدر و فرزند بر یکدیگر) فرموده است: ... و او را با ادب و آراسته بار آورد، و قرآن را به او بیاموزد.	حکمت ۳۹۱	- مسئول آموزش احکام دین به فرزندان، والدین مؤمن هستند. - کودکان باید پاکدامنی (يُحَسِّنَ أَدَبَهُ وَ يُعَلِّمَهُ الْقُرْآنَ) را از محیط خانه بیاموزند. - زمینه‌سازی محیط خانه (تفکیک محل خواب والدین و فرزندان) برای پاکدامنی، تربیت و آموختن آداب اسلامی. - طبق آیات قرآن محل خواب والدین باید جدا و دور از چشم فرزندان برای (يُحَسِّنَ أَدَبَهُ وَ يُعَلِّمَهُ الْقُرْآنَ) باشد، وگرنه طبق آیات قرآن نیاز به اذن و رعایت ادب نبود. از لوازم تعلیم ادب و پاکدامنی: - مجزا بودن فضای خواب والدین از فرزندان -مجزا بودن اتاق خواب فرزندان از همدیگر. - داشتن حریم برای فضاهای تفکیک‌شده داخلی.
۷	وَ قَالَ (علیه السلام) خَالِطُوا النَّاسَ مُخَالَطَةً إِنْ مُتُّمْ مَعَهَا بَكَوْا عَلَيْكُمْ وَ إِنْ عِشْتُمْ حَنُّوا إِلَيْكُمْ امام علیه السّلام (در سود خوشرفتاری با مردم) فرموده است ۱- با مردم چنان آمیزش و رفتار نمائید که اگر در آن حال مردید (در مفارقت و جدائی) بر شما بگریند، و اگر زنده ماندید خواهان معاشرت با شما باشند.وَأَكْثِرْ مُدَارَسَةَ الْعُلَمَاءِ، وَمُنَاقَشَةَ الْحُكَمَاءِ، فِي تَثْبِيتِ مَا صَلَحَ عَلَيْهِ أَمْرُ بِلَادِكَ، وَإِقَامَةِ مَا اسْتَقَامَ بِهِ النَّاسُ قَبْلَكَ با دانشمندان، فراوان گفتگو کن، و با حکیمان فراوان بحث کن، که مایه آبادانی و اصلاح شهرها، و برقراری نظم و قانونی است که در گذشته نیز وجود داشت. أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّهُ لَا يَسْتَغْنِي الرَّجُلُ وَ إِنْ كَانَ ذَا مَالٍ عَنْ [عَشِيرَتِهِ] عِتْرَتِهِ وَ دِفَاعِهِمْ عَنْهُ بِأَيْدِيهِمْ وَ أَلْسِنَتِهِمْ، وَ هُمْ أَعْظَمُ النَّاسِ حَيْطَةً مِنْ وَرَائِهِ وَ أَلَمُّهُمْ لِشَعَثِهِ وَ أَعْطَفُهُمْ عَلَيْهِ عِنْدَ نَازِلَةٍ إِذَا [إِنْ] نَزَلَتْ بِهِ: ای مردم، آدمی هر چند توانگر بود، از عشیره خویش و دفاع آنان از او، به دست و زبان، بی نیاز نباشد. زیرا عشیره هرکس، بزرگ‌ترین محافظان او هستند که از پشت سر حمایتش می‌کنند و بیش از دیگر مردم، اوضاع پراکنده او را به سامان می‌آورند و چون حادثه‌ای بر او فرود آید از دیگران بدو مهربان‌ترند. وَ أَكْرِمْ عَشِيرَتَكَ فَإِنَّهُمْ جَنَاحُكَ الَّذِي بِهِ تَطِيرُ وَ أَصْلُكَ الَّذِي إِلَيْهِ تَصِيرُ وَ يَدُكَ الَّتِي بِهَا تَصُولُ: عشیره خود را گرامی دار، که ایشان بال‌های تو هستند که به آن می‌پری و اصل و ریشه تواند که بدان باز می‌گردی و دست تو هستند که به آن حمله می‌آوری.	حکمت ۱۰ نامه ۵۳ خطبه ۲۳ نامه ۳۱	- اسلام، دین ارتباط است. ارتباط با مردم، خدا و پیامبران - اهمیت فضای همسایگی و حسن رفتار با همسایه. - ایجاد همجواری مطلوب بین مساکن و مکان‌یابی سکونتگاه در منطقه مؤمنین فامیل - ارتقا و بهبود روابط همسایگی خصوصاً با خویشان - در نظر گرفتن فضای بیرونی برای برقراری ارتباط مناسب با مردم. - روابط اجتماعی بهینه در حیطه همسایگی مسکن و محله‌های شهری خصوصاً با مساجد و مدارس علمی و فرهنگی

ردیف	متن (خطبه، حکمت یا نامه)	منبع	توصیه‌های معمارانه
۸	وَيْلٌ لِسكَكِكُمُ الْعَامِرَه وَ الدُّورِ الْمُزَخْرَفَه الَّتِی لَهَا أَجْنَحَةٌ كَأَجْنِحَه النَّسُورِ وَ خَرَاطِيمُ كَخَرَاطِيمِ الْفِيَلَه: وای بر محله‌های آبادتان و خانه‌های آراسته‌تان که چون کرکسان، بال‌ها دارند و ناودانهایشان چون خرطوم فیل... و سُئِلَ (علیه السلام) عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَلَنُحْيِيَنَّهُ حَياةً طَيِّبَةً، فَقَالَ: هِيَ الْقَنَاعَهُ. از امام علیه السّلام (معنی) فرمایش خدای عزّ و جلّ: فَلَنُحْيِيَنَّهُ حَياةً طَيِّبَةً یعنی بنده صالح نیکوکار را زندگانی نیکوئی دهیم، را پرسیدند، پس آن حضرت (در تفسیر آن) فرمود: ۱- آن زندگانی نیکو قناعت است (زندگانی با قناعت خوش و نیکو است، و حریص زندگانیش تلخ و تنگ است اگر چه بسیار دارا باشد).	خطبه۱۲۸ حکمت۲۲۹	- نساختن بنا با معماری که لباس شهرت داشته باشد. - تکاثر به معنای فزون‌طلبی و فخرفروشی به دیگران است و در معماری، به مفهوم اعتبار یافتن خانه است. - منع از ساختمان‌سازی برای تفاخر به دیگران و مذموم دانستن آنها به دلیل غفلت‌زایی. - انتقاد از هدف نامقدس و خروج از اعتدال در ساختمان. - ساخت‌وساز باید براساس نیاز واقعی باشد، نه بیهوده. - توبیخ ساختن ساختمان بدون هدف خاص (منع اسراف). - پرهیز از هر نوع خودنمایی و تظاهر و تفاخر و اسراف در خانه‌سازی و رعایت حد اعتدال و حد نیاز ضروری. - ساختمان نباید از روی هوا و هوس و برای فخرفروشی به دیگران باشد.
۹ ۱۰	قَالَ (علیه‌السلام) :لَيْسَ بَلَدٌ بِأَحَقَّ بِكَ مِنْ بَلَد خَيْرُ الْبِلَادِ مَا حَمَلَكَ. امام علیه‌السّلام (درباره جای زندگی) فرموده است: شهری از شهر دیگر بتو سزاوارتر و شایسته‌تر نیست، بهترین شهرها شهری است که تو را به دوش گیرد (اهل آن تو را بخواهند و در زندگی در رفاه و آسایش باشی). وَ اسْكُنِ الأَمْصَارَ الْعِظَامَ فَإِنَّهَا جِمَاعُ الْمُسْلِمِينَ، وَ احْذَرْ مَنَازِلَ الْغَفْلَه وَ الْجَفَاءِ وَ قِلَّهَ الأَعْوَانِ عَلَى طَاعَه اللَّه. وَ اقْصُرْ رَأْيَكَ عَلَى مَا يَعْنِيكَ، وَ إِيَّاكَ وَ مَقَاعِدَ الأَسْوَاقِ فَإِنَّهَا مَحَاضِرُ الشَّيْطَانِ وَ مَعَارِيضُ الْفِتَنِ.: در شهرهای بزرگ سکونت‌گیر که محل اجتماع مسلمانان است و از جایی که منزلگاه غفلت و ستم است و طاعت خداوند را یاران اندک است، بپرهیز. (مانند بلاد کفر و ده‌ها) و اندیشهات را به آنچه به کارت آید وادار (در کارهای بیهوده صرف مکن) و بپرهیز از نشستن سر گذر بازارها زیرا آنجا جاهای شیطان و پیش‌آمد فتنه و تباهکاری است (غالباً مردم در این جاها به امور دنیا و کارهای خلاف دین مشغولند، پس تا می‌توان باید از آن دور شد).	حکمت۴۴۲ نامه۶۹	- سکونت در فضای قدسی بر سکونت در فضای غیرقدسی برتری دارد. - از مصادیق تقوی در سکونتگاه، جداسازی منطقه مسکونی مومنین از کفاراست. - توجه به امنیت معنوی و فرهنگی سکونتگاه. - تقوی در مسکن به صورت رعایت حریم و عدم اشرافیت فضاهای خانه بر هم معنا مییابد. - ذات مسئله سکونت در اسلام، زمینه‌سازی جهت افزایش عزت، قدرت و استقلال گروه مؤمن و انسجام جامعه ایمانی است (یونس، آیه۸۷). - فضای متقی بهره‌مند از برکات الهی است. - فضای متقی در مسکن اسلامی باید امن از گناه باشد.

ردیف	متن (خطبه، حکمت یا نامه)	منبع	توصیه‌های معمارانه
۱۲	مُقَارَبَهُ النَّاسِ فِی أَخْلَاقِهِمْ، أَمْنٌ مِنْ غَوَائِلِهِمْ. هماهنگی در اَخلاق و رسوم مردم، ایمن مانَدن از دشمنی و کینه‌های آنها است.	حکمت۴۰۱	-از مصادیق هماهنگی در رسوم، وحدت جامعه شهری بوسیله وحدت و هماهنگی کالبدی است. - هماهنگی (وحدت) اجتماعی و و حدت کالبدی. - تمرکز و وحدت در توده خانه‌ها (وحدت کارکردی و گونه‌ای در ساخت خانه (تمرکز معنایی و شکلی)). - امت واحده اسلامی، وحدت با جامعه شهری. -اهمیت زندگی اجتماعی و وحدت با امت. - اهمیت حسن سلوک و نیکی رفتار در واحدهای همسایگی. - اهمیت سکونت در شهر. - اهمیت فضای همسایگی و حسن رفتار با همسایه.
۱۴	الْحَجَرُ الْغَصِیبُ فِی الدَّارِ، رَهْنٌ عَلَی خَرَابِهَا. سنگ غصبی که در بنای خانه به‌کار رفته باشد، گرو ویرانی آن است	حکمت۲۴۰	- حلال بودن هزینه ساخت‌وساز. - غصبی نبودن زمین و مصالح مورد استفاده.
۱۵	تَوَقَّوُا الْبَرْدَ فِی أَوَّلِهِ وَ تَلَقَّوْهُ فِی آخِرِهِ، فَإِنَّهُ یَفْعَلُ فِی الأَبْدَانِ کَفِعْلِهِ فِی الأَشْجَارِ، أَوَّلُهُ یُحْرِقُ وَ آخِرُهُ یُورِقُ. در آغاز سرما خود را از آن حفظ کنید و در پایان آن بدان روی نهید زیرا سرما با بدن‌ها همان کند که با درختان کند. در آغاز می‌لرزاندشان و در پایان، برگشان را می‌رویاند. تَّقُوا اللَّهَ عِبَادَ اللَّهِ فِی عِبَادِهِ وَ بِلَادِهِ إِنَّکُمْ مَسْئُولُونَ حَتَّی عَنِ الْبِقَاعِ وَ الْبَهَائِمِ: از خدا نسبت به بندگان و شهرهایش پروا کنید، زیرا دارای مسئولیت هستید حتی نسبت به زمین‌ها و حیوانات.	حکمت۱۲۸ خطبه۱۶۷	- مطلوب بودن محیط‌زیست، مکان (شایسته و مناسب). - مسکن مطابق با نیازهای انسان، با آب و هوای خوب. - اهمیت مسکن مطلوب. - نقش اقلیم در مکانیابی خانه اسلامی، قرارگیری خانه در بستر آن است. - طراحی باید براساس موقعیت واقعی زمین باشد. - لازمه سکونت مطلوب و یکی از شروط مسکن اسلامی در آموزه‌های اسلامی، آن است که با محیط طبیعی اطراف خود پیوند داشته باشد.
۱۷	العدل یضع الامور مواضعها عدل هر چیزی را در جای خویش قرار می‌دهد	حکمت۴۳۷	- مفاهیم قسط و عدل شرط جامعه اسلامی است. - عدل فقط، عدالت اجتماعی و قضایی نیست. - نقش عدل در اساس خلقت عالم و تداوم هستی کائنات. - تعادل در نظام کل و اجزاء خانه - تعادل در ارتباط متقابل خانه با محیط. - تعادل بین فضاهای خانه. - تعادل بین کالبد خانه و همسایگان.

ردیف	متن (خطبه، حکمت یا نامه)	منبع	توصیه‌های معمارانه
۱۸	اوصیکم بتقوی‌الله و نظم امرکم. شما را به تقوای الهی و نظم در کارهایتان توصیه می‌کنم	نامه ۴۷	- سازماندهی فضایی مسکن باید نظامدار (منظم و مرتب) باشد. - چینش ساختمان‌ها بر فراز هم باید دارای نظم باشد. - نظم‌وترتیب در سازماندهی انتظام فضایی مسکن. - ارتفاع نباید اغتشاش بصری و بی‌نظمی ایجاد کند. - ارتفاع نباید به معنای برتری‌طلبی (بی‌تقوایی) و آرایش (شهرت) نما باشد.
۱۹	وَ الطِّیبُ نُشْرَهٌ، وَ الْعَسَلُ نُشْرَهٌ، وَ الرُّکُوبُ نُشْرَهٌ، وَ النَّظَرُ إِلَی الْخُضْرَهِ نُشْرَهٌ بوی خوش، بیمار را بهبود بخشد و عسل بیماری را بهبود بخشد و سواری بیماری را بهبود بخشد و نظر به سبزه بیماری را بهبود بخشد.	حکمت ۴۰۰	- از تمایلات طبیعی انسان به آب، سرسبزی، باغ، بوستان و منزل، در جهت گرایش به معنویت استفاده کنیم. - به‌کارگیری توصیفات بهشتی (سبزه و آب) در خانه برای آرامش و آسایش. - منظر و دید مناسب برای رؤیت آسمان در فضای مسکنی که امکانش وجود دارد. - دیدن نزول آب باران از آسمان برای ساکنین. - صحنه‌پردازی‌های هنری در فضای مسکن مرتبط با مفهوم مسکن و زیبایی فضای مسکن و صحنه‌پردازی طلوع و غروب (ایجاد فضای ذکر).

تحلیل یافته‌ها

پس از شناسایی گزاره‌های دینی و استخراج راهبردهای کالبدی و معماری مسکن از آنها لازم است که راهبردهای طراحی از نظر نحوه استنباط از گزاره‌های دینی با معیارهای چهارگانه (صحت، عمومیت، ارتباط و هماهنگی) مورد تحلیل و بررسی قرار گیرند.

صحت: آیا منبع (مانند خطبه، نامه و حکمت) که نگارنده آن را مبنای استنباط برای دریافت راهبرد فضای کالبدی سکونتگاه و معماری مسکن قرار داده است مورد تأیید است؟ به عنوان مثال، متن خطبه، نامه و یا حکمت استفاده شده مجعول و مشکوک نباشد و از منبع نهج‌البلاغه باشد.

عمومیت: آیا راهبردهای کالبدی و معماری مسکن استنباط شده از متن نهج‌البلاغه قابل تعمیم (در همه زمان‌ها و مکان‌ها) است و یا مقید است و فقط می‌توان آن را در شرایط خاص درست دانست؟

ارتباط: آیا میان گزاره دینی مبنا قرار گرفته شده و راهبرد کالبدی و معماری مسکن استخراج شده از آن، قرابت و نزدیکی موضوعی وجود دارد؟

هماهنگی: آیا راهبردهای کالبدی و معماری مسکن استنباط شده از نهج‌البلاغه، با اصول و آموزه‌های دین اسلام هم‌خوانی و متابعت دارد؟

جدول ۵. تطبیق گزاره‌های دینی با معیارهای چهارگانه (صحت، عمومیت، ارتباط و هماهنگی)

شماره	گزاره استفاده شده	حوزه موضوعی گزاره دینی	استنباط راهبردهای معماری مسکن از متن نهج‌البلاغه			
۱	– در این خانه مهمان‌نوازی کن تا در آخرت نیز چنین خانه وسیعی داشته باشی (خطبه ۲۰۹).	– اهمیت حقوق مهمان	اختصاص دادن فضایی در خانه برای آسایش مهمان با رعایت محرمیت به‌عنوان یکی از حقوق افراد است.			
			صحت	عمومیت	ارتباط	هماهنگی
			*	*	*	*
۲	پیش از گرفتن منزل درباره همسایه‌ها جست‌وجو و تحقیق کن (نامه ۳۱) از خوش‌همسایگی احوال پرسی از همسایه است (خطبه ۱۲) حق جوار در اسلام به‌قدری اهمیت دارد که در وصیت معروف امیرمؤمنان (علیه‌الصلاه والسلام) آمده است: خدا را خدا را! درباره همسایگان خود، خوش‌رفتاری کنید (نامه ٤٧). پرهیزکاران همسایگان را آزار نمی رسانند (خطبه ۱۹۳).	– تأکید بر حقوق همسایگان	– اهمیت فضای همسایگی و حسن رفتار با همسایه. – روابط اجتماعی بهینه در حیطه همسایگی مسکن و محله‌های شهری.			
			صحت	عمومیت	ارتباط	هماهنگی
			*	*	*	*
۳	با زنان در هر شرایطی مدارا کنید و با آنان خوش‌گفتار و نیکوسخن باشید تا ایشان هم خوش‌کردار و نیکورفتار شوند (نامه ١٤).	– توجه به حقوق زن	– فراهم نمودن فضاها متناسب با نیاز زنان در خانه. – ایجاد اتاق مجزا برای زنان خانه با محرمیت کامل – توجه به سکینه و آرامش زن در مسکن			
			صحت	عمومیت	ارتباط	هماهنگی
			*	*	*	*
٤	... أَنْ تُخَالِطَ أَبْيَاتَهُمْ... و به خانه‌هایشان داخل مشو...(نامه ۲۵).در پرده حجاب نگاهشان‌دار، تا نامحرمان را ننگرند، زیرا که سخت‌گیری در پوشش، عامل سلامت و استواری آنان است. آنان (زنان) را در حجاب درپوشان تا از چشم زخم بُلهوسان برهند؛ زیرا دوام امنیّت و سلامت زن به پوشش و عفاف اوست (نامه ۳۱).آن کس که لباس حیا بپوشد، کسی عیب او را نبیند (حکمت۲۲۳).نامه ۳۱ امام علی (علیه السلام): رعایت‌پوشش زنان راعامل سلامت و استواری آنان‌می‌داند:	– حفظ حریم خصوصی	– داشتن حریم برای مسکن. – مصون بودن فضاهای مسکن از نگاه نامحرمان. – تفکیک عرصه خصوصی از عمومی.			
			صحت	عمومیت	ارتباط	هماهنگی
			*	*	*	*
۵	امام علیه‌السّلام (درباره حقّ پدر و فرزند بر یکدیگر) فرموده است: ... و او را با ادب و آراسته بار آورد، و قرآن را به او بیاموزد (حکمت ۳۹۱).	– ضرورت حقوق فرزندان	– مجزا بودن فضای خواب والدین از فرزندان. – مجزا بودن اتاق خواب فرزندان از همدیگر. – داشتن حریم برای فضاهای تفکیک‌شده داخلی. – زمینه‌سازی محیط خانه برای پاکدامنی، تربیت و آموختن آداب اسلامی. – آسایش و راحتی در فضاهای داخلی مسکن.			
			صحت	عمومیت	ارتباط	هماهنگی
			*	*	*	*
٦	– با مردم چنان آمیزش و رفتار نمائید که اگر در آن حال مردید (در مفارقت و جدائی) بر شما بگریند، و اگر زنده ماندید خواهان معاشرت با شما باشند (حکمت ۱۰). – با دانشمندان، فراوان گفت‌وگو کن، و با حکیمان فراوان بحث کن، که مایه آبادانی و اصلاح شهرها، و برقراری نظم و قانونی است که در گذشته نیز وجود داشت (نامه ۵۳).عشیره هرکس، بزرگ‌ترین محافظان او هستند...(خطبه ۲۳).عشیره خود را گرامی دار، که ایشان بال‌های تو هستند که به آن می پری و اصل و ریشه تواند که بدان باز می‌گردی و دست تو هستند که به آن حمله می آوری (نامه ۳۱).	– اهمیت ارتباط مؤمنین با یکدیگر (حسن همجواری)	– ایجاد همجواری مطلوب بین مساکن و مکان یابی سکونتگاه در منطقه مومنین فامیل – ارتقا و بهبود روابط همسایگی خصوصاً با خویشان – روابط اجتماعی بهینه در حیطه همسایگی مسکن و محله‌های شهری خصوصاً با مساجد و مدارس علمی و فرهنگی – در نظر گرفتن فضای بیرونی برای برقراری ارتباط مناسب با مردم.			
			صحت	عمومیت	ارتباط	هماهنگی
			*	*	*	*
۷	وای بر محله‌های آبادتان و خانه‌های آراسته‌تان که چون کرکسان، بال‌ها دارند و ناودان‌هایشان چون خرطوم فیل...(خطبه ۱۲۸). فَلَنُحْيِيَنَّهُ حَيَاةً طَيِّبَةً یعنی بنده صالح نیکوکار را زندگانی نیکوئی دهیم، را پرسیدند، پس آن حضرت (در تفسیر آن) فرمود: آن زندگانی نیکو قناعت است (حکمت ۲۲۹).	–تاکید به قناعت	– نساختن بنا با معماری که لباس شهرت داشته باشد. – تکاثر به‌معنای فزون‌طلبی و فخرفروشی به دیگران است و در معماری، به مفهوم اعتبار یافتن خانه است. – منع از ساختمان‌سازی برای تفاخر به دیگران و مذموم دانستن آنها به دلیل غفلت‌زایی. – پرهیز از هر نوع خودنمایی و تظاهر و تفاخر و اسراف در خانه‌سازی و رعایت حد اعتدال و حد نیاز ضروری.			
			صحت	عمومیت	ارتباط	هماهنگی
			*	*	*	*

شماره	گزاره استفاده شده	حوزه موضوعی گزاره دینی	استنباط راهبردهای معماری مسکن از متن نهج‌البلاغه
۸	شهری از شهر دیگر به تو سزاوارتر و شایسته‌تر نیست، بهترین شهرها شهری است که تورا به دوش گیرد (اهل آن تو را بخواهند و در زندگی در رفاه و آسایش باشی) (حکمت ٤٤٢). در شهرهای بزرگ سکونت‌گیر که محل اجتماع مسلمانان است و از جایی که منزلگاه غفلت و ستم است و طاعت خداوند را یاران اندك است، بپرهیز، (مانند بلاد کفر و ده‌ها) و اندیشه‌ات را به آنچه به کارت (نامه ٦٩).	- اهمیت مکان‌یابی سکونتگاه	- ذات مسئله سکونت در اسلام، زمینه‌سازی جهت افزایش عزت، قدرت و استقلال گروه مؤمن و انسجام جامعه ایمانی است (یونس، آیه ٨٧). - سکونت در فضای قدسی بر سکونت در فضای غیرقدسی برتری دارد. - اهمیت سکونت در شهر. - از مصادیق تقوی در سکونتگاه، جداسازی منطقه مسکونی مؤمنین از کفار است. - توجه به امنیت معنوی و فرهنگی سکونتگاه. - تقوی در مسکن به صورت رعایت حریم و عدم اشرافیت فضاهای خانه بر هم معنا می‌یابد. - فضای متقی بهره‌مند از برکات الهی است. - فضای متقی در مسکن اسلامی باید امن از گناه باشد.

صحت	عمومیت	ارتباط	هماهنگی
*	*	*	*

شماره	گزاره استفاده شده	حوزه موضوعی گزاره دینی	استنباط راهبردهای معماری مسکن از متن نهج‌البلاغه
۹	هماهنگی در اخلاق و رسوم مردم، ایمن ماندن از دشمنی و کینه‌های آنها است (حکمت ۴۰۱).	- تاکید به وحدت و هماهنگی	- اهمیت زندگی اجتماعی و وحدت با امت (وحدت با جامعه شهری). - هماهنگی (وحدت) اجتماعی و و حدت کالبدی. - لزوم ارتباط عناصر شهری و سازمان فضایی (خانه‌ها) شهر به‌صورتی که منجر به افزایش وحدت و ارتباطات اجتماعی شود. - تمرکز و وحدت در توده خانه‌ها (وحدت کارکردی و گونه‌ای در ساخت خانه (تمرکز معنایی و شکلی))

صحت	عمومیت	ارتباط	هماهنگی
*	*	*	*

شماره	گزاره استفاده شده	حوزه موضوعی گزاره دینی	استنباط راهبردهای معماری مسکن از متن نهج‌البلاغه
۱۰	- سنگ غصبی که در بنای خانه به کار رفته باشد، گرو ویرانی آن است (حکمت ٢٤٠).	حقوق ساخت و ساز	- حلال بودن هزینه ساخت‌وساز. - غصبی نبودن زمین و مصالح مورد استفاده.

صحت	عمومیت	ارتباط	هماهنگی
*	*	*	*

شماره	گزاره استفاده شده	حوزه موضوعی گزاره دینی	استنباط راهبردهای معماری مسکن از متن نهج‌البلاغه
۱۱	در آغاز سرما خود را از آن حفظ کنید و در پایان آن بدان روی نهید زیرا سرما با بدن‌ها همان کند که با درختان کند. در آغاز می‌لرزاندشان و در پایان، برگشان را می‌روياند (حکمت ۱۲۸). از خدا نسبت به بندگان و شهرهایش پروا کنید، زیرا دارای مسئولیت هستید حتی نسبت به زمین‌ها و حیوانات (خطبه ١٦٧).	ضرورت توجه به مسایل اقلیمی	- مطلوب بودن محیط‌زیست، مکان (شایسته و مناسب). - مسکن مطابق با نیازهای انسان، با آب و هوای خوب. - اهمیت مسکن مطلوب. - نقش اقلیم در مکان‌یابی خانه اسلامی، قرارگیری خانه در بستر آن است. - طراحی باید براساس موقعیت واقعی زمین باشد. - لازمه سکونت مطلوب و یکی از شروط مسکن اسلامی در آموزه‌های اسلامی، آن است که با محیط طبیعی اطراف خود پیوند داشته باشد.

صحت	عمومیت	ارتباط	هماهنگی
*	*	*	*

شماره	گزاره استفاده شده	حوزه موضوعی گزاره دینی	استنباط راهبردهای معماری مسکن از متن نهج‌البلاغه
۱۲	- عدل هر چیزی را در جای خویش قرار می‌دهد (حکمت ٤٣٧).	اهمیت تعادل	- مفاهیم قسط و عدل شرط جامعه اسلامی است. - عدل فقط، عدالت اجتماعی و قضایی نیست. - نقش عدل در اساس خلقت عالم و تداوم هستی کائنات. - تعادل در نظام کل و اجزاء خانه - تعادل در ارتباط متقابل خانه با محیط. - تعادل بین فضاهای خانه. - تعادل بین کالبد خانه و همسایگان.

صحت	عمومیت	ارتباط	هماهنگی
*	*	*	*

شماره	گزاره استفاده شده	حوزه موضوعی گزاره دینی	استنباط راهبردهای معماری مسکن از متن نهج‌البلاغه
۱۳	- شما را به تقوای الهی و نظم در کارهای‌تان توصیه میکنم (نامه ٤٧).	- تاکید به نظم	- سازماندهی فضایی مسکن باید نظامدار (منظم و مرتب) باشد. - چینش ساختمان‌ها بر فراز هم باید دارای نظم باشد. - نظم‌وترتیب در سازماندهی انتظام فضایی مسکن. - ارتفاع نباید اغتشاش بصری و بی‌نظمی ایجاد کند. - ارتفاع نباید به معنای برتری‌طلبی (بی‌تقوایی) و آرایش (شهرت) نما باشد.

صحت	عمومیت	ارتباط	هماهنگی
*	*	*	*

شماره	گزاره استفاده شده	حوزه موضوعی گزاره دینی	استنباط راهبردهای معماری مسکن از متن نهج‌البلاغه			
۱۴	بوی خوش، بیمار را بهبود بخشد و عسل بیماری را بهبود بخشد و سواری بیماری را بهبود بخشد و نظر به سبزه بیماری را بهبود بخشد.	- توصیه به بهره‌گیری از عناصر طبیعت	- از تمایلات طبیعی انسان به آب، سرسبزی، باغ، بوستان و منزل، در جهت گرایش به معنویت استفاده شود. - به‌کارگیری توصیفات بهشتی (سبزه و آب) در خانه برای آرامش و آسایش. - منظر و دید مناسب برای رؤیت آسمان در فضای مسکنی که امکانش وجود دارد. - دیدن نزول آب باران از آسمان برای ساکنین. - صحنه‌پردازی‌های هنری در فضای مسکن مرتبط با مفهوم مسکن و زیبایی فضای مسکن و صحنه‌پردازی طلوع و غروب (ایجاد فضای ذکر).			
			صحت	عمومیت	ارتباط	هماهنگی
			*	*	*	*

با توجه به موارد احصاشده و با در نظر گرفتن امتیاز یکسان برای آنها، اهمیت مباحث مطرح شده و مرتبط با فضای سکونتگاه و معماری مسکن براساس فراوانی و تکرار برخی از عناوین گاه در یک حدیث و یا بیشتر و گاه به تناوب در احادیث مرتبط ذکر شده است. با بررسی‌های به‌عمل آمده بالاترین میزان توجه به مباحث شهری و حوزه معماری مسکن در کلام امام علی (علیه السلام) در نهج‌البلاغه مربوط به اهمیت و سفارش به همسایه و روابط همسایگی در فضای شهری است. این تأکیدها توجه افزون‌تر متولیان امور شهری را به این مقوله می‌طلبد. از سوی دیگر، نه فقط مباحث مربوط به این حوزه- که باید بیشترین توجه حطیه شهری را به خود معطوف نماید بلکه در تمامی موارد ذکر شده دیگر الزامی است راهبردهایی تدوین گردد.

جدول٦. تحلیل نقاط قوت، فرصت‌ها و تهدیدهای اجرایی شدن مباحث سکونتگاه و معماری مسکن مبتنی برگفتار حضرت امیرالمؤمنین (علیه‌السلام)

نقاط قوت	نقاط ضعف	فرصت‌ها	تهدیدها
۱-توجه به توصیه‌های اسلامی در فضای شهری ۲-وجود رشته‌های شهرسازی و معماری اسلامی در مقطع تحصیلات تکمیلی دکتری برای پرورش نیروهای انسانی متخصص مرتبط ۳-وجود ستاد معماری و شهرسازی در حوزه علمیه ٤-وجود توانایی‌های قوی مذهبی فرهنگی جامعه ٥-ارتقاء توجه تصمیم‌سازان (مسئولین مرتبط) به این حوزه	۱- عدم قوانین مرتبط ۲- ضعف پژوهش‌های مرتبط با اندیشه اسلامی در حوزه‌های شهری ۳- عدم استفاده صحیح از زیر ساخت‌های رسمی و غیررسمی برای انتقال مبانی و مفاهیم لازم و توجه به منافع کوتاه مدت اقتصادی ٤- عدم فهم صحیح از کاربرد و کاربست مفاهیم اسلامی در حیطه شهرسازی و معماری	۱- وجود صاحب‌نظران متخصص در مباحث معماری و شهرسازی اسلامی ۲- وجود ستادها و تشکل‌های دانشگاهی و حوزوی در زمینه معماری و شهرسازی ۳-قاطعیت آرا برای تدوین و تصویب قوانین براساس معارف اسلامی در حوزه معماری و شهرسازی اسلامی	۱- پیوند سطحی حوزه‌های پژوهش‌های معماری و شهرسازی با معارف اسلامی ۲- حاکمیت تفکر لیبرال و نفی معارف اسلامی ۳- عدم درک و تفاهم مشترک در بخشهای مختلف شهری ٤- عدم هدف آموزشی مشترک در زمینه معارف اسلامی مرتبط حوزه‌های شهری

نتیجه‌گیری

با مطالعه و بررسی سخنان گوهربار امام علی (علیه‌السلام) در کتاب نهج‌البلاغه چهارده مورد از (نامه‌ها، حکمت‌ها و خطبه‌ها) مرتبط با فضای شهری و معماری مسکن تشخیص داده شد و بر این اساس چهارده اصل اساسی به‌عنوان عوامل مؤثر بر فضای شهری و معماری مسکن استخراج شد که در جدول شماره هفت ارائه گردیده است.

جدول۷. اصول (راهبردها و راهکارهای مطلوب) مؤثر بر فضای شهری و معماری مسکن

حق مهمان	– ارج نهادن به مقام مهمان به‌عنوان یکی از اساسی‌ترین اصول اخلاقی در اسلام است. – اختصاص دادن فضایی در خانه برای آسایش مهمان به‌عنوان یکی از حقوق افراد است.
حق همسایگی	– رعایت حق شفعه، (حقوق همسایگی). – در راستای مرابطه با همسایه، سامانه اسلام، رعایت اعتماد و پیوستگی اجتماعی به‌همراه مرزبندی و حریم است. – در ساخت خانه کرامت همسایه اهمیت دارد. – عدم فخرفروشی به همسایه و حق شفعه (حق تقدم خرید) از اصول اساسی همجواری همسایگی در نظر اسلام است. – اهمیت فضای همسایگی و حسن رفتار با همسایه – اجتناب از اذیت و مزاحمتهای همجواری واحدهای همسایگی و فضاهای حرکتی. – پرهیز از اشراف متقابل سکونتگاه‌ها با ایجاد سلسله‌مراتب و ..
حق زن	– فراهم نمودن فضاها متناسب با نیاز زنان در خانه. – ایجاد اتاق مجزا برای زنان خانه. – طراحی داخلی اتاق زنان با سلیقه بانوی خانه. – اهمیت تآمین مسکن مناسب. – فضاهای مسکن متناسب با نیازهای زن و شوهر. – توجه به سکینه آرامش زن در مسکن.
حریم	– مصون بودن فضاهای مسکن از نگاه نامحرمان. – آرامش‌بخشی مسکن. – داشتن فضای مناسب در ابتدای ورود به مسکن – رعایت حریم به‌وسیله سلسله‌مراتب و عرصه‌بندی فضاهای داخلی و خارجی و سازماندهی منطقی آنها
حق فرزندان	– انتظام فضایی دین‌مدار و شریعت‌محور به‌وسیله سلسله‌مراتب – مجزا بودن فضای خواب والدین از فرزندان. – مجزا بودن اتاق خواب فرزندان از همدیگر. – داشتن حریم برای فضاهای تفکیک شده داخلی. – زمینه‌سازی محیط خانه برای پاکدامنی، تربیت و آموختن آداب اسلامی – آسایش و راحتی در فضاهای داخلی مسکن.
حسن همجواری	– ایجاد همجواری مطلوب بین مساکن. – ارتقا و بهبود روابط همسایگی. – در نظر گرفتن فضای بیرونی برای برقراری ارتباط مناسب با مردم.
قناعت	– نساختن بنا با معماری که لباس شهرت داشته باشد. – تکاثر به معنای فزون‌طلبی و فخرفروشی به دیگران است و در معماری، به مفهوم اعتبار یافتن خانه است. – منع از ساختمان‌سازی برای تفاخر به دیگران و مذموم دانستن آنها به دلیل غفلت‌زایی. – پرهیز از هر نوع خودنمایی و تظاهر و تفاخر و اسراف در خانه‌سازی و رعایت حد اعتدال و حد نیاز ضروری.
مکان‌یابی مسکن	– فراهم نمودن آرامش و امنیت (فرهنگی، روحی، اجتماعی، سیاسی و...) با مکان‌یابی مسکن در اماکن اسلامی – انتظام فضایی شریعت‌محور و دین‌مدار – جهت‌گیری مشترک کالبدی در جهت قبله و همساز با اقلیم – مرکزیت دینی در مسکن و بافت – جداسازی مسکن مسلمان از غیرمسلمان – وجود فضاهای جمعی برای تعاملات مؤمنین
وحدت و هماهنگی	– بافت فشرده و متراکم (تجمیع سکونتگاه و کاربر). – کاربرد الگوهای درون‌گرا (ایجاد مرکزیت و وحدت در مسکن به‌وسیله حیاط مرکزی). – وحدت کارکردی در کالبد مسکن – بافت و شکل متمرکز – هارمونی و وحدت بدنه‌ها و نماها با هندسه فضاهای حرکتی – جهت‌گیری مشترک کالبدی – تمرکز معنایی و شکلی (عدم ایجاد پراکندگی گونه‌ها) – خلق هندسه زیبا که تداعی سیر از کثرت و تنوع را به مرکزیت و وحدت تداوم می‌بخشد.

حقوق ساخت و ساز	– حلال بودن هزینه ساخت‌وساز. – غصبی نبودن زمین و مصالح مورداستفاده.
اقلیم	– تأمین آسایش افراد با مکان‌یابی و ساخت مسکن در منطقه‌ای خوش آب و هوا. – محل سکونت پاکیزه و حاصلخیز به‌عنوان بلد طیبه و نعمت الهی. – توجه به جهت‌گیری در نحوه استقرار – بهره‌گیری از نور طبیعی به‌وسیله رواقها، بازشوها، مشبک‌ها و .. – جهت‌گیری مناسب معابر و روزن‌ها برای بهره‌مندی از باد معتدل – سودمندی از نور مناسب طبیعی جهت نمادپردازی برای هدایت‌کننده و زینت‌بخش فضاها – تنوع در بافت
تعادل	– تعادل در نظام کل و اجزاء. – تعادل در ارتباط متقابل با محیط. – تعادل بین فضاهای خانه. – تعادل بین خانه و همسایگان. – تعادل بین خانه و محیط طبیعی.
نظم	– بعد سوم هندسه در معماری بنا، ارتفاع است. – ارتفاع نباید اغتشاش بصری و بی‌نظمی ایجاد کند. – ارتفاع نباید به‌معنای برتری‌طلبی و آرایش نما باشد. – سازمان‌دهی باید نظامدار باشد. – چینش ساختمان‌ها بر فراز هم باید دارای نظم باشد. – نظم و ترتیب در سازماندهی انتظام فضایی مسکن. – دقت در ترتیب فضای مسکن.
بهره‌گیری از طبیعت	– طراحی فضاها و بدنه‌های سبز در بنا – در نظرگیری وسعت مناسب برای مسکن جهت پیوند با طبیعت و همجواری با عناصرش (آب، سبزه، درخت و ..)

منابع

اخوت، هانیه (۱۳۹۰) بازشناسی مفاهیم معنوی سکونت در مسکن سنتی اقلیم کویری، فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی، صص ۹۵- ۱۰۲. https://www.noormags.ir/view/en/articlepage/1019758

امین‌پور، احمد و رامین مدنی و حامد حیاتی (۱۳۹٤) بازشناسی مفاهیم مسکن و سکونت براساس آموزه‌های اسلامی، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ٤٠، صص ٤٧-٦٠. https://sid.ir/paper/92166/fa

امین‌پور، احمد و رامین مدنی و حامد حیاتی (۱۳۹٦) بررسی چگونگی تجلی آموزه‌های اسلامی در کالبد مسکن سنتی، نمونه موردی: اقلیم گرم و خشک ایران، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ٤٨. https://www.sid.ir/paper/92301/fa

براتی، ناصر (۱۳۸۲) بازشناسی مفهوم خانه در زبان فارسی و فرهنگ ایران، مجله خیال، شماره ۸. https://www.sid.ir/paper/451257/fa

بمانیان، محمدرضا و فرزانه علی محمدی و سحر ارجمندی (۱۳۹۱) بررسی اصول زیبایی‌شناسی در معماری خانه‌های سنتی ایرانی (نمونه موردی: خانه‌های تاریخی شهر قزوین)، اولین همایش ملی اندیشه‌ها و فناوری‌های نو در معماری، تبریز-ایران. Doi: 10.22034/JGEOQ.2022.306779.3326

پاکشیر، عبدالرضا و سپیده برزگر (۱۳۹۸) مبانی احقاق حقوق شهروندی در نهج‌البلاغه، پنجمین کنگره بین‌المللی علوم انسانی اسلامی، تهران.

حاجی یوسفی، محمد (۱۳۸۸) میان‌رشته‌گی در علوم سیاسی در دانشگاه‌های کانادا: مفهوم و اجراء، فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، شماره ۲. Doi: https://doi.org/10.7508/isih.2009.02.003

راپاپورت، ایموس (۱۳۸۲) خاستگاه‌های فرهنگ معماری، مترجم صدف آل‌رسول، افراد بانک، فصلنامه فرهنگستان هنر. https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/582872

ستاری ساربانقلی، حسن (۱۳۹۰) سطح‌بندی شهر در کلام پیامبر اسلام(ص)، فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی، سال اول، شماره سوم، صص ۵۵-۴۷. https://www.sid.ir/paper/177337/fa

شولتز، کریستیان نوربرک (۱۳۵۳) هستی، فضا و معماری، انتشارات کتاب فروشی تهران، تهران.

فرامرز قراملکی، احد (۱۳۸۵) روش‌شناسی مطالعات دینی (تحریری نو)، انتشارات دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد مقدس. https://noorlib.ir/book/view/61654

قرآن کریم (۱۳۸۷)، مؤسسه الهادی، مرکز چاپ و نشر قرآن کریم.

کلانتری خلیل‌آباد، حسین و سیداحمد صالحی و قهرمان رستمی (۱۳۸۹) نقش تاریخی وقف در شکل‌گیری شهر اسلامی (مطالعه موردی شهر اصفهان)، فصلنامه مطالعات شهر ایرانی- اسلامی، شماره اول، صص ۳۳-۴۳. https://www.sid.ir/paper/177346/fa

کوپر، کلیر (۱۳۷۹) خانه همچون نمادی از خود، کتاب مبانی فلسفی و روان‌شناختی ادارک فضا. ترجمه آرامش ارباب جلفایی، تهران، خاک.

گیفورد، رابرت (۱۳۷۷) روان‌شناسی محیط‌های مسکونی، مترجم وحید قبادیان، معماری و فرهنگ، شماره ۲ و۳. https://www.sid.ir/paper/449601/fa

موسوی سیدرضی، محمدبن حسن (۱٤۱٤ق) نهج‌البلاغه، تصحیح عزیزالله عطاردی، مؤسسه نهج‌البلاغه، قم.

نقی‌زاده، محمد (۱۳۷۷) صفات شهر اسلامی در متون اسلامی، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۵ و۴، صص ۴۷-۶۱. https://www.sid.ir/paper/427329/fa

نقی‌زاده، محمد (۱۳۸۹) ملاحظات فرهنگی در شکل‌دهی به نماهای شهری با تکیه بر ساختار نماهای شهری ایرانی در دوران اسلامی، نشریه علمی و پژوهشی هویت شهر، سال پنجم، شماره ۷، صص ۶۱-۷۴. https://www.sid.ir/paper/154732/fa

نقی‌زاده، محمد (۱۳۹۰) تدوین مبانی مسکن معاصر براساس جهان‌بینی اسلامی، مقاله ۳۳۳۹، صص ۳۲۱۳-۳۲۳۱.

هاشمی‌رفسنجانی، اکبر (۱۳۸٤) فرهنگ قرآن کلید راه‌یابی به موضوعات و مفاهیم قرآن کریم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.

هایدگر، مارتین (۱۳۸۱) شعر، زبان و اندیشه رهایی، (انسان شاعرانه سکنی می‌کند)، مترجم، عباس منوچهری، تهران، مولی.

بررسی ساز و کار اثرگذاری سیاست پولی بر بخش مسکن شهری کشورهای اسلامی (مطالعه موردی ایران)

یوسف لطفی*، عباس شاکری**، تیمور محمدی***، فرهاد غفاری****

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۱/۲۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۵/۲۷

نوع مقاله: پژوهشی- ۱۰۷-۸۱

چکیده

هدف اصلی این مطالعه تحلیل اثرات سیاست پولی بر بخش مسکن شهری کشورهای اسلامی (مطالعه موردی ایران) در جهت تغییرات میزان مالکیت، اجاره‌نشینی از طریق الگوی خودرگرسیون‌برداری، توابع واکنش ضربه‌ای و تجزیه واریانس طی سال‌های ۱۳۷۶ الی ۱۴۰۱ است. سیاست‌های اقتصادی یک کشور، در برگیرنده سیاست‌گذاری‌های مختلفی همچون سیاست پولی است تا جامعه بتواند به اهدافی چون رشد، توسعه و رفاه اجتماعی دست یابد. تاثیر سیاست‌های پولی علاوه بر تولید و اشتغال، بر مسکن به عنوان یکی از نیازها و الزامات اولیه رفاه خانوار، حایز اهمیت هستند. در این مقاله مدل مورد استفاده شامل متغیر پایه پولی، نقدینگی و متغییرهای حوزه مسکن است که برای شناسایی و زمان‌یابی مکانیزم‌های انتقال پولی استفاده از الگوهای خود همبسته‌برداری (VAR) به دلیل پرکاربرد بودن و توانایی آن در نمایش پویایی متغیرها با استفاده از توابع شوک و واکنش، واکنش متغییرهای مدل و پویایی تغییرات و نوسانات اقتصادی محاسبه و زمان‌یابی شد. نتایج توابع واکنش آنی نشان می‌دهد که واکنش متغیر تعداد مالکین مسکن، در برابر تکانه پایه پولی و نقدینگی، تأثیر موج مانندی دارد. متغیر مربوطه در کوتاه مدت روند ثابتی دارد ولی در بلندمدت روند کاهشی دارد. واکنش متغیر هزینه تأمین مسکن به شوک پایه پولی و نقدینگی روندی افزایشی است ولی در بلندمدت کاهشی است. هم‌چنین نتایج تجزیه واریانس نشان می‌دهد، پایه پولی و نقدینگی سهم بالایی در تغییر واریانس متغیرهای مربوطه دارد و سهم پایه پولی برای توضیح تغییر واریانس متغیر مالکین و مستأجرین طی دوره ده ساله افزایشی است ولی سهم پایه پول و نقدینگی در تغییر واریانس هزینه تأمین مسکن طی دوره مورد بررسی کاهشی است.

واژگان کلیدی: بازار مسکن، مسکن شهری، توابع واکنش ضربه‌ای، سیاست‌های پولی، نقدینگی

* دانشجوی دکتری رشته علوم اقتصادی، گروه اقتصاد، دانشکده مدیریت و اقتصاد، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران yousef.lotfi@iau.ir

** نویسنده مسئول: استاد گروه اقتصاد نظری، دانشکده اقتصاد، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران Shakeri.abbas@gmail.com

*** استاد گروه اقتصاد نظری، دانشکده اقتصاد، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران mohammadi@atu.ac.ir

**** دانشیار گروه اقتصاد، دانشکده مدیریت و اقتصاد، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران farhad.ghaffari@yahoo.com

CC BY NC

مقدمه

بیشتر دغدغه‌های مربوط به تأمین مسکن یا به این دلیل است که خرید مسکن بزرگ‌ترین معامله‌ای است که فرد در طول عمر خود انجام می‌دهد و یا این که براساس تجربه، رشد غیرمعمول قیمت و اجاره بهای مسکن به ویژه در شهرهای بزرگ و عدم توجه به این مشکل تبعات ناگوار چندجانبه‌ای را با خود به همراه داشته است. به طورکلی می‌توان گفت که خانواده‌های متوسط تقریباً حدود یک چهارم از درآمد و اقشار فقیر یا در آستانه فقر پنجاه درصد و حتی بیشتر از درآمد خود را به امر مسکن اختصاص می‌دهند و علاوه بر این هر تغییرکوچک در قیمت مسکن و اجاره بها می‌تواند آثار مخرب و جبران‌ناپذیری بر زندگی فرد داشته باشد (شیرزادی جاوید، ۱۴۰۱: ۱۰).

بالا بودن سهم مسکن در سبد هزینه‌ای خانوارها، ضرورت افزایش حساسیت سیاست‌گذاران کشور را در نحوه مدیریت بخش مسکن طلب می‌کند. اتخاذ روش‌های مختلف در راستای حمایت از مستأجران و سرمایه‌گذاران در این حوزه برای کنترل نرخ اجاره‌بها و نیز قیمت واحدهای مسکونی دارای اهمیت ویژه‌ای است. داده‌ها حاکی از آن است که نرخ افزایش اجاره‌نشینی در کشور از نرخ افزایش مالکیت پیشی گرفته و از توان اقتصادی خانوارها کاسته شده است. این موضوع منجر به رشد حاشیه‌نشینی و افزایش مشکلات ناشی از آن، افزایش سوداگری در بازار مسکن، افزایش نارضایتی عمومی و افزایش شکاف طبقاتی شده است.

از جمله اقدامات قانونی و مقرراتی دولت می‌توان به سیاست اقتصادی[1] اشاره داشت که به معنای مجموعه دخل و تصرف آگاهانه دولت در بعضی امور اقتصادی به منظور دستیابی به هدف اقتصادی مشخص است. سیاست‌های اقتصادی یک کشور، در برگیرنده سیاست‌گذاری‌های مختلفی همچون سیاست پولی، سیاست مالی، سیاست درآمدی، سیاست بازرگانی، سیاست تثبیتی و سیاست ارزی است. هر کدام از این سیاست‌ها، اهداف خاص خود را دنبال می‌کنند، تا جامعه بتواند به اهداف کلان اقتصادی، یعنی رشد، توسعه و رفاه اجتماعی دست یابد.

نگاهی به تجربیات جهانی نشان می‌دهد سیاست‌های دولت‌ها در بازار مسکن نقش تعیین‌کننده‌ای دارند، در این بین سیاست‌های پولی با توجه به مهمترین ابزارها در رسیدن به اهداف مدنظر از اهمیت به سزایی برخوردار است.

سیاست‌گذاران پولی می‌توانند با اعمال به موقع، مناسب و دقیق سیاست‌های پولی و اعتباری، نظارت مداوم و دقیق بر اقتصاد کلان کشورها داشته باشند. سیاست‌های پولی بانک‌های مرکزی ابزاری است که دولت‌ها جهت رسیدن به اهداف نهایی خود مورد استفاده قرار می‌دهند لذا مطالعه و بررسی مکانیزم انتقال سیاست پولی سبب درک دقیق‌تر از تأثیرات سیاست‌های پولی بر تولید و سطح قیمت‌ها و سایر متغیرهای اساسی در اقتصاد هر کشور می‌شود.

انجام سیاست پولی مطابق با نظریات اقتصادی مستلزم متناسب بودن با شرایط و کانال‌های قابل قبول در اجرا است که در غیر این صورت توفیقی در بر نخواهد داشت و خسارات جبران‌ناپذیری بر اقتصاد در پی خواهد داشت.

علاوه بر موارد مطروحه در خصوص اثرگذاری سیاست‌های پولی بر بخش‌های مختلف اقتصاد به مانند تولید، سطح عمومی قیمت‌ها و... بر بخش مسکن با توجه به نقش آن حایز اهمیت است. در حال حاضر تأمین مالی بخش مسکن در ایران وابستگی زیادی به نظام بانکی دارد و بخش قابل توجهی از تأمین مالی در این بخش از طریق بانک‌ها صورت می‌گیرد و سایر ابزارهای مالی در این بخش کمتر مورد توجه و استفاده قرار می‌گیرند.

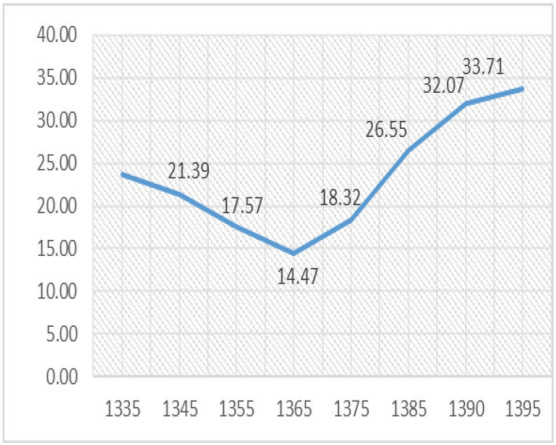
1. Economic policies

یکی از مهم‌ترین کانال‌های اثرگذاری سیاست پولی، به‌عنوان دارایی با دوام، کانال قیمت دارایی و کانال قیمت مسکن است. بازار مسکن یکی از بازارهای اقتصادی در هر کشوری است. مسکن علاوه بر آن‌که به عنوان یک دارایی ارزشمند و مصرفی برای افراد جامعه به حساب می‌آید، نقش مهمی در اقتصاد کشورها دارد. در نتیجه، تغییرات قیمت مسکن می‌تواند اثرات بسیاری بر کل فعالیت‌های اقتصادی داشته باشد لذا سهم هزینه مسکن در سبد خانوار بسیار حائز اهمیت است و از بعد حساب‌های ملی در تولید ناخالص غیرقابل‌انکار است. از آنجا که سهم بزرگی از ثروت افراد جامعه شامل مسکن می‌شود و می‌تواند به‌عنوان یک وثیقه مهم در بخش وام‌دهی و میزان استفاده از اعتبارات ایفای نقش کند. کانال قیمت مسکن از مهم‌ترین کانال‌های تقویت‌کننده سیاست پولی محسوب می‌گردد.

بخش مسکن به دلیل دارا بودن سهم قابل توجه در سبد مصرفی خانواده‌ها و تولید ناخالص داخلی کشور، نقش به سزایی در اقتصاد هر کشور در بر دارد به طوری که افزایش بهای تمام شده ساخت و تولید مسکن و به دنبال آن افزایش قیمت مسکن و نیز با توجه به شرایط و ساختار اقتصادی کشور، رشد نرخ اجاره بها از مهم‌ترین چالش‌های سیاست‌گذاران به حساب می‌آید.

از آنجا که هر کالا و خدمتی در اقتصاد از دو بعد سرمایه‌گذاری و مصرف مورد بررسی قرار می‌گیرد در اکثر کشورها مسکن نیز دارای دو بعد مصرفی و سرمایه‌گذاری است و اغلب افراد مسکن را به عنوان محل سکونت و ابزاری برای پس‌انداز بلندمدت مد نظر قرار می‌دهند که تصمیم‌گیری در مورد مسکن به میزان درآمدهای جاری و درآمدهای آتی هر فرد بستگی دارد و نوعی جانشینی بین دوره‌ای در نحوه مصرف افراد به وجود می‌آید و همان‌طورکه اشاره شد سهم مسکن، سهم بسزایی در سبد خانوار را تشکیل می‌دهد که موجب دگرگونی در سبد خانوار خواهد شد.

علاوه بر تهیه مسکن مناسب که از اولویت‌های خانوارها است مشکلات اجاره‌نشینی در شهرها به ویژه کلان‌شهرها، از جمله چالش‌های اساسی اقتصادی و اجتماعی است. افزایش مداوم اجاره‌بها و عدم تناسب آن با درآمد خانوارها، فشار زیادی را بر مستأجران وارد می‌کند. این وضعیت علاوه بر مشکلات مالی، پیامدهای روانی و اجتماعی نیز به همراه دارد به‌طوری که آمار و تحلیل‌های ارایه شده بیانگر وضعیت نامطلوب و تعمیق بحران مسکن در ایران به ویژه در بخش شهری است.



نمودار ۱: نسبت (درصد) خانواده‌های اجاره‌نشینان به کل خانوار در کشور طی سال‌های ۱۳۳۵ الی ۱۳۹۵

ماخذ: مرکز آمار ایران- سرشماری عمومی نفوس و مسکن (۱۳۹۵)

همان‌طورکه در نمودار شماره (۱) قابل بررسی است، ۱۴/۴۷ درصد از خانوارها در سال ۱۳۶۵ اجاره‌نشین بوده‌اند که این نسبت در سال ۱۳۹۵ به ۳۳/۷۱ درصد رسیده است که نشان‌دهنده این است که در شرایط فعلی ضعف تقاضای مصرفی اصلی‌ترین مشکل بازار مسکن به شمار می‌رود. عمده متقاضیان مصرفی به دلیل نبود اعتبار و ضعف درآمد، به ناچار از بازار خرید مسکن خارج شده‌اند. بنابراین، سرمایه‌گذاری برای مصرف انجام نمی‌شود، بلکه عمده معاملات در شهرهای بزرگ با هدف حفظ قدرت خرید

پـول صـورت می‌گیـرد. افزایـش نسـبت قیمـت خریـد بـه هزینـه اجـاره در شـهرهای بـزرگ حاکـی از همیـن تغییـرات اسـت.

امـروزه مسـائل مربـوط بـه حـوزه مسـکن بـه یـک امـر جهانـی تبدیـل و جوامـع و کشـورهای زیـادی در ایـن حـوزه درگیـر شـده‌اند و فراهـم کـردن سـرپناه مناسـب بـرای افـراد جامعـه، اهـداف همـه دولت‌هـا شـده اسـت. سیاسـت‌های کلان اقتصـادی، سیاسـت‌گذاری شـهرها را نیـز تحت‌تأثیـر قـرار داده اسـت کـه متأثـر از سیاسـت‌ها و رویکردهـای اقتصـادی اتخـاذ شـده توسـط نهادهـای مرتبـط طـی سـال‌های مـورد بررسـی اسـت.

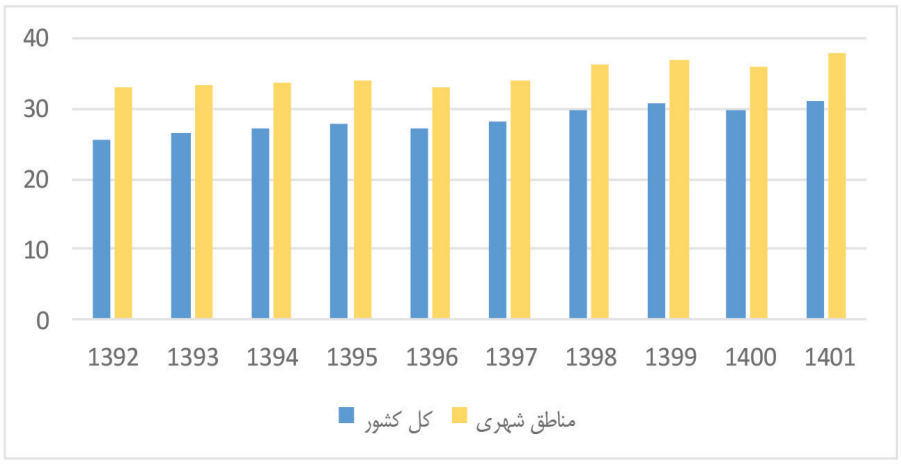
طبـق آمارهـای بانـک مرکـزی (گـزارش اقتصـادی و ترازنامـه بانـک مرکـزی، ۱۴۰۰: ۲۰۱) طـی سـال‌های ۱۳۹۶ الـی ۱۴۰۰ بـا بیـش از ۳۵ درصـد بخـش مسـکن، آب و بـرق و گاز بالاتریـن سـهم از متوسـط هزینـه ناخالـص خانـوار در مناطـق شـهری را داشـته اسـت کـه بالاتـر از سـهم بخـش خوراکی‌هـا و آشـامیدنی‌ها اسـت. لـذا بخـش مسـکن بـا توجـه بـه آمارهـای بانـک مرکـزی بـه دلیـل دارا بـودن سـهم قابـل توجـه در سـبد مصرفـی خانواده‌هـا و تولیـد ناخالـص داخلـی کشـور، نقـش بـه سـزایی در اقتصـاد هـر کشـور در بـر دارد به‌طوری‌کـه افزایـش بهـای تمـام شـده سـاخت و تولیـد مسـکن و بـه دنبـال آن افزایـش قیمـت مسـکن و نیـز بـا توجـه بـه شـرایط و سـاختار اقتصـادی کشـور، رشـد نـرخ اجـاره بهـا از مهم‌تریـن چالش‌هـای سیاسـت‌گذاران بـه حسـاب می‌آیـد.

جدول شماره (۱): سهم هزینه مسکن در سبد خانوارهای کشور و خانوار شهری

ردیف	سال	سهم مسکن در سبد هزینه خانوارکشور (درصد)	سهم مسکن در سبد هزینه خانوار شهری (درصد)
۱	۱۳۹۲	۲۵/۶۰	۳۳/۲۱
۲	۱۳۹۳	۲۶/۴۶	۳۳/۴۱
۳	۱۳۹۴	۲۷/۳۴	۳۳/۶۶
۴	۱۳۹۵	۲۷/۹۵	۳۴/۰۸
۵	۱۳۹۶	۲۷/۱۶	۳۲/۹۷
۶	۱۳۹۷	۲۸/۱۲	۳۳/۹۱
۷	۱۳۹۸	۲۹/۸۷	۳۶/۴۰
۶	۱۳۹۹	۳۰/۶۶	۳۷/۰۰
۹	۱۴۰۰	۲۹/۷۰	۳۵/۹۶
۱۰	۱۴۰۱	۳۱/۱۵	۳۸/۰۷

ماخذ: سالنامه آماری کشور۱۴۰۱

از دیگـر اثـرات سیاسـت‌های اقتصـادی در بـازار مسـکن می‌تـوان بـه افزایـش سـهم هزینـه مسـکن خانـوار در کشـور و در مناطـق شـهری منجـر شـود. مطابـق جـدول شـماره (۱) سـهم هزینـه مسـکن خانـوار کشـور از ۲۵/۶ درصـد در سـال ۱۳۹۲ بـه ۳۱/۱۵ درصـد در سـال ۱۴۰۱ و ۳۳/۲۱ درصـد هزینـه مسـکن خانـوار شـهری بـه ۳۸/۰۷ درصـد در سـال ۱۴۰۱ افزایـش داشـته اسـت کـه قطعـاً ایـن افزایـش سـهم هزینـه مسـکن کـه سـهم بالایـی در مصـرف خانـوار دارد سـبب حـذف سـایر کالاهـای مـورد نیـاز از سـبد خانوارهـا گردیـده اسـت. ایـن در حالـی اسـت کـه در بیـن کشـورهای توسـعه یافتـه، ایـن سـهم بـه طـور میانگیـن حـدود ۲۰ درصـد اسـت.



نمودار ۲: مقایسه سهم هزینه مسکن از سبد خانوار شهری و کل کشور طی سال‌های ۱۳۹۲ الی ۱۴۰۱
مأخذ: سالنامه آماری کشور ۱۴۰۱

با توجه به نمودار شماره (۲) کاملاً مشهود است که هزینه خانوارهای شهری در حوزه مسکن طی این سال‌ها بیش از میانگین هزینه مسکن خانوار درکل کشور بوده است. تغییرات سهم هزینه‌های مرتبط با مسکن هر خانوار شهری از کل هزینه‌های خانوار برای دهک اول و دهم نشان می‌دهد که از میانه دهه ۸۰ سهم هزینه مسکن به طور میانگین برای همه خانوارها افزایش یافته است، اما این افزایش در دهک دهم بیشتر از دهک اول است. به جهت احتساب اجاره مسکن بالا و با کیفیت بهتر، این نسبت برای دهک‌های با درآمد بالاتر افزایش بیشتری یافته است. براساس آمارهای رسمی، قدرت خرید خانوارها از سال ۱۳۸۶ روندی کاهشی را طی کرده است. سهم هزینه‌های مسکن در دهک‌های درآمدی پایین در سال‌های اخیر هر چند افزایشی است، اما متناظر با میزان افزایش در هزینه سکونت (با فرض حفظ کیفیت سکونت) نیست.

به طورکلی مسکن به صورت عمومی همواره محل مناسبی برای سرمایه‌گذاری و پس‌انداز فعالان اقتصادی بوده است که از جمله دلایل آن کنترل قیمت‌ها در بازار کالا، سرکوب مالی در بازار پول و دخالت کمتر دولت در بازار مستغلات و هم‌چنین خلاء ابزارهای مالی مناسب برای مدیریت ثروت در بازار سرمایه کشور مطرح می‌گردد، فضای اقتصاد کلان هم نقش مهمی در تحولات بازار مسکن دارد. به طور معمول با افزایش بی‌ثباتی در سطح اقتصاد کلان، بازار مسکن دچار اختلال و بی‌ثباتی در قیمت‌ها می‌شود.

علاوه بر مطالب ارائه شده، مطالعه انجام شده در این تحقیق نیز نشان از اثرگذاری سیاست‌های پولی بر بخش مسکن از جنبه‌های مختلف (ساخت ساز، ملکیت، اجاره‌نشینی، قیمت، عرضه و تقاضا و...) است. در تحقیق بررسی اثر سیاست پولی بر بخش مسکن شهری کشورهای اسلامی به بررسی تغییر الگوی استفاده از مسکن (خرید مسکن- اجاره‌نشینی) در ایران طی سال‌های ۱۳۷۶ الی ۱۴۰۱پرداخته شده است که این مهم در راستای سؤال اصلی تحقیق پاسخ داده می‌شود، آیا سیاست‌های پولی اعمال شده بر ترکیب مالکین و اجاره‌نشینان شهری در ایران تأثیر به سزایی (در دوره کوتاه‌مدت و بلندمدت) داشته است یا خیر؟

برای شناسایی و زمان‌یابی مکانیزم‌های انتقال پولی استفاده از الگوهای خود همبسته‌برداری (VAR) به دلیل پرکاربرد بودن آن و توانایی آن در نمایش پویایی متغیرها به کار برده شد که با استفاده از توابع شوک و واکنش می‌توان واکنش متغیرهای مدل و

پویایی تغییرات و نوسانات اقتصادی محاسبه و زمان‌یابی شد. بر مبنای یک الگوی خود همبسته‌برداری که شامل مالکین شهری در ایران و کل کشور و مستأجرین کل کشور و شهری و متغیرهای پولی. تأثیر سیاست پولی از طریق توابع واکنش اندازه‌گیری گردید.

پیشینه پژوهش

سیاست‌های مسکن در حالت کلی، به منظور افزایش رفاه مردم یک کشور طراحی می‌شود. اما همه این سیاست‌ها، عموماً تأثیر مستقیمی بر افزایش رفاه گروه‌های کم‌درآمد جامعه ندارد. برای افزایش رفاه این گروه‌ها، نیاز به طراحی سیاست‌هایی است که ویژگی‌های خاصی دارند و به دلیل این ویژگی‌ها، از سیاست‌های دیگر مربوط مسکن متمایز می‌شوند.

سیاست پولی مجموعه تدابیری است که بانک مرکزی برای تغییر در حجم پول و نقدینگی در راستای تثبیت اوضاع اقتصادی اعمال می‌کند. سیاست اقتصادی با هدف تسریع رشد اقتصادی، ایجاد اشتغال کامل، تثبیت سطح عمومی قیمت‌ها و ایجاد تعادل در ترازپرداخت‌ها اجرا می‌شود. لذا مطالعات و پژوهش‌های متعددی جهت میزان اثرگذاری سیاست‌های پولی بر بخش‌های مختلف جامعه و اقتصاد مورد بررسی و ارزیابی انجام شده است.

جدول شماره (۲): پیشینه تحقیق در راستای ارتباط سیاست‌های پولی و بخش مسکن در پژوهش‌های داخلی

ردیف	محقق و پژوهشگران	سال انجام تحقیق	نتایج حاصله
۱	کمیجانی و همکاران	۱۳۹۲	یکی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر حباب قیمت مسکن سیاست پولی بوده و آثار کوتاه‌مدت و بلندمدت عوامل پولی را بر حباب قیمتی مسکن برآورد گردید.
۲	تملکی و همکاران	۱۳۹۳	گزینه‌های بالقوه تأمین مالی اسلامی مسکن از طریق نظام بانکی در ایران و اولویت‌بندی آنها با استفاده از روش ویکور پرداخته است و ویژگی‌های متمایزکننده هر یک از آنها را در مقایسه با سایر روش‌ها مشخص و تشریح نموده است و مشخص گردید روش مشارکت کاهنده، سازگاری بیشتری با آموزه‌های بانک‌داری اسلامی و شرایط بازار پول ایران دارد.
۳	شیخ عیسی	۱۳۹۵	مشخص نمودن نقاط قوت و ضعف با بررسی چگونگی سیاست مسکن در برخی از کشورهای اسلامی (ایران، مصر، سوریه)
۴	ابوالحسنی و همکاران	۱۳۹۵	اثر تکانه‌هاي پولي و تکانه‌هاي نفتي بر تولید و تورم بخش مسکن در اقتصاد ایران با رویکرد تعادل عمومي پوياي تصادفي نیوکینزي پرداخته و نتایج حاصل از توابع عکس‌العمل آني نشان مي‌دهد که افزایش نرخ رشد حجم پول باعث افزایش موقت تولید و تورم در بخش مسکن و غیرمسکن شده است.
۵	رستمی و شیرین بخش	۱۳۹۵	اثر تکانه‌های نامتقارن قیمت مسکن بر مصرف خانوارهای شهری در استان‌های ایران پرداخته و نتایج اثرات نامتقارن تکانه قیمت مسکن، منفی و معنادار در تکانه مثبت و معنادار در تکانه منفی قیمت است.
۶	مهدیلو و همکاران	۱۳۹۷	نقش کانال‌های انتقال سیاست پولی در اقتصاد ایران را مورد بررسی قرار دادند و نتایج تحقیق حاکی از این است، کانال اعتباری در کوتاه‌مدت، کانال نرخ ارز در میان‌مدت و کانال قیمت مسکن در بلندمدت، کانال اعتباری در کوتاه‌مدت، کانال قیمت مسکن در میان‌مدت و کانال قیمت سهام در بلندمدت بیشترین سهم را در انتقال آثار پول بر تولید داشته‌اند. از طرفی سیاست‌های پولی از طریق کانال نرخ ارز و از طریق کانال اعتباری بیشترین تأثیر را بر سطح قیمت‌ها داشته‌اند.
۷	پناهی و همکاران	۱۳۹۷	آثار تکانه‌های سیاست پولی بر بخش مسکن در قالب الگوی تعادل عمومی پویای تصادفی بررسی کردند و نتایج به دست آمده نشان داد در اثر افزایش نرخ بهره، میزان عرضهٔ مسکن و شاخص قیمت مسکن کاهش خواهند یافت؛ هم‌چنین در نتیجهٔ این واکنش، بخش مسکن، متغیرهای مصرف کالا و خدمات، تولید، تورم، نرخ ارز و تراز حقیقی پول کاهش می‌یابند.
۸	ساقی و همکاران	۱۳۹۷	اثرات نامتقارن سیاست پولی بر بازار مسکن در ایران را بررسی نموده و تأیید نامتقارن بودن اثر سیاست پولی بر بازار مسکن و بیشتر بودن اثرگذاری سیاست پولی در دوران رکود مسکن، نسبت به دوران رونق این بازار را توضیح دادند.

ردیف	محقق و پژوهشگران	سال انجام تحقیق	نتایج حاصله
۹	شهنازی و همکاران	۱۳۹۸	به ارائه راهکار تأمین مالی مسکن برای اقشار کم‌درآمد در چارچوب اوراق وقفی از طریق تعاونی پرداخته شده است
۱۰	کشت‌کاران و همکاران	۱۳۹۹	اثرات نامتقارن سیاست پولی بر بازار مسکن ایران با رویکرد DSGE پرداخته‌اند، بررسی عدم‌تقارن سیاست پولی در حالت اثرات: مثبت و منفی، اندازه متفاوت تکانه‌ها و اثرات سیاست پولی در رکود و رونق انجام شده است. در حالت اعمال یک واحد تکانه مثبت به مدل، حجم عرضه بخش مسکن افزایش قیمت نسبی اجاره، سطح درآمد حقیقی فعالان بخش مسکن افزایش می‌یابد.
۱۱	حجت و همکاران	۱۴۰۰	تأثیر سیاست‌های پولی و مالی بر حباب قیمت مسکن در اقتصاد ایران با رویکرد مدل عامل بنیان پرداخته و نتایج تحقیق نشان می‌دهد هنگامی که مقامات پولی، قوانین آسان‌تری را برای اعتبارسنجی متقاضیان وام مسکن درنظر می‌گیرند، این عمل آنها می‌تواند موجب ایجاد حباب قیمتی مسکن و رشد ناپایدار اقتصادی شود.
۱۲	شیرزادی جاوید و همکاران	۱۴۰۱	به رویکردهای جهانی سیاست‌گذاری در حوزه تأمین مسکن با تأکید بر گروه‌های کم‌درآمد پرداخته‌اند که ضمن بررسی رویکردها، به پنج سیاست اصلی تأمین مسکن شامل: سیاست ساخت مسکن، سیاست تأمین مالی مسکن، سیاست زمین و خدمات، سیاست های منتج از راهبرد توانمند سازی در برخورد با مسئله مسکن و سیاست مسکن مقرون به صرفه یا در استطاعت پرداخته شده که بسیاری از ابعاد تأمین مسکن در استطاعت در سطح جهانی مشابه بوده و تعمیم‌پذیری بالایی دارد که می توان از انتخاب راه حل‌های مقطعی مبتنی بر سعی و خطا اجتناب کرد.
۱۳	رضازاده و همکاران	۱۴۰۳	تأثیر منابع مالی و دیگر عوامل مؤثر بر قیمت مسکن در شهرستان‌های ایران با استفاده از الگوی فضایی پرداخته و این مطالعه برآورد و استنباط ناهمگن تعامل بین قیمت مسکن و متغیرهای اقتصادی مختلف را ارائه می‌دهد. برآورد ضرایب فضایی خالص (هم‌زمان و با تأخیر) عمدتاً مثبت و نشان‌دهنده درجه بالایی از اثرات سرریز تغییرات قیمت مسکن به مناطق مجاور است. با تعمیم نتایج این مطالعه به خصوصیات مالی مسکن به شکلی دیگر می‌توان کالای سرمایه‌ای بودن مسکن را نیز تأیید نمود.

سیاست‌گذاران در همه سطوح جهانی، ملی، منطقه‌ای، شهری، انجمن‌های محلی با ابزارهای گوناگون سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی به دنبال پاسخگویی به موضوع مسکن (که یک مسئله چندبعدی در بسیاری از کشورها تلقی می‌شود)، هستند. لذا در ادامه به پیشینه تحقیق در راستای ارتباط سیاست‌های پولی و بخش مسکن در پژوهش‌های خارجی پرداخته می‌شود.

جدول شماره (۳): پیشینه تحقیق در راستای ارتباط سیاست‌های پولی و بخش مسکن در پژوهش‌های خارجی

ردیف	محقق و پژوهشگران	سال انجام تحقیق	نتایج حاصله
۱	البورن[1]	۲۰۰۸	در بررسی نقش قیمت مسکن در سازوکار اثرگذاری پولی نشان داده شد که شوک‌های قیمت مسکن با شوک‌های سیاست پولی غیرهماهنگ بوده و معمولاً از طریق مسکن به صورت مستقیم و غیرمستقیم منتقل می‌شوند.
۲	گوپتا و کابوندی[2]	۲۰۰۹	اثر سیاست پولی بر قیمت مسکن را که در کوتاه‌مدت کوچک و اندک و در بلندمدت تدریجاً از بین می‌روند را منفی ارزیابی می‌کنند.
۳	ورونیکاکاکداک وارنوک[3]	۲۰۰۹	بررسی کشورهای مختلف و تلاشی که این کشورها برای کنترل وسعت خود انجام می‌دهند، نشان می‌دهد: کشورهایی که برای وام‌دهندگان و وام‌گیرندگان، حقوق قانونی قائل هستند (از طریق قوانین ورشکستگی و وثیقه‌ای) و سامانه‌های اطلاع‌رسانی اعتبارات‌شان قوی‌تر است و اقتصاد کلان‌شان از محیط باثبات‌تری برخوردار است، سامانه‌های بهتری برای تأمین مالی مسکن دارند.

1. Elbourne
2. Gupta and Kaboundi
3. Gupta and Kaboundi

ردیف	محقق و پژوهشگران	سال انجام تحقیق	نتایج حاصله
۴	ژو، سباستین[2]	۲۰۱۷	روش سه‌مرحله‌ای سیاست‌های پولی و وضعیت مسکن را در یازده کشور حوزه اتحادیه اروپا بررسی کردند که نتایج نشان داد که شوک‌های پولی تأثیر به سزایی بر قیمت مسکن در بازارهای مسکن آزاد دارند.
۵	آستوی و آنوندس[3]	۲۰۱۸	به بررسی اثرات نامتقارن سیاست پولی بر مسکن امریکا طی سال‌های ۱۹۸۳-۲۰۰۷ پرداختند و مشخص گردید تأثیر شوک‌های انقباضی مستقل از کشش عرضه مسکن بوده است. هم‌چنین کاهش نرخ بهره موجب تحریک اقتصاد و سرمایه‌گذاری بخش مسکن گردیده و افزایش نرخ بهره به طور جدی موجب کاهش فعالیت اقتصادی به خصوص در بخش مسکن گردیده است.
۶	وینفرد و همکاران[4]	۲۰۲۲	با کمک شواهد تجربی ناهمگون انتقال سیاست پولی به بازارهای مالی را در سه کشور آلمان، سوئیس و ایتالیا در نظر گرفتند که نتایج در تغییر رویکرد انتقال اجاره یک خانه به خرید آن و کاهش اجاره و رشد ضریب قیمت اجاره بعد از شوک‌ها و سیاست پولی داشته است.
۷	ویلیام مایلزو همکاران[5]	۲۰۲۳	مطالعه مسکن و تأثیر متغیر سیاست پولی اشاره دارد که مسکن شاخص اصلی چرخه تجاری است. در این مطالعه از روش طرح‌ریزی محلی استفاده شده که یک اثر واضح شوک های پولی بر متغیرهای مسکن را در کل نمونه می‌یابد. با این حال، نشان داده شده است که در سال‌های ۱۹۸۳ تا ۲۰۰۸، هیچ تأثیر قابل توجهی شوک‌های سیاستی بر قیمت مسکن یا سرمایه‌گذاری وجود نداشته است.
۸	هویفو نونگ و همکاران[6]	۲۰۲۴	نشان دادند که افزایش قیمت مسکن در چین خطر قابل توجهی برای ثبات مالی و اقتصادی دارد که با پیوندهای بین بخشی ضعیف‌تر. شاخص‌های کلیدی اقتصاد کلان، به‌ویژه عدم قطعیت سیاست پولی و تورم، به طور قابل توجهی این ارتباط را هدایت می‌کنند.
۹	نیکولو باتیستینی و همکاران[7]	۲۰۲۴	نقش بازار مسکن را در انتقال سیاست پولی در سراسر منطقه یورو را ارزیابی و با بهره‌برداری از مجموعه داده‌های منطقه‌ای جدید بر روی متغیرهای مرتبط با مسکن، یک تجزیه و تحلیل پانل ساختاری VAR تأثیر ناهمگون سیاست پولی را به ویژگی‌های اقتصادی و نهادی منطقه‌ای بلندمدت مرتبط با مسکن مرتبط می‌کند. تجزیه و تحلیل نشان‌دهنده نقش برجسته کانال مسکن در انتقال سیاست پولی به اقتصاد، از طریق اثرات ثروت مسکن و ترازنامه است. علاوه بر این، ناهمگونی در ویژگی‌های نهادی (سهم وام مسکن با نرخ ثابت) و درآمد نیروی کار به توضیح انتقال سیاست پولی در مناطق مختلف کمک می‌کند.

با توجه به بررسی مطالعات داخلی و خارجی صورت گرفته در حوزه سیاست‌های پولی و مسکن مشخص گردید تحقیق و پژوهشی در زمینه تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم تصمیمات سیاست‌های پولی بر مالکیت خانواده‌ها و اجاره‌نشینی کمتر صورت گرفته است لذا در این مطالعه سعی بر این گردید که با توجه به اهمیت بخش مسکن در اقتصاد از یک سو و بکارگیری سیاست‌های پولی طی سال‌های گذشته در جهت سیاست‌های اقتصادی دولت‌ها، تأثیر این رویکرد بر ترکیب میزان اجاره‌نشینی و مالکیت مسکن به طور مشخص در کشور مورد ارزیابی قرار گیرد.

مبانی نظری

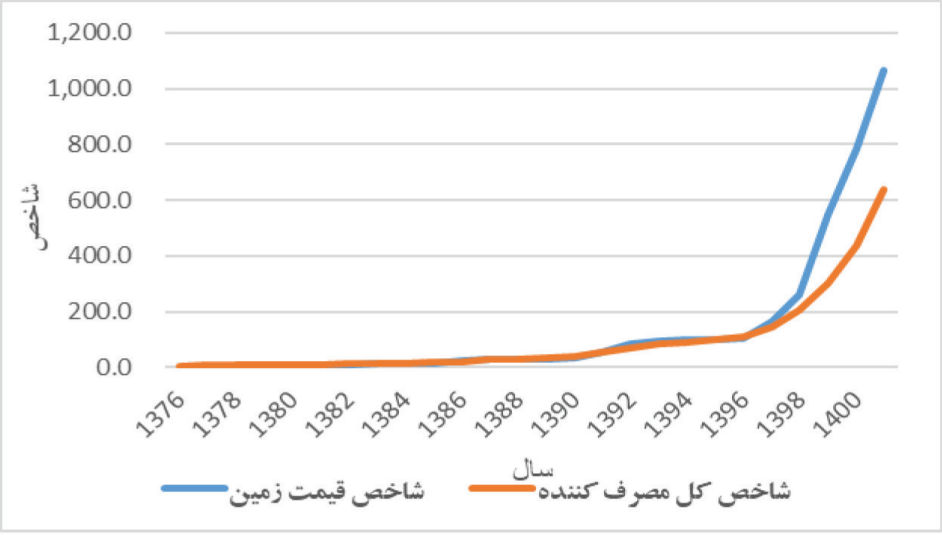
در سال‌های اخیر موج افزایش سریع قیمت مسکن در بسیاری از کشورها به طور همزمان اتفاق افتاده است. این تقارن را می‌توان به عوامل جهانی نسبت داد که از یک تغییر همگانی در نرخ بهره، فعالیت اقتصادی و دیگر متغیرهای اقتصاد کلان ناشی می‌شود. بخش مسکن طی سال‌های اخیر در ایران نیز به عنوان یک کشور در حال توسعه نوسانات زیادی داشته و تأثیرات منفی گسترده‌ای بر

1. Veronica Kakdak Warnock; Francis. A. Warnock
2. Zhu and Sebastian
3. Aastveit and Anundsen
4. Winfried et al
5. William Miles et al
6. Huifu Non et al
7. Niccol Battistini et al

خانوارها و عملکرد سایر بخش‌های اقتصادی و حتی نظام بانکی بر جا گذاشته است. با توجه به اهمیت بخش مسکن در کشور، تأثیر سیاست پولی بر عملکرد بازار مسکن مهم‌ترین نگرانی سیاست‌گذاران را تشکیل می‌دهد و نیاز به سیاست‌گذاری و واکنش مناسب مقامات پولی و مالی ضروری به نظر می‌رسد.

سیاست‌های پولی و مالی ابزارهای کلان اقتصادی هستند. دولت‌ها و بانک‌های مرکزی از این دو ابزار برای تنظیم و کنترل اقتصاد کشور استفاده می‌کنند. این سیاست‌ها نقش حیاتی در حفظ ثبات اقتصادی، کنترل تورم، رشد اقتصادی و کاهش نرخ بیکاری و ... ایفا می‌کنند. سیاست‌های پولی به مجموعه‌ای از اقدامات و تدابیری اشاره دارد که توسط بانک مرکزی یک کشور برای حفظ ارزش پول، حفظ ثبات قیمت‌ها، کنترل تورم، تحریک رشد اقتصادی و کاهش نرخ بیکاری و ... که از ابزارهایی مانند نرخ بهره، عملیات بازار باز، نرخ ذخیره قانونی و تسهیلات استفاده می‌کنند تا بتوانند میزان پول در گردش و شرایط اعتباری را تنظیم کنند. به این ترتیب، سیاست‌های پولی نقش مهمی در مدیریت اقتصاد کلان و تأثیرگذاری بر مصرف، سرمایه‌گذاری و تولید و ... در کشور دارند.

روش‌هایی مانند تغییر و کنترل حجم پول و تغییر در سطح و ساختار نرخ بهره و یا سایر شرایط اعطای اعتبار و تسهیلات مالی روش‌های به کارگیری متولیان نهادهای پولی جهت رسیدن به اهداف اقتصادی موردنظر است. (قلی‌زاده و کمیاب، ۱۳۸۹: ۱۰).



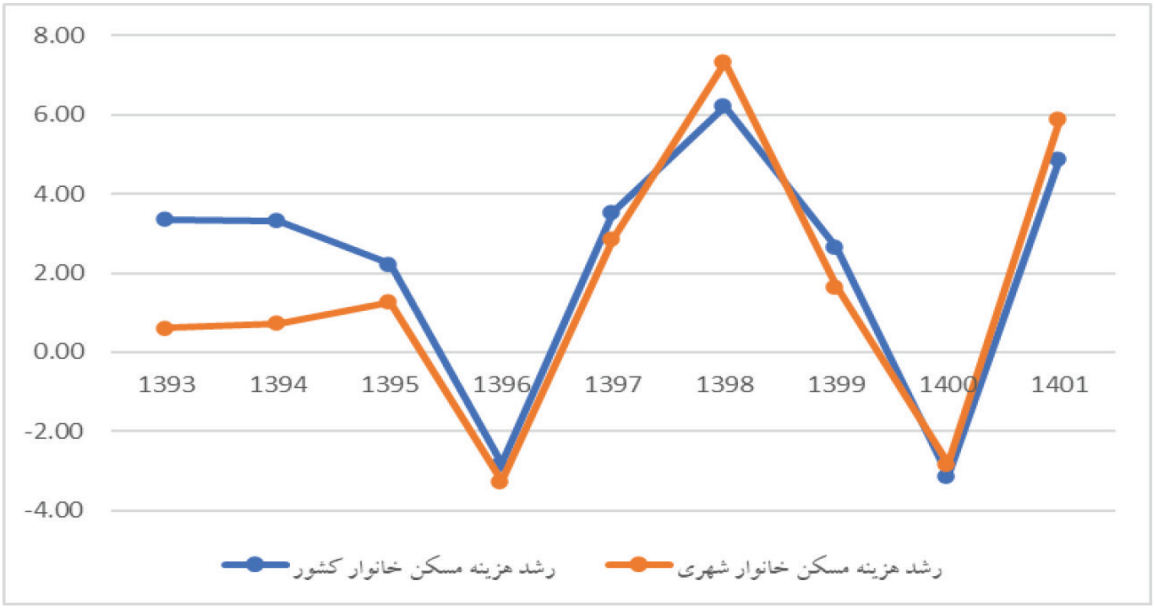
نمودار ۳: شاخص قیمت مصرف‌کننده و شاخص قیمت زمین

منبع: سایت بانک مرکزی

در دهه‌های گذشته، بعد سرمایه‌گذاری مسکن وجه پررنگ‌تری یافته است. این بعد سوداگرانه به همراه نوسانات قیمتی شدید به خصوص در بخش زمین برای عایدی سرمایه‌ای سبب شده شرایط ویژه‌ای را بر این بازار حاکم کرده است. نگهداری مسکن به عنوان دارایی برای بهره‌مندی از درآمد اجاره و عمدتاً تا تقاضای مسکن در کنار طلا، ارز و محصولات بازار سرمایه، سهم زیادی از تقاضای دارایی‌های سرمایه‌ای را داشته باشد. از دیگر دلایل این امر، حضور کم‌رنگ دولت در بخش مسکن و نبود نظام مالیاتی مؤثر در این بخش است. فقدان نظام مالیاتی کارآمد، مسکن را به محل سرمایه‌گذاری جذاب با نرخ بازده بالا تبدیل کرده است. توسعه نیافتگی بازار مالی کشور در ارائه

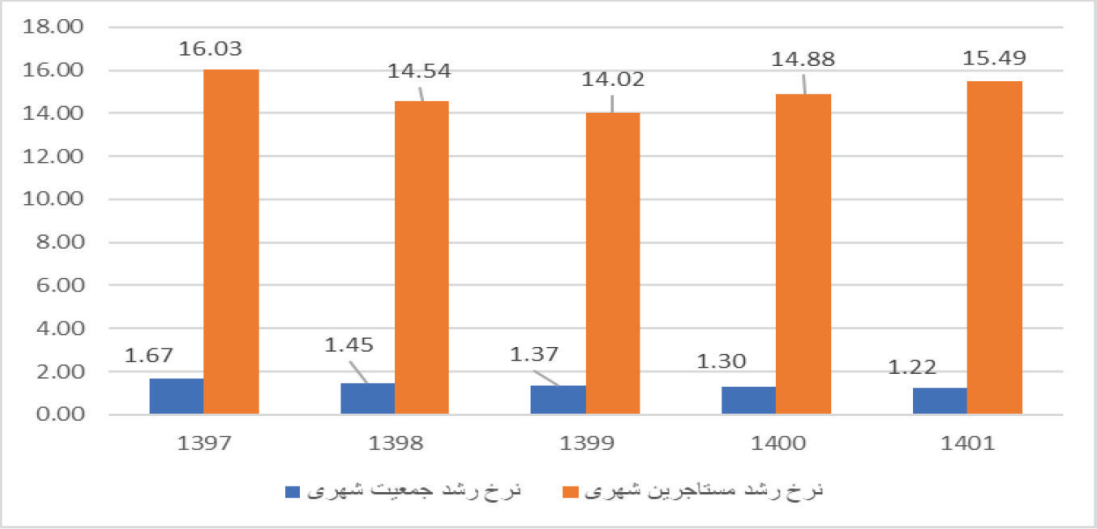
محصـولات مناسـب مدیریـت ثـروت و حفـظ ارزش دارایـی اشـخاص عامـل دیگـری اسـت کـه سـرمایه‌گذاران را ناگزیـر بـه سـمت بازارهایـی هم‌چـون بـازار مسـکن سـوق می‌دهـد ایـن سـهم زیـاد تقاضـا سـبب شـده تـا مسـکن از تحـولات و نوسـانات اقتصـاد کلان تأثیـر زیـادی بپذیـرد.

از لحـاظ تئـوری، سیاسـت‌های پولـی از طریـق عرضـه و تقاضـای مسـکن می‌توانـد بـر بخـش مسـکن تأثیرگـذار باشـد. نخسـت، ماننـد دارایی‌هـای دیگـر، قیمـت مسـکن نسـبت بـه بـازده دارایی‌هـای مالـی ماننـد اوراق بهـادار حساسـیت دارد. اگـر بـازده ناشـی از نگهـداری اوراق بهـادار افزایـش یابـد فـرد سـرمایه‌گذار بخشـی از دارایـی خـود را صـرف سـرمایه‌گذاری در اوراق بهـادار خواهـد کـرد و دیگـر در بخـش مسـکن سـرمایه‌گذاری نمی‌کنـد تـا وقتـی کـه بـازده ناشـی از نگهـداری دارایی‌هـای مختلـف بعـد از محاسـبه ریسـک‌های مختلـف تعدیـل شـود و قیمـت مسـکن کاهـش می‌یابـد. دوم، تقاضـای مسـکن ارتبـاط منفـی بـا نـرخ بهـره دارد، زیـرا قسـمت عمـده از هزینـه خریـد مسـکن شـامل پرداختی‌هـای بهـره می‌شـود. سـوم، قابلیـت پرداخـت اولیـه بهـره بـا میزانـی کـه شـخص مایـل و قـادر اسـت تـا بـرای یـک مسـکن پرداخـت کنـد مسـتقیماً ارتبـاط دارد. بـا توجـه بـه اینکـه خانوارهـا بـه وسـیله درآمـد جاری‌شـان نسـبت بـه آنچـه کـه می‌تواننـد قـرض کننـد محـدود اسـت بنابرایـن در طـول زمـان بـا افزایـش دسـتمزد واقعـی و تـورم باعـث کاهـش ارزش واقعـی بدهـی شـده و بـه دنبـال آن فشـار ناشـی از پرداخـت بهـره کمتـر و کمتـر می‌شـود.



نمودار ۴: نمودار مقایسه‌ای رشد هزینه مسکن خانوار کشور و شهری (درصد)
منبع: سالنامه آماری- محاسبات محقق (۱۴۰۳)

بـا توجـه بـه نمـودار شـماره (۴) ملاحظـه می‌گـردد طـی یـک دهـه اخیـر در اثـر اجـرای سیاسـت‌های اقتصـادی نـرخ تغییـرات رشـد هزینـه مسـکن شـهری در سـبد خانـوار همسـو و هم‌انـدازه نـرخ رشـد هزینـه مسـکن در کل کشـور بـوده اسـت.



نمودار ۵: مقایسه رشد جمعیت شهرها و درصد اجاره‌نشینی در شهرها
منبع: سالنامه آماری- محاسبات محقق (۱۴۰۳)

همان‌طور که در نمودار شماره (۵) مشاهده می‌شود اجاره‌نشینی در طی سال‌های اخیر رشد قابل توجه داشته است در صورتی که نرخ جمعیت شهری نرخ کمتری را تجربه کرده است.

با توجه به اثرگذاری سیاست پولی از طریق کانال‌های مختلف در بخش‌های مختلف اقتصاد در ادامه به کانال‌های اثرگذاری سیاست پولی بر بازار مسکن پرداخته می‌شود که با بررسی کانال‌های تأثیرگذار سیاست پولی توسط اقتصاددانان بر انتخاب مصرف و سرمایه‌گذاری و قیمت دارایی سبب شد بین دو منبع اصلی، کانال پول و کانال اعتبارات تمایز قائل شوند.

کانال‌های انتقال پولی

نوسانات پرفراز و نشیب اقتصاد آمریکا در زمینه تولید، بیکاری و تورم از دهه هشتاد به بعد و بخصوص بحران مالی و رکود ۲۰۰۹-۲۰۰۷ که طولانی‌ترین رکود بعد از جنگ جهانی دوم بود و بی‌ثباتی اقتصادی همراه آنها، سیاست‌گذاران را با یک مسئله دشوار مواجه ساخت: «چه سیاست یا سیاست‌هایی جهت کاهش نوسانات در تولید و تورم بایستی در آینده اجرا شود؟»

برای پاسخ به این سؤال، سیاست‌گذاران پولی باید ارزیابی دقیقی از زمان‌بندی و تأثیر سیاست‌های‌شان بر اقتصاد داشته باشند. برای انجام چنین ارزیابی، نیاز است مکانیزم‌هایی که از طریق آن سیاست پولی بر اقتصاد اثر می‌کند درک شود.

اقتصاددانان کانال‌های متعددی را ذکر کرده‌اند که از طریق آنها تغییر در سیاست پولی می‌تواند بر متغیرهای حقیقی اقتصاد مؤثر باشد که به طور کلی کانال‌های انتقال پولی به سه گروه اصلی به شرح ذیل طبقه‌بندی شده‌اند: ۱- کانال سنتی نرخ بهره ۲- کانال قیمت سایر دارایی‌ها ۳- کانال اعتباری

کانال نرخ بهره

اشاعه آثار سیاست پولی از طریق مکانیزم نرخ بهره شاید معروف‌ترین کانال انتقال باشد که سال‌های متمادی در کتب اقتصادی و در قالب تعادل بازار پول و کالا مورد توجه بود. به طوری که کینز[1] در ابتدا به این کانال تأکید داشت اما تحقیقات بعدی نشان داد که تصمیمات مصرف‌کنندگان در مورد مخارج مسکن و سایر کالاهای بادوام نیز تصمیمات سرمایه‌گذاری هستند که شامل

1. Keynes

سرمایه‌گذاری و هم مخارج کالاهای مصرفی بادوام می‌شود و کانال نرخ بهره، علاوه بر سرمایه‌گذاری بر مخارج مصرف‌کننده هم تأثیرگذار است.

کانال سایر دارایی‌ها

گسترش تأثیر سیاست پولی از کانال قیمت دارایی‌ها، نگاه پولی به مکانیزم انتقال است و از این منظر دارای تفاوت‌های بسیار مهمی با بینش کینزی است به طوری که آن را ناقص بر می‌شمارد، در تحلیل کینز یا مکانیزم سنتی نرخ بهره تنها بر قیمت یک دارایی (اوراق قرضه) متمرکز است در کنار قیمت اوراق قرضه، قیمت دو دارائی دیگر نیز توجه قابل ملاحظه‌ای را به‌عنوان کانال‌هایی برای اثرگذاری سیاست پولی به خود جلب کرده‌اند. یکی نرخ‌های ارز و دیگری قیمت‌های سهام است.

اثر گذاری نرخ ارز

وقتی نرخ بهره واقعی داخلی کاهش می‌یابد جذابیت دارائی‌های نسبت به دارائی‌های ارزی (دارائی‌هایی که به پول رایج سایر کشورها هستند) کاهش می‌یابد. در نتیجه، ارزش دارائی‌های نسبت به دارایی‌های ارزی کاهش می‌یابد و ارزش پول داخلی کاهش می‌یابد و کاهش ارزش پول داخلی کالاهای داخلی را ارزان‌تر از کالاهای خارجی می‌کند و از این طریق، باعث افزایش صادرات خالص می‌شود و لذا تقاضای کل افزایش می‌یابد.

نظریه توبین

جیمز توبین[1] نظریه‌ای ارائه کرده‌است که از آن به‌عنوان نظریه q توبین یاد می‌شود و چگونگی تأثیرگذاری سیاست پولی بر اقتصاد از طریق اثرات سیاست پولی بر ارزش‌گذاری سهام را توضیح می‌دهد. با اعمال سیاست پولی انبساطی، کاهش نرخ بهره واقعی اوراق قرضه، بازده مورد انتظار دارائی جانشین سهام، کاهش می‌یابد. لذا جذابیت سهام نسبت به اوراق قرضه افزایش می‌یابد و بنابراین تقاضا برای سهام افزایش می‌یابد که به نوبه خود قیمت سهام را بالا می‌برد. با ترکیب این نتیجه با اینکه قیمت‌های بالاتر سهام منجر به افزایش q توبین می‌شود و بنابراین مخارج سرمایه‌گذاری افزایش می‌یابد.

اثر ثروت

در چارچوب نظریه مودیگیلیانی[2] است که بر تغییرات ثروت بر مصرف خانوار تأکید دارد، آن چیزی که مخارج مصرفی را تعیین می‌کند منابع درآمدی مادام‌العمر مصرف‌کنندگان است نه فقط درآمد امروز، جزء مهم منابع درآمدی مادام‌العمر مصرف‌کنندگان ثروت مالی آنهاست که بخش عمده آن را سهام تشکیل می‌دهد. با افزایش قیمت سهام، ارزش ثروت مالی افزایش می‌یابد و با افزایش ثروت، مصرف زیاد می‌شود و تقاضای کل افزایش می‌یابد.

قیمت سهام و مسکن

دو کانال ثروت و q توبین، امکان ارائه یک تعریف عمومی از کانال سهام را فراهم می‌کنند به طوری که می‌توان آنها را برای بازار مسکن هم بکار برد آنجا که مسکن هم به‌صورت سهام است. افزایش در قیمت‌های مسکن، باعث بالا رفتن قیمت آن نسبت به هزینه جایگزینی می‌شود و لذا q توبین برای مسکن رشد می‌کند و بدین‌ترتیب تولید مسکن تحریک می‌شود:

$$r\downarrow \rightarrow price\ of\ housing\uparrow \rightarrow q\uparrow \rightarrow$$
$$\rightarrow q\uparrow \rightarrow demand\ for\ housing\uparrow \rightarrow$$

1. Tobin

2. Modigliani

قیمت‌های مسکن از مهم‌ترین اجزای ثروت هستند بنابراین افزایش در قیمت مسکن ثروت را افزایش می‌دهد و از آن طریق، مصرف می‌تواند افزایش یابد:

$$r \downarrow \rightarrow price\ of\ housing \uparrow \rightarrow wealth \uparrow$$
$$h \uparrow \rightarrow consumption \uparrow \rightarrow Y^{ad} \uparrow$$

بنابراین سیاست پولی انبساطی که قیمت مسکن را افزایش می‌دهد از طریق مکانیزم‌های q توبین و اثر ثروت می‌تواند تقاضا کل را افزایش بدهد.

دارایی‌های مسکونی تفاوت‌های زیادی با سایر کالاهای مالی و ملموس دارند، به این دلیل که آنها طبیعتی دوگانه دارند. یعنی از یک سو کالاهایی هستند که منجر به ایجاد مطلوبیت و از سوی دیگر جزء دارایی‌های سرمایه‌گذاری به حساب می‌آیند. نحوه اثرگذاری کانال قیمت مسکن و تولید به شرح ذیل می‌باشد:

اثرات نرخ بهره بر مسکن از طریق تقاضا و عرضه مسکن

با افزایش و کاهش حجم پول در اقتصاد، عرضه پول تغییر کرده و منجر به تغییر نرخ بهره می‌گردد. به عبارتی وقتی یک شوک پولی رخ می‌دهد، با تغییر نرخ‌های بهره، بر هزینه فرصت نگهداری کالاهای بادوام از جمله مسکن اثر می‌گذارد و از این طریق بر بخشی از تقاضا که برآمده از تقاضای خدمات حاصل از این ویژگی مسکن است تأثیر می‌گذارد. این تقاضا را از دوجنبه می‌توان بررسی کرد:

الف- تقاضا برای خدمات مسکونی به عنوان یک کالای بادوام

ب- تقاضا برای مسکن به عنوان یک دارایی

برای درک بهتر، می‌توان هزینه فرصت سرمایه و عوامل مؤثر بر آن را به شکل زیر در نظر گرفت:

$$uc = (i + \delta - \pi_h^e)p_h$$

که درآن uc : هزینه استفاده از سرمایه، ph: قیمت مسکن، i : بیانگر نرخ بهره بازار، Π_h^e : بیانگر نرخ انتظاری افزایش قیمت مسکن و δ : نرخ استهلاک مسکن است.

لذا با اعمال سیاست پولی انقباضی، نرخ بهره افزایش یافته و با افزایش هزینه فرصت نگهداری مسکن، تقاضا برای مسکن کاهش می‌یابد.

از طرفی به دلیل اینکه عمده منابع ساخت مسکن از سیستم بانکی تأمین می‌شود، لذا افزایش نرخ‌های بهره بالاتر هزینه ساخت خانه‌های جدید را افزایش داده و سرمایه‌گذاری مسکونی و فعالیت‌های ساخت و ساز مسکن را کاهش می‌دهند. بنابراین نرخ بهره بر ساخت و ساز مسکن و در نهایت عرضه مسکن اثرات مهمی دارند و کاهش در عرضه مسکن منجر به افزایش قیمت مسکن خواهد شد.

در نتیجه با افزایش نرخ بهره، تقاضا برای مسکن کاهش می‌یابد که موجب کاهش قیمت مسکن می‌گردد و از طرف دیگر با افزایش نرخ بهره، عرضه مسکن کاهش می‌یابد که موجب افزایش قیمت مسکن می‌گردد. لذا اثر نهایی تغییرات نرخ بهره بر قیمت مسکن مبهم است. تغییر قیمت مسکن از کانال‌های زیر موجب تغییرات تولید و سطح قیمت‌ها می‌گردد:

اثرات Q توبین بازار مسکن

نسبتQ توبین ارزشی بازاری واحد مسکونی بر هزینه ساخت واحد مسکونی را بیان می‌کند. زمانی که نسبت ارزش بازاری مسکن به هزینه ساخت آن بالای یک باشد، برای بنگاه سودآور است که واحد های مسکونی جدید بسازند. لذا با افزایش قیمت مسکن و در نهایت افزایش سرمایه‌گذاری در بخش مسکن و افزایش مخارج، سطح تولید افزایش می‌یابد.

اثرات ثروت مسکن

درباره اثر ثروت، مصرف تابعی از درآمد و ثروت و پس‌انداز تابعی مستقیم از درآمد و تابعی معکوس از ثروت است. به عبارت دیگر، مصرف افزون بر درآمد تابعی از مقدار ثروت حقیقی نیز در نظر گرفته شده است. از آنجایی که مسکن جزء مهم ثروت است، لذا هنگامی که قیمت مسکن افزایش می‌یابد، ثروت خانوار افزایش یافته و وضعیت برای مصرف بیش‌تر و افزایش تقاضای کل فراهم می‌آورد و تولید کل افزایش می‌یابد.

اثرات تغییر سرمایه یا ثروت سود برندگان و زیان‌دیدگان افزایش قیمت مسکن ممکن است در سطح موازنه شود. بنابراین اگر مسکن به صورت بین‌المللی مبادله نشود، هیچ دلیل قابل قبولی نیز وجود ندارد که افزایش قیمت حقیقی مسکن موجب افزایش ثوت حقیقی گردد. اما برخی شرایط وجود دارد که تحت آنها اثرات مثبت ثروت برای ساکنین مالک می‌تواند بر اثرات منفی روی مصرف برای خریداران جدید مربوط به آینده غلبه کند. به علاوه ممکن است استدلال شود که اگر ساکنین مالک و صاحب‌خانه‌ها محدودیت اعتبار نداشته باشند و اعتقاد داشته باشیم که افزایش در قیمت‌های واقعی مسکن پایدار و دائمی است، افزایش در ثروت مسکن آنها می‌تواند به سطوح مصرف بالاترشان منجر شود. از این منظر نقدینگی و قابلیت خرج کردن مشاهده شده از دارایی‌های مسکن، نقش عمده را بازی می‌کند. در نهایت اینکه افزایش قیمت مسکن دارای اثر انتظاری و اثر اعتماد است. به هر حال رونق بازار مسکن می‌تواند ناشی از انتظارات خوشبینانه نسبت به درآمد آینده آن باشد. از آنجا که مصرف کنونی بستگی به تمایل خانواده‌ها دارد، مصرف‌کنندگان می‌توانند مصرف طول زندگی و آینده را افزایش دهند.

اثرات تغییر درآمد اجاره

تغییرات قیمت ساختمان موجب تغییر درآمد اجاره در بازار مسکن اجاره‌ای می‌شود. افزایش درآمد اجاره‌ای برای مؤجران، اثر منفی کاهش درآمد از سوی مستأجران را خنثی می‌سازد. با فرض پایین‌تر بودن میل نهایی به مصرف درآمد اجاره از مؤجران، انتظار برآن است که اثر کلی تغییرات اجاره مسکن منفی باشد. اندازه اثرگذاری این کانال بستگی به ساختار مسکن اجاره‌ای، عملکرد بازار مسکن اجاره‌ای و عکس‌العمل‌های مختلف افراد (مؤسسات، مؤجران و مالکان) بستگی خواهد داشت.

آثار تغییر رفتار پس انداز ناشی از تغییر قیمت مسکن

یک افزایش در قیمت مسکن احتمالاً یک اثر پس‌اندازی مثبت در برنامه‌ریزی خانوارها (به ویژه در کشورهای دارای الزامات پیش‌پرداخت بالا یا دارای یک سیستم تأمین مالی کمتر توسعه یافته برای بخش مسکن که بر استفاده بیشتر از وجوه و سرمایه داخلی برای خرید مسکن دلالت دارد) را به دنبال خواهد داشت. قدرت این اثر نیز به نسبت پس‌انداز بستگی دارد (مهدیلو و همکارن، ۱۳۹۸: ۴۵۹).

کانال اعتباری

اطلاعات نامتقارن و هرگونه نقص و اصطکاک در بازارهای مالی اساس این مکانیزم را تشکیل می‌دهد و شامل کانال وام‌دهی بانکی و کانال ترازنامه است.



وام دهی بانکی

به خاطر نقشی که بانک‌ها در حل مشکل اطلاعات نامتقارن[1] در بازارهای اعتباری دارند (کژمنشی[2] و کژگزینی[3]ها در سایر ابزارهای بدهی بیشتر از سیستم بانکی است)، برخی قرض‌گیرنده‌ها فقط از طریق بانک‌ها می‌توانند به بازارهای اعتباری دسترسی پیدا کنند. تا زمانی که جایگزینی کاملی بین سپرده‌های بانکی خرد و سایر منابع تأمین وجوه برای بانک‌ها، وجود نداشته باشد.

ترازنامه

کانال ترازنامه هم مانند کانال وام بانکی از مشکلات اطلاعات نامتقارن در بازارهای بانکی ناشی می‌شود، هر چقدر ارزش خالص دارایی‌های یک شرکت کمتر باشد، به این معناست که وام دهندگان، در عمل وثیقه کمتری برای وام خواهند داشت، بنابراین به دلیل کژگزینی با احتمال زیان بیشتری مواجه هستند که به کاهش وام‌دهی، برای تأمین مالی سرمایه‌گذاری‌ها منجر می‌شود، از طرفی هم، کاهش ارزش خالص دارایی‌های شرکت، سبب می‌شود مالکان در شرکت از منفعت سرمایه‌ای کمتری برخوردار باشند، بنابراین انگیزه آنها برای شرکت در پروژه‌ای سرمایه‌گذاری پرریسک بیشتر می‌شود، این به نوبه خود احتمال باز پرداخت وام را کاهش می‌دهد. بنابراین وام‌دهی کم می‌شود و به تبع آن مخارج سرمایه‌گذاری کاهش می‌یابد.

سهمیه‌بندی اعتبار

نحوه دیگر از تأثیرگذاری کانال ترازنامه، کانال جریان وجوه نقد است، وجوه نقد یعنی تفاوت بین دریافتی‌های نقدی و پرداختی‌های نقدی، وقتی یک سیاست پولی تسهیل‌کننده اجرا می‌شود و نرخ‌های بهره اسمی کاهش پیدا می‌کند، جریان وجوه نقد افزایش یافته، منجر به بهبود ترازنامه می‌شود.

در این مکانیزم نرخ بهره اسمی بر جریان وجوه نقد شرکت‌ها تأثیرگذار است (بر خلاف مکانیزم نرخ بهره که نرخ بهره واقعی روی سرمایه‌گذاری تأثیر داشت) نرخ بهره کوتاه‌مدت در این مکانیزم بسیار اهمیت دارد، زیرا با پرداخت سود به بدهی‌های کوتاه‌مدت می‌توان بیشترین اثر را روی جریان وجوه نقد بنگاه‌ها (خانوار) گذاشت .

سطح قیمتی غیر منتظره

وقتی یک سیاست پولی انبساطی لحاظ می‌شود و سطح عمومی قیمت‌ها به‌طور غیرمنتظره‌ای افزایش پیدا می‌کند، سبب می‌شود ارزش واقعی خالص دارایی‌ها افزایش پیدا کند، سبب افزایش مخارج سرمایه‌گذاری و تولید کل می‌شود.

غالب ادبیاتی که در مورد کانال اعتباری تا اینجا مطرح شد و بر مخارج فعالان اقتصادی متمرکز بود، در مورد مخارج مصرف‌کننده هم صدق می‌کند. مخصوصاً اگر مخارج مصرفی به کالای بادوام و مسکن مربوط باشد. اجرای سیاست پولی انقباضی باعث کاهش وام بانکی شده، بنابراین مصرف‌کنندگانی که به منابع اعتباری دیگری دسترسی ندارند، کمتر کالای با دوام و مسکن خریداری می‌کنند.

نقدینگی خانوار

اگر بخواهیم به نحوه عملکرد کانال ترازنامه برای مصرف‌کنندگان رویکرد دیگری را در نظر بگیریم، یعنی اثرات نقدینگی را روی مخارج کالای بادوام و مسکن لحاظ کنیم، در این رویکرد اثرات ترازنامه، با تأثیری که بر میزان تمایل مصرف‌کنندگان، به مصرف می‌گذارد عمل می‌کند کالای بادوام و مسکن

1. Information Asymmetry
2. Moral hazard
3. Adverse selection

اطلاعـات نامتقارنـی کـه در مورد کیفیت‌شـان وجـود داره، دارایی‌هـای بـا نقدشـوندگی پاییـن هسـتند، بنابرایـن وقتـی مصرف‌کننـدگان بـا یـک شـوک مالـی نامطلـوب روبـه‌رو می‌شـوند و ناچـار بـه فـروش کالای بـادوام یـا مسـکن خـود می‌شـود انتظـارش ایـن اسـت کـه ایـن کار را بـا افـت قیمـت قابل‌ملاحظـه‌ای انجـام دهـد، امـا اگـر مصرف‌کننـده دارایـی مالـی مثـل پـول، اوراق و سـهام نگهـداری کنـد، بـا سـهولت بیشـتری می‌توانـد ایـن دارایـی را در ازای ارزش کامـل بـازار نقـد کنـد.

بنابرایـن اگـر مصرف‌کننـده، انتظـار یـک آشـفتگی مالـی را داشـته باشـد، کمتـر سـراغ دارایـی بـادوام و مسـکن مـی‌رود و بیشـتر سـعی می‌کنـد دارایـی مالـی نقدشـونده‌تری را نگهـداری کنـد، از ایـن رو ترکیـب ترازنامـه بـه ایـن بسـتگی دارد کـه مصرف‌کننـده تـا چـه حـد انتظـار وقـوع یـک آشـفتگی مالـی را می‌دهـد. لـذا بـا اجـرای یـک سیاسـت پولـی انبسـاطی و افزایـش قیمـت سـهام، ارزش دارایی‌هـای مالـی نیـز زیـاد شـده بنابرایـن مصرف‌کننـدگان در وضعیـت مالـی مطمئن‌تـری قـرار می‌گیرنـد و در نتیجـه مخـارج روی کالای بـادوام و مسـکن افزایـش می‌یابـد.

روش پژوهش

الگوهـای کلان‌سـنجی الگوهایـی هسـتند کـه پژوهشـگران برای بررسـی و سـنجش اثـر متغییرها بـر فعالیت‌هـای اقتصـادی از آنهـا اسـتفاده نموده‌انـد. هـدف اقتصاددانـان از طراحـی و اسـتفاده از الگوهـای کلان اقتصادسـنجی بیشـتر مقایسـه تـوان تأثیرگـذاری سیاسـت‌های پولـی و مالـی بـر متغیرهـای حقیقـی اقتصـاد کلان بـوده اسـت. در ایـن مطالعـه بـه منظـور بررسـی بخـش مسـکن از اثرگـذاری سیاسـت‌های پولـی از مـدل خـود رگرسـیونی‌برداری اسـتفاده شـده اسـت.

بـرای پیش‌بینـی رفتـار متغیرهـای اقتصـادی، در دهه‌هـای ۱۹۷۰-۱۹۶۰ میـلادی محققـان بیشـتر بـه اسـتفاده از مدل‌هـای تک‌معادلـه‌ای و در بعـد تعمیـم یافتـه آن از نظـر سیاسـت‌گذاری بـه بهره‌گیـری از معـادلات همزمـان گرایـش داشـتند کـه بـه دلایـل متعـدد من‌جملـه مسـئله بحـران نفتـی، کارآیـی ایـن مدل‌هـا در پیش‌بینـی عملکـرد ضعیفـی داشـت و در نتیجـه ایـن مدل‌هـا بـا انتقـادات شـدیدی روبـرو شـد. در روش مذکـور فرضیـه بـر ایـن اسـت کـه داده‌هـا از طریـق دسـتگاه معـادلات همزمـان ایجـاد می‌شـود و طبقه‌بنـدی متغیرهـا بـه درون‌زا و بـرون‌زا و هم‌چنیـن سـاختار علـی مـدل از پیـش تعییـن شـده اسـت و قابـل آزمـون نیسـت. در جهـت برطـرف شـدن مشـکلات مطروحـه روش دیگـری کـه در ایـن راسـتا معرفـی شـد کـه معروف‌تریـن آن مـدل اتورگرسـیوبرداری[1] (VAR)اسـت. در مدل‌هـای معـادلات همزمـان بـا سـاختاری، برخـی از متغیرهـای درون‌زا و برخـی بـرون‌زا یـا از قبـل تعییـن شـده (بـرون‌زا بـا اضافـه درون‌زای بـا وقفـه) تلقـی می‌شـوند.

در مـدل VAR هـر متغیـر تابعـی از مقادیـر بـا وقفـه خـود متغیـر و متغیرهـای دیگـر فرمول‌بنـدی می‌شـود. بنابرایـن بـه دلیـل ظهـور متغیـر وابسـته بـا وقفه‌هـای زمانـی، مـدل اتوررسـیو بـوده و بـه دلیـل وجـود متغیرهـای متعـدد صحبـت از بـردار بـه میـان می‌آیـد کـه در نتیجـه مـدل بـه مـدل اتورگرسـیوبرداری معـروف اسـت. در ایـن نـوع مدل‌هـا، جمـلات اخـلال یـا خطاهـای تصادفـی در قالـب واژه‌هـای متداول VAR بـه تغییـرات ناگهانـی یـا آنـی[2] مشـهورند. بـرآورد مدل‌هـای VAR بـه دلیـل اینکـه تمـام متغیرهـای سـمت راسـت، در حقیقـت متغیرهـای درون‌زای بـا وقفـه (یـا در حالـت کلـی از قبـل تعیین‌شـده) هسـتند می‌تـوان از روش حداقـل مربعـات معمولـی (OLS) اسـتفاده کـرد.

مطالعـات نشـان داده اسـت کـه تأثیـرات سیاسـت پولـی بـر تولیـد و تـورم از الگوهـای تبدیلـی بـه کلان‌سـنجی و سـپس بـه الگوهـای خـود همبسـته‌برداری تکامـل یافته‌انـد. از آنجـا

1. vector- autoregressive

2. Impulses or innovation

که در الگوهای تبدیلی، نتایج مطالعه به برون‌زا بودن این فرض که کدام دسته از متغیرهای سیاستی (پولی و یا مالی) وابسته هستند و نیز امکان سنجش سازگاری درون مدل وجود ندارد. لذا برای بر طرف کردن مشکل و برطرف کردن ایرادات الگوهای کلان‌سنجی الگوهای خود همبسته‌برداری پیشنهاد شد. بنابراین پس از بررسی‌های صورت گرفته معمول‌ترین روش برای شناسایی و زمان‌یابی مکانیزم‌های انتقال پولی استفاده از الگوهای خود همبسته‌برداری (VAR) است که دلیل پرکاربرد بودن آن توانایی آن در نمایش پویایی متغیرها است که با استفاده از توابع شوک و واکنش می‌توان واکنش متغییرهای مدل و پویایی تغییرات و نوسانات اقتصادی را محاسبه و زمان‌یابی کرد.

بر مبنای یک الگوی خود همبسته‌برداری که شامل مالکین شهری و مالکین کل کشور و مستأجرین کل کشور و مستأجرین شهری و متغیرهای پول است. تأثیر سیاست پولی از طریق توابع واکنش اندازه‌گیری می‌شود. الگوهای خودرگرسیونبرداری (VAR) مجموعه‌ای از مدل‌های رگرسیون است که می‌تواند به عنوان نوعی پیوند بین مدل‌های سری زمانی تک‌متغیره و مدل‌های معادلات همزمان مورد توجه قرار داد.

$$y_{1,t} = c_1 + A_{1,1}y_{1,t-1} + A_{1,2}y_{2,t-1} + e_{1,t}$$
$$y_{2,t} = c_2 + A_{2,1}y_{1,t-1} + A_{2,2}y_{2,t-1} + e_{2,t}$$

خودرگرسیون‌برداری (VAR) یک مدل آماری است که برای به تصویر کشیدن رابطه بین کمیت‌های چندگانه با تغییر آنها در طول زمان استفاده می‌شود. VAR نوعی مدل فرآیند تصادفی است. مدل‌های VAR با اجازه دادن به سری‌های زمانی چند متغیره، مدل خودرگرسیون تک‌متغیری (تک‌متغیری) را تعمیم می‌دهند. مدل‌های VAR اغلب در اقتصاد و علوم طبیعی استفاده می‌شوند. یکی از مزیت‌های الگوی خودهمبسته‌برداری توانایی در نمایش پویایی متغیرهاست. با استفاده از توابع شوك و واکنش، می‌توان واکنش متغیرهای الگو و پویایی نوسانات اقتصادی حاصله از شوك‌ها را محاسبه و زمان‌یابی نمود.

روش برآورد و تعیین سهم هر یک از کانال‌های انتقال پولی در اشاعه سیاست پولی در مقاله حاضر به شرح زیر است: در این مرحله یک الگوی پایه برآورد می‌شود تا بتوان مجموع تأثیر سیاست‌های پولی را تخمین زد. به این منظور از یک الگوی سه متغیره مسکن کشور، مسکن شهری و شاخص سیاست پولی استفاده می‌شود. برای شناسا شدن الگو از تجزیه چولسکی با همان ترتیب ذکر شده از متغیرها استفاده شده است.

در واقع منطق نظری ترتیب فوق به این صورت است که بانک مرکزی برای اتخاذ سیاست‌های پولی به صورت منظم به آخرین اطلاعات موجود توجه دارد و برای هدایت اقتصاد از سیاست پولی استفاده می‌کند. ضمن اینکه واکنش بازار مسکن به شوك پولی با وقفه است. ترکیب دو فرض فوق در قالب تجزیه چولسکی، مؤید ترتیب مسکن، مسکن شهری و نقدینگی است.

$$x_t = \alpha_1 x_{t-1} + \beta_1 y_{t-1} + \gamma_1 z_{t-1}$$
$$y_t = \alpha_2 x_{t-1} + \beta_2 y_{t-1} + \gamma_2 z_{t-1}$$
$$z_t = \alpha_3 x_{t-1} + \beta_3 y_{t-1} + \gamma_3 z_{t-1}$$

از متغیرهای درون‌زا (Y1,.....,.YT)، ضرایب در مدل VAR با استفاده از روش حداقل مربعات معمولی (OLS) برای هر یک به صورت جدا گانه تخمین زده می‌شود. پس از تخمین مدل باید با استفاده از فرآیند خطا، عدم خودهمبستگی، ناهمگنی و نرمال نبودن داده‌ها را بررسی کرد. در بعضی مواقع نیز ممکن است به بررسی علی نتایج پیش‌بینی و یا تشخیص رفتار پویایی مدل‌های تجربی مانند توابع پاسخ و ضربه و تجزیه واریانس

خطـای پیش‌بینـی پرداخـت در تحلیـل مـدل VARو نتایـج آن معمـولاً از تجزیـه واریانـس و توابـع واکنـش اسـتفاده می‌شـود و توجهـی بـه معیارهـای ماننـد معنـی‌دار بـودن ضرایـب بـا اسـتفاده از آمـاره t نمی‌شـود، زیـرا در مـدل VAR متغیرهـای توضیحـی معمـولاً هم‌خطـی شـدیدی دارنـد و لـذا آمـاره t نمی‌توانـد معیـار مطمئنـی بـرای مناسـب بـودن یـا نبـودن متغیرهـا باشـد. در واقـع در حالـت کلـی می‌تـوان گفـت مـدل VAR یـک مـدل آمـاری اسـت و بـه همیـن دلیـل بـر پایـه تئورهـای آمـار و فـروض آن قـرار دارد، لـذا هـدف از تعریـف معادلـه تنهـا بیـان نحـوه پراکنـش، واکنـش و پراکندگـی متغیرها نسـبت بـه هـم اسـت نـه تخمیـن و بـرآورد پارامترهـا. نکتـه قابـل توجـه در ایـن پژوهـش ایـن اسـت کـه آزمـون علیـت مـورد اسـتفاده قـرار نخواهـد گرفـت زیـرا علیـت گرنجـر رابطـه علیت را بـر اسـاس رابطـه بیـن مقادیـر جـاری یـک متغیر بـا مقادیـر گذشـته متغیـر دیگـر بررسـی می‌کنـد.

یافته‌ها

داده‌های مورداستفاده

داده‌هـا بـه سـری زمانـی و سـالانه از سـال ۱۳۷۶ تـا ۱۴۰۱ از سـایت بانـک مرکـزی و مرکـز آمـار ایـران گـردآوری شـده اسـت و متغیرهـای مـورد اسـتفاده شـامل ۸ متغیـر پایـه پولـی (H)، نقدینگـی (nagh)، مالکیـن شـهری (owc)، مسـتأجرین شـهری (tenc)، هزینـه مسـکن شـهری (tcc)، مالکیـن کل کشـور (owt) مسـتأجرین کل کشـور (tent)، هزینـه مسـکن کل کشـور (tct) اسـت کـه بـا روش دیـز[1] بـه داده‌هـای فصلـی تبدیـل شـده اسـت و ۱۰۴ مشـاهدات بـه دسـت آمـده اسـت.

بـرای بـرآورد مـدل، بایـد مانایـی متغیرهـا بررسـی شـود. در مطالعـه مربوطـه بـه منظـور مانایـی متغیرهـا، از روش دیکـی فولـر تعمیـم یافتـه اسـتفاده شـده اسـت. بعـد از بررسـی متغیرهـا، به‌منظـور تخمیـن مـدل خودرگرسـیون بـرداری، بایـد وقفـه بهینـه بـرآورد شـد. نتایـج به‌دسـت آمـده از بررسـی مانایـی، نشـان داده اسـت متغیرهـای مربوطـه بـا دوبـار تفاضل‌گیـری مانـا می‌شـود.

طـول وقفـه بهینـه نیـز بـر اسـاس معیـار حنـان کوییـن بـه دسـت آمـده اسـت. چـون تعـداد داده‌هـای از ۱۰۰ بیشـتر اسـت از معیـار حنـان کوییـن (HQ) اسـتفاده می‌شـود. بـرای هـر الگـو وقفـه بهینـه انتخـاب می‌شـود کـه در جـدول ۲، مقـدار وقفـه بهینـه آورده شـده اسـت.

برآورد الگوی خود رگرسیون

در چارچـوب بـرآورد الگوی خودرگرسـیون‌برداری و بـه طـور کلـی دسـتگاه معـادلات ضرایـب و درصـد توضیح‌دهندگـی پارامترهـای الگـو اهمیت روش‌هـای تـک معادلـه‌ای را ندارنـد. بـرآورد الگـو از نظـر بررسـی نتایـج توابـع واکنـش ضربـه‌ای و تجزیـه واریانـس از اهمیـت بالایـی برخـوردار اسـت زیـرا بـا اسـتفاده از ایـن ابزارهـا، چگونگـی روابـط بیـن متغیرهـا را می‌تـوان بررسـی نمـود. الگوهایـی را بـرای مدل‌سـازی بهتـر طراحـی می‌کنیـم کـه در جـدول ۲ نشـان داده شـده اسـت.

جدول شماره (۴): الگوها

ترتیب متغیرها	۱	۲	۳	تعداد وقفه بهینه مدل
الگوی اول	تعداد مالکین کل کشور	تعداد مالکین شهری	پایه پولی	۴
الگوی دوم	تعداد مستأجرین کل کشور	تعداد مستأجرین شهری	پایه پولی	۴
الگوی سوم	تعداد هزینه مسکن کل کشور	تعداد هزینه مسکن شهری	پایه پولی	۵
الگوی چهارم	تعداد مالکین کل کشور	تعداد مالکین شهری	نقدینگی	۴
الگوی پنجم	تعداد مستأجرین کل کشور	تعداد مستأجرین شهری	نقدینگی	۲
الگوی ششم	تعداد هزینه مسکن کل کشور	تعداد هزینه مسکن شهری	نقدینگی	۵

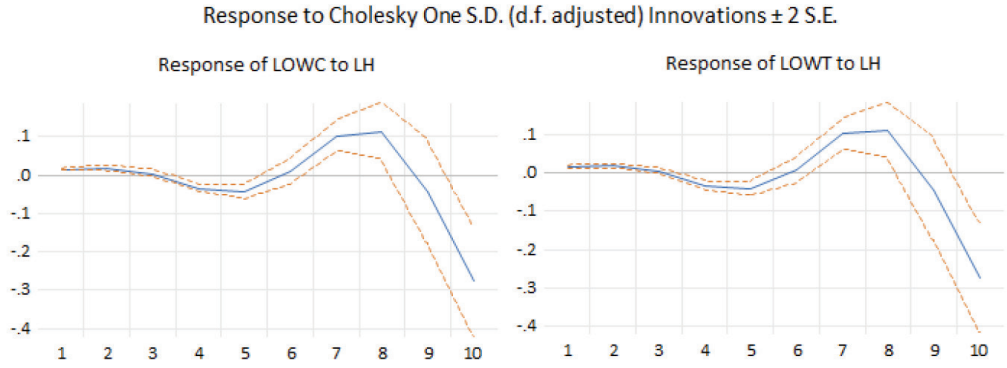
1 . DIZ

توابع واکنش ضربه‌ای

برای بررسی پویایی موجود بین متغیرهای مدل خودرگرسیون برداری را طی زمان، از توابع واکنش ضربه‌ای (توابع کنش- واکنش) استفاده می‌شود. به عبارت دیگر توابع کنش- واکنش، پاسخ‌هایی است که متغیر درونی سیستم به تکانه ناشی از خطاها می‌دهد. این توابع اثر یک تکانه را به اندازه یک انحراف معیار روی مقادیر جاری و آینده متغیر درونزا را تعیین خواهد کرد.

در این بخش برای الگوی اول تأثیر تکانه‌های متغیرهای پولی با استفاده از توابع واکنش ضربه‌ای برای افق زمانی ده‌ساله بررسی می‌شود. طبق نمودار ۶ واکنش متغیر تعداد مالکین شهری و متغیر تعداد مالکین کل کشور را در برابر تکانه پایه پولی یک تأثیر موج‌مانندی را نشان می‌دهد. براساس این دو نمودار تا دوره چهارم (دوره کوتاه‌مدت)، اثر ثابت معنی‌داری بر متغیرهای مربوطه دارد زیرا محور افقی در تمام دوره‌ها در بالا و پایین خط افقی قرار دارد. در دوره پنج تا دوره هفتم، تأثیر شوک قابل‌تفسیر نیست زیرا خطوط افقی در بین کانال قرار دارد. در بلندمدت تأثیر شوک منفی و کاهشی خواهد شد. علت آن را نیز می‌توان این‌گونه تفسیر کرد که به علت افزایش پایه پولی و به دنبال آن افزایش حجم پول و تورم، در کوتاه‌مدت شاید تأثیر ناچیزی بر تعداد مالکین داشته باشد ولی در میان‌مدت و بلندمدت به علت کاهش قدرت خرید خانوار، تعداد مالکین را کاهش داده است. به عبارتی دیگر تأثیر تکانه پولی بر تعداد مالکین شهری در بلندمدت اثر خود را نشان می‌دهد.

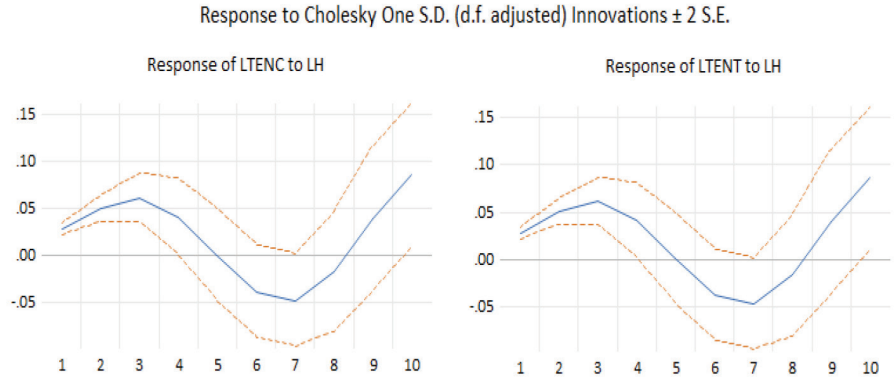
تفسیر تأثیر نقدینگی بر تعداد مالکین شهری و کل نیز کاملاً شبیه به بررسی تأثیر شوک پایه پولی است.



نمودار ۶: توابع واکنش ضربه‌ای (اثر تکانه پایه پول بر تعداد مالکین شهری و کل)

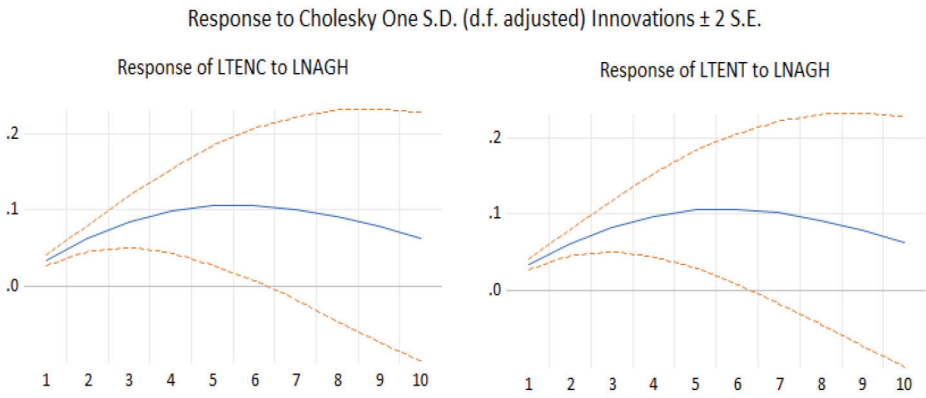
منبع: محاسبات محقق و خروجی نرم‌افزار

نمودار ۷ واکنش آنی تعداد مستأجرین شهری و کل کشور بعد از شوک پایه پولی را نشان می‌دهد. واکنش متغیر نسبت به شوک تا فصل چهارم روند افزایشی داشته است علت آن را نیز می‌توان اینگونه تفسیر کرد که به علت افزایش پایه پولی و به‌دنبال آن افزایش حجم پول و تورم موجبات کاهش خرید مسکن را فراهم خواهد کرد و بر تعداد مستأجرین افزوده خواهد شد. ولی از دوره ۳ به ۵ واکنش متغیر مربوطه به شوک پولی روندش کاهشی و سپس افزایشی شده است و حرکت موج‌مانندی دارد. در میان‌مدت بررسی این تأثیر، قابل‌تفسیر نیست و در بلندمدت واکنش تعداد مستأجرین شهری و کل کشور روندی افزایشی داشته است.



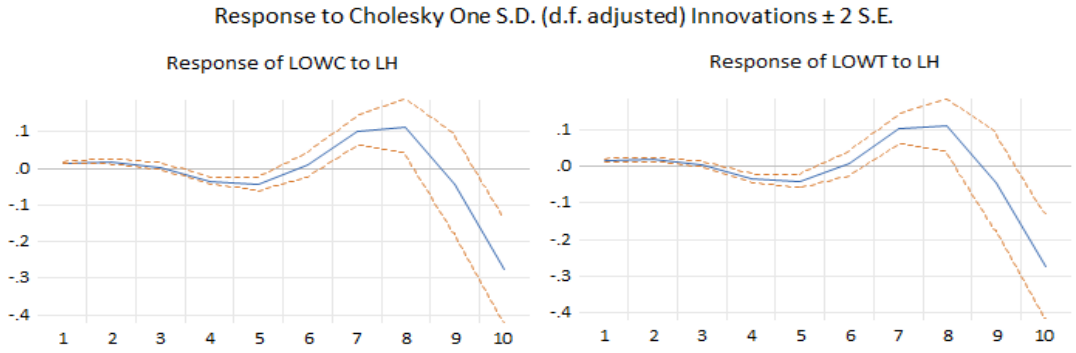
نمودار ۷: توابع واکنش ضربه‌ای (اثر تکانه پایه پول بر تعداد مستأجرین شهری و کل کشور)
منبع: محاسبات محقق و خروجی نرم‌افزار

در نمودار ۸ واکنش آنی تعداد مستأجرین شهری و تعداد مستأجرین کل کشور بعد از شوک نقدینگی را نشان می‌دهد. واکنش متغیر نسبت به شوک در کوتاه‌مدت و بلندمدت روندی افزایشی دارد و تأثیر شوک مثبت و معنی‌دار است علت آن را نیز می‌توان این‌گونه تفسیر کرد که مسکن سهم بالایی در سبد خانوار دارد و افزایش نقدینگی و افزایش تورم، قدرت خرید خانوار برای خرید مسکن کاهش می‌دهد و بر تعداد مستأجرین افزوده خواهد شد. ولی در دوره ۸ به بعد (دوره بلندمدت) قابل تفسیر و معنی‌دار نیست زیرا خطوط افقی در بین کانال قرار می‌گیرد.



نمودار ۸: توابع واکنش ضربه ای (اثر تکانه نقدینگی بر تعداد مستأجرین شهری و کل کشور)
منبع: محاسبات محقق و خروجی نرم افزار

نمودار ۹ تأثیر تکانه پایه پولی بر هزینه تأمین مسکن شهری و کل کشور را نشان می‌دهد. بررسی واکنش متغیر هزینه مسکن شهری و کل کشور نسبت به تکانه پایه پولی به همدیگر شباهت دارند. در کوتاه‌مدت تأثیر شوک مثبت و افزایشی است و سپس کاهشی می‌شود ولی در میان‌مدت و در بلندمدت واکنش متغیر مربوطه به شوک پولی قابل تفسیر نیست. تفسیر تأثیر نقدینگی بر هزینه تأمین مسکن نیز کاملاً شبیه به بررسی تأثیر شوک پایه پولی است.



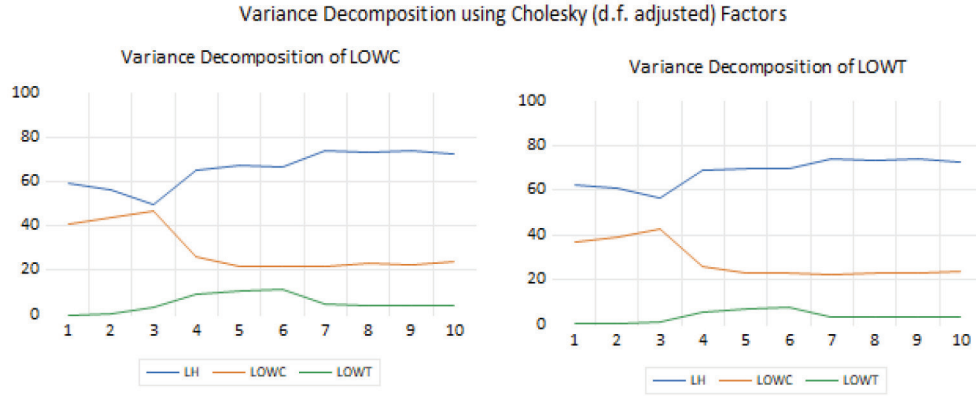
نمودار ۹: توابع واکنش ضربه‌ای (اثر تکانه پایه پول بر هزینه تأمین مسکن شهری و کل کشور)
منبع: محاسبات محقق و خروجی نرم‌افزار

نمودار بالا را می‌توان این‌گونه تفسیر کرد که به علت افزایش نقدینگی و افزایش تورم، باعث تغییرات قیمت مصالح ساختمانی در بازار ساخت‌وسازهای مسکونی می‌شود و میانگین قیمت مصالح و تجهیزات ساخت‌وساز افزایش پیدا کرده است و روند تغییرات سالانه هزینه ساخت مسکن افزوده شده است و به دنبال آن بر هزینه تأمین مسکن توسط خانوار تأثیر داشته است.

تجزیه واریانس

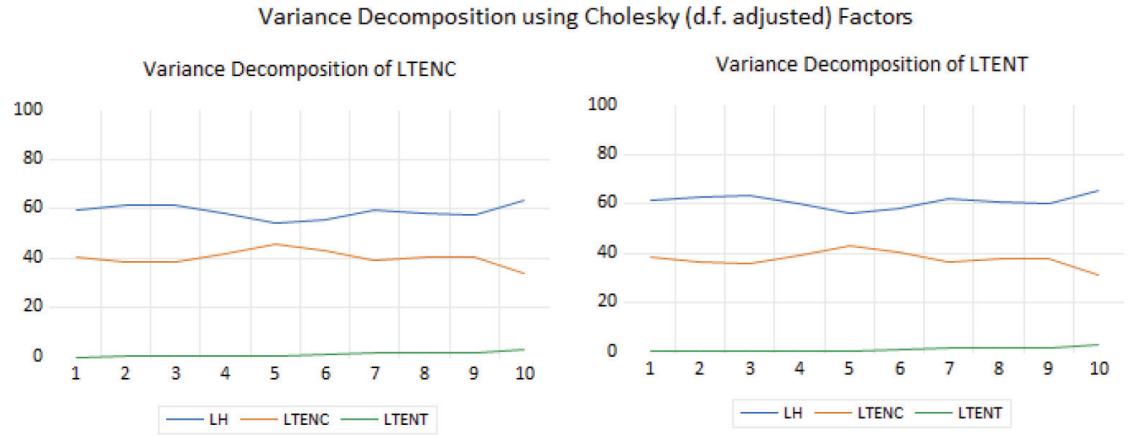
نتایج حاصل از تجزیه واریانس با روش چولسکی برای متغیرهای الگو برای دوره ۱۰ ساله در ادامه بررسی می‌شود. در تفسیر نتایج سال اول دوره کوتاه‌مدت، سال دوم تا پنجم، دوره میان‌مدت و سال ششم به بعد، دوره بلندمدت در نظر گرفته شده است تا هم تأثیر کوتاه‌مدت بررسی شود و هم در افق دورتر به بررسی روند نوسانات متغیرها پرداخته شود. تغییر واریانس هر متغیر را براساس سهم شوک هر یک از متغیرها بررسی می‌شود. به عبارت دیگر اندازه‌گیری میزان تأثیر شوک و تکانه پولی بر متغیرهای بخش مسکن به صورت نموداری بررسی می‌شود.

همان‌طور که در نمودار ۱۰ مشاهده می‌شود سهم پایه پولی طی دوره ده ساله سهم بالایی در تغییر واریانس متغیر تعداد مالکین شهری و کل کشور دارد به عبارت دیگر در دوره اول پایه پولی حدود ۶۰ درصد نوسانات مالکین شهری و کل کشور را توضیح می‌دهد، به این معنی که شوک پایه پولی تأثیر معنی‌داری بر متغیر مربوطه دارد و در پایان دوره ده‌ساله سهم شوک پولی به ۷۳ درصد رسیده است ولی سهم نقدینگی طی دوره ده‌ساله سهم پایینی در تغییر واریانس متغیر تعداد مالکین شهری و کل کشور دارد که از رسم نمودار آن در مقاله صرف‌نظر شده است.



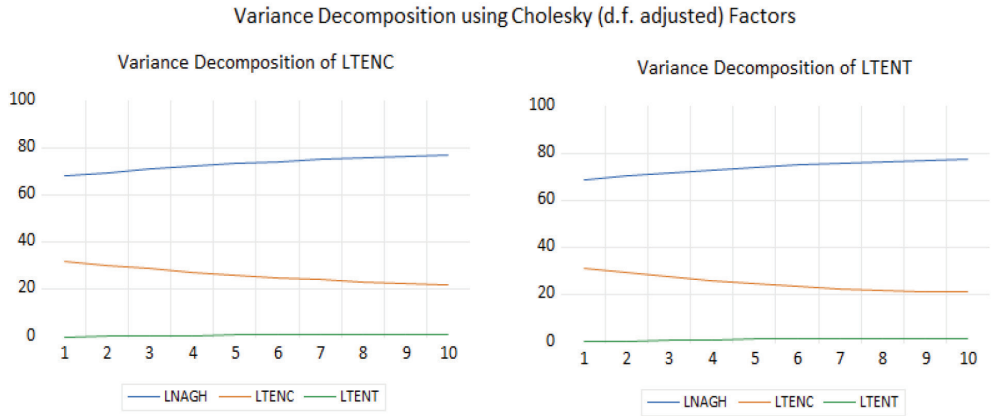
نمودار ۱۰: تجزیه واریانس متغیر تعداد مالکین شهری و کل کشور با تکانه پایه پولی
منبع: محاسبات محقق و خروجی نرم‌افزار

نمودار ۱۱ سهم بالای پایه پولی را در تغییر واریانس متغیر تعداد مستأجرین شهری و کل کشور نشان می‌دهد و این سهم حدود ۶۰ درصد است و در پایان دوره ده ساله سهم شوک پایه پولی روندی افزایشی داشته است.



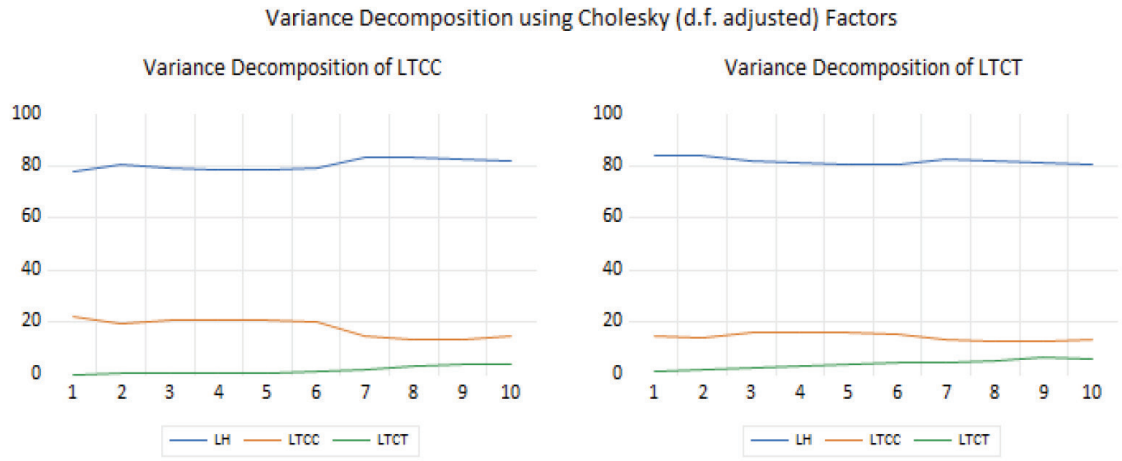
نمودار ۱۱: تجزیه واریانس متغیر تعداد مستأجرین شهری و کل کشور با تکانه پایه پولی
منبع: محاسبات محقق و خروجی نرم‌افزار

نمودار ۱۲، طی دوره ده‌ساله سهم نقدینگی بالایی را در تغییر واریانس متغیر تعداد مستأجرین شهری و کل کشور نشان می‌دهد در دوره اول این سهم ۶۹ درصد است و در پایان دوره ده ساله سهم شوک نقدینگی افزایش یافته است و به حدود ۷۷ درصد رسیده است.



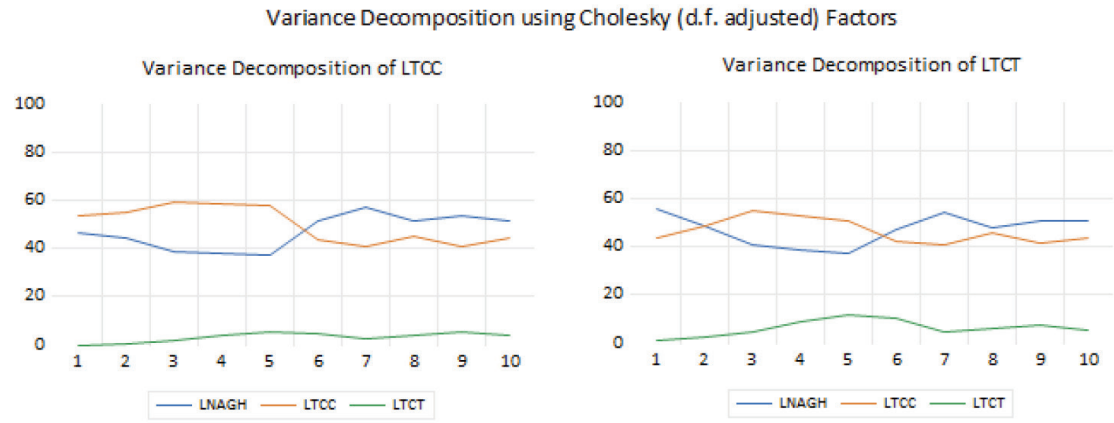
نمودار ۱۲: تجزیه واریانس متغیر تعداد مستأجرین شهری و کل کشور با تکانه نقدینگی
منبع: محاسبات محقق و خروجی نرم افزار

همان‌طورکه در نمودار ۱۳ مشاهده می‌شود سهم پایه پولی طی دوره ده ساله سهم بالایی در تغییر واریانس متغیر هزینه مسکن شهری دارد و حدود ۷۸ درصد است ولی سهم شوک پایه پولی به تدریج در بلندمدت افزایش می‌یابد و به ۸۲ درصد می‌رسد ولی سهم پایه پولی طی دوره ده ساله سهم بالایی در تغییر واریانس متغیر هزینه مسکن کل کشور دارد و حدود ۸۴ درصد است ولی در بلندمدت کاهش می‌یابد و به ۸۰ درصد می‌رسد.



نمودار ۱۳: تجزیه واریانس متغیر هزینه مسکن شهری و کل کشور با تکانه پایه پولی
منبع: محاسبات محقق و خروجی نرم‌افزار

نمودار ۱۴ نشان می‌دهد که سهم نقدینگی در تغییر واریانس متغیر هزینه مسکن شهری ۴۶ درصد است و به‌تدریج در بلندمدت سهم آن افزایش می‌یابد و به ۵۲ درصد می‌رسد. سهم نقدینگی در تغییر واریانس متغیر هزینه مسکن کل کشور ۵۶ درصد است و به تدریج در بلندمدت سهم آن کاهش می‌یابد و به ۵۰ درصد می‌رسد.



نمودار ۱۴: تجزیه واریانس متغیر هزینه مسکن شهری و کل کشور با تکانه نقدینگی
منبع: محاسبات محقق و خروجی نرم‌افزار

نتیجه‌گیری

با توجه به اینکه مسکن سالانه حجم وسیعی از نقدینگی کشور را به خود جذب می‌کند و این بخش در تولید ناخالص داخلی کشور بالا است. به همین دلیل هر تغییری در این بخش از اهمیت بیشتری برخوردار بوده و می‌تواند در روند رشد و توسعه کشور سهم به‌سزایی داشته باشد. از این‌رو شناسایی عوامل به‌وجودآورنده شوک در بخش مسکن، باید مورد توجه سیاست‌گذاران اقتصادی باشد. با توجه به اینکه استفاده بهینه از سیاست‌های پولی و مالی می‌تواند به حل معضل مسکن منجر شود در این مقاله تلاش شده است تا با مدل خودرگرسیون‌برداری و توابع واکنش آنی به بررسی تأثیر سیاست‌های پولی بر

وضعیت مسکن شهری در کشورهای اسلامی (مطالعه موردی کشور ایران) پرداخته شود. متغیرهای مرتبط با سیاست‌های پولی و بخش مسکن به صورت فصلی و در بازه زمانی ۱۴۰۱-۱۳۷۶ در نظر گرفته شد.

تفوق معامله‌گران سرمایه‌گذار و سفته‌بازی در بازار مسکن، رفتار این بازار را در سال‌های اخیر تغییر داده است و این رفتار در آینده نزدیک تداوم خواهد یافت، در اثر افزایش آگاهی و حساسیت معامله‌گران حرفه‌ای، بازار مسکن از بازاری با واکنش‌های بطئی به تحولات و ریسک‌های فرابخشی فاصله گرفته و هم اکنون مدتی است که پا به پای بازار سایر دارایی‌های نقدشونده حرکت می‌کند و نسبت به متغیرهای کلان واکنش نشان می‌دهد.

سیاست‌گذاری پولی امری بسیار پیچیده و حساس می‌باشد که التزام سیاست‌گذار پولی به یک هدف صریح و یا قاعده‌مند می‌تواند مانع از واکنش به موقع بانک مرکزی به نفع جامعه و در شرایط بروز شوک‌های پیش‌بینی نشده گردد، هرچند که اعتقاد و التزام به قواعد سیاستی و استفاده از سیاست قاعده‌مند موجب ثبات اقتصادی می‌شود. از سوی دیگر باید به این نکته توجه کرد که بررسی رفتار سیاست‌گذاری پولی در ایران حاکی از آن است که طی سالیان گذشته، هیچگاه اقتصاد کشور از قاعده سیاستی خاصی پیروی نکرده است و در هر دوره، سیاست‌گذار بسته به نگرش و شرایط اقدام به سیاست‌گذاری پولی کرده است.

نتایج نشان داد که واکنش متغیر تعداد مالکین شهری و کل کشور، در برابر تکانه پایه پولی و نقدینگی یک واکنش موج‌مانندی دارد و در کوتاه‌مدت تغییرات محسوسی نسبت به سیاست پولی نشان نمی‌دهد ولی واکنش آنی تعداد مستأجرین شهری و کل کشور در کوتاه‌مدت و بلندمدت روند افزایشی دارد. واکنش هزینه تأمین مسکن شهری و کل در کوتاه‌مدت و میان مدت در برابر تکانه پایه پولی، روندی افزایشی دارد.

همچنین نتایج تجزیه واریانس نشان می‌دهد، طی دوره ده ساله پایه پولی سهم بالایی در تغییر واریانس متغیر تعداد مالکین و مستأجرین شهری و کل کشور دارد، سهم نقدینگی طی دوره ده ساله سهم بالایی در تغییر واریانس متغیر تعداد مستأجرین شهری و کل کشور دارد و به علت بالا رفتن تورم، قدرت خرید مصرف‌کننده کاهش خواهد یافت و از طرفی چون مسکن سهم بالایی در بودجه خانوار دارد، خرید مسکن را کاهش داده و خانوارها به سمت اجاره‌نشینی خواهند رفت.

با توجه به نقش و اهمیت شهرها در اقتصاد به عنوان مراکز فعالیت‌های تجاری و نوآوری، که به سرعت در حال رشد هستند توجه به مقوله مسکن از عوامل مهم در توسعه پایدار محسوب می‌شود. از این‌رو شناسایی عوامل تأثیرگذار در بخش مسکن شهری، باید مورد توجه سیاست‌گذاران اقتصادی باشد.

در پایان بر این موضوع باید تمرکز داشت که اتخاذ سیاست‌های پولی با دقت بیشتری انجام شود و با توجه به اینکه هدف از اجرای سیاست‌های پولی در راستای سیاست‌های اقتصادی در جهت بهبود متغیرهای کلان اقتصادی می‌باشد، اثرات سیاست‌ها نباید لزوماً در حوزه تولید کل اقتصاد و روند تغییرات قیمت‌ها در اقتصاد مورد توجه سیاست‌گذاران باشد و سایر بخش‌ها نیز (من‌جمله بخش مسکن به طور کلی و در حوزه شهری) متأثر از اعمال این سیاست‌ها می‌باشد.

برنامه‌ریزی در مسکن شهری متفاوت‌تر از مسکن سایر بخش‌ها مانند روستاها و ... بوده و پیچیدگی‌های خاص خود را دارد در حالی که بعضاً سیاست‌های مسکن در کشور یکسان و با یک رویکرد تدوین و اجرایی می‌گردد.

منابع

پناهی، حسین و داوود بهبودی و حسین اصغرپور و نجمه کشتکاران (۱۳۹۷) بررسی آثار تکانه‌های سیاست پولی بر بخش مسکن در قالب الگوی تعادل عمومی پویای تصادفی، اقتصاد شهری، ۳ (۲)، صص ۱-۱۸.

تملکی، حسین و میثم احمدوند (۱۳۹۳) اولویت‌بندی تکنیک‌های تأمین مالی اسلامی مسکن در نظام بانکی کشور با استفاده از روش ویکور، مجله پژوهش‌های مالیه اسلامی، پاییز و زمستان ۱۳۹۳- شماره ٤، صص ٥٧-٧٧.

حجت، سجاد و محسن مهرآرا و علی طیب‌نیا (١٤٠٠) تأثیر سیاست‌های پولی و مالی بر حباب قیمت مسکن در اقتصاد ایران: با رویکرد مدل عامل بنیان، مجله تحقیقات اقتصادی، دوره ٥٦، شماره ٢، شماره پیاپی ١٣٥، صص ٢٥٧-٢٨٩. jte.2021.330940.1008547/10.22059

رحیم‌دوست، الهه (١٤٠٢) تحلیل وضعیت مالکیت در بخش مسکن و پیامدهای آن، نشریه امنیت اقتصادی، دوره ١١، شماره ٤.

رضازاده، علی و یعقوب فهیدآذر و صمد حکمتی‌فرید (١٤٠٣) کاربرد رهیافت فضایی در تحلیل عوامل مؤثر بر قیمت مسکن در شهرستان‌های ایران با تأکید بر تأمین مالی، مجله اقتصاد مالی، زمستان١٤٠٣، شماره٦٩، رتبهA، صص١٩٩-٢٢٢.

رضایی، غلامرضا و حمید شهرستانی و کامبیز هژبرکیانی و محسن مهرآرا (١٣٩٨) تأثیر سیاست پولی بر شکنندگی بازار پول در اقتصاد ایران، فصلنامه اقتصاد و الگوسازی شماره ٤، ١٠(٤٠)، صص ٢٧-٥٦/ ecoj.10.4.25/10.48308

دیندارزستمی، مرضیه و شمس‌الله شیرین‌بخش (١٣٩٥) اثر نامتقارن تکانه قیمت مسکن بر مصرف خانوارهای شهری در استان‌های ایران PANEL- VAR مجله اقتصاد و توسعه منطقه‌ای، ٢٣ (١٢)، صص ٣٤-٦٤..https:// org/10.22067/erd.v23i12.55626

ساقی، فرزاد و کامبیز هژبرکیانی و اکبر میرزاپورباباجان و بیت‌اله اکبری‌مقدم (١٣٩٧) اثرات نامتقارن سیاست‌های پولی بر بازار مسکن ایران: رویکرد غیرخطی MS- VAR، نظریه‌های کاربردی اقتصاد، ٥ (٣)، صص ٧٥-١٠٢.

سعادت‌مهر، مسعود و هادی غفاری (١٣٩٨) بررسی مقایسه‌ای اثرگذاری سیاست‌های پولی و مالی بر اقتصاد ایران در قالب مدل DSGE، دوفصلنامه علمی مطالعات و سیاست‌های اقتصادی، شماره ١، ٦ (١١)، صص ٥١-٧٤

شریفی‌رنانی، حسین و اکبر کمیجانی و حمید شهرستانی (١٣٨٨) بررسی ساز و کار انتقال پولی در ایران: رویکرد خودرگرسیون‌برداری ساختاری، نشریه پژوهش‌های پولی- بانکی، شماره ٢، صص ١٤٥-١٧٦.

شهنازی، روح‌الله و پرویز رستم‌زاده و سیدمحمدهاشم پورمولا و مریم بالایی (١٣٩٨) تأمین مالی مسکن برای اقشار کم‌درآمد از طریق تعاونی بر مبنای وقف. مجل: جستارهای اقتصادی. بهار و تابستان١٣٩٨، شماره٣١ رتبه ب، صص٧١-٨٩.

شیرزادی جاوید، علی‌اکبر (١٤٠١) رویکردهای جهانی سیاست‌گذاری در حوزه تأمین مسکن با تأکید بر گروه‌های کم درآمد، مرکز پژوهش‌های مجلس، دفتر مطالعات زیر بنایی، شماره مسلسل ١٨٦٣٧.

قلی‌زاده، علی‌اکبر و بهناز کامیاب (١٣٨٩) بررسی تأثیر سیاست پولی بر حباب قیمت مسکن: یک مطالعه بین‌المللی. فصلنامه تحقیقات اقتصادی. شماره ٩٢، ٤٥ (٣)، صص ١-٣١.

قدیری، حمید و حسین شریفی‌رنانی و سعید دائی‌کریم‌زاده (١٣٩٩) نقش کانال اعتباری و نرخ ارز در انتقال سیاست پولی بر بخش مسکن در ایران: رویکرد تصحیح خطای‌برداری (VEC)، پژوهشنامه اقتصاد کلان، (١٥(٣٠، صص ٦٢- 10.22080/iejm.2021.17686.1725.٨٣

کشت‌کاران، نجمه و حسین پناهی و داوود بهبودی (۲۰۲۱) اثرات نامتقارن سیاست پولی بر بازار مسکن ایران: رویکرد DSGE. نظریه‌های کاربردی اقتصاد. شماره ٤، صص ۱۹۵-۲۱۸/ ecoj.2021.39757.2659/10.22034

گزارش اقتصادی و ترازنامه سال ۱٤۰۰ بانک مرکزی.

مبانی نظری دخالت دولت در اقتصاد (۱۳۸۳) گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

مشیری، سعید و محسن واشقانی (۱۳۸۹) بررسی مکانیسم انتقال پولی و زمان‌بندی آن در اقتصاد ایران، فصلنامه مدل‌سازی اقتصادی، شماره ۱، (۱۱)، صص ۱-۳۲.

مصلحی، فریبا (۱۳۸۵) تأثیر سیاست‌های پولی بر اقتصاد ایران (۱۳۸۳-۱۳۳۸)، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، شماره ۲۷، (۸)، صص ۱۳۳-۱۵۱.

مهدیلو، علی و حسین اصغرپور و فیروز فلاح (۱۳۹۸) مکانیسم انتقال غیرخطی سیاست پولی از طریق کانال قیمت مسکن در ایران: رویکردMSVAR، فصلنامه پژوهش و سیاست‌های اقتصادی شماره ۹۰، سال ۲۷، صص ٤٥٥-٤۹۹.

مهربانی، وحید (۱۳۸۹) تأثیر طبقات اجتماعی بر تورم در ایران، فصلنامه تحقیقات اقتصادی، شماره ۹۰، ٤٥ (۱)، صص ۲۰۷-۲۲۷.

نصیری، سمیرا و پرویز داودی و حسین صمصامی و حسین توکلیان (۱٤۰۲)، سیاست پولی بهینه و برآورد اعتبار سیاست‌گذار پولی در ایران با رویکرد DSGE، فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی، شماره ۲۳، ۸۸ (۱)، صص ٥-٥۳. https://doi.org/10.22054/joer.2024.77537.1194

ورونیکا کاکداک وارنوک؛ فرانسیس. ا. وارنوک (۱۳۸۸) ترجمه علی عربانی دانا، مجله اقتصاد شهر، زمستان ۱۳۸۸، شماره ٤، صص ۳۲-٥٥.

Abouwafia, H.E., Chambers, M. J. (2015) Monetary policy, exchange rates and stock prices in the Middle East region. International Review of Financial Analysis, 37, 14-28.

Agha, Asif Idrees, Noor Ahmed, Yasir Ali Mubarik, and Hastam Shah. "Transmission mechanism of monetary policy in Pakistan." SBP-Research Bulletin 1, no. 1 (2005): 1-23.

Atrafkarroshen S, and Qorahi A. "Investigation of the relationship between the amount of money, the general level of prices and economic growth in Iran during the post-revolution period (1358-89)." (2012): 89-109.

Aastveit, K. A., & Anundsen, A. K. (2018) Asymmetric effects of monetary policy in regional housing markets.

Battistini, N., Falagiarda, M., Hackmann, A., & Roma, M. (2024) "Navigating the housing channel of monetary policy across euro area regions". European Economic Review, 104897.

Brunnermeier, M & Julliard, C.)2006("Money Illusion and Housing Frenzies". NBER WORKINPAPER SERIES, Vol.12810.

Elbourne, A. (2008) The UK Housing Market and the Monetary Policy Transmission Mechanism: An SVAR Approach. Journal of Housing Economics, Vol.37, 65-87.

Frimpong, A (2011) sheltering and housing recovery after disaster: dissecting the problems of policymplementation and possible solution, International Journal of Humantities and social Science, Vol. 1, no.20, pp1-12.

Guo, F., Hu, J., Jiang, M. (2013) Monetary shocks and asymmetric effects in an emerging stock market: The case of China. Economic Modelling, 32, 532- 538

Miles, W., & Zhu, X. (2023) Housing and the changing impact of monetary policy. International Review of Economics & Finance, 86, 587-603.

Nong, H., Yu, Z., & Li, Y. (2024) "Financial shock transmission in China's banking and housing sectors: A network analysis."Economic Analysis and Policy, 82, 701-723.

Ume, E. (2018). "The impact of monetary policy on housing market activity: An assessment using sign restrictions". Economic Modelling, 68, 23-31.

Yang.c, Housing Microfinance: Designing a Product for the rural poor Institute for Financial Management and research centre for micro finance. Working paper series, 2007, NO. 19.

Zhu, B. & Sebastian, S. (2017) "Housing Market Stability, Mortgage Market Structure, and Monetary Policy: Evidence from the Euro Area". Journal of Housing Economics 37: 1-21.

Iacoviello, Matteo. (2005) House Prices, Borrowing Constraints, &Monetary Policy in the Business Cycle. American Economic Review, Vol. 95(3), 739-64.

Koeniger, Winfried, Benedikt Lennartz, and Marc-Antoine Ramelet. "On the transmission of monetary policy to the housing market." European Economic Review 145 (2022): 104107.

McCandless, G. T. & Weber, W. E. (1995) Some Monetary Facts. Federal Reserve Bank of Minneapolis Quarterly Review, 19(3), 2-11. https://doi.org/10.21034/qr.1931

Mishkin, F. S. (1995) Symposium on the Monetary Transmission Mechanism.

Mishkin, F. The Economics of Money, Banking, and Financial Markets, Eleventh Edition, Chapter 25.

Journal of Economic Perspective, Vol.9 (4), 45-67.

تبیین عوامل مؤثر بر زیست‌پذیری اجتماعی بافت‌های فرسوده در شهرهای ایرانی- اسلامی (مورد پژوهی: منطقه ۱۲ تهران)

سینا غیورانه* ،حسین کلانتری خلیل‌آباد** ، صبا جهانگیر***

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۹/۰۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۵/۲۷

نوع‌مقاله:پژوهشی- ۱۲۵-۱۰۹

چکیده

امروزه، شهرها مکان اصلی کار و زندگی بخش عمدهٔ بشر شده‌اند، به‌طوری که بیش از ۵۰٪ از جمعیت ۷ میلیارد نفری جهان در شهرها زندگی می‌کنند. از این رو، توجه به کیفیت زندگی، شرایط، امکانات و نیازهای ساکنان شهرها، مسئله‌ای حیاتی است. نظر به مشکلات متعدد شهرها، رویکردهای مختلفی برای ارتقاء و بهبود شرایط زندگی در آنها پیشنهاد و مطرح شده است که زیست‌پذیری شهری یکی از آنها است. امروزه زیست‌پذیری در بیشتر کشورهای توسعه‌یافته به‌عنوان یک اصل راهنما در چارچوب گفتمان پایداری در سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی شهری گسترش پیدا کرده است. پژوهش حاضر با هدف تبیین عوامل مؤثر بر زیست‌پذیری اجتماعی بافت‌های فرسوده در شهرهای ایرانی- اسلامی تدوین شد. مطالعه حاضر ازنظر هدف، کاربردی و ازنظر روش توصیفی است. جامعه آماری پژوهش را ساکنان منطقه ۱۲ شهر تهران تشکیل می‌داد، حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران ۳۷۳ نفر برآورد گردید. روایی ابزار تحقیق با استفاده از مدل تحلیل عاملی تأییدی و پایایی آن با استفاده از آلفای کرونباخ محاسبه شده است. تجزیه وتحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزارهای SPSSو SMART PLS با روش آمار توصیفی و مدل‌سازی معادلات ساختاری انجام شد. یافته‌ها نشان داد که مشارکت، امنیت اجتماعی، همبستگی و تعاملات اجتماعی و تعلق مکانی بر زیست‌پذیری اجتماعی تأثیر مثبت و معناداری دارد. از بین متغیرهایی مورد بررسی متغیر تعلق مکانی با ضریب مسیر ۰/۲۵۸ دارای بیشترین تأثیر بر زیست‌پذیری اجتماعی بود.

واژگان کلیدی: زیست‌پذیری، زیست‌پذیری اجتماعی، تعلق مکانی، بافت فرسوده، منطقه ۱۲ تهران

* دانشجوی دکتری، گروه شهرسازی، واحد آیت الله آملی، دانشگاه آزاد اسلامی، مازندران، ایران S.gh1375@yahoo.com

** نویسنده مسئول: استاد گروه شهرسازی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی، جهاددانشگاهی، تهران، ایران H_kalantari2005@yahoo.com

*** استادیار، گروه معماری وشهرسازی، واحد آیت الله آملی، دانشگاه آزاد اسلامی، آمل، ایران saba.jahangir@yahoo.com

مقدمه

براساس گزارش شهرهای جهانی که توسط سازمان ملل متحد در سال ۲۰۲۰ انتشار یافته است شهرنشینی همچنان محرک رشد جهانی خواهد بود و زمین‌های برای فقر، بیکاری، نابرابری و تغییرات آب و هوایی و سایر چالش‌های جهانی که با آنها روبرو هستیم، خواهد بود (Xiao et al, 2023: 145). نداشتن برنامه و عدم مدیریت صحیح و ظهور مشکلات اجتماعی اقتصادی و زیست‌محیطی در شهرهای امروزی منجر به کاهش استانداردهای زندگی و به تبع آن کاهش پایداری و افت زیست‌پذیری شهرها شده است که توجه به شاخص‌های زیست‌پذیری به‌عنوان شاه‌کلید حل بسیاری از مسائل و مشکلات شهری در سطر اول برنامه‌ریزی‌ها قرار داده است (کرباسی و کارگر، ۱۴۰۲: ۱۹).

به‌طور کلی امروزه عدم توجه به برنامه‌ریزی و مدیریت شهری به نیازهای انسانی و اجتماعی، موانع مهمی را برای ارتقاء کیفیت زندگی و رضایت ساکنان ایجاد میکند با توجه به درصد بالای فقر و تعداد زیاد جمعیت در سکونت‌گاه‌های شهری، کیفیت زندگی در این سکونت‌گاه‌ها به یک موضوع اساسی تبدیل شده است. این در حالی است که کیفیت زندگی به‌عنوان یکی از شاخص‌های اصلی توسعه پایدار شهری مورد توجه قرار گرفته است (حکمت‌نیا و همکاران، ۱۴۰۰: ۳۲).

در این راستا مفهوم زیست‌پذیری به‌عنوان رویکردی نوین در جهت بهبود وضعیت کیفیت زندگی در دستور کار برنامه‌ریزان و مدیران شهری قرار گرفته است. این مفهوم نقش مهمی در برنامه‌ریزی و توسعه شهری داشته است با این‌حال این مفهوم سیال است و در موقعیت‌های مختلفی به‌کار رفته است (Kashef, 2023: 242). «احداث و ایجاد شهرهای زیست‌پذیر و قابل سکونت یکی از اهداف پایه‌ای در راستای توسعه پایدار شهری است از این‌رو زیست‌پذیری شهری موضوعی است که در تمامی جنبه‌های فرایند شهرنشینی باید مورد توجه قرار بگیرد (Mouratidis, 2020: 267)».

زیست‌پذیری شهری مناسب‌ترین زمینه برای مطالعه و بررسی وضعیت زیست و افزایش سرزندگی و شور و هیجان در محلات شهری است. چرا که محصول عملکرد مناسب و مطلوب سیستم‌های اجتماعی، اقتصادی، کالبدی، محیطی و مدیریتی شهر، سرانجام در زیست‌پذیری شهری خود را نشان می‌دهد که تأکید آن بر مفاهیمی چون سرزندگی، حس تعلق به مکان، کیفیت زندگی و به‌طور کلی تأکید بر بعد انسانی است (Yang et al, 2022: 3).

یکی از جنبه‌های حائز اهمیت که هم علت و هم معلول بسیاری از معضلات شهری بوده و به‌ویژه در دهه‌های اخیر در مرکز توجهات زیست‌پذیری قرار گرفته است، موضوع زیست‌پذیری بافت‌های فرسوده شهری بوده است (وجود شهر کهن در دل شهر امروزین) (پوراحمد و همکاران، ۱۳۹۹: ۸۳).

زیرا چنین بافت‌هایی در بستر استمرار خود؛ زلزله‌ای خزنده و خاموش به حساب می‌آید و با شدت یافتن ضرب‌آهنگ تغییر فضایی- کالبدی شهرها؛ اغلب سبب افت منزلت‌های اجتماعی؛ نابه‌سامانی در سازمان فضایی- کالبدی، زوال اقتصادی و ناکارآمدی زیست محیطی آن گردیده است (احمدی و همکاران، ۱۴۰۳: ۹۳۷).

در عین حال این هسته‌های ارزشمند شهر، فضاها و مکان‌های همگانی برجسته‌ای هستند که سامان‌بخشی کیفیات محیطی آنها می‌تواند نماد سامان‌بخشی و سرزندگی تمامیت شهر یا هر نوع باهمستان دیگر باشد (بیرانوند و جهانبخش، ۱۴۰۱: ۳).

ایده زیست‌پذیری در مناطق فرسوده و

مسئله دار شهری به دنبال حل مشکلات فرسودگی شهری از طریق به‌سازی مناطق محروم و در حال اضمحلال شهرها بوده و با طرح مباحث گسترده‌تری همچون ارتقاء کیفیت زندگی به‌خصوص برای کسانی که در محلات فقیرنشین و ناکارآمد شهری زندگی می‌کنند، سروکار دارد (اکبری و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۲).

کلان‌شهر تهران از جمله شهرهای تاریخی ایران محسوب می‌شود که وجود بافت‌های فرسوده در نواحی مرکزی و حاشیه‌ای شهر، سبب ناکارآمدی مراکز شهری و بروز مسائل عمده‌ای در نظام کالبدی- کارکردی آنها شده است. این شهر با پیشینه‌ای بسیار قدیمی و با جایگاهی بسیار مؤثر و استراتژیک (به‌عنوان پایتخت) در کشور دارای مرکز شهری قدیمی، فرسوده، تاریخی، قدرتمند، و دارای ماهیت و ارزش سیاسی، اقتصادی و اجتماعی بسیار با اهمیتی است که تمام تحولات و تغییرات این مرکز مهم در کل شهر قابل احساس و نفوذ است. بخش مرکز شهر تهران از جمله منطقه ۱۲ امروزه با مسائلی مانند آلودگی محیطی، کاهش منابع، عدم دسترسی مناسب به خدمات شهری، جرم، فقر، بدمسکنی و بافت‌های فرسوده مواجه‌اند که پیش از این افراد با آن روبه‌رو نبوده‌اند (مرادپور و زیاری، ۱۴۰۱: ۱۱۰).

با این چالش‌های جدی، شاید راه‌کار مؤثر استفاده از ایده‌های زیست‌پذیری به‌ویژه در بافت‌های فرسوده در راستای ارتقای کیفیت سکونت برای این محدوده‌ها باشد. وجود مشکلاتی مانند، فرسودگی ساختمان‌ها، مشکلات ترافیکی، مشکلات اقتصادی، عدم دسترسی مناسب به خدمات شهری، آلودگی، پایین بودن امنیت اجتماعی و روانی و افزایش جمعیت در محدوده‌های فرسوده شهر تهران زیست‌پذیری این اجتماعات را روز به روز کاهش داده است. این‌گونه بافت‌ها مشکلات فراوانی را به‌وجود آورده و این دگرگونی عملکردی باعث صدمه به پیشینهٔ فرهنگی- اجتماعی و تاریخی محله‌ها شده و آنها را از جریان زندگی خارج و از پایداری و زیست‌پذیری دور کرده است (خزاعی نژاد و همکاران، ۱۳۹۷: ۴۹).

منطقه ۱۲ شهر تهران نیز از این قاعده مستثنی نبوده، به گونه‌ای که این منطقه از نیمه‌های قرن حاضر روند نزولی خود را آغاز کرده است. کاهش جمعیت در محله‌های هسته‌های آغازین شهر و حرکت جمعیت به سوی لایه‌های بیرونی‌تر از جمله مهم‌ترین چالش‌هایی است که با آن مواجه شده است. چنانکه جمعیت این منطقه از ۳۴۳۶۳۳ نفر در سال ۱۳۵۹ به ۲۴۱۸۳۱ نفر در سال ۱۳۹۵ کاهش یافته است که نرخ رشد منفی ۱/۱۴- درصدی را نشان می‌دهد. مشکلات ذکر شده از یک‌سو و تمایل به توسعه و سرمایه‌گذاری در حومه و لایه‌های بیرونی‌تر شهر به علل مختلف از جمله ارزانی قیمت زمین و مسکن، جاذبه‌های اکولوژیکی چون هوای پاک و سالم و... از سوی دیگر، باعث افت کیفیت زندگی، کاهش سرزندگی، افت زیست‌پذیری و کاهش رونق زندگی اجتماعی، زوال فیزیکی- کالبدی و کارکردی در این منطقه شده است (زارع و همکاران، ۱۴۰۰: ۸۰۰).

شرایط مذکور محصول عوامل، نیروها و فرآیندهای کلان خارج از محدوده منطقه ۱۲ و محله‌های آن و حتی خارج از شهر تهران همچون سیاست‌های کلی مدیریت شهری، نقش ملی پهنه‌ها و محورهای تجاری به‌ویژه بازار بزرگ تهران؛ و عوامل خرد؛ همچون شرایط و وضعیت درون محله‌های این منطقه (نظیر: مهاجرت، جرائم، بضاعت مالی اندک ساکنان، پایین بودن ارزش ملک، قدمت و کیفیت پایین و فرسودگی بناها، سکونت افراد و خانواده‌های با نژاد و آداب و رسوم مختلف و خارج کردن محله از یک‌دستی قبل و... است (صالحی و همکاران، ۱۴۰۱: ۸۶). با

توجه به موارد مطرح شده سؤالات آغازین پژوهش به شرح زیر است: چه عواملی بر زیست‌پذیری اجتماعی در بافت فرسوده منطقه ۱۲ شهر تهران تأثیرگذار است؟

مبانی نظری و پیشینه تحقیق

نوروزی و همکاران (۱۴۰۲) پژوهشی با عنوان «زیست‌پذیری در شهر و پیراشهر مسجد سلیمان» به این نتیجه رسیدند که از مجموع روابط ۲۹۷۰، حدود ۵۵ رابطه بدون تأثیر؛ ۱۱۹۵ رابطه دارای تأثیرگذاری کم؛ ۱۱۶۹ رابطه دارای تأثیرگذاری متوسط و درنهایت ۶۰۶ رابطه دارای تأثیرگذاری قوی و بالا بوده است. از سوی دیگر نتایج نشان می‌دهد که پایداری زیست‌پذیری در شهر مسجدسلیمان و فضای پیرامونی آن بسیار نامناسب است. آسیابانی‌پور و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان «سنجش و ارزیابی بعد عینی زیست‌پذیری شهری در مناطق دهگانه کلان‌شهر تبریز» به این نتیجه رسیدهاند که به‌طور کلی زیست‌پذیری شهر تبریز از حد متوسط پایین‌تر بوده است که مناطق ۵ و۲ به‌ترتیب با میانگین رتبه‌ای۷۱/۱۰ و ۶۹/۳۳ زیست‌پذیرترین و منطقهٔ ۷ با میانگین رتبه‌ای۱۰/۱۰ در رتبهٔ آخر زیست‌پذیری در بین مناطق دهگانه قرار گرفته است. همچنین، از نظر شاخص‌های خدمات و زیرساخت‌های شهری، محیط شهری، اقتصاد شهری، مدیریت شهری، تاریخ شهری، و اجتماع شهری به‌ترتیب مناطق ۲، ۶، ۲، ۵، ۸، و ۵ در اولویت اول رتبه‌بندی و همچنین با توجه به نتایج آزمون کروسکال والیس، در سطح معناداری ۹۹ درصد مشخص شد بین مناطق دهگانه‌ی شهر تبریز از لحاظ مطلوبیت شاخص‌های زیست‌پذیری تفاوت معناداری وجود داشته است. حسین‌زاده و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان «سنجش زیست‌پذیری محلات شهری در راستای توسعه پایدار از دیدگاه شهروندان، موردمطالعه: محله شهر کهنه و شهرک سیدمرتضی-کاشمر» به این نتیجه رسیده‌اند که بین پایگاه اجتماعی-اقتصادی شهروندان و زیست‌پذیری ارتباط مستقیمی وجود دارد. میزان رضایت از شاخص‌های کلی زیست‌پذیری در شهر کهنه پایین است و رضایت نسبی از شاخص اقتصادی در شهر کهنه با میانگین ۲/۴۳ وجود دارد که شاخص کلی زیست‌پذیری در شهرک سیدمرتضی (۰/۳۵) بالاتر از میانگین کمتر از میانگین متوسط است. پوراحمد و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان «تحلیل فضایی آثار حکم‌روایی مطلوب بر زیست‌پذیری شهری؛ مطالعه موردی: کانون‌های جرم‌خیز مناطق ۱۱ و ۱۲ شهر تهران» به این نتیجه رسیده‌اند که وضعیت شاخص‌های حکم‌روایی خوب شهری و زیست‌پذیری در کانون‌های جرم‌خیز بخش مرکزی شهر تهران نامطلوب است. همچنین بین شاخص‌های حکم‌روایی خوب شهری و زیست‌پذیری شهری رابطه ضعیف تا متوسطی وجود دارد.آلتروک[1] (۲۰۲۲) در پژوهشی با عنوان «زیست‌پذیری شهری در محله‌های آسیب‌دیده اجتماعی: تجربه برنامه آلمانی شهر یک‌پارچه اجتماعی» به این نتیجه رسیده است که ارتقاء سیاست‌های ارتقاء کالبدی نیازمند هم‌آهنگی و هم‌پیوندی با سیاست‌ها و برنامه‌های اجتماعی است. که این امر نیازمند توانمندسازی ساکنان محله‌های فقیر و آسیب‌دیده اجتماعی است. زاهو[2] و همکاران (۲۰۲۲) پژوهشی با عنوان «آیا احداث راه‌آهن شهری باعث بهبود زیست‌پذیری شهرها می‌شود؟» شواهدی از شهرهای چین انجام داده‌اند. نتایج این پژوهش نشان داده است که احداث قطارهای سریع السیر شهری ضمن این‌که زمینه را برای توسعه صنعتی شهرها فراهم می‌نماید باعث رشد اقتصادی مناطق شده و این امر

1. Altrock
2. Zhao

باعث جذب افراد متخصص شده است. شواهد حاصل از احداث قطارهای سریع السیر در مناطق شهری حاکی از آن است که زیست‌پذیری شهری ۱۳ درصد افزایش داشته است. لیانگ[1] و همکاران (۲۰۲۲) در پژوهشی با عنوان «پیاده‌مداری و زیست‌پذیری شهری: آیا جذابیت‌های شهری باعث ارتقاء نشاط شهروندان می‌شود؟» به این نتیجه رسیده‌اند که پیاده‌مداری شهرها ضمن افزایش زمینه جذابیت شهری با تشویق بیشتر مردم به ورزش و فعالیت‌های همگانی از جمله ورزش‌های گروهی باعث ارتقاء زیست‌پذیری شهرها می‌شود. بدلند[2] و همکاران (۲۰۱۹) در پژوهشی به «بررسی زیست‌پذیری شهری: درس‌هایی از استرالیا برای کشف شاخص‌های اندازه‌گیری سلامت اجتماعی» پرداختند؛ نتایج بیان‌گر آن است که یازده حوزه کلی در ارتباط با سلامت اجتماعی و رفاه مشخص شد و ارتباط‌شان با سلامت و رفاه تأیید شد که عبارت‌اند از: جرم و امنیت، آموزش، شغل و درآمد، سلامت و خدمات اجتماعی، مسکن، تفریح و فرهنگ، غذای محلی و دیگر کالاها، محیط طبیعی، فضای باز عمومی، حمل‌ونقل و انسجام اجتماعی و دموکراسی محلی. نیوتن[3] (۲۰۱۸) به ارزیابی زیست‌پذیری و پایداری چالش‌های تکنیکی- اجتماعی شهرهای قرن بیستم اقدام کرد؛ نتایج بیانگر آن است که بسیاری از زیرساخت‌های اصلی شهر، که باعث زیست‌پذیری شهرهای استرالیا شده است، از منابع ناپایدار تأمین می‌شود و به عبارتی، پایدار نیست.

در جمع‌بندی پیشینه پژوهش می‌توان به این مطلب اذعان داشت که پژوهشی به که بررسی تأثیرگذاری عوامل مورد بررسی در این پژوهش یعنی متغیرهای مشارکت، امنیت اجتماعی، همبستگی و تعاملات اجتماعی و تعلق مکانی بر زیست‌پذیری اجتماعی در بافت‌های فرسوده شهرهای ایرانی و اسلامی پرداخته باشد، مشاهده نشد که این امر گویای نوآوری این پژوهش نسبت به پیشینه تحقیق است.

زیست‌پذیری به‌عنوان یکی از مهم‌ترین عناصر کیفیت زندگی و جاذبه شهری در شهرهای مختلف مورد توجه روزافزون قرار گرفته است (Long et al, 2024: 34). اما با این‌حال هنوز تعریف واحدی برای آن وجود ندارد. زیست‌پذیری به دلیل ماهیت پیچیده و چند بعدی، آن از نظرگاه‌های مختلف مورد تعریف قرار گرفته است به‌عنوان مثال زیست‌پذیری که معادل عبارت انگلیسی Livability است در فرهنگ لغت وبستر زیست‌پذیری به‌عنوان مناسب بودن برای انسان تعریف شده است رابرت کوان در فرهنگ شهرسازی واژه زیست‌پذیر را مناسب برای زندگی فراهم آوردندهٔ کیفیت زندگی خوب تعریف می‌نماید (زیاری و همکاران، ۱٤۰۰: ۳٤). به نظر هیلن[4] (۲۰۰٦) مفهوم زیست‌پذیری مانند چتری برای معانی مختلف است که هم به شاخص‌های اندازه‌گیری و هم به دیدگاه کسانی که آن را اندازه‌گیری می‌کنند بستگی دارد. به گفته وی، بیشتر محققان موافقند که زیست‌پذیری از دیدگاه فرد به محیط اشاره دارد و همچنین شامل ارزیابی ذهنی از کیفیت مکان است (پیری و همکاران، ۱٤۰۰: ۳۸). نیومن[5] (۱۹۹۹) اظهار داشت که زیست‌پذیری یکی از نیازهای انسان برای آسایش اجتماعی، سلامتی و رفاه است و شامل رفاه فردی و اجتماعی است (Jodder, et al, 2025: 11). از نظر روت و فرانکلین (۲۰۱٤)[6] نیز

1. Liang
2. Badland
3. Newton
4. Heylen
5. Newman

زیست‌پذیری از دو عنصر تشکیل شده است: محیط شهر و جمعیت. به‌طور کلی، این تعریف بر تعامل بین مردم و محیط تأکید دارد (ر.ک: Liang, et al, 2022). عنصر اول یعنی جمعیت، نیازهای اساسی همچون خدمات، کالاها، سرپناه، انرژی، آب، غذا، بهداشت، امنیت، آموزش، سرگرمی، مشارکت اجتماعی و اقتصادی، خلاقیت و نیازهای دیگر دارد. در این دیدگاه، زیست‌پذیری از لنز نیازها و خواسته‌های ساکنان شهر قضاوت می‌شود. عنصر دیگر که محیط شهر است با ویژگی‌های فیزیکی و بیولوژیکی آن تعریف می‌شود و به زیرساخت‌های تامین‌کننده کالا و خدمات که زندگی شهری به آن وابسته است؛ می‌پردازد. مفهوم شهر زیست‌پذیر به معنای واقعی نیاز به این دو عنصر دارد که با یکدیگر هم‌آهنگ باشند (زیاری و همکاران، ۱۳۹۸: ۵۷۱).

زیست‌پذیری شهری می‌تواند در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی و کالبدی مورد بررسی قرار گیرد (نوروزی و همکاران، ۱۴۰۲). در بین این ابعاد، بعد اجتماعی زیست‌پذیری پیچیده‌تر است و تعریف و عملیاتی کردن آن دشوار است و در نتیجه اندازه‌گیری آن از نظر نتایج سیاست زیست‌پذیری دشوارتر است. جیکوبز[1] (۱۹۶۱)، زیست‌پذیری اجتماعی شهر را مظهر تنوع ناشی از تعامل بین فعالیت‌های انسانی و فضای شهری می‌دانست. (Zhan et al., 2018: 9). از نظر لندری[2] شهر سرزنده و زیست‌پذیر به لحاظ اجتماعی می‌تواند به‌واسطه سطوح پایین محرومیت، پیوستگی اجتماعی قوی، ارتباطات خوب و پویایی میان لایه‌های اجتماعی، روحیه جمعی و غرور مدنی، دامنه وسیعی از شیوه‌های زندگی، روابط موزون و جامعه شهری با طراوت توصیف گردد (نوروزی و همکاران، ۱۴۰۲: ۲۱۰). شهر زیست‌پذیر از نظر اجتماعی را شهری دانست که در آن تعاملات و معاشرت اجتماعی، احترام به ارزش‌ها و هنجارها، مشارکت واقعی مردم، آموزش و یادگیری اجتماعی، احساس امنیت و اعتماد به هم‌دیگر به شکل شایست‌های وجود دارد. زیست‌پذیری اجتماعی تحت تأثیر عوامل گوناگونی قرار دارد از جمله این عوامل می‌توان به امنیت، مشارکت، تعلق مکانی و تعامل اشاره کرد (ر.ک: زارع و همکاران، ۱۴۰۰).

حس تعلق مکان عاملی است که میان انسان و مکان ارتباط برقرار می‌کند و وحدت به‌وجود می‌آورد در نتیجه مکان دارای سلسله‌مراتبی از بی‌تفاوتی نسبت به مکان تا فداکاری نسبت به مکان است (Daviran, 2024: 99). در مجموع حس مکان به معنای ادراک ذهنی مردم از محیط و احساسات کم و بیش آگاهانه آنها از محیط خود است که شخص را در ارتباطی درونی با محیط قرار می‌دهد به‌طوری که فهم و احساس فرد با زمینه معنایی محیط پیوند خورده و یک‌پارچه می‌شود (حسنی، ۱۴۰۲: ۵۴). این حس عاملی است که موجب تبدیل یک فضا به مکانی با خصوصیات حسی و رفتاری ویژه برای افراد خاص می‌گردد. حس تعلق مکانی علاوه بر این‌که موجب احساس راحتی از یک محیط می‌شود، از مفاهیم فرهنگی مورد نظر مردم روابط اجتماعی و فرهنگی جامعه در یک مکان مشخص حمایت کرده و باعث یادآوری تجارب گذشته و دست‌یابی به هویت برای افراد می‌شود (زین العابدین زاده و همکاران، ۲۶: ۱۴۰۲). حس مکان و یا تعلقاتی که شهروندان نسبت به جامعه دارند یک پتانسیل مؤثر و یک مقیاس پایداری برای زیست‌پذیری اجتماعی است چراکه با حفظ و ارتقاء این حس به‌عنوان یکی از عوامل

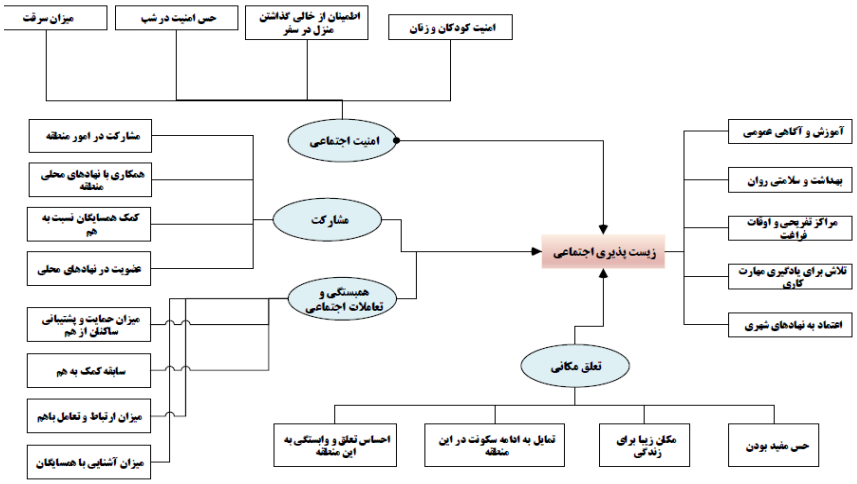
1. Ruth and Franklin

2. Jacobs

پایداری محیط‌های زیستی و کالبدی می‌توان پایداری انسانی و به تبع آن زیست‌پذیری اجتماعی را تقویت نمود (Fu et al, 2024: 159).

زیست‌پذیری هنگامی درسکونت‌گاه‌های فرسوده شهری تحقق پیدا می‌کند که تغییراتی در شرایط زندگی از لحاظ فردی و اجتماعی ایجاد شود؛ زیرا ناحیه‌ای که به لحاظ زیست‌محیطی و اجتماعی در سطح پایداری قرار نداشته باشد از لحاظ زیست‌پذیری در رتبه پایینی قرار خواهد گرفت (Zhu et al, 2024: 55). بنابراین، برای دست‌یابی به زیست‌پذیری و پی‌آیند آن بهبود سکونت‌گاه‌های فرسوده مشارکت اجتماعی امری ضروری تلقی می‌شود. مشارکت اجتماعی شرط موفقیت هر برنامه و رهیافت کلان ، اقتصادی اجتماعی و زیست‌محیطی به‌شمار می‌رود که علت آن گستردگی و تنوع زمینه‌های مشارکت است که شامل انواع فعالیت‌های فردی یا اجتماعی تأثیرگذار بر تصمیم‌گیری‌های اجتماعی بوده که از سطح پایین تا سطوح بالاتر را در بر می‌گیرد (Aulia, D & Marpaung, 2025: 45). بر این مبنا مشارکت اجتماعی به معنی دخالت همه جانبه آنان در امور زیست‌محیطی اجتماعی و اقتصادی است که این امکان را برای آنان فراهم می‌سازد تا در فرآیند زیست‌پذیری نقش و مشارکت فعالی داشته باشند چراکه مشارکت اجتماعی نقش بنیادینی در بالابردن سطح زیست‌پذیری در سکونت‌گاه‌ها دارد که بی‌گمان هدف بایسته همه برنامه‌ریزی‌ها در جهت بهبود و ارتقاء توسعه جامعه است. به سخن دیگر، یکی از بن‌مایه‌های بنیادین در زمینه ارتقاء محیط زیست مشارکت مثبت و سازگار ساکنین است (ر.ک: Tan et al, 2020).

امروزه امنیت از شاخصه‌های کیفی زندگی در شهرها است. امنیت و آسایش همان حلقه گم شده‌ای است که مردمان را به محیطی آرام و پاک شهری می‌کشاند تا در آرامش محیطی سرزنده و بیدار، نه فضایی مرده و بی‌روح دمی به‌آسایند. چرا که جیکوبز معتقد است نشانه‌های یک ناحیه شهری موفق آن است که فرد در خیابان‌های مملو از بیگانگان احساس امنیت فردی و اطمینان کند. او نباید خودبه‌خود احساس کند که مورد تهدید قرار دارد امنیت یک معیار کیفی است که سبب ارتقاء کیفیت محیط و زیست‌پذیری فضای شهری می‌شود. به‌طوری که نبود امنیت در مکان‌های عمومی یکی از مهم‌ترین عوامل کاهش جذابیت و عدم زیست‌پذیری فضاها محسوب می‌شود (حیدری، ۱۳۹۷: ۱۲). متناسب با سؤال پژوهش و براساس مبانی و پیشینه ارائه شده، مدل مفهومی به صورت زیر است:



شکل۱: مدل مفهومی پژوهش

متناسب با مدل مفهومی پژوهش فرضیه‌های پژوهش به صورت زیر است:

امنیت اجتماعی بر زیست‌پذیری اجتماعی تأثیرگذار است.

مشارکت شهروندان بر زیست‌پذیری اجتماعی تأثیرگذار است.

همبستگی و تعاملات اجتماعی بر زیست‌پذیری اجتماعی تأثیرگذار است.

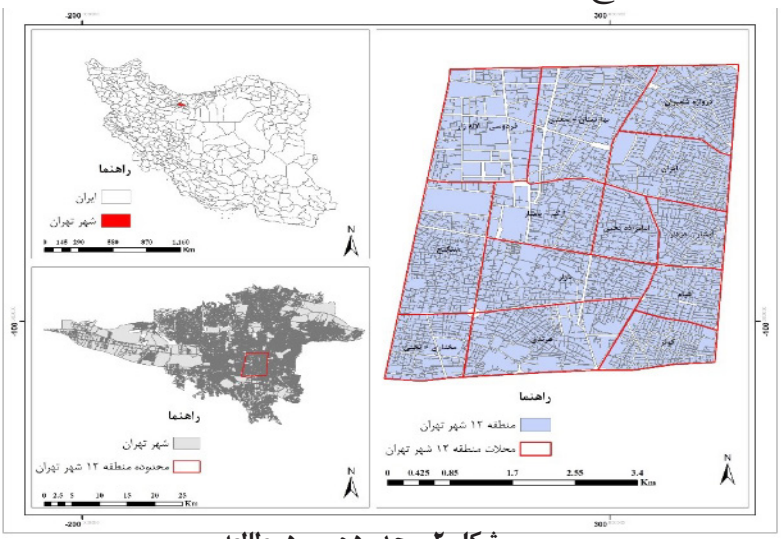
تعلق مکانی بر زیست‌پذیری اجتماعی تأثیرگذار است.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی، و از نظر روش توصیفی است. در راستای گردآوری داده‌ها از روش اسنادی و میدانی استفاده شد. جامعه آماری پژوهش را شهروندان ساکن منطقه ۱۲ تهران که تعداد آنها برابر با ۲۴۱۸۳۱ نفر است، تشکیل می‌داد، حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران برابر با ۳۷۳ نفر برآورد گردید. روش نمونه‌گیری به صورت نمونه‌گیری تصادفی ساده بود. برای گردآوری داده‌های میدانی از پرسشنامه استفاده شد. پایایی پرسشنامه از طریق محاسبه آلفای کرونباخ و محاسبه ضریب پایایی ترکیبی (cr) سنجیده شد، مقدار آلفای کرونباخ و ضریب پایایی ترکیبی برای هر متغیر، بین صفر و یک می‌باشد و چنانچه مقدار بدست آمده بالاتر از ۰/۷ باشد، پرسشنامه پایایی مناسبی دارد. نتایج حاصل از مقدار آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی، تأیید کننده پایایی مناسب پرسشنامه مورد استفاده می‌باشد. در این پژوهش به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از مدل سازی معادلات ساختاری در محیط نرم افزار pls استفاده شده است.

معرفی محدوده مورد مطالعه

محدوده منطقه ۱۲ با مساحت ۱۶۰۰ هکتار است و عمر ۷۳ درصد بافت منطقه ۱۲ بیش از ۲۰۰ سال است. ۳/۴۳ درصد محدوده منطقه از گستره‌ها و پهنه‌های شاخص تشکیل شده و در ۵/۱۵ درصد از طول لبه‌های شهری (سیمای خیابان هنوز بدنه‌های ارزشمند یافت می‌شود مجموع طول خیابان‌های اصلی منطقه نزدیک به ۵۸ کیلومتر است. به خیابان‌های تهران قدیم باید میدان‌ها و فضاهای شهری ممتاز را نیز افزود. منطقه ۱۲ از شمال به خیابان انقلاب دارای نقاط عطف میدان فردوسی، پیچ شمیران، لاله‌زار، پل‌چوبی، از غرب به خیابان حافظ و خیابان وحدت اسلامی با نقاط عطف میدان تاریخی حسن‌آباد (هشت‌گنبدان)، میدان وحدت اسلامی (میدان شاهپور)، چهارراه وحدت‌اسلامی (چهارراه شاهپور) و از جنوب به خیابان شوش با نقاط عطف خیابان جهان‌پهلوان‌تختی، یخچال و میدان‌غار و از شرق خیابان ۱۷شهریور (شهبازسابق) با نقاط عطف خیابان شهیدکفایی‌امانی و خیابان خورشید، خیابان مجاهدین، زیرگذر امیرکبیر و اتوبان شهیدمحلاتی محدود می‌شود.



شکل ۲. محدوده مورد مطالعه

یافته‌های پژوهش

برای آزمون فرضیه‌های این پژوهش از روش مدل‌سازی معادلات ساختاری با نرم‌افزار SMART PLS استفاده شده است. این نرم‌افزار، نسبت به‌وجود شرایطی مانند هم‌خطی متغیرهای مستقل، نرمال نبودن داده‌ها و کوچک بودن حجم نمونه سازگار است. در این پژوهش، برازش مدل در مدل‌سازی معادلات ساختاری با نرم‌افزار SMART PLS در دو بخش انجام شده است: ۱) برازش مدل‌های اندازه‌گیری ۲) برازش مدل کلی.

برازش مدل اندازه‌گیری

مدل اندازه‌گیری، مربوط به بخشی از مدل کلی می‌شود که دربرگیرنده یک متغیر به همراه سؤالات مربوط به آن است. برای بررسی برازش مدل‌های اندازه‌گیری، سه معیار پایایی، روایی هم‌گرا و روایی واگرا استفاده می‌شود.

پایایی و روایی هم‌گرا

پایایی شاخص، توسط سه معیار موردسنجش قرار می‌گیرد: ۱) ضرایب بار عاملی ۲) آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی (CR)

ضرایب بارعاملی

بارهای عاملی از طریق محاسبه مقدار هم‌بستگی شاخص‌های یک سازه با آن سازه محاسبه می‌شوند که اگر این مقدار برابر و یا بیشتر از مقدار ۰/٤ شود، مؤید این مطلب است که واریانس بین سازه و شاخص‌های آن، از واریانس خطای اندازه‌گیری آن سازه بیشتر بوده و پایایی در مورد آن مدل اندازه‌گیری قابل‌قبول است. بنابراین، مقدار ملاک برای مناسب بودن ضرایب بارهای عاملی ۰/ ٤ است؛ چنانچه پس از اجرای مدل، بار عاملی سؤالاتی کمتر از ۰/٤ شد، آن سؤال حذف می‌شود تا بررسی سایر معیارها تحت تأثیر آن قرار نگیرد. مطابق شکل۳، تمامی بارعاملی سؤالات بیشتر از ۰/٤ است از این‌رو حذف هیچ‌کدام لازم نیست و می‌توان نتیجه گرفت که مدل، پایایی مناسبی دارد.

آلفای کرونباخ، روایی هم‌گرا و پایایی مرکب (ترکیبی)

پایایی ترکیبی بیانگر میزان هم‌بستگی سؤالات یک بعد به یکدیگر برای برازش کافی مدل‌های اندازه‌گیری را مشخص می‌کند. هرگاه یک یا چند خصیصه از طریق دو یا چند روش اندازه‌گیری شوند هم‌بستگی بین این اندازه‌گیری‌ها دو شاخص مهم اعتبار را فراهم می‌سازد. اگر همبستگی بین نمرات آزمون‌هایی که خصیصهٔ واحدی را اندازه‌گیری می‌کند بالا باشد، پرسشنامه دارای اعتبار همگرا است، وجود این هم‌بستگی برای اطمینان از این‌که آزمون آنچه را که باید سنجیده شود می‌سنجد، ضروری است. برای روایی هم‌گرا میانگین واریانس استخراج[1] (AVE) و پایایی مرکب[2] (CR) محاسبه می‌شود. باید روابط زیر برقرار باشد:

$$CR>0.7$$

$$AVE>0.5$$

به‌منظور محاسبه روایی هم‌گرا، از معیار AVEو ضریب پایایی ترکیبی از معیارCR استفاده شد. اگر AVE حداقل برابر با۰/ ۵ باشد، بیان‌گر آن است که متغیرها از روایی هم‌گرای مناسبی برخوردارند. به این معنی که یک متغیر پنهان قادر است بیش از نیمی از واریانس شاخص‌های خود را به‌طور متوسط توضیح دهد (غیاثوند، ٤۵: ۱۳۹۷). با توجه به این‌که در این تحقیق شاخص میانگین واریانس استخراج‌شده (AVE) برای

1. Landry

2. Average Variance Extracted (AVE)

تمامی متغیرهای تحقیق بالای ۰/۵ است، لذا روایی همگرای متغیرهای مدل تأیید می‌شود. ضریب پایایی ترکیبی (CR) و ضریب آلفای کرونباخ، پایایی ابزار اندازه‌گیری را می‌سنجند. همان‌گونه که جدول (۲) نشان می‌دهد، با توجه به این‌که مقدار ضریب پایایی ترکیبی (CR) و ضریب آلفای کرونباخ برای تمامی متغیرهای پژوهش بیشتر از ۰/۷ است، بنابراین پایایی سؤال‌های متغیرهای موجود در پرسشنامه در حد قابل‌پذیرش هستند.

جدول شماره۲. نتایج روایی هم‌گرا، پایایی مرکب و آلفای کرونباخ

متغیرهای پژوهش	میانگین واریانس استخراجی (AVE>0.5)	ضریب پایایی ترکیبی (CR>0.7)	ضریب آلفای کرونباخ (Alpha>0.7)
مشارکت	۰/۵۹۲	۰/۸۷۷	۰/۸۲۰
امنیت اجتماعی	۰/۵۴۳	۰/۸۵۲	۰/۷۸۳
هم‌بستگی و تعاملات اجتماعی	۰/۶۳۳	۰/۸۹۳	۰/۸۵۳
تعلق مکانی	۰/۵۷۲	۰/۸۶۷	۰/۸۰۵
زیست‌پذیری اجتماعی	۰/۵۰۰	۰/۸۳۳	۰/۷۵۶

با توجه به جدول فوق:

مقدار میانگین واریانس استخراج‌شده (AVE) بزرگ‌تر از ۰/۵ است بنابراین روایی همگرا تأیید می‌شود.

مقدار پایایی مرکب (CR) در تمامی موارد از آستانه ۰/۷ بزرگ‌تر است بنابراین پایایی مرکب تأیید می‌شود

مقدار آلفای کرونباخ در تمامی موارد از آستانه ۰/۷ بزرگ‌تر است بنابراین پایایی پرسشنامه تأیید می‌شود.

روایی واگرا

برای بررسی روایی واگرا، از مقایسه میزان هم‌بستگی یک سازه با شاخص‌هایش در مقابل هم‌بستگی آن سازه با سایر سازه‌ها با استفاده از روش فورنل و لاکر بهره گرفته شد. روایی واگرا وقتی در سطح قابل‌قبول است که میزان AVE برای هر سازه بیشتر از واریانس اشتراکی بین آن سازه و سازه‌های دیگر (یعنی مربع مقدار ضرایب هم‌بستگی بین سازه‌ها) در مدل باشد. همان‌گونه که در جدول شماره (۳) مشخص است، مقدار جذر AVE متغیرهای مکنون در پژوهش حاضر، از مقدار هم‌بستگی میان آن‌ها، بیشتر است. ازاین‌رو، می‌توان اظهار داشت که در پژوهش حاضر، سازه‌ها (متغیرهای مکنون) در مدل، تعامل بیشتری با شاخص‌های خود دارند تا با سازه‌های دیگر. به بیان دیگر، روایی واگرای مدل در حد مناسبی است.

جدول شماره۳. نتایج روایی واگرا

	مشارکت	امنیت اجتماعی	همبستگی و تعاملات اجتماعی	تعلق مکانی	زیست‌پذیری اجتماعی
مشارکت	۰/۷۶۹				
امنیت اجتماعی	۰/۵۶۴	۰/۷۳۷			
هم‌بستگی و تعاملات اجتماعی	۰/۴۱۶	۰/۶۵۵	۰/۷۹۶		
تعلق مکانی	۰/۶۶۱	۰/۵۲۹	۰/۵۲۲	۰/۷۵۷	
زیست‌پذیری اجتماعی	۰/۵۷۶	۰/۵۲۱	۰/۶۸۲	۰/۶۵۴	۰/۷۰۷

برازش مدل ساختاری

مطابق با الگوریتم داده‌ها در PLS بعد از برازش مدل‌های اندازه‌گیری نوبت به برازش مدل ساختاری می‌رسد. مدل ساختاری برخلاف مدل اندازه‌گیری به سؤالات (متغیرهای آشکار) کاری ندارد و تنها متغیرهای پنهان و همراه با روابط میان آنها بررسی می‌گردد.

معیار R2 و شاخص افزونگی (CV red) یا آزمون ارتباط پیشبین یا Q^2 Q^2:

R2 معیاری است که برای متصل‌کردن بخش اندازه‌گیری و بخش ساختاری مدل‌سازی معادلات ساختاری به‌کار می‌رود و نشان از تأثیری دارد که یک متغیر برونزا بر یک متغیر درونزا می‌گذارد. هرچه مقدار R2 مربوط به سازه‌های درونزای مدل بیشتر باشد، نشان از برازش بهتر مدل است. چین[1] (۱۹۹۸: ۳۰۳) سه مقدار ۰/۱۹، ۰/۳۳ و ۰/۶۷ را به‌عنوان مقادیر ضعیف، متوسط و قوی برای برازش مدل معرفی کرده است مطابق با جدول زیر، مقدار R2 با توجه به سه مقدار ملاک، میتوان مناسب بودن برازش مدل ساختاری را تأیید ساخت. دومین شاخص برازش مدل ساختاری، شاخص Q2 است. این معیار که توسط گیسر[2] (۱۹۷۵: ۳۲٤) معرفی شد، قدرت پیش‌بینی مدل در سازه‌های درونزا را مشخص می‌کند. به اعتقاد آنها مدل‌هایی که دارای برازش ساختاری قابل‌قبول هستند، باید قابلیت پیش‌بینی متغیرهای درونزای مدل را داشته باشند. به این معنی است که اگر در یک مدل، روابط بین سازه‌ها به‌درستی تعریف‌شده باشند، سازه‌ها تأثیر کافی بر یکدیگر گذاشته و از این‌راه فرضیه‌ها به‌درستی تأیید شوند.هنسلر و همکاران[3] (۲۰۰۹: ٤) سه مقدار ۰/۱۵، ۰/۲ و ۰/۳۵ را به‌عنوان قدرت پیش‌بینی کم، متوسط و قوی تعیین نموده‌اند .مقادیر مربوط به شاخص Q2 متغیرها در جدول شماره (٤) نمایش داده‌شده است. با عنایت به مقدار منعکس‌شده دارای قدرت پیش‌بینی قوی هستند، و می‌توان عنوان نمود که نتایج نشان‌دهنده برازش قوی مدل ساختاری پژوهش است.

جدول شماره ٤. مقادیر ضریب تعیین و مقادیر Q2

	مقادیرQ2	مقادیرR2
زیست‌پذیری اجتماعی	۰/۳۸۵	۰/٤۹۱

برازش مدل کلی

برای بررسی برازش مدل کلی تنها یک معیار به نام GOF استفاده می‌شود این معیار از طریق رابطه زیر محاسبه می‌شود.

$$GOF = \sqrt{\text{Communalities} \times R^2}$$

$$GOF = \sqrt{0/458 \times 0/491 = 0/474}$$

$$\sqrt{0/458 \times 0/491 = 0/474}$$

Communalities نشانهٔ میانگین مقادیر اشتراکی هر سازه است و R2 نیز مقدار میانگین مقادیر سازه‌های درونزای مدل است. سه مقدار ۰/۱۰ ، ۰/۲۵ و ۰/۳٦ مقادیر ضعیف، متوسط و قوی برای GOF هستند (Henseler et al., 2009: 5). با توجه به مقدار محاسبه‌شده برابر با ۰/٤۷٤ است و نشان‌دهنده برازش قوی مدل کلی پژوهش است.

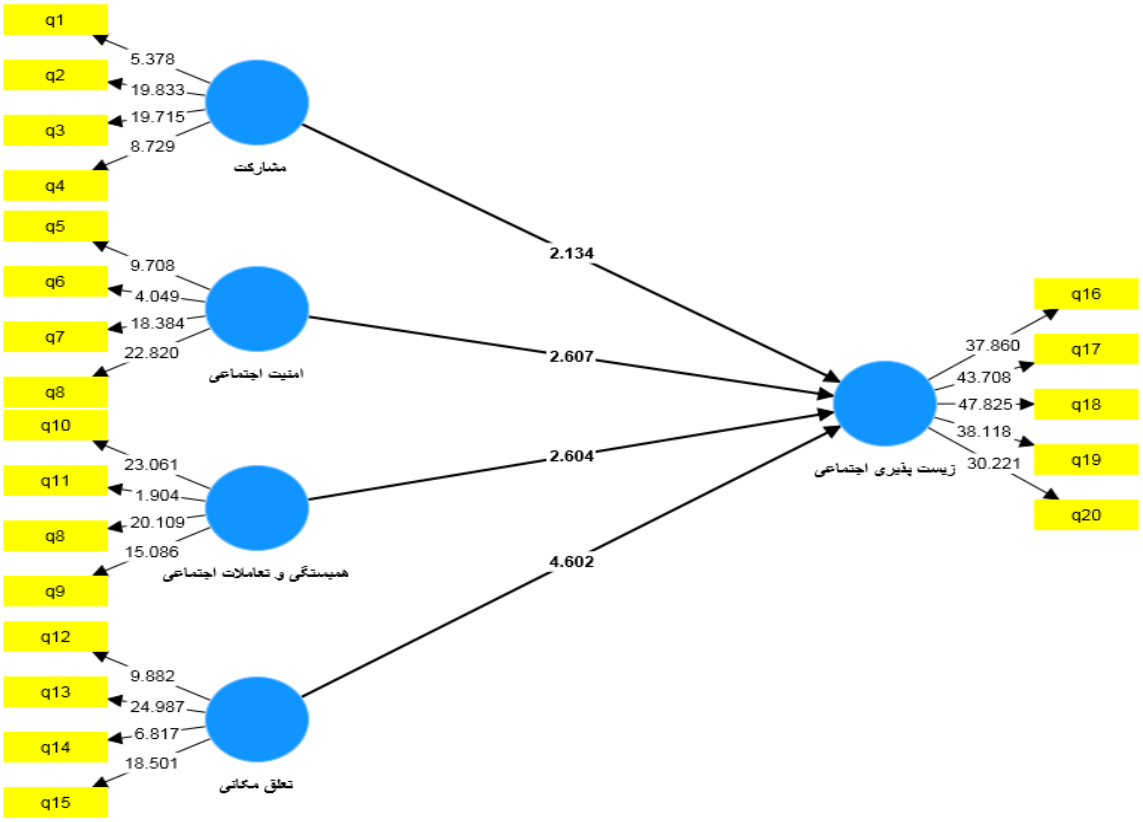
آزمون فرضیه‌ها

پس از بررسی برازش مدل اندازه‌گیری، مدل ساختاری و مدل کلی، نوبت به بررسی و آزمون فرضیه‌های تحقیق می‌رسد. مدل اجراشده در محیط نرم‌افزار pls برای آزمون فرضیه اصلی پژوهش به شرح شکل‌های زیر ارائه‌شده است.

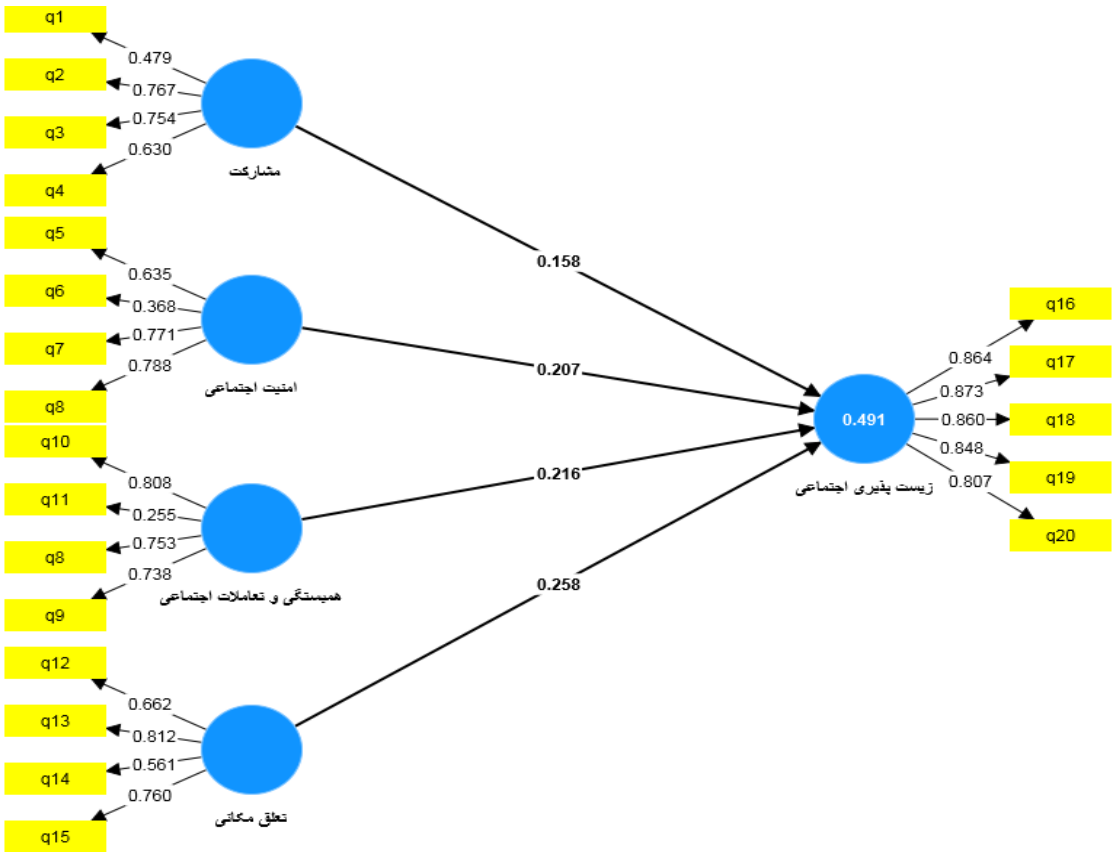
1.Composite Reliability (CR)

2.Chin

3.Gieser



شکل۳. مدل ساختاری پژوهش در حالت معناداری



شکل٤. مدل ساختاری در حالت ضریب استاندارد

با عنایت به نتایج مندرج در شکل ۳، در ارتباط با تأثیر مشارکت بر زیست‌پذیری اجتماعی، نتایج حاکی از آن است که مقدار آمارهT به‌دست‌آمده برابر با ۲/۱۳٤ است به‌گونه‌ای که این مقدار بزرگ‌تر از ۱/۹٦ است، و می‌توان عنوان نمود که مشارکت مردم بر زیست‌پذیری اجتماعی تأثیر معناداری دارد. همچنین با توجه به شکل٤، ضریب مسیر به‌دست‌آمده برابر با (β=۰/۱۵۸) است، ازآنجاکه ضریب مسیر به‌دست‌آمده مثبت است این تأثیر به‌صورت مستقیم است، پس میتوان عنوان نمود مشارکت مردم بر زیست‌پذیری اجتماعی تأثیر مثبت و معناداری دارد.

با عنایت به نتایج مندرج در شکل ۳، در ارتباط با تأثیر امنیت اجتماعی بر زیست‌پذیری اجتماعی نتایج حاکی از آن است که مقدار آمارهT به‌دست‌آمده برابر با ۲/٦۰۷ است به‌گونه‌ای که این مقدار بزرگ‌تر از ۱/۹٦ است، و میتوان عنوان نمود که امنیت اجتماعی تأثیر معناداری بر زیست‌پذیری اجتماعی دارد. همچنین با توجه به شکل ٤، ضریب مسیر به‌دست‌آمده برابر با (β=۰/۲۰۷) است، ازآنجاکه ضریب مسیر به‌دست‌آمده مثبت است این تأثیر به‌صورت مستقیم است، پس میتوان عنوان نمود امنیت اجتماعی تأثیر مثبت و معناداری بر زیست‌پذیری اجتماعی دارد.

با عنایت به نتایج مندرج در شکل ۳، در ارتباط با تأثیر هم‌بستگی و تعاملات اجتماعی بر زیست‌پذیری اجتماعی نتایج حاکی از آن است که مقدار آمارهT به‌دست‌آمده برابر با ۲/٦۰٤ است به‌گونه‌ای که این مقدار بزرگ‌تر از ۱/۹٦ است، و میتوان عنوان نمود که هم‌بستگی و تعاملات اجتماعی بر زیست‌پذیری اجتماعی تأثیر معناداری دارد. همچنین با توجه به شکل ٤، ضریب مسیر به‌دست‌آمده برابر با (β=۰/۲۱٦) است، ازآنجاکه ضریب مسیر به‌دست‌آمده مثبت است این تأثیر به‌صورت مستقیم است، پس می‌توان عنوان نمود تعاملات اجتماعی بر زیست‌پذیری اجتماعی تأثیر مثبت و معناداری دارد.

با عنایت به نتایج مندرج در شکل ۳، در ارتباط با تأثیر تعلق مکانی بر زیست‌پذیری اجتماعی نتایج حاکی از آن است که مقدار آمارهT به‌دست‌آمده برابر با ٤/٦۰۲ است به‌گونه‌ای که این مقدار بزرگ‌تر از ۱/۹٦ است، و می‌توان عنوان نمود که تعلق مکانی بر زیست‌پذیری اجتماعی تأثیر معناداری دارد. همچنین با توجه به شکل ٤، ضریب مسیر به‌دست‌آمده برابر با (β=۰/۲۵۸) است، ازآنجاکه ضریب مسیر به‌دست‌آمده مثبت است این تأثیر به‌صورت مستقیم است، پس می‌توان عنوان نمود تعلق مکانی بر زیست‌پذیری اجتماعی تأثیر مثبت و معناداری دارد.

نتیجه‌گیری

مفهوم زیست‌پذیری و در این میان زیست‌پذیری اجتماعی یک مفهوم ساده است. زیست‌پذیری اجتماعی ارزیابی می‌کند که کدام مکان‌ها در دنیا بهترین یا بدترین شرایط زندگی را فراهم می‌کنند همین مقوله ارزیابی شرایط زندگی به زیرساخت‌های، شهری فرصت‌های شغلی شرایط زیست‌محیطی امکانات و خدمات بهداشتی امکانات فرهنگی و اجتماعی موجود در یک شهر اشاره می‌کند که ارتقا و بهبود این امکانات و فرصت‌ها می‌توانند در زیست‌پذیر بودن شهر برای ساکنان آن تأثیر به‌سزایی داشته باشد. زیست‌پذیری اجتماعی به نظام شهری اشاره می‌کند که به رفاه، فیزیکی اجتماعی و روحی روانی و رشد شخصی همه ساکنان آن کمک می‌کند با توجه به این که زیست‌پذیری یک گفتمان جدید در عرصه برنامه‌ریزی شهری است بنابراین تلاش در جهت شناساندن عوامل

تأثیرگـذار آن امـری مهـم و ضـروری اسـت. یافته‌هـای حاصـل از ایـن پژوهـش نشـان داد کـه در ارتبـاط بـا تأثیـر مشـارکت بـر زیسـت‌پذیری اجتماعـی، نتایـج حاکـی از تأییـد آن بـود مقـدار ضریـب مسـیر به‌دسـت آمـده برابـر بـا (β=۰/۱۵۸)، بـا توجـه بـه مقـدار ضریـب مسـیر به‌دسـت آمـده، میـزان ضریـب تأثیـر در حـد متوسـط ارزیابـی می‌گـردد. در تبییـن نتایـج ایـن بخـش می‌تـوان عنـوان نمـود کـه موضـوع مشـارکت مـردم و شـهروندان در توسـعه اقتصـادی و اجتماعـی شـهرها کـه از چنـد دهـه قبـل در بررسـی‌ها و برنامه‌ریزی‌هـای توسـعه شـهری مـورد توجـه قرارگرفتـه اسـت. از دیـدگاه صاحب‌نظـران مهـم و تأثیرگـذار اسـت تجربـه نشـان داده اسـت کـه مشـارکت مردمـی در شـهرها باعـث بهبـود کارایـی، تخصیـص هزینـه بـه سـوی اولویت‌هـای اجتماعـی و پروژه‌هـای زیربنایـی می‌گـردد و بـه تأمیـن ملزومـات یـک جامعـه بـر مبنـای نیازهـا و ظرفیت‌هـای افـراد آن جامعـه منجـر می‌شـود. بنابرایـن جامعـه‌ای زیسـت‌پذیر خواهـد بـود کـه بـه نیازهـای افـراد آن جامعـه اعتنـا دارد و بـه خواسـته‌های آنهـا احتـرام می‌گـذارد و از مشـارکت شـهروندان در امـور شـهر غافـل نمی‌مانـد.

در ارتبـاط بـا تأثیـر امنیـت اجتماعـی بـر زیسـت‌پذیری اجتماعـی نتایـج حاکـی از تاییـد تأثیـر امنیـت اجتماعـی بـر ارتقـای زیسـت‌پذیری اجتماعـی بـود مقـدار ضریـب مسـیر به‌دسـت آمـده برابـر بـا ۰/۲۰۷ و بـا توجـه بـه مقـدار ضریـب مسـیر به‌دسـت آمـده ایـن تأثیـر در حـد متوسـط ارزیابـی می‌گـردد. در تبییـن نتایـج ایـن بخـش می‌تـوان عنـوان نمـود کـه اگـر بافت‌هـای فرسـوده بـه مـرور دچـار فرسـودگی در مقیـاس گسـترده شـده باشـند بسـتری بـدون امنیـت و جـرم‌زا خواهنـد بـود. اگـر رسـیدگی بـه ایـن مناطـق بـه شـیوه صحیـح صـورت نگیـرد، بـه دلیـل ضعـف طراحـی و حتـی نورپـردازی نامطلـوب مشـکلاتی را بـرای سـاکنین به‌وجـود خواهـد آورد کـه ممکـن اسـت نهایتـاً منجـر بـه تـرک بافـت شـود بـه ایـن جهـت می‌تـوان بـرای افزایـش زیسـت‌پذیری در بعـد ، امنیتـی اقـدام بـه تعریـض معابـر و احـداث روشـنایی مناسـب بـرای آن نمـود ایجـاد کاربری‌هایـی همچـون احـداث مکان‌هـای تفریحـی مثـل پـارک کـه مسـتلزم مشـارکت مـردم بـرای انجـام فعالیـت اسـت مانـع خلـوت بـودن بافـت شـده و بـر امنیـت آن می‌افزایـد.

در ارتبـاط بـا تأثیـر همبسـتگی و تعامـلات اجتماعـی بـر زیسـت‌پذیری اجتماعـی نتایـج حاکـی از آن اسـت هم‌بسـتگی و تعامـلات اجتماعـی بـر زیسـت‌پذیری اجتماعـی تأثیـر مثبـت و معنـاداری دارد بـا توجـه بـه مقـدار ضریـب مسـیر کـه برابـر بـا ۰/۲۱۶ اسـت ایـن تأثیـر در حـد متوسـط ارزیابـی می‌شـود. در ارتبـاط بـا تأثیـر تعلـق مکانـی بـر زیسـت‌پذیری اجتماعـی نتایـج حاکـی تأییـد فرضیـه بـود و بـا توجـه بـه مقـدار ضریـب مسـیر به‌دسـت آمـده ایـن تأثیـر در حـد متوسـط ارزیابـی می‌گـردد. حـس تعلـق بـه مـکان سـطح بالاتـری از حـس مـکان اسـت کـه بـه محیط‌هـای باکیفیـت منجـر می‌شـود و انسـان خـود را جزئـی از آن می‌دانـد و بـه آن احتـرام می‌گـذارد تعلـق مکانـی بـه ایـن معنـا اسـت کـه افـراد خـود را بـه کمـک مکانـی تعریـف می‌کننـد کـه در آن بـه دنیـا آمده‌انـد و رشـد کرده‌انـد. ایـن ارتبـاط افـراد را بـه گونـه‌ای عمیـق و مانـدگار تحـت تأثیـر قـرار می‌دهـد و خاطـره مـکان هویـت و قـدرت انسـان را تقویـت می‌کنـد.

بـا توجه بـه یافته‌هـای پژوهـش پیشـنهادهایی بـه شـرح زیـر ارائـه می‌گـردد:

-گسـترش فرصت‌هـای مختلـف آموزشـی بـرای فراگیـری مهارت‌هـای مختلـف زندگـی، مهارت‌هـای شـهروندی و... بـرای شـهروندان

-بسترسـازی پیشـگیری از ناامنـی اجتماعـی کـه هـم شـامل اقدامـات حفاظتـی و هـم اقدامـات فرهنگـی و آموزشـی اسـت.

-ایجـاد حـس صمیمیـت و دوسـتی در بیـن همسـایگان و هم‌محله‌ای‌هـا از طریـق

تقویت فعالیت‌های که حضور جمعی آنها را می‌طلبد.

-توجه به مشارکت واقعی مردم در برنامه‌ریزی و مدیریت مخصوصاً در سطح محله که هم می‌تواند موجب ایجاد هویت و تعلق محله‌ای شود و هم حس مسئولیت در قبال محله و شهر را به‌وجود آورد.

منابع

آسیابانی پور، الهام و علی پناهی و حسن احمد زاده (۱۴۰۰) سنجش و ارزیابی بعد عینی زیست‌پذیری شهری در مناطق دهگانهٔ کلانشهر تبریز. پژوهش‌های جغرافیای انسانی. ۵۳ (۲)، صص ۵۴۵-۵۶۵. https://doi.org/10.22059/jhgr.2020.286057.1007981

احمدی، مصطفی و صدرالدین متولی و غلامرضا جانباز قبادی و سارا غلامی (۱۴۰۳) شناسایی عوامل مؤثر بر زیست‌پذیری بافت‌های فرسوده (محدوده مورد مطالعه: بافت فرسوده منطقه ۱ شهر ساری)، نشریه جغرافیا، ۱۱ (۴۲)، صص ۹۳۰-۹۴۵. https://doi.org/10.22034/jgeoq.2023.213674.2265

اکبری، نعمت اله و رومینا مویدفر و فرزانه میرزایی (۱۳۹۶) تحلیل زیست‌پذیری در بافت فرسوده شهر اصفهان با تاکید بر استراتژی توسعه شهری. فصلنامه اقتصاد و مدیریت شهری، ۶ (۱)، صص ۳۳-۵۰.. https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.23452870.1396.6.21.3.0

بیرانوند، مسلم و حیدر جهانبخش (۱۴۰۱) افزایش زیست‌پذیری بافت‌های فرسوده شهری از طریق اعمال برنامه های راهبردی مداخله گر بوم‌گرا، پژوهش موردی: شهر خرم آباد، نشریه پژوهش‌های بوم شناسی، ۱۳ (۳)، صص ۱-۲۲. https://doi.org/10.30473/grup.2021.46793.2371

پیری، فاطمه و سعید ملکی و زهرا عابدی (۱۴۰۰) شناسایی عوامل مؤثر بر زیست‌پذیری شهری با رویکرد مدل‌سازی ساختاری- تفسیری ISM (نمونه موردی: شهر ایلام).. جغرافیا و توسعه ناحیه ای، ۱۹ (۱)، صص ۵۳-۸۷. https://doi.org/10.22067/jgrd.2021.48827.0

پوراحمد، احمد و یعقوب ابدالی و سارا الله قلی پور (۱۳۹۹) تحلیل فضایی آثار حکمروایی مطلوب بر زیست‌پذیری شهری؛ مطالعه موردی: کانون‌های جرم‌خیز مناطق ۱۱ و ۱۲ شهر تهران. برنامه‌ریزی فضایی، ۱۰ (۲)، صص ۸۳-۱۰۴. https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.22287485.1399.10.2.5.3

حسنی میانرودی، نسیم (۱۴۰۲) رویکرد ادراک حسی محیط و میزان اثر گذاری آن در ایجاد حس تعلق، حس مکان و دل‌بستگی مکانی، کنفرانس ملی شهرسازی و معماری دانش بنیان. https://sid.ir/paper/1082904/fa

حکمت نیا، حسن و میرنجف موسوی و نوبخت سبحانی، و سینا سلمان زاده (۱۴۰۰) تأثیر آسیب‌های اجتماعی بر زیست‌پذیری در فضاهای شهری (مطالعه موردی: شاهین دژ). پژوهش‌های جغرافیای برنامه‌ریزی شهری، ۹ (۱)، صص ۲۹-۵۰. https://doi.org/10.22059/jurbangeo.2021.301572.1273

حیدری، محمدتقی (۱۳۹۷). واکاوی تیپولوژیک رویکرد زیست‌پذیری در بافت‌های فرسوده شهری (مطالعة موردی: بافت فرسوده بخش مرکزی شهر زنجان)،. مجله جغرافیای اجتماعی شهری، ۵ (۱)، صص ۱۰- ۲۵. https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.26457784.1397.5.1.6.8

حسینزاده، رباب؛ صفرعلیزاده، اسماعیل؛ خبازی، حسین. (۱۴۰۰). سنجش زیست‌پذیری محلات شهری در راستای توسعه پایدار از دیدگاه شهروندان، موردمطالعه: محله شهر

کهنـه و شـهرک سیدمرتضی-کاشـمر. فصلنامـه جغرافیـا و مطالعـات محیطـی، ٤٠ (١٠)، صـص ١٢٠-١٣٣. https: //dorl.net/dor/20.1001.1.2 0087845.1400.10.40.8.6

خزاعـی نـژاد، فـروغ، سـلیمانی مهرنجانـی، محمـد، و زنگانـه، احمـد. (١٣٩٧). ارزیابـی زیسـت‌پذیری محلـه هـای منطقـه ١٢ شـهر تهـران. جغرافیـا و توسـعه فضـای شـهری، ٥ (١ (پیاپـی ٨))، صـص ٤٥-٧٠. https: //dor.isc.ac/dor/20.1001.1.2 5383531.1397.5.1.3.6

زارع، الهـام و آرش ثقفـی اصـل و مهسـا فریـدی ثانـی (١٤٠٠) تحلیـل زیسـت‌پذیری در بخـش مرکـزی شـهر تهـران (مـورد مطالعـه: منطقـه ١٢). مطالعـات برنامـه ریـزی سـکونت‌گاه‌های انسـانی (چشـم انـداز جغرافیایـی)، ١٦ (٤)، صـص ٧٩٩-٨٢١. https: //journals.iau.ir/article_676990. html

زیـاری، کرامـت الـه و احمـد حاتمـی و ابولحسـن صفرپـور (١٤٠٠) ارزیابـی ابعـاد و مولفـه هـای زیسـت‌پذیری در نواحـی شـهری بـا رویکـرد توسـعه پایـدار (نمونـه مـوردی نواحـی شـهر خـرم آبـاد. فصلنامـه چشـم انـداز شـهرهای آینـده. ٢ (٢)، صص ٣٣-٥٠. http: //jvfc.ir/article-1-100-fa.html

زیـاری، کرامـت الـه؛ حاتمـی، احمـد؛ مصباحـی، سـحر؛ عاشـوری، حسـن. (١٣٩٨). ارزیابـی و تحلیـل ابعـاد و مولفه‌هـای زیسـت‌پذیری شـهرهای کوچـک در راسـتای توسـعه پایـدار نمونـه مـوردی: بنـدر دیلـم. فصلنامـه جغرافیـا و برنامـه ریـزی منطقـه‌ای، ٩ (٤)، صـص ٥٦٩-٥٨٦. https: //dor.isc.ac/dor/20.1001.1.2228646 2.1398.9.4.7.7

زیـن العابدیـن زاده، سـمیه و بختیـار عـزت پنـاه وکریـم حسـین زاده دلیـر (١٤٠٢) ارزیابـی مؤلفه‌هـای مؤثـر بـر حـس تعلـق مکانـی بـا رویکرد شـهر شـاد مطالعـه مـوردی: کلان‌شـهر ارومیـه. مجلـه شـهر پایـدار, ٦ (٢)، صـص ٢١-٣٧. https: //doi. org/10.22034/jsc.2023.375310.1672

صالحـی معـوا، فاطمـه و سـیدمهدی خاتمـی و احسـان رنجبـر (١٤٠١) تحلیـل و مقایسـه میـزان رویدادمـداری فضاهـای عمومـی شـهری مـورد مطالعـه: منطقـه ١٢ شـهر تهـران. بـاغ نظـر، ١٩ (١٠٦)، صـص ٨٥-٩٨. https: //doi. org/10.22034/bagh.2021.269717.4780

کرباسـی، امیـن و بهمـن کارگـر (١٤٠٢) تبییـن ابعـاد اجتماعـی زیسـت‌پذیری در سـکونت‌گاه‌های غیررسـمی (مطالعـه مـوردی: محلـه کشـتارگاه). نشـریه جغرافیـا و آینـده پژوهـی منطقـه‌ای، ١ (٢)، صـص ١٧-٣٢. https: //doi.org/10.30466/ grfs.2023.54897.1019

مرادپـور، نبـی، و کرامـت الـه زیـاری (١٤٠١) تحلیـل فضایی-زمانـی جرایـم سـرقت در منطقـه ١٢ شـهر تهـران. تحقیقـات کاربـردی علـوم جغرافیایـی (علـوم جغرافیایـی)، ٢٢ (٦٥)، صـص ١٠٣-١١٧. http: //dx.doi.org/10.52547/jgs.22.65.103

نـوروزی، نسـترن و علیرضـا شـیخ الاسـلامی . محمـد جلیلـی (١٤٠٢) زیست‌پذیـــری در شـهر و پیراشـهر مسـجد سـلیمان، نشـریه توسـعه فضاهـای پیراشـهری، ٥ (١)، صص ٢٠٣-٢١٦. https://doi. org/10.22034/jpusd.2023.354132.1224

Altrock, U. (2022). Urban livability in socially disadvantaged neighborhoods: The experience of the German program "socially integrative city". Frontiers of Architectural Research, 11 (5), 783-794. https: //doi.org/10.1016/j.foar.2021.12.006

Aulia, D. N., & Marpaung, B. O. (2025). Assessment of Livability factors as an Adaptation of Settled Behavior to Improve Sustainable Housing. Future Cities and Environment, 11. https: //cspub-fce-submission.org/index.php/fce/article/view/54

Badland, H., Villanueva, K., Alderton, A., Davern, M., & Goldfeld, S. (2019). An urban neighbourhood framework for realising progress towards the

Mouratidis, K., De Vos, J., Yiannakou, A., & Politis, I. (2023). Sustainable transport modes, travel satisfaction, and emotions: Evidence from car-dependent compact cities. Travel behaviour and society, 33, 100613. https: //doi.org/10.1016/j.tbs.2023.100613.

Newton, P. W. (2018). Liveable and sustainable? Socio-technical challenges for twenty-first-century cities. Journal of Urban Technology, 19 (1), 81-102. https: //doi.org/10.1016/j.futures.2018.05.010

Tan, M., Zhao, H., Li, G., & Qu, J. (2020). Assessment of potentially toxic pollutants and urban livability in a typical resource-based city, China. Environmental Science and Pollution Research, 27 (15), 18640-18649. https: //doi.org/10.1007/s11356-020-08182-9

Xiao, Y., Lan, G., Ou, Y., Zhang, L., & Xia, J. (2023). Impact of urbanization on the spatial and temporal evolution of the water system pattern: A study of the Wuhan metropolitan area in China. Ecological Indicators, 153, 110408. https://doi.org/10.1016/j.ecolind.2023.110408

Yang, C., Guo, W., Zhang, C., Cui, A., Li, X., Zhao, T., ... & Wu, G. (2022). Characteristics and trends of hillside urbanization in China from 2007 to 2017. Habitat International, 120, 102502. https: //doi.org/10.1016/j.habitatint.2021.102502.

Zhan, D., Kwan, M. P., Zhang, W., Fan, J., Yu, J., & Dang, Y. (2018). Assessment and determinants of satisfaction with urban livability in China. Cities, 79, 92-101. https: //doi.org/10.1016/j.cities.2018.02.025

Zhu, Y., & Du, R. (2024). Evaluating the impact of urban landscape elements on the sense of security and local belonging-case study: Tongdejie, China. Frontiers in Environmental Science, 12, 1340394. https: //doi.org/10.1016/S0169-2024 (02)00232-3

New Urban Agenda for equitable early childhood development. Children's geographies, 21 (6), 1087-1105. https: //doi.org/10.1016/j.habitatint.2021.102502

Daviran, E. (2024). The Functional Effect of Public Spaces in the Stability of the Sense of Place Belonging the Case Study: Public Spaces in the Central Texture of Zanjan City. Sustainable city, 7 (1), 97-115. https: //doi.org/10.22034/jsc.2024.432435.1756

Fu, X., Adejoke, A. B., Salaripour, A., Zali, N., & Reihani, Z. S. (2024). Does Urban Livability Lead to Place Attachment and Behavioural Intentions? Case Study: Isfahan City. Environment and Urbanization ASIA, 15 (1), 156-174. https://doi.org/10.22059/jurbangeo.2024.276471.1063

Jodder, P. K., Hossain, M. Z., & Thill, J. C. (2025). Urban Livability in a Rapidly Urbanizing Mid-Size City: Lessons for Planning in the Global South. Sustainability, 17 (4), 1504. https: //doi.org/10.3390/su17041504

Kashef, M. (2023). Urban livability across disciplinary and professional boundaries. Frontiers of Architectural Research, 5 (2), 239-253. https://doi.org/10.1016/j.foar.2016.03.003

Liang, X., Yaolin, L., Tianqi, Q. (2022). Livability Assessment of Urban Communities considering the Preferences of Different Age Groups, Complexity, 1 (4)., 1-15. https: //doi.org/10.1155/2020/8269274

Long, Y., Wu, Y., Huang, L., Aleksejeva, J., Iossifova, D., Dong, N., & Gasparatos, A. (2024). Assessing urban livability in Shanghai through an open source data-driven approach. npj Urban Sustainability, 4 (1), 7. https: //www.nature.com/articles/s42949-024-00146-z